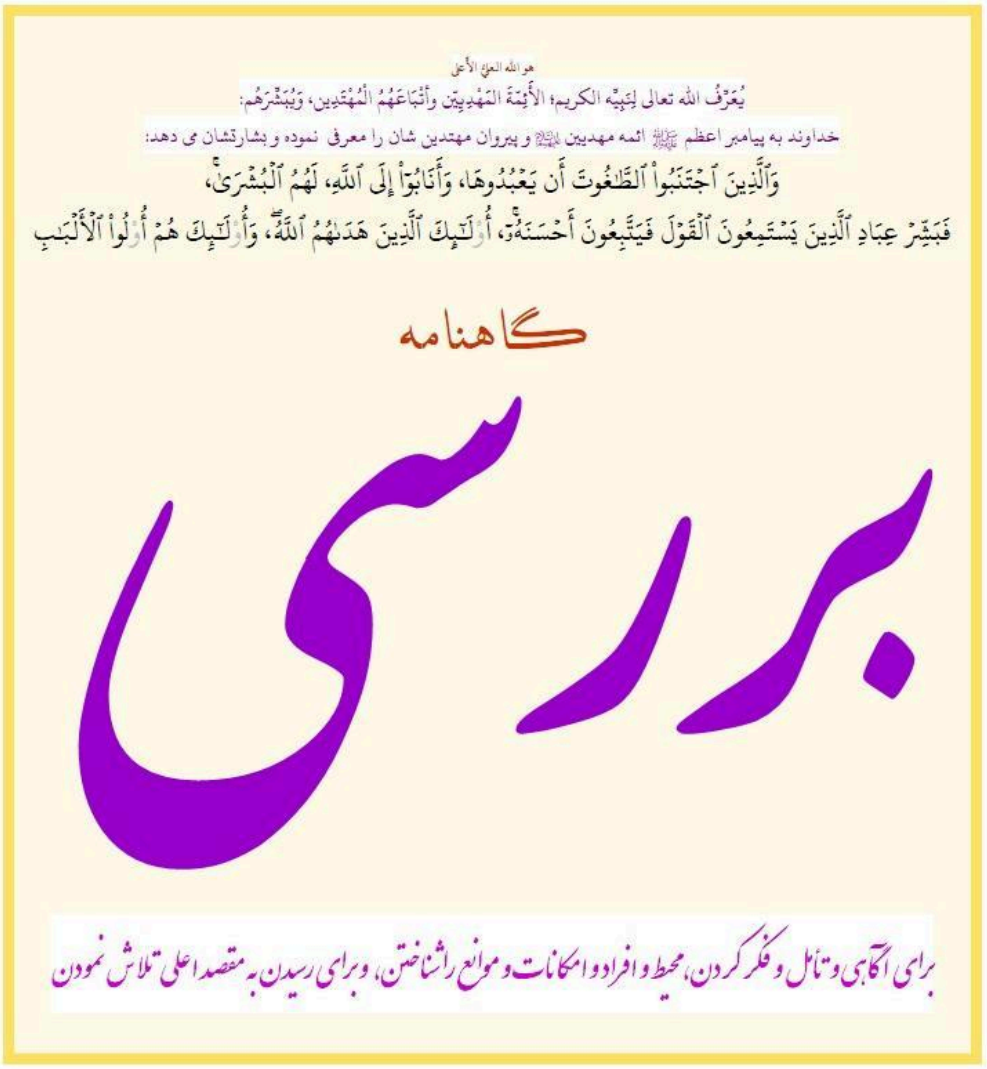


آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هـجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهي و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و باکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و امریکا) بدست می آمد و بطور شفاهي در جلسات همراهان تبادل مي کردید،
بعد از بیروزي انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوري اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمي افزون بر رسانه های عمومي هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد،
سبس با آمدن اینترنت و وسعت کستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخي از اهل مطالعه تبادل مطالعاتي انجام مي شد،
تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین
همچنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آگاهي از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است،
و عدم محاصره خبري و تسلط جو رسانه ای توسط جرياني خاص؛ و اطلاع هرجه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبي یا حکومتي مي باشد.
همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخي گزارشها خصوصا از منابع غیر خودي و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافي بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.
فرستادن گزارشي علامت تأیید کلیات جه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست،
و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد،
فرصتي هم برای تصحیح یا بازنویسي متن آنها یا تعلیقه نویسي بر همه گزارشها و همه فقرات آن نیست،
ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آگاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انکیزه کافي جهت تلاش برامقصد اعلی است،
اکر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیکر ارسال نکنیم
و مطالب آنرا برای دیکری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعيها أذن واعية).

کسانی که این کزارشها را بررسي مي کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهي:
1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و بیروی و التزام به آن کنند.
2- توجه عمیق و با تمام وجود به درکاه و مسیر الهي بنمایند.
3- در بررسیها هرجه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در جهارجوب تعالیم مکتب وحي است بیروي کنند.

اکر مناسب دیدند مطلبي را در اختیار کسي بکذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده،
و مطلب را بدون انتساب به کسي یا شخصي یا مرکزی یا عنواني در اختیارش بکذارند؛

فلذا از بازارسال مستقیم ایمیلها خودداری کنند و حفاظت لازم را رعایت نمایند.

1 صفر 1439

در دوران باستان: ساکنان اصلي اروپا (وايکينگ‌ها) شيعه بوده اند = انکشتر و کفن وايکينگ‌ها نقش 'الله' و "علي" داشت

تحقیقات آنیکا لارسن از این جهت جالب است که برای اولین بار شواهد تاریخی با ذکر نام "علی" در اسکاندیناوی یافت شده است.



بی بی سی

دوسال پیش پژوهشگران سوئدی انگشتری را از مقبره یک زن وایکینگ قرن نهم میلادی در منطقه "بیرکا" یافتند که روی آن کلمه "برای الله" به خط کوفی حک شده بود

پژوهشگران سوئدی بر روی پارچه‌های باقیمانده از لباس وایکینگ ها کلمات عربی پیدا کرده‌اند.

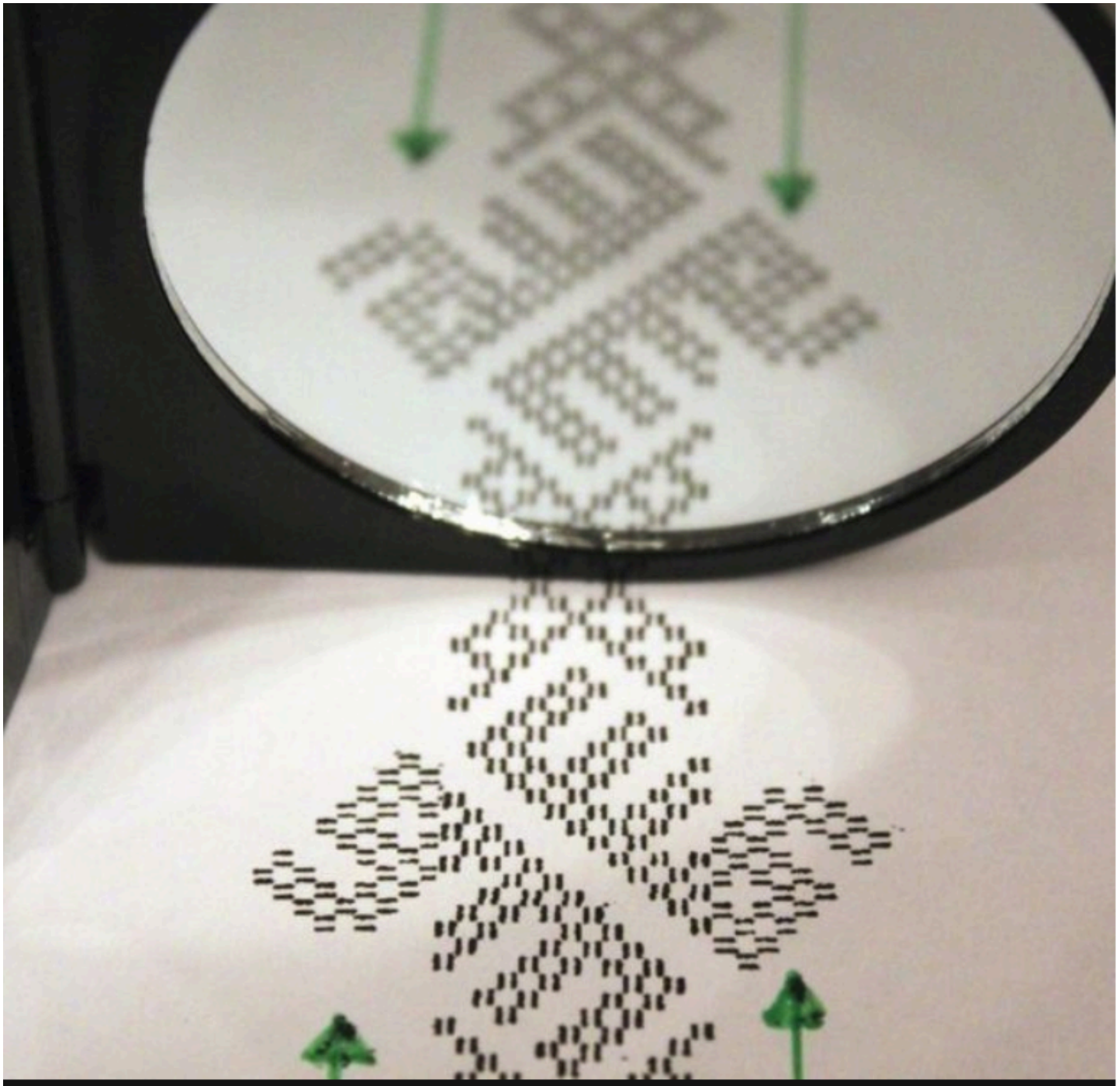
بر روی باقیمانده بعضی از لباس های ابریشمی وایکینگ ها که با آن به خاک سپرده شده‌اند، نام های "الله و علی" با نخ های ابریشمی و نقره ای دوخته شده است.

کشف این کلمات پرسش های تازه ای را در مورد تاثیر اسلام بر کشورهای اسکاندیناوی مطرح کرده است.

لباس های ابریشمی که وایکینگ ها با آن به خاک سپرده می شدند بیش از ۱۰۰ سال به عنوان پوشش معمولی خاک سپاری آن ها نگهداری می شد اما پژوهشگران سوئدی با مطالعات بیشتر روی تکه پارچه های باقیمانده از این لباس ها موفق به کشف شواهد جدیدی از رابطه وایکینگ ها با مسلمانان در قرن‌های ۹ و ۱۰ میلادی شده اند.

آنیکا لارسن، پژوهشگر نساجی باستانی از دانشگاه "اوپسالا" در سوئد هنگامی که باقیمانده لباس زنان و مردان وایکینگ را بررسی می کرد موفق به این کشف جدید شده است.

در اکتشاف باستانشناسی مقبره وایکینگ ها که اواخر قرن ۱۹و اواسط قرن ۲۰ در مناطق "بیرکا و گاملا" در اوپسالا انجام شد، باقیمانده لباس های ابریشمی یافت شد که وایکینگ ها با آن به خاک سپرده می شدند.



با بزرگ کردن این نقش و انعکاس آن در آینه کلمه "الله" کشف شد

آنیکا لارسن پس از پی بردن به این که پارچه این لباس ها از آسیای میانه، ایران و چین وارد اسکاندیناوی شده بود، تصمیم به انجام پژوهش های جدید به روی آنها گرفت.
به گفته آنیکا لارسن اشکال هندسی به اندازه ۱.۵ سانتیمتر که روی این پارچه ها دوخته شده بود با نقش های دیگر در اکتشافات باستانشناسی اسکاندیناوی تفاوت داشت اما در پارچه های متعلق به مسلمانان اسپانیا شبیه آن را دیده بود.

حل معما

آنیکا لارسن بعد از بررسی های زیاد پی برد که نام های "الله و علی" به خط کوفی روی این پارچه ها دوخته شده است و این دو نام همیشه کنار هم قرار دارند

این پژوهشگر می‌گوید بعضی از این قبرها ممکن است متعلق به مسلمانان باشد: "اما به احتمال زیاد این کشفیات نشان می دهد که وایکینگ ها تحت تاثیر اندیشه اسلامی از جمله زندگی ابدی در بهشت (کفن) این لباس ها را تن مرده های خود می کردند."
تحقیقات آنیکا لارسن از این جهت جالب است که برای اولین بار شواهد تاریخی با ذکر نام "علی" در اسکاندیناوی یافت شده است.

ارتباط وایکینگ ها با جهان اسلام به خصوص شیعیان مدت هاست که با شواهد تاریخی از جمله وجود سکه های اسلامی در نیمکره شمالی به اثبات رسیده است.
دوسال پیش پژوهشگران سوئدی انگشتری را از مقبره یک زن وایکینگ در منطقه "بیرکا" یافتند که روی آن کلمه "برای الله" به خط کوفی حک شده بود.

مظلوميت شيعيان افغانستان = دشمنان بيرحم افغاني داعشي طالباني سعودي باكستاني / مسؤولين افغاني اخته و تماشاجي / نمايندكان سياسي غلامباره شيعيان افغان كه از لواى دين سياسي اعتقادات به عزاداري زير سؤال مي برند و همصداي دشمن تعطيلي عزاداراي را سر م يدهند لعنهم الله و اخزاهم

تصاویر : بوی تند خون و باروت؛ مسجد امام زمان(عج) کابل پس از حمله انتحاری داعش

تروریست انتحاری داعش به گفته شاهدان عینی خود را در صف دوم و یا سوم نماز جماعت در مسجد امام زمان(عج) کابل منفجر کرد و دهها تن را شهید و زخمی کرد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

وزارت کشور افغانستان شمار قربانیان حمله انتحاری به مسجد جامع امام زمان(عج) در منطقه دشت برچی در غرب کابل را ۳۹ شهید و ۴۵ زخمی اعلام کرد.

به گزارش «انتخاب»؛ شاهدان عینی درباره حمله به مسجد امام زمان(عج) گفته‌اند که فرد انتحاری در صف دوم و یا سوم بعد از امام جماعت، در زمان ادای نماز مغرب و عشاء خود را منفجر کرده است.

به گفته آنان در این حادثه صدای تیراندازی شنیده نشده و شماری از زنان نیز که برای شرکت در نماز حضور یافته بودند، شهید شدند.

شاهدان عینی گفتند که امام جماعت مسجد امام زمان(عج) نیز در میان شهدا است و با توجه به شدت جراحت برخی از زخمی‌ها، احتمال بالا رفتن آمار شهدا وجود دارد.

گفته می‌شود که تعداد عاملان انتحاری شهر کابل سه تن بودند که یکی در چهار راهی در حاجی نوروز دستگیر شد و یک فرد فرار کرد و یک عامل نیز توانست خود را به مسجد امام زمان(عج) برساند.

گروه تروریستی داعش با بر عهده گرفتن مسئولیت این انفجار مدعی شده که یک حمله کننده انتحاری در ابتدا اقدام به تیراندازی به نمازگزاران کرده و بعد جلیقه انفجاری همراه خود را منفجر کرده است.

ریاست جمهوری افغانستان در واکنش به این حمله گفته که هدف قراردادن مردم در اماکن مقدس و در هر جای دیگر، جنایت ضد بشری و مغایر با تمام ارزش‌های اسلامی و حقوق بشری محسوب می‌شود و عاملین چنین جنایات، مستحق نابودی‌اند.

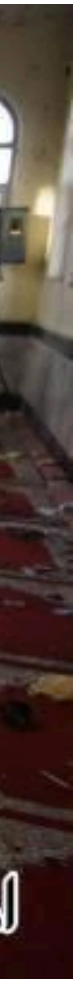
در خبرنامه ریاست جمهوری افغانستان آمده که گروه‌های تروریستی هرگز به اهداف شوم خود جهت تفرقه‌افکنی موفق نمی‌شوند و بزودی از میدان نامشروع مبارزه، توسط نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان سرکوب و نابود خواهند شد.




انتخاب


انتخاب


انتخاب

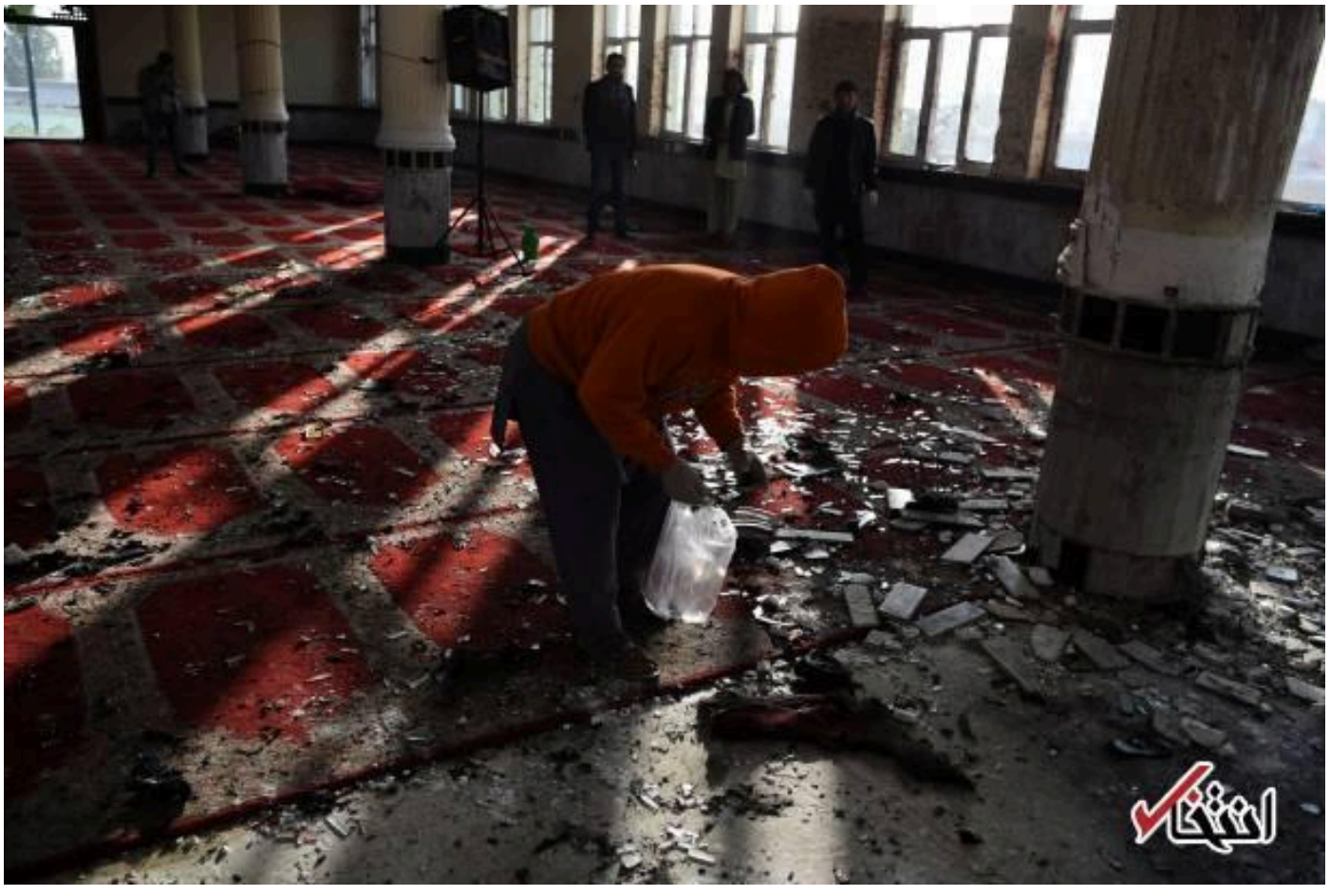






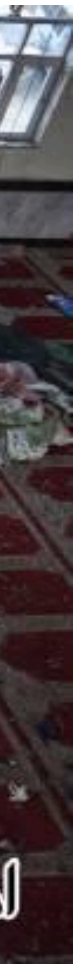



مسجد جامع امام زمان (عج)











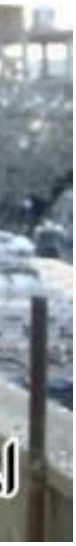














حمله انتحاری به مسجد شیعیان در کابل / 70 نفر شهید شدند / داعش مسئولیت حمله را برعهده گرفت

منابع امنیتی افغانستان از وقوع یک حمله انتحاری در یک مسجد شیعیان در منطقه دشت برچی در غرب شهر کابل خبر داده‌اند.

به گزارش «انتخاب»؛ خبرگزاری رویترز گزارش داده که 70 نفر در این رویداد شهید شدند.

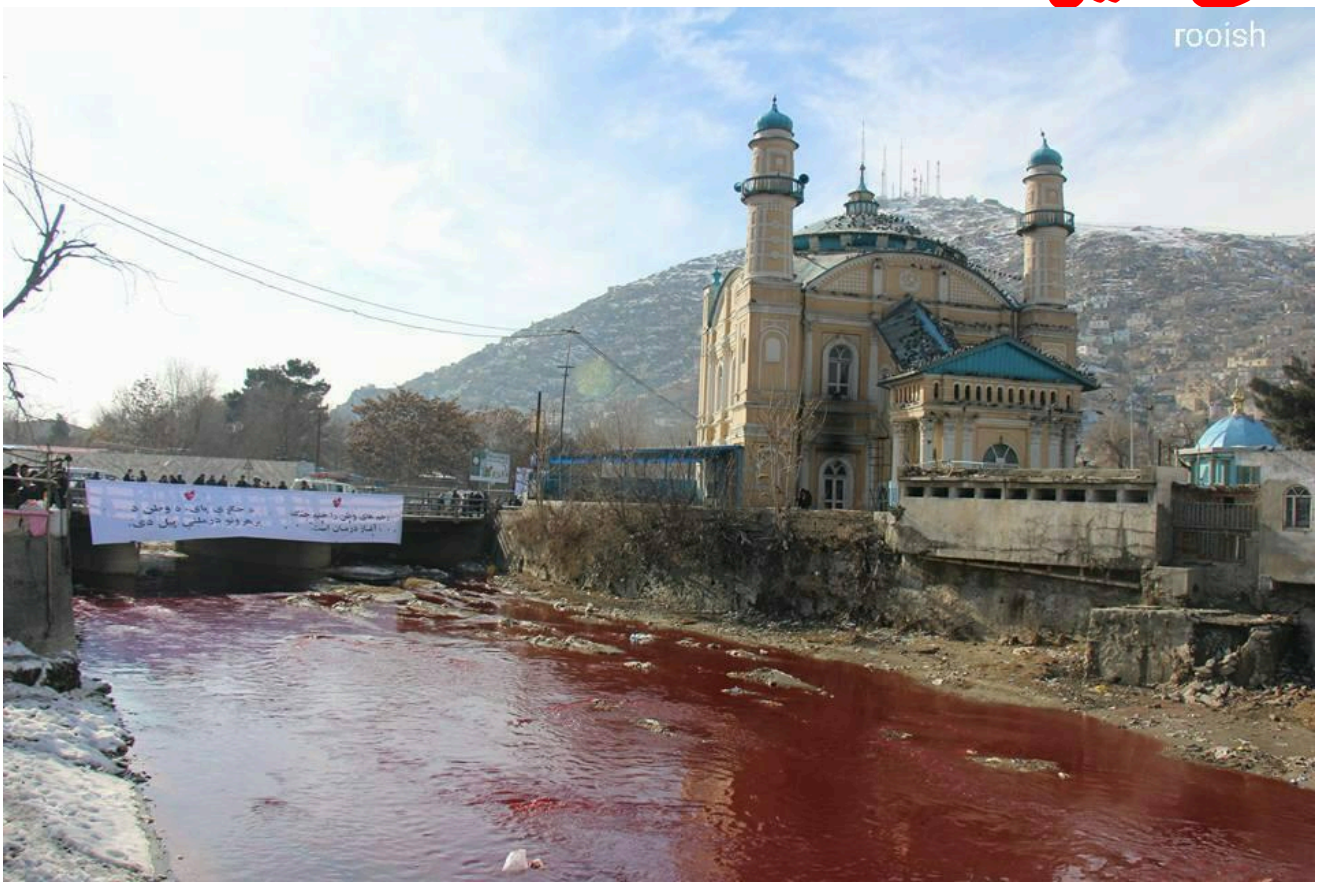
پلیس کابل گفته که انفجار، ناشی از حمله انتحاری بوده و در داخل مسجد اتفاق افتاده است.

برخی شاهدان در محل رویداد گفته‌اند صدای تیراندازی هم شنیده شده و دود از مسجد بلند شده است.

داعش مسئولیت انفجار عصر امروز کابل را بر عهده گرفت.

در گذشته، گروه تروریستی داعش مساجد شیعیان را در کابل و دیگر ولایت افغانستان هدف قرار داده بود.

دریای از خون در کابل؛ مردم می‌میرند



شفقنا افغانستان-سه روز پیش، روز جمعه، گروه سیاسی افغانستان ۱۴۰۰ پس از اعلام گزارش سالانه‌ی یوناما در مورد تلفات افراد ملکی، در حرکت اعتراضی‌یی در دریای کابل رنگ سرخ ریخت؛ تلاشی آشکار برای نمایاندن پیامدهای جنگی بی‌پایان علیه تروریسم که در میان آن شهروندان عادی از هر دو طرف تیر می‌خورند و جان می‌دهند.

به‌عنوان یک بیننده وقتی دریای سرخ‌رنگ را دیدم، اولین تصویری که در ذهنم آمد، تصویر حمله به مقر ریاست محافظت از رجال برجسته در امنیت ملی بود. در آن شامگاه خونین، که قریب به نصف کابل از شدت حمله تکان خورده بود و کمتر از ۷۰ نفر جان باخته بودند، یکی از عکاس‌ها عکسی را در صفحه‌ی فیس‌بوکش گذاشت که در آن نشان می‌داد، دریای کابل که از کنار محل رویداد می‌گذرد، سرخ‌رنگ است. تصویر دریای آغشته به خون کابل اما در آن شامگاه، واقعی نبود. عکاس با افزایش رنگ‌ها و دستکاری در عکس خواسته بود، میزان وحشتی که در آن‌جا حاکم بود را نشان بدهد. گرچه عکس سرباز‌های جان‌باخته و پس از آن بی‌شمار عکس‌های دیگر که نشان می‌داد شهروندان پس از حمله به گوشه و کناری افتاده‌اند و هنوز رنگ خون از محل پاک نشده را دیدم، اما به نظرم آن عکس از دریای خون‌آلود کابل هرگز نشانی از مبالغه در خود نداشت.

در هر جنگی، قربانیان واقعی آن‌هایی هستند که هیچ دخالتی در نبرد ندارند. مردم، شهروندان بی‌پناه و گیرمانده در دو سوی آتش، تماشاچیانی که هیچ انگیزه‌یی برای دیدن لشکرکشی جنگ‌جویان در دو سوی خط نبرد ندارند، اما به ناگزیر باید در محل باقی بمانند. این‌ها قربانیان واقعی جنگ‌هایند. در سوی خط نبرد، چه شورشیان یا مخالفان مسلحی که از سر طمع‌ورزی یا اخلال نظم عمومی دست به ماشه برده‌اند و چه سربازانی که برای دفاع از کشور یا قانون یا حتا مردم به صحنه‌ی نبرد آمده‌اند، پیش از آن‌که قربانی باشند، پدیدآورنده و بازیگر آن‌اند. آن‌ها سلاح دارند و می‌دانند که برای چه‌کاری در میدان آمده‌اند. اما مردم، چه موافق یکی از گروه‌ها باشند یا بی‌طرف، میدان واقعی نبرد و صحنه‌ی اجرای نمایش مرگ و اسباب تکمیل این نمایش خون‌بار اند.



شهروندان اگر از جهتی صحنه‌ی مرگ و خون را به نمایش می‌کشند، آن‌هم با عدم حضور فاعلانه‌یی که در جنگ دارند، از جهتی دیگر قربانی روایت‌های رسمی از جنگ‌اند. در پایان نبرد، عاملان دو سوی خط آتش، به بازی‌شان در یک سطح دیگر ادامه می‌دهند. مثلاً طالبان چه شکست بخورند یا پیروز جنگ باشند، اعلامیه‌یی منتشر می‌کنند و سعی در دستکاری روایت نبرد دارند. نیروهای دولتی، رسانه‌ها و مسئولان دولتی همه در مورد تلفات سربازان یا پیروزی یک نبرد سخن می‌پراکنند. تریبیون رسانه‌ها در دست دو نیروی متخاصم می‌افتد و ما هرکدام به سهم خود سعی می‌کنیم راوی این جنگ از زبان کسانی باشیم که عاملان آن بوده‌اند؛ خواه به‌درستی یا نادرستی. صدای زنی که در میانه‌ی دود و آتش فرزندش را از دست داده، شنیده نمی‌شود. صدای مردی که جسد خون‌آلود همسرش را در دست دارد شنیده نمی‌شود. هیچ‌کس صدای مردم را در درجه‌ی اول نمی‌شود. روایت هیچ جنگی به‌صورت رسمی و متعارف، روایت قربانیان آن نیست. روایت برندگان و بازندگان-گردانندگان-جنگ است. خبر پس از نقل‌قول‌های مقامات نظامی و سیاسی و سخنگوی طالبان، با یک جمله‌ی سرد و ساده به پایان می‌رسد: رقم تلفات ملکی به x رسید.

سه سال پیش، در یک حمله‌ی انتحاری، یک کودک ده-دوازده ساله جان باخت. می‌خواستم بدانم که «علی سینا» کیست و چرا کشته شد. مادر و پدرش را می‌خواستم ببینم و وضعیت خانه‌یی که چند ساعت پیشتر جسد تکه-پاره‌ی کودک‌شان را به خاک سپرده بودند. در سر یک کوچه‌ی گلی و نسبتاً محقر، روی یک پارچه‌ی سیاه عکسی از یک کودک را با چند جمله‌ی ساده نوشته بودند. کودکی که لبخند زده بود و جمله‌یی که بیش از هرچیزی به شهادتش اشاره می‌کرد. آن تکه‌ی سیاه، نشان می‌داد که یک شهید در این کوچه اضافه شده. نشانی از افتخار که در جامعه‌ی دین‌مدار ما حتا مایه‌ی خوشحالی است. در پشت دروازه‌ی خانه‌ی این کودک اما هیچ نشانی از افتخار و شادمانی نهفته دیده نمی‌شد. جمعی از زنان محل آمده بودند تا مادری را تسلی بدهند که به هیچ‌چیزی دیگری فکر نمی‌کرد. نه به شهادت، نه به این که «فرزندش قرآن‌خوان خوبی بوده و خوشا به سعادتش که در کودکی به بهشت شتافته است.» برای آن زن، واقعیت عینی‌تر از آن بود که بخواهیم درگیر خیالات شویم. او فرزندش را از دست داده بود، کسی که همان صبح رفته بود پیش پدرش تا احوالش را بگیرد. حتا برای او مصاحبه نیز بی‌معنا بود. «جان فرزندش را پس نمی‌داد.»



اگر از روایت مسلط به جنگ فراتر برویم، آنچه برجای می‌ماند، یک فاجعه‌ی تمام‌عیار است. مردمی که دست و پای‌شان را از دست داده‌اند و خانواده‌هایی که بر روی اجساد عزیزان‌شان خاک می‌پاشند. فرزندان بی‌پدر و مادر، خانه‌های داغدار و عکس‌های به یادگارمانده، سویه‌ی دیگر اما واقعی‌تر و تکان‌دهنده‌تر جنگی است که با فرو افتادن پرچم سفید امارت طالبان، کماکان ادامه دارد. بر اساس گزارشی در ماه سنبله رادیو آزادی نشر کرده بود، پس از ۲۰۰۱ تا کنون دستکم ۳۰هزار شهروند عادی کشته شده‌اند. گزارش یوناما در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که ۲۹۵۹ شهروند کشته و ۵۶۵۶ تن دیگر زخمی شده‌اند. بر اساس همین گزارش، از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ ۱۳۷۰۱ نفر عادی کشته شده است. به عبارتی در هر روز در این سال‌ها حداقل ۹ نفر کشته شده‌اند. معنای دیگرش این است که هر روز ۹ خانواده یک نفر را از دست داده‌اند. هر روز ۹ نفر از کسانی که هیچ دخلی در جنگ ندارند، به خاک و خون کشانده شده‌اند. بر اساس تازه‌ترین گزارش یوناما از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ ۲۴۸۴۱ فرد ملکی کشته شده‌اند. رقمی که نشان می‌دهد پس از ۲۰۱۳ تقریباً این رقم به دو برابر افزایش یافته است.

اگر زمان آمار کشته‌ها را به عقب بازگردانیم، به آغاز نبرد امریکا علیه تروریسم و سقوط طالبان و پس از آن، رقم دقیق و روشنی نمی‌توانیم از شمار کشته‌های بی‌گناه در این سال‌ها دریابیم. احتمال این‌که ۱۰۰هزار نفر از شهروندان عادی کشته شده باشند، آن‌چنانکه که در تحقیقات دانشگاه براون آمده، خیلی خارج از تصور نیست.

مسأله‌ی شهروندان و جنگ، صرفاً آمار و ارقام نیست. کافی نیست که شمار دقیق کشته‌ها را داشته باشیم. مسأله بر سر این است که هزینه‌ی واقعی جنگ را شهروندان با تمام تلخی‌ها و تکان‌هایش می‌پردازند. خانه‌های شهروندان قندز ویران می‌شود، بسیاری‌ها مورد تجاوز جنسی واقع می‌شوند و کم نیستند آن‌هایی که در بی‌خبری محض کنار مهاجم انتحاری قرار می‌گیرند تا چند دقیقه بعد، هیچ نشانی از آن‌ها باقی نمی‌ماند. مسأله بر سر از دست دادن کسانی است که نه شوقی در جنگ دارند و سودایی در سر و در لحظه‌یی زندگی‌شان به پایان می‌رسد و رنج و اندوه حاصل از آن بر خانه‌های‌شان سایه می‌افکند.

خونین دیدن دریای کابل، نمادی از واقعیت موجودی است که بر فراز سر هر شهروندی سایه انداخته است. داستان مرگ و نابودی است و هرگز رنگی از عدم جدیت ندارد. به نظرم می‌رسد زمان آن رسیده است که به خود جرأت فکر کردن در مورد این لایه از شرارت جنگ را بدهیم. این‌که در پشت خبرهای رسمی از جنگ، چه واقعیت‌های دردناک و تکان‌دهنده‌یی جاری است. این که چه‌صداهایی که شنیده نمی‌شود و چه دردهای که در لایه‌های پنهان جامعه سرد می‌شود تا زمانی دوباره در هیئتی دیگر سر بر آورد. به این فکر کنیم که چه هزینه‌یی برای جنگ پرداخته‌ایم و قرار است این ماجرای دردناک تا کجا ادامه یابد. آیا راهی برای رسیدن به وضعیتی که کاهشی در آمار کشته‌ها ببینیم، وجود دارد؟ شاید حق با زنی باشد که در حمله به کارمندان یک تلویزیون طلوع دخترش را از دست داده بود و می‌گفت، او فقط می‌خواست کار کند و نان بیاورد؛ حالا بر رنج گرسنگی، درد غیبت همیشگی او نیز افزوده شده است.

خلیل پژواک-روزنامه اطلاعات روز

خلیلی نماینده شیعیان افغان و معاون رئیس جمهوری (دلیل و زیور و اختر) :

با حضور دسته های عزاداری در خیابان ها مخالفم /مکتب حسینی مکتب گریه نیست



شفقنا افغانستان- محمدکریم خلیلی معاون دوم حامدکرزی در تجلیل گرامیداشت از عاشورای حسینی گفت: مکتب حسینی، مکتب گریه نیست بلکه مکتب انسان سازی است اما شرایط امروز طوری حاکم شده است که همه چیز خدشه دار شده و به انحرافات کشانده شده است.

آقای خلیلی عنوان کرد عاشورای حسینی تنها متعلق به مذهب تشیع نیست بلکه به تمام اقوام ساکن در افغانستان مربوط می شود، همدلی و همگرایی کنونی که در کشور حاکم می باشد، در سطح کشورهای همسایه و منطقه بی نظیر است.

کریم خلیلی به صراحت ابرازنظر کرد که در تجلیل از عاشورای حسینی نباید شعارها و دسته های سینه زنی در خیابان های کشور راه اندازی شود، زیرا این امر به نفع ملت افغانستان نیست!

محمدکریم خلیلی که با حضور مقامهای عالیرتبه و عزاداران حسینی صحبت میکرد، خطاب به رییس جمهور گفت که دیگر ملت افغانستان هیچگونه بحرانی را قبول نخواهد کرد.

به گفته وی، مردم افغانستان باورمند شده اند که دیگر افغانستان با هیچگونه بحرانی به سوی گذشته ها برگشت نخواهد کرد، زیرا مردم در کنار حکومت وحدت ملی ایستاده اند و برای مهار هرگونه بحران، حکومت را همراهی خواهند کرد.

این اظهارات مقام های اسبق حکومت در حالی بیان می شود که بحران امنیتی سخت دست به گریبان مردم افغانستان شده و هزاران خانواده را بی خانمان کرده است.

از دو سال بدین سو، دامنه جنگ از شمال الی تا جنوب و شرق افغانستان گسترش یافته است که همین اکنون جنگ، در بیش از ۱۵ ولایت افغانستان به شدت جریان دارد.

تاوقتي شيعيان افغان مانند تويي نماينده شان است مكت شان هم كريه مي كند

انتهای پیام

ناسا اعلام کرد؛ یک سیارک از بیخ گوش زمین عبور کرد

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

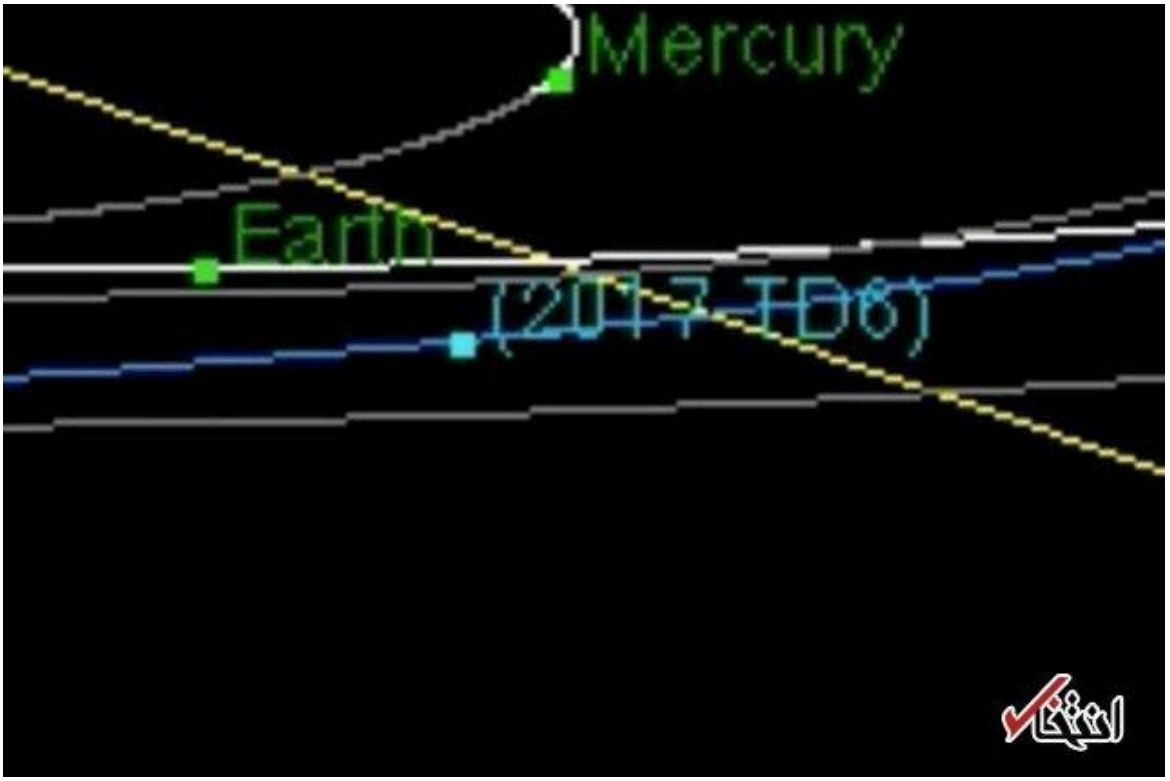
ماه تنها همسفر زمین در گردش به دور خورشید نیست. گاهی یک سیارک قبل از ناپدیدشدن در فضا چند سالی اسیر گرانش سیاره ما شده و با ما همسفر می‌شود. دیروز هم یک سیارک به اندازه یک اتوبوس از فاصله نزدیکی از زمین عبور کرد.

به گزارش انتخاب به نقل از گیزمگ، اخترشناسان سال گذشته یکی از پایدارترین نوع این سیارک‌ها را کشف کردند و در حال حاضر به شناخت بیشتر درک درست از آنها نزدیکتر شده‌اند.



این سیارک موسوم به " TD۶ ۲۰۱۷" به اندازه یک اتوبوس است که دیروز (۱۹ اکتبر) از بین زمین و ماه عبور کرد.

سیارک TD۶ ۲۰۱۷ از فاصله ۱۱۹ هزار مایلی (۱۹۱ هزار کیلومتری) زمین گذشت. میانگین فاصله بین زمین و ماه حدود ۲۳۹ هزار مایل (۳۸۴ هزار کیلومتر) است که این یعنی این سیارک از فاصله‌ای نزدیک به نصف فاصله ماه از زمین از کنار ما عبور کرده است.



طبق نظر مرکز مطالعات اشیاء نزدیک زمین (CNEOS) ناسا، وسعت سیارک TD۶ ۲۰۱۷ بین ۳۲ تا ۷۲ فوت (۹ تا ۲۲ متر) بوده است. برای مقایسه، سیارکی که در سال ۲۰۱۳ بالای "چلیابینسک روسیه" منفجر شد، حدود ۶۵ فوت (۲۰ متر) وسعت داشت.
مرکز سیارک‌های کوچک اتحادیه نجوم گزارش داد که چندین رصدخانه طی چند روز اخیر TD۶ ۲۰۱۷ را مشاهده کرده‌اند.
چندی پیش نیز در روز ۱۲ اکتبر سیارک TC۴ ۲۰۱۲ با خیال راحت از فاصله حدود ۲۶ هزار مایلی (۴۲ هزار کیلومتری) بالای قطب جنوب پرواز کرد.
همانطور که TC۴ ۲۰۱۲، تهدیدی برای زمین نبود، TD۶ ۲۰۱۶ نیز خطرناک نبوده و نیست.
میلیون‌ها اشیاء نزدیک زمین، محدوده کیهانی این سیاره را پوشانده‌اند، اما محققان ناسا و دیگر اخترشناسان اکثر سنگ‌هایی را که می‌توانند به زمین آسیب جدی بزنند، کشف کرده‌اند و متوجه شده‌اند که آنها در آینده نزدیک تهدیدی به حساب نمی‌آیند.
منبع: ایسنا

اسناد پرونده تخلفات نفتی دولت نهم و دهم

محکومیت احمدی‌نژاد به جبران ۴۶۰۰ میلیارد تومان

رئیس دولت دهم در سال ۸۸ محکوم به جبران ۴۶.۰۱۰ میلیارد ریال از طریق انتقال این مبلغ از حساب‌های درآمدی شرکت ملی نفت به خزانه شد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



رئیس جمهور دولت دهم در سال ۸۸ محکوم به جبران ۴۶.۰۱۰ میلیارد ریال از طریق انتقال این مبلغ از حساب‌های درآمدی شرکت ملی نفت به خزانه شد.

به گزارش انتخاب، در آخرین روزهای زمستان سال ۹۵ در حالی که هوای سرد بر جان ها نشسته بود، خبری در زمان بررسی بودجه ۹۶ تمام توجهات را به خود جلب کرد و آن موضوع تخلفات نفتی دولت نهم و دهم بود، تخلفاتی که آمار و ارقام متفاوتی درباره آن بیان می شد.

این بحث های داغ در همان زمان متوقف نشد و افراد مختلفی درباره این تخلفات اظهارنظرهای گوناگونی کرند، اما مطابق قانون در نهایت تنها باید به گزارش دیوان محاسبات اعتماد کرد، در همین راستا دیوان محاسباتگزارشی جامع به کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، ارسال کرده است.

غلامرضا تاجگردون رییس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در همین رابطه به خبرگزاری خانه ملت می گوید که پس از اظهارنظرهای گوناگون پیرامون این تخلفات و اظهارات دادستان دیوان محاسبات و جوابیه های مختلف مطرح شده در این باره کمیسیون بودجه تصمیم گرفت، برای خاتمه دادن به این بحث ها و تنویر افکار عمومی این گزارش را منتشر کند.

بر اساس این گزارش، شرکت ملی نفت ایران با استناد به دستور مورخ ۸۷/۱۲/۱۵ رئیس جمهور در هامش نامه وزیر نفت با توجه به منع قانونی و نیاز کشور اقدام به واردات فرآورده های نفتی کرده است.

همچنین رئیس جمهور وقت محکوم به جبران مبلغ ۴۶.۰۱۰ میلیارد ریال از طریق انتقال این مبلغ از حساب های درآمدی شرکت ملی نفت به حساب ۹۳۱ خزانه شده است.

متن کامل این گزارش که از سوی کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، در اختیار خبرگزاری خانه ملت، قرار گرفته به شرح زیر است:

گزارش عملکرد جزء (۱) بند (ز) تبصره (۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور

مقدمه:

به موجب مفاد جزء (۱) بند (ز) تبصره (۱) قانون بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور پیش بینی شده تا نسبت به تسویه برداشت های بیش از مجوزهای قانونی دولت طی سال های ۹۱-۸۷ از محل صادرات نفت به منظور تامین بنزین و نفت گاز جمعا تا مبلغ ۲۲۹.۸۱۷ میلیارد ریال (بابت واردات بنزین به ترتیب مبلغ ۲۹.۹۲۴ میلیارد ریال، ۴۶.۰۱۰ میلیارد ریال و ۴۴.۱۹۵ میلیارد ریال برای سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ و برای تهاتر بنزین و نفت گاز از محل میعانات گازی در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به مبلغ ۱۰۹.۶۸۸ میلیارد ریال) و همچنین مابه التفاوت فروش داخلی فرآورده های نفتی با قیمت های فوب خلیج فارس طی سال های ۸۸-۸۶ تا مبلغ ۳۲.۰۳۸ میلیارد ریال در رابطه مالی فیمابین دولت و شرکت ملی نفت ایران با خزانه داری کل کشور اقدام شود. همچنین براساس جزء (۲) مفاد بند صدر الاشاره مقرر گردیده نسبت به تسویه بدهی نیروی انتظامی به شرکت ملی نفت ایران به مبلغ ۶.۳۳۶ میلیارد ریال اقدام شود که در این رابطه حسب مفاد بند مذکور دیوان محاسبات کشور موظف است ضمن رسیدگی به اقدامات متضمن نقض قوانین بودجه توسط مسئولان ذی ربط وقت جمع بندی خود را حسب مورد به تفکیک هر سال جهت رسیدگی به کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات ارائه نماید.
حساب های تسویه نشده در رابطه مالی فیمابین دولت و شرکت ملی نفت ایران از سال ۱۳۸۷ ایجاد شده است که در هر سال با توجه به شرایط ویژه همان سال اقداماتی توسط دولت و شرکت ملی نفت صورت گرفته و نهایتا موجب تجمیع مبلغ ۲۲۹.۸۱۷ میلیارد ریال اختلاف حساب فیمابین گردیده است.
در این گزارش ضمن تشریح جزئیات و مجوزهای صادره در هر سال و اقدامات دولت و شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی، اقدامات دیوان محاسبات و نتایج حاصله اعلام می گردد.
الف) واردات بنزین و نفت گاز بیش از مجوزهای قانونی از طریق معاوضه نفت خام با فرآورده های نفتی طی سنوات ۱۳۸۷ الی ۱۳۸۹
۱- الف) سال ۱۳۸۷:
استناد قانونی:
جزء (ز) بند (۷) قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور
مجوز قانونی:
واردات بنزین و نفت گاز مورد نیاز کشور تا معادل ارزی مبلغ سی هزار میلیارد ریال
توضیحات:
براساس نامه شماره ۱۰۹۹۸۹ مورخ ۸۷/۴/۳۰ وزیر محترم وقت نفت (جناب آقای نوذری) عنوان رئیس محترم جمهور وقت (جناب آقای احمدی نژاد) به این موضوع اشاره گردیده است که طبق روال سنوات گذشته و هم زمان با تقدیم لایحه بودجه سال ۸۷ کل کشور واردات بنزین و نفت گاز در قالب تبصره های پیوست قانون بودجه سال ۸۷ از سوی وزارت نفت تهیه و برای معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری ارسال گردیده است لیکن مجلس شورای اسلامی واردات فرآورده های نفتی را در قانون بودجه سال ۸۷ کل کشور محدود و به رقم ۳۰.۰۰۰ میلیارد (معادل ۳.۳ میلیارد دلار و کمتر از نصف پیشنهاد وزارت نفت) مصوب نموده است. این در حالیست که رقم واردات بنزین و نفت گاز در سال ۸۶ بالغ بر ۵۲.۰۰۰ میلیارد ریال (معادل ۵.۷ میلیارد دلار) بوده و قیمت نفت خام و فرآورده های نفتی در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۶ بیش از دو برابر افزایش داشته است. لذا پیوست فوق الذکر دو پیشنهاد افزایش سقف واردات علاوه بر اعتبار مصوب مندرج در جزء (ز) بند (۷) قانون بودجه سال ۸۷ به مبلغ ۷۲.۰۰۰ میلیارد ریال (معادل ۸ میلیارد دلار) از محل حساب ذخیره ارزی و یا از محل معاوضه با نفت خام جهت تصویب مجلس محترم شورای اسلامی به رئیس جمهور ارائه گردیده است. علی رغم مکاتبه مذکور مکاتبات عدیده بعدی نیز از سوی وزیر نفت وقت با رئیس جمهور جهت اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است که در این رابطه ریاست محترم جمهور در هامش نامه شماره ۳۶۵۹۲۵ مورخ ۸۷/۱۲/۱۵ وزیر نفت تصریح نموده که "با رعایت مصالح در خرید و معاوضه نیاز جاری کشور و ذخایر لازم را تامین نمایید". علی ایحال مجموعه اقدامات منجر به اصلاح قانون بودجه سال مذکور نشده است.
عملکرد:
واردات بنزین و نفت گاز مورد نیاز کشور به مبلغ ۶۴.۶۷۴ میلیارد ریال به شرح جدول ذیل:

مقدار و ارزش بنزین و نفت گاز وارداتی در سال ۱۳۸۷

شرح	مقدار – لیتر	مبلغ/دلار	مبلغ–ریال	هزینه یک لیتر واردات
بنزین وارداتی	۷,۶۲۹,۱۸۱,۴۴۶	۴,۲۲۶,۷۸۹,۷۵۰	۳۹,۷۰۸,۶۷۳,۸۹۵,۱۸۵	۵,۲۰۵ ریال
نفت گاز وارداتی	۳,۷۳۵,۱۲۸,۰۰۴	۲,۳۶۸,۱۰۷,۷۶۵	۲۲,۳۱۲,۰۰۶,۳۲۳,۶۳۹	۵,۹۷۴ ریال
نیم درصد سهم نیکو بابت واردات	ـــــ	۳۱,۰۹۷,۴۷۵	۲۹۲,۵۲۱,۷۳۶,۰۴۸	۲۳۳ ریال
هزینه های گمرکی و سایر هزینه های جانبی	ـــــ	ـــــ	۲,۳۶۰,۴۳۶,۵۱۹,۳۳۰	
جمع	۱۱,۳۶۴,۳۰۹,۴۵۰		۶۴,۶۷۳,۶۳۸,۴۷۴,۲۰۲	۵,۶۹۱ ریال

مبلغ تخلف:
مبلغ مندرج در مفاد جزء (۱) بند (ز) تبصره ۱ قانون بودجه سال ۹۶ به میزان ۲۹.۹۲۴ میلیارد ریال تتمه بهای بنزین و نفت گاز وارداتی با احتساب هزینه های جانبی به مبلغ ۳۴.۶۷۴ میلیارد ریال پس از کسر ۴.۷۵۰ میلیارد وجوه حاصل از عرضه تکلیفی فرآورده ها می باشد.
نتیجه رسیدگی ها:
موضوع طی گزارش شماره ۱۵۰/۵۱۱۰۰/د مورخ ۸۸/۵/۵ به دادسرای دیوان محاسبات کشور ارسال شده است. نتیجه رسیدگی به پرونده مذکور در هیات اول مستشاری دیوان محاسبات کشور موضوع رای شماره ۲۹/۷۷۰ مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۹ که طی رای شماره ۱۵۴۷/۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲ به تائید محکمه تجدیدنظر دیوان محاسبات کشور رسیده، منتج به صدور رای محکوم شده است.
۲- الف) سال ۱۳۸۸:
استناد قانونی:
مستند به بند (۶۱) قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور
مجوز قانونی:
طی سال ۱۳۸۸ واردات بنزین به هر صورت ممنوع گردیده است
توضیحات:
براساس مفاد بند ۶۱ ماده واحده قانون بودجه سال ۸۸ کل کشور دولت مکلف بوده در اجراء وظیفه مذکور در ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت مصوب ۱۳۸۶ و با سهمیه بندی بنزین داخلی به قیمت سال ۱۳۸۷ و فروش مازاد بر آن به قیمت تمام شده و عرضه نفت گاز صرفا با کارت هوشمند سوخت به قیمت سال ۱۳۸۷، به گونه ای اقدام کند که نیازی به پرداخت یارانه برای واردات بنزین نباشد و استفاده از هر محل و منابع بودجه کل کشور برای پرداخت یارانه واردات بنزین به هر صورت نیز ممنوع گردیده است.
شرکت ملی نفت ایران با استناد به دستور مورخ ۸۷/۱۲/۱۵ رئیس جمهور در هامش نامه وزیر نفت با توجه به منع قانونی و نیاز کشور اقدام به واردات فرآورده های نفتی نموده است. وزیر وقت نفت طی نامه شماره ۱۴۳۵۰۶ مورخ ۸۸/۵/۷ مجددا از ریاست جمهور درخواست اخذ مجوز مربوطه از مجلس شورای اسلامی را نموده و در تاریخ ۸۸/۶/۵ طی نامه شماره ۱۲/۲-۱۷۸۰۷۸ وزیر نفت نیز ضمن اشاره به واردات فرآورده از محل معاوضه با نفتخام درخواست طرح موضوع در هیات وزیران و اخذ تصمیم مقتضی را می نماید. پس از انتصاب آقای میرکاظمی بعنوان وزیر نفت طی نامه شماره ۲-۱۴۰-۲۲۶۶ مورخ۸۸/۷/۲۸ ضمن اعلام مجدد عدم وجود مجوز جهت واردات فرآورده های نفتی از محل معاوضه نفتخام از رئیس جمهور درخواست ارائه متمم بودجه سال ۸۸ به مجلس را نموده که مورد پذیرش ایشان واقع شده و نهایتا اصلاحیه بند ۶۱ قانون بودجه سال ۸۸ به منظور طرح در هیات وزیران و تنظیم لایحه متمم بودجه طی نامه شماره ۱۲/۲/۲۶۶۵۷۴ مورخ ۸۸/۸/۲۳ توسط وزیر نفت عنوان ریاست جمهوری ارسال شده لیکن نتیجه ای حاصل نگردیده است.
عملکرد:

واردات بنزین و نفت گاز از محل معاوضه با درآمد حاصل از صادرات نفت خام به مبلغ ۵۶.۱۳۷ میلیارد ریال

مقدار و ارزش بنزین و نفت گاز وارداتی در سال ۱۳۸۸

شرح	مقدار/لیتر	مبلغ/دلار	مبلغ-ریال	هزینه یک لیتر واردات
بنزین وارداتی	۷,۸۱۶,۷۹۹,۶۰۰	۳,۸۳۱,۶۰۱,۸۰۴	۳۷,۶۸۵,۷۹۰,۰۵۴,۵۰۴	۴,۸۲۱ ریال
نفت گاز وارداتی	۲,۴۰۳,۹۹۹,۵۲۶	۱,۲۴۰,۹۹۵,۷۲۳	۱۲,۲۰۵,۰۹۸,۶۸۳,۶۸۴	۵,۰۷۷ ریال
کارمزد نیکو	--	۱۹,۶۴۵,۷۲۲	۱۹۳,۱۹۶,۰۲۷,۵۹۱	۶۱۱ ریال
سایر هزینه های جانبی	--	--	۶,۰۵۳,۱۶۰,۴۸۳,۳۷۶	
مجموع واردات سال ۱۳۸۸ با احتساب هزینه های جانبی	۱۰,۲۲۰,۷۹۹,۱۲۶	--	۵۶,۱۳۷,۲۴۵,۲۴۹,۱۵۵	۵,۴۹۲ ریال

مبلغ تخلف:
مبلغ مندرج در مفاد جزء (۱) بند (ز) تبصره ۱ قانون بودجه سال ۹۶ برای سال ۸۸ بابت تامین بنزین و نفت گاز به میزان ۴۶.۰۱۰ میلیارد ریال ناشی از بهای بنزین و نفت گاز وارداتی با احتساب هزینه های جانبی به مبلغ ۵۶۱۳۷ میلیارد ریال پس از کسر ۱۰.۱۲۷ میلیارد ریال وجوه حاصل از عرضه تکلیفی فرآورده ها می باشد.
نتیجه رسیدگی ها:
مطابق گزارش تفریغ بودجه جزء (هـ) بند (۷) و بند (۶۱) قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور، موضوع تخلف در گزارش حسابرسی سال مالی منتهی به ۱۳۸۸/۱۲/۲۹ شرکت ملی نفت ایران و گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۸۸ درج و طی بند (۵) گزارش شماره ۹۷۶/۱۰۹۵/م/د مورخ ۸۹/۸/۱ به دادسرای دیوان محاسبات کشور ارسال شده است. نتیجه رسیدگی به پرونده مذکور در هیات سوم مستشاری دیوان محاسبات کشور منتج به صدور رای شماره۱۲۴۸/۲۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ و تائید آن توسط محکمه تجدیدنظر دیوان محاسبات کشور طی شماره های ۹۹۲/۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۷/۶ و ۶۰۹/۲۹ مورخ ۱۳۹۴/۵/۲۸ شده است.
رای صادره:
رئیس جمهور وقت محکوم به جبران مبلغ ۴۶.۰۱۰ میلیارد ریال از طریق انتقال این مبلغ از حساب های درآمدی شرکت ملی نفت به حساب ۹۳۱ خزانه گردیده است.
۳- الف) سال ۱۳۸۹:
استناد بند قانونی:
تبصره (۱) بند (د) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور مبنی بر اینکه: (در هر حال استفاده از منابع موضوع این جزء در سایر امور از جمله واردات فرآورده های نفتی و طرح های غیرمرتبط و خارج از وظائف وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذیربط ممنوع است و در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی است).
همچنین مفاد ماده (۱۰) آئین نامه اجرایی بند (۴) قانون بودجه سال ۸۹ کل کشور (موضوع تصویبنامه شماره ۴۴۶۷۶/۴۵۳۵۵ مورخ ۱۳۸۹/۴/۱۶ هیات وزیران) مبنی بر تامین مابه التفاوت مربوط به فرآورده های نفتی وارداتی (بنزین و گازوئیل) موردنیاز کشور از محل منابع حاصل از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها.
مجوز:
مجوز ستاد تدابیر ویژه اقتصادی برای واردات بنزین و نفت گاز
توضیحات:
مطابق با مفاد ماده (۱۰) آئین نامه اجرایی بند (۴) قانون بودجه سال ۸۹ کل کشور (موضوع تصویبنامه شماره ۴۴۶۷۶/۴۵۳۵۵ مورخ ۱۳۸۹/۴/۱۶ هیات وزیران) در سال ۸۹ مابه التفاوت مربوط به فرآورده های نفتی وارداتی (بنزین و گازوئیل) مورد نیاز کشور از محل منابع حاصل از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها تامین می شود. همچنین با توجه به فراز پایانی مفاد تبصره جزء (د) بند (۴)

قانون بودجه سال ۸۹ کل کشور استفاده از منابع موضوع این جزء در سایر امور از جمله واردات فرآورده های نفتی و طرح های غیرمرتبط و خارج از وظایف وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی ربط ممنوع بوده و در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی است در این زمینه وزیر نفت مسؤول است. لذا تامین وجه واردات از محل منابع حاصل از صادرات نفت خام در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی بوده و جرم محسوب شده که در این زمینه وزیر وقت نفت مسئول می باشد.
شایان ذکر است براساس نامه شماره ۴۶۱۶ مورخ ۸۸/۱۲/۳ وزیر وقت نفت (آقای میرکاظمی) عنوان رئیس جمهور با توجه به زمانبر بودن تصویب لایحه بودجه سال ۸۹ و بلاتکلیف بودن واردات بنزین و عدم وجود مجوز از محل معوض نفتخام و نیاز مبرم به بنزین در زمان آغاز سال جدید (سال ۸۹) برای ماه های فروردین و اردیبهشت درخواست صدور مجوز نسبت به خرید بنزین از محل معوض نفتخام تا ابلاغ بودجه مصوب سال ۸۹ گردیده که رئیس دفتر رئیس جمهور (آقای مشایی) طی نامه شماره ۴۹۶/۱۱ مورخ ۸۸/۱۲/۸ پی نوشت رئیس جمهور را به شرح زیر ابلاغ نموده است:
"شما طبق معمول بنزین مصرفی را وارد کنید و ذخیره مناسب هم داشته باشید. هرگاه طرح هدفمند کردن یارانه ها اجرا شد متناسب با مصوبه مجلس شورای اسلامی به لحاظ حسابداری جایگزین خواهد شد."
براساس مصوبه ستاد تدابیر ویژه اقتصادی مورخ ۸۹/۴/۲۷ به وزارت نفت اجازه داده شده است تا در سال ۸۹ با مسئولیت و تایید وزارت نفت اقدام به مبادله تهاتری فروش نفت با خرید بنزین نماید.
عملکرد:
واردات بنزین و نفت گاز به ملغ ۵۲.۵۶۱ میلیارد ریال

مقدار و ارزش بنزین و نفت گاز وارداتی در سال ۱۳۸۹

شرح	مقدار–لیتر	مبلغ/دلار	مبلغ–ریال	هزینه یک لیتر واردات
واردات بنزین	۳,۵۹۰,۱۰۵,۵۳۰	۲,۲۴۴,۸۳۳,۹۵۳	۲۲,۸۶۰,۲۴۵,۶۱۶,۸۵۱	۶,۳۶۸ ریال
واردات گازوئیل	۳,۳۱۸,۸۴۰,۶۵۲	۲,۲۶۹,۸۱۰,۷۴۸	۲۳,۳۷۱,۸۷۱,۷۴۳,۰۳۶	۷,۰۴۲ ریال
جمع	۶,۹۰۸,۹۴۶,۱۸۲	۴,۵۱۴,۶۴۴,۷۰۱	۴۶,۲۳۲,۱۱۷,۳۵۹,۸۸۷	۶,۶۹۲ ریال
هزینه های جانبی واردات فراورده	---	---	۶,۳۰۹,۵۱۷,۱۲۰,۰۵۴	۹۲۱ ریال
کارمزد نیکو	---	۵,۴۶۳,۳۸۴	۵۶,۶۲۲,۵۰۶,۵۹۳	
مجموع واردات سال ۱۳۸۹ با احتساب هزینه های جانبی	---	---	۵۲,۵۹۸,۲۵۶,۹۸۶,۵۳۵	۷,۶۱۳ ریال
تعدیل بابت بهره اختلاف سررسید •		(۳,۶۲۹,۳۸۰)	(۳۷,۶۱۴,۸۹۵,۹۷۸)	--
مجموع واردات سال ۸۹ با احتساب هزینه های جانبی	۶,۹۰۸,۹۴۶,۱۸۱	-----	۵۲,۵۶۰,۶۴۲,۰۹۰,۵۵۷	--

•مبلغ مذکور بابت بهره اختلاف سررسید سیاهه های نفتخام و فرآورده های نفتی می باشد .

مبلغ تخلف:
مجموع واردات فرآورده‌های نفتی در سال ۱۳۸۹ با احتساب هزینه‌های جانبی مبلغ ۵۲.۵۶۱ میلیارد ریال بوده که پس از کسر مبلغ ۸.۳۶۶ میلیارد ریال بهای فروش داخلی محمولات وارداتی تتمه مبلغ مذکور به میزان ۴۴.۱۹۵ میلیارد ریال تسویه نگردیده است.
نتیجه رسیدگی‌ها:
تخلف مذکور طی گزارش شماره۹۷۶/۲۰۷۳/ ۲/م مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۸ به ریاست محترم مجلس شورای اسلامی اعلام شده که پس از قرائت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی، طی شماره ۴۲/د مورخ ۱/۱۲/۱۳۸۹ باستناد ماده (۲۳۳) آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به مرجع قضایی ارسال شده است. پرونده مذکور در شعبه ۱۵ بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۸ کارکنان دولت طی شماره ۹۰۰۹۹۸۲۱۳۲۶۰۰۰۱۱ در دست رسیدگی می‌باشد.
ب) عدم تسویه بهای میعانات گازی تحویلی به شرکت‌های پتروشیمی به علت تحویل مواد افزودنی تحویلی به شرکت‌های پالایش و پخش طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱
مجموع ارزش مواد افزودنی تحویلی شرکت‌های پتروشیمی به پالایش و پخش طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ جمعاً به مبلغ ۳.۳۵۴.۵۳۵.۸۲۲ دلار و مبلغ ۸.۲۴۷.۱۸۷.۹۹۶.۱۲۰ ریال مشتمل بر پتروشیمی نوری (برزویه) به مبلغ ۲.۸۸۴.۷۶۰.۵۵۱ دلار، پتروشیمی بوعلی به مبلغ ۴۰۶.۱۳۹.۳۶۷ دلار و پتروشیمی بندر امام به مبلغ ۶۳.۶۳۵.۹۹۹ دلار و ۸.۲۴۷.۱۸۷.۹۹۶.۱۲۰ ریال می‌باشد.

در صورت تسعیر مبالغ دلاری به میزان ۳.۳۵۴.۵۳۵.۸۲۲ دلار به نرخ تسعیر پایان اسفندماه سال ۱۳۹۴ (به مبلغ ۳۰.۲۴۰ ریال) و با احتساب مبلغ ۸.۲۴۷.۱۸۷.۹۹۶.۱۲۰ ریال مانده ریالی مطالبات پتروشیمی بندر امام خمینی (ره) از سال ۱۳۹۱ بر اساس مفاد جزء (۱) بند (ز) تبصره (۱) قانون بودجه سال۱۳۹۶ کل کشور مقرر گردیده مبلغ ۱۰۹.۶۸۸ میلیارد ریال بهای بنزین و نفت گاز دریافتی از پتروشیمی‌ها با میعانات گازی تحویلی به آنها تهاتر شود.

استناد بند قانونی:

بر اساس ماده (۱۲۷) قانون برنامه پنجم توسعه تا اتمام پروژه‌های موضوع این ماده و بهره برداری از آنها (پالایشگاه ستاره خلیج فارس و پالایشگاه فارس) استفاده از روش‌های تهاتری برای خرید و فروش فرآورده‌های مورد نیاز با تصویب شورای اقتصاد در موارد ضروری مجاز است.

مجوز:

بر اساس مصوبات شورای اقتصاد در سنوات ۹۰ و ۹۱ بهای محمولات دریافتی از پتروشیمی‌ها می‌بایست از محل منابع داخلی شرکت ملی پالایش و پخش تأمین شود. لذا تأمین بهای محمولات مذکور از محل خوراک تحویلی به پتروشیمی‌ها غیرقانونی بوده است.

توضیحات:

بر اساس نامه شماره ۵۳۳۳۶- ۱/ ۹۰ مورخ ۲۲/۰۴/۹۰ مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران عنوان سرپرست وقت وزارت نفت (مهندس علی آبادی) اظهار گردیده که طبق توافقات صورت گرفته با شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های پتروشیمی مقرر شده است شرکت‌های فوق قسمتی از محصولات تولیدی خود را که قابلیت افزودن به بنزین تولیدی پالاشیگاه‌های داخل کشور را به منظور افزایش اکتان دارا می‌باشند به شرکت‌های پالایش نفت تحویل نموده و بهای فرآورده‌های فوق توسط شرکت ملی نفت ایران با شرکت‌های پتروشیمی بابت میعانات گازی دریافتی از آن شرکت با دولت تسویه گردد.

شایان ذکر است شورای اقتصاد در جلسه مورخ ۹۰/۷/۱۹ با استناد به ماده (۱۲۷) قانون برنامه پنجم توسعه به وزارت نفت اجازه داده است از طریق شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران به منظور تدمین نیاز کشور برای هشت ماهه منتهی به پایان سال ۹۰ نسبت به واردات ۱.۲۰۰.۰۰۰ تن بنزین و مواد افزایش دهنده اکتان از طریق تهاتر با فرآورده‌های نفتی و در سقف ۱.۲۴۸.۰۰۰.۰۰۰ دلار اقدام نماید. که این مصوبه بر اساس مصوبه جلسه مورخ ۹۱/۴/۶ شورای اقتصاد به شرح زیر اصلاح شده است:

وزارت نفت مجاز است از طریق شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران به منظور تأمین نیاز داخل کشور به مواد افزایش دهنده اکتان، واردات و خرید محصولات پتروشیمی و پالایشگاهی در سال ۹۰ را از ۱.۲۰۰.۰۰۰ تن در سقف ۱.۲۴۸.۰۰۰.۰۰۰ دلار به میزان ۲.۷۶۶.۰۰۰ تن در سقف ۲.۸۳۰.۰۰۰.۰۰۰ دلار از طریق تهاتر با فرآورده‌های نفتی و از محل منابع داخلی شرکت یاد شده با رعایت قوانین و مقررات مربوط افزایش دهد.

همچنین بر اساس جلسه مورخ ۹۲/۳/۱ شورای اقتصاد وزارت نفت مجاز است از طریق شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی از محل صادرات فرآورده‌های نفتی در سال۱۳۹۱ و از محل منابع داخلی خود نسبت به واردات فرآورده‌های نفتی و یا تأمین آنها از پتروشیمی‌ها تا سقف ۶.۱۰۹.۰۰۰.۰۰۰ دلار از طریق تهاتر اقدام نماید. ضمنا تأکید می گردد که این موضوع ارتباطی به رابطه مالی دولت و نفت که ساز و کار مشخص و قانونی جداگانه ای دارد نخواهد داشت بنابراین همان طور که در متن مصوبات ملاحظه می‌شود در سنوات مذکور اجازه تأمین بهای بنزین از محل منابع داخلی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی داده شده فلذا می‌بایست در همان سال ۹۰ و ۹۱ بهای بنزین و نفت گاز دریافتی از پتروشیمی‌ها از محل منابع داخلی شرکت ملی پالایش و پخش تسویه می گردد که این اقدام صورت نگرفته است. شایان ذکر است تسویه‌ی بهای بنزین و نفت گاز دریافتی از محل خوراک تحویلی که در بودجه ۹۶ پیش‌بینی شده مغایر با مصوبات شورای اقتصاد می‌باشد.

نتیجه رسیدگی‌ها:

علاوه بر درج مراتب در گزارش تفریغ بودجه سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، پرونده تخلف سال ۱۳۹۰ شرکت ملی نفت ایران طی گزارش شماره ۳۸/۵۱۱۰۰/د مومرخ ۹۲/۲/۴ به دادسرای دیوان محاسبات ارسال شده که نتیجه رسیدگی توسط هیأت چهارم مستشاری دیوان محاسبات کشور منتج به صدور رأی شماره ۲۵/۶۹۵ مورخ ۹۵/۹/۱۶ گردیده است.

ج) عدم تسویه حساب فی ما بین دولت و شرکت ملی نفت ایران طی سنوات ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۸۸:
ج- ۱) سال۱۳۸۶:
بر اساس صورتجلسه مورخ ۸۷/۹/۱۸ کارگروه موضوع بند (ج) تبصره (۱۱) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور مبلغ ۳.۷۳۹.۱۵۷.۴۱۴.۸۳۵ ریال مربوط به یارانه فرآورده‌های ویژه تحویلی به شرکت‌های پتروشیمی و مبلغ ۵.۱۸۸.۱۰۰.۵۶۱.۴۰۲ ریال یارانه ناشی از ما به التفاوت قیمت تکلیفی و بین‌المللی سوخت هوایی به دلیل عدم ذکر نام فرآورده‌های مذکور در کنار سایر فرآورده‌های جدول موضوع بند (ج) شامل بنزین، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره و گاز مایع مورد پذیرش کارگروه موضوع جزء (۳) بند (ج) تبصره (۱۱) قانون بودجه سال۱۳۸۶ کل کشور قرار نگرفته و گواهی اعتباری موضوع این قانون توسط خزانه‌داری کل کشور برای آن صادر نشده است.
شایان ذکر است در گزارش تفریغ بودجه جزء (۳) بند (ج) تبصره (۱۱) قانون بودجه سال۱۳۸۶ کل کشور به این موضوع تصریح شده است.
همچنین بر اساس نامه مورخ ۸۶/۵/۲۰ دبیر هیأت دولت نحوه محاسبه نرخ سوخت هواپیما در سال۸۶ بر اساس جلسه مورخ۸۶/۵/۱۴ هیأت وزیران به مبلغ ۱.۰۰۰ ریال (معادل قیمت تکلیفی عرضه بنزین در سال مذکور) تعیین شده است و بر اساس تصمیم هیأت وزیران در جلسه مورخ ۸۶/۱۲/۲قیمت عرضه قیر مصرفی تا پایان سال ۸۶ با قیمت قبلی مصوب شده است که با استناد به نامه شماره ۴۱۱۸-۲/۱۲ مورخ ۸۷/۲/۱۲وزیر وقت نفت قیمت مصوب قبلی مربوط به سال۸۳ بوده است.
ج-۲) سال ۱۳۸۷:
مبلغ ۱۰.۹۸۰.۹۰۸.۷۴۳.۴۷۵ ریال یارانه ناشی از مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی سوخت هوایی و وکیوم باتوم سال ۱۳۸۷ بوده که به استناد بند (ج) ماده (۸) آئین‌نامه اجرایی بند (۷) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور موضوع تصویب‌نامه شماره ۷۵۵۷۸/ت۳۹۴۴۲ک مورخ ۸۷/۵/۱۴کمیسیون موضوع (۱۳۸) قانون اساسی که پنج فرآورده اصلی (شامل بنزین، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره و گاز مایع) را مشمول مفاد این جزء نموده لذا مابه التفاوت مذکور مورد پذیرش کارگروه جزء (ج) بند (۷) ماده واحده قانون صدرالذکر قرار نگرفته و گواهی اعتباری موضوع این قانون توسط خزانه‌داری کل کشور برای آن صادر نشده است.
لازم به ذکر است بر اساس نامه شماره ۸۹۱۵۸۳/م۴۳۱۲۸ مورخ ۸۹/۱/۲۴ دبیر هیأت دولت، هیأت وزیران در جلسه مورخ۸۹/۱/۱۵ و بنا به پیشنهاد وزارت نفت مبنای محاسبه قیمت سوخت هواپیما برای سال ۸۷ را مبلغ ۱.۰۰۰ ریال تعیین نموده است.
در خصوص اقدامات فوق مراتب در گزارش حسابرسی سال۱۳۸۸ شرکت ملی نفت ایران و گزارش تفریغ بودجه سال۱۳۸۸ درج شده است.
ج-۳) سال ۱۳۸۸:
مبلغ ۱۲.۱۲۹.۶۵۴.۴۶۷.۲۳۷ ریال یارانه ناشی از مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی سوخت هوایی و وکیوم باتوم سال۱۳۸۸ بوده که به استناد بند (ج) ماده (۸) آئین‌نامه اجرایی بند (۷) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور موضوع تصویبنامه شماره ۲۱۶۴۸۴/ت۴۳۹۵۳ هـ مورخ ۸۸/۱۱/۴ هیأت وزیران که پنج فرآورده اصلی را شامل بنزین، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره و گاز مایع تعریف نموده لذا دو فرآورده سوخت هوایی و وکیوم باتوم مشمول مفاده ماده (۷) آئین‌نامه مذکور تلقی نگردیده و مورد پذیرش کارگروه موضوع قرار نگرفته لذا در صورتجلسه کارگروه مربوط نیز درج نشده و گواهی اعتباری موضوع این قانون توسط خزانه‌داری کل کشور برای آن صادر نشده است.
مستلزم ذکر است بر اساس نامه شماره ۸۹۱۵۸۳/م۴۳۱۲۸ مورخ ۸۹/۱/۲۴ دبیر هیأت دولت هیأت وزیران در جلسه مورخ ۸۹/۱/۱۵ و بنا به پیشنهاد وزارت نفت مبنای محاسبه قیمت سوخت هواپیما برای سال ۸۸ را مبلغ ۱.۰۰۰ ریال تعیین نموده است. همچنین بر اساس نامه شماره ۱۱۴۱۶۹.۴۳۲۹۸ مورخ ۸۸/۶/۴ دبیر هیأت دولت عنوان وزیر محترم نفت تصریح گردیده است که بر اساس دستور مقام محترم ریاست جمهور در جلسه مورخ ۸۸/۶/۱ هیأت وزیران تا پایان سال مالی۸۸ در پروژه‌های مربوط به وزارت راه و ترابری قیر به صورت یارانه‌ای محاسبه می‌شود. لذا علیرغم اینکه قیر (وکیوم باتوم) به عنوان یکی از فرآورده‌های مشمول یارانه موضوع تصویبنامه هیأت وزیران قرار نداشته لیکن بر اساس دستور رئیس جمهور قیمت آن به صورت یارانه‌ی محاسبه شده است.
نتیجه رسیدگی‌ها:

موضوع تخلف این بند در گزارش حسابرسی سال ۱۳۸۸ شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و نیز گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۸۸ درج شده است. مضافا اینکه مبلغ تخلف سنوات مذکور به مبلغ ۳۲.۰۳۸ میلیارد ریال بابت مابه‌التفاوت فروش داخلی فرآورده‌های نفتی با قیمت‌های فوب خلیج فارس طی سال‌های ۱۳۸۶ لغایت۱۳۸۸ در گزارش حسابرسی سال مالی منتهی به ۲۹/۱۲/۱۳۹۱ شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران به شماره ۷۵۳/۵۱۱۰۰/د مورخ ۹۲/۱۰/۱۶ درج و عدم تسویه حساب عملکرد تولید، صادرات و تسهیم جوه حاصل از صادرات نفت بین دولت(خزانه‌دار کل کشور) و وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذیربط در سنوات ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ طی گزارش ۸۵۷/۵۱۱۰۰/د مورخ ۹۰/۱۲/۲۴ به دادسرای دیوان محاسبات کشور ارسال که منتج به رأی صادره به شماره ۲۹/۱۵۶۴ مورخ ۶/۱۱/۱۳۹۲ توسط هیأت دوم مستشاری دیوان محاسبات کشور گردیده است.

د) عدم تسویه مبلغ ۶.۳۳۶ میلیارد ریال بدهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به شرکت ملی نفت ایران:

طبق حساب‌های شرکت ملی نفت ایران مبلغ بدهی نیروی انتظامی (مربوط به شرکت پتروتیما انرژی وابسته به بنیاد تعاون ناجا) به شرکت مذکور بابت دو فقره محموله تحویلی طی سال‌های ۱۳۹۱ ۱۳۹۲ به ترتیب مبلغ ۱۹۴.۸۲۲.۸۹۸ دلار (شامل مبلغ ۱۸۵.۲۴۰.۰۴۲ دلار اصل سیاهه و هزینه‌های عملیاتی مربوطه و مبلغ ۹.۵۸۲.۸۵۶ دلار بهره متعلقه تا پایان سال ۱۳۹۵) و مبلغ ۷.۹۶۰.۵۷۲ دلار (شامل مبلغ ۷.۳۵۸.۸۱۶ دلار تتمه سیاهه بارگیری شده سال ۱۳۹۲ و مبلغ ۶۰۱.۷۵۶ دلار بهره متعلقه تا پایان سال ۱۳۹۵) میباشد که با احتساب نرخ تسعیر ارز بانک مرکزی در پایان سال۱۳۹۵ (به مبلغ ۳۲.۴۲۰ ریال معادل ریالی) معادل ریالی بدهی مذکور، بالغ بر ۶.۵۷۴ میلیارد ریال می گردد.

نتایج رسیدگی‌ها:

شرح عملکرد و نتایج رسیدگی دیوان محاسبات و اقدامات انجام شده در قالب گزارش جداگانه ارائه گردیده است.

البناء:

پیام حضور یک مقام ارشد نظامی ایران در اروپا چیست؟

دعوت از امیر دریادار سیاری برای شرکت در کنفرانس قدرتهای دریایی مدیترانه در ایتالیا به معنای آن است که از هم اکنون به بعد، ایران عنصری تاثیرگذار، حتی در مورد امنیت اروپاست

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



البناء نوشت: دعوت از امیر دریادار سیاری برای شرکت در کنفرانس قدرتهای دریایی مدیترانه در ایتالیا، یک تحول ژئوپولتیک ویژه برای جایگاه ایران در نقشه بین المللی است؛ چرا که حضور منحصر به فرد ایران در دریای استراتژیک مدیترانه را نشان می دهد. این دلالت مهم بدین معناست که دولتهای بزرگ جهان، ایران را یک دولت مرکزی در موضوع تامین امنیت دریای مدیترانه به شمار می آورند.

به گزارش «انتخاب»، این دعوت به معنای آن است که از هم اکنون به بعد، ایران عنصری تاثیرگذار، حتی در مورد امنیت اروپاست؛ این مساله را می توان به منزله سیلی به مواضع حساب نشده و به دور از منطق ترامپ تحت عنوان «استراتژی جدید در مورد جمهوری اسلامی ایران» دانست.

در این جا مساله مهم آن است که اهمیت ودعوت از دریادار ایرانی برای حضور در این نشست را درک کنیم که یکی از محورهای اساسی آن همکاری با ایران، به عنوان یک قدرت جهانی منطقه ای است.

از مهمترین مباحثی که بین دریادار ایرانی و همتای ایتالیایی اش بررسی می شود، مبارزه با دزدادن دریایی و تامین امنیت خلیج عدن است؛ یعنی نیروی دریایی ایتالیا که از تشکیلات دریایی وابسته به ناتو می باشد، معترف به نقش مثبت ایران در خلیج عدن است.

طبیعتا این اقدام ایتالیا با هماهنگی با ایالات متحده صورت گرفته است؛ برخلاف آنچه که ترامپ و تبلیغات دروغین دّم های آمریکا در خاورمیانه، علیه ایران و نقش سلبی اش در منطقه مطرح می کنند.

در این شرایط، باید بپرسیم چه چیزی نیروی دریایی عربستان را بر آن می دارد که به جای وارد کردن اتهام ها به ایران و تلاش برای متشنج کردن روابط با آن، به سمت همکاری با ایران برای تامین امنیت دریایی از طریق باب المندب حرکت کند؟ عربستان تنها به دنبال خدمت به منافع ایالات متحده است؛ ترامپ از حکومت سعودی برای انجام اقداماتی علیه اعراب و اسلام استفاده می کند و خود به صورت غیر مستقیم برای حفظ منافع آمریکا در منطقه و جهان، به سمت همکاری با ایران حرکت می کند.

هیچ منطقی در رفتارهای سعودیها در مورد ایران حاکم نیست؛ جز کینه ای سیاه که متاسفانه قلبهای آنها را فراگرفته است.

آیا سخن حق را نگفته ایم اگر ایرانی که به آمریکا و سیطره اش «نه» گفت را جزئی از جهان رو به پیشرفت بدانیم؟در حالی که دشمنان آن کور شده، در گذشته مانده اند و جزئی از جهان رو به فروپاشی شده اند که ستاره اش افول کرده است.

الاخبار:

ارتباط سیاست ترامپ علیه ایران با کشتار لاس وگاس چیست؟/ وساطت سه ژنرال دولت ترامپ مانع از یک فاجعه دیپلماتیک در مورد تهران شد

براساس گزارش منابع اطلاعاتی در غرب، بیانیه ترامپ علیه ایران، که به تازگی اعلام شد، نسخه تعدیل شده ای از سخنان خشونت آمیز تر رئیس جمهور آمریکا است؛ که در بردارنده کناره گیری مستقیم از توافق هسته ای و تهدید به جنگ، کشتار و ایجاد رعب و وحشت در ایران بوده.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



الاخبار نوشت: براساس گزارش منابع اطلاعاتی در غرب، بیانیه ترامپ علیه ایران، که به تازگی اعلام شد، نسخه تعدیل شده ای از سخنان خشونت آمیز تر رئیس جمهور آمریکا است؛ که در بردارنده کناره گیری مستقیم از توافق هسته ای و تهدید به جنگ، کشتار و ایجاد رعب و وحشت در ایران بوده است.

به گزارش «انتخاب»، وساطت سه ژنرال در دولت ترامپ مانع از آن شد که وی یک فاجعه دیپلماتیک را بوجود آورد؛ علاوه بر اینکه بیشتر دولتهای تاثیرگذار جهان از جمله انگلیس و روسیه مخالف جدی تصمیم ترامپ برای خروج از توافق بودند.

براساس تحقیقات یکی از اساتید دانشگاهی در امریکا، دلیل اصلی کشتار اخیری که در لاس وگاس به وقوع پیوست، نه قوانین مربوط به حمل سلاح، که روحیه برتری طلبی مردان سفید پوست در این کشور است؛ در واقع آمارها نشان می دهد در حالی که سیاه پوستان امریکایی نسبت زیادی از جرایم قتل عادی را انجام می دهند، تمام جنایتهای دسته جمعی شبیه به آنچه در لاس وگاس اتفاق افتاد، توسط آمریکایی های سفید پوست صورت گرفته است. براین اساس، روحیه برتری طلبی و غرور به سفید پوستان ایالات متحده این اجازه را می دهد که زندگی راحت را حق خود بدانند و زمانی که ناامید می شوند و احساس شکست می کنند، به جای آنکه در خورد فرو روند، به رفتارهای هیجان آمیز و خشن روی می آورند؛ تا اینکه خشمشان با اقدام به یک کشتار جمعی فروکش کند؛ اقدامی که منعکس کننده ناراحتی و کینه انها از تمام جامعه است.

به عقیده این استاد دانشگاه، ترامپ نامزدی است که با استفاده از این روحیه برتری طلبی خود را به ریاست جمهوری رساند. از این رو، مقایسه این مفهوم در ساختار داخلی امریکا با رفتار خارجی دولت آن، کار دشواری نیست.

بویژه در مورد ایران، اوج گیری خطاب ترامپ، که حکایت از همان احساس ناامیدی و عجز وی دارد، تغییر ریشه ای در موازین قوا در این کشور مسلمان ایجاد نمی کند و کشوری که توانسته است در سایه تحریمهای بین المللی شدید به حیات سیاسی خود ادامه دهد، با تحریم یک جانبه آمریکا وارد بحران نمی شود.

رویگردانی آمریکا از توافق، می تواند یک جدال داخلی را در تهران به راه اندازد، در مورد آینده روابط با ایالات متحده؛ علاوه بر اینکه باعث قدرت گرفتن طرفهای نظامی علیه صلح طلبها در تهران می شود؛ چه بسا این مساله مهمترین تاثیر استراتژی ترامپ در قبال ایران باشد. اما دلیل رفتارهای ترامپ، چه تمرّد و جنون بوده باشد یا برتری طلبی، اکنون در صحنه سیاست بین المللی کارساز نیست و در واقع نشانه فروپاشی و سقوط امپراطوری آمریکاست؛ هر چند که این سقوط از خطر و تهدیدات آن نمی کاهد.

نرمش معنی دار آیت‌الله خامنه‌ای بر شرایط خروج از برجام

آیت‌الله خامنه‌ای امروز در اولین واکنش به سخنرانی تند دونالد ترامپ گفت: "تا طرف مقابل برجام را پاره نکند ما آن را پاره نمی‌کنیم اما اگر او برجام را پاره کرد ما آن را ریزریز می‌کنیم".

رهبر جمهوری اسلامی ایران در **دستور ۲۹ مهر ۱۳۹۴** خود به حسن روحانی برای تایید اجرای برجام، ۹ شرط مشخص را در این ارتباط ذکر کرده بود. یکی از این شرط ها، به صراحت این بود که باید در صورت وضع هرگونه تحریم جدید از سوی آمریکا و غرب (از جمله در موضوع حقوق بشر یا تروریسم) اجرای برجام متوقف شود.

رئیس جمهور آمریکا روز جمعه گذشته کلیت سپاه پاسداران را در معرض تحریم های جدید قرار داد و اگر قرار بود بر مبنای شرایط مورد اشاره در دستور ۲۹ مهر رهبر ۱۳۹۴ عمل شود، تحریم جدید بایستی منجر به توقف اجرای برجام از سوی ایران می‌شد.

اما آیت الله خامنه ای در صحبت های امروز به هیچ وجه از توقف اجرای برجام سخن نگفته و در عوض تاکید کرده: "تا طرف مقابل برجام را پاره نکند ما آن را پاره نمی‌کنیم." در خرداد ۱۳۹۵ هم سخن کمابیش مشابهی را بر زبان رانده بود، اما تاکید امروز او، بعد از سخنرانی روز جمعه دونالد ترامپ صورت می گرفت و اهمیت دیگری داشت. وی البته مدتی قبل گفته بود: اگر او پاره کند ما آتش می زنیم، این سخن دیروز؛ نسبت به قبلی تکراری بود، و نوعي نرمش و عقب نشيني هم در آن بود.

طیفی از مخالفان سرسخت برجام در ایران، تاکنون به کرات دولت حسن روحانی را به خاطر متوقف نکردن اجرای برجام در واکنش به سیاست های دولت دونالد ترامپ و از جمله وضع تحریم های جدید مورد انتقاد قرار داده اند.

این انتقادات، مثلا بعد از آن مطرح شدند که در آذر ۱۳۹۵، کنگره آمریکا تحریم های غیرهسته ای ایران (Iran sanctions Act) را که از سال ۱۹۹۶ جاری بود برای ۱۰ سال دیگر تمدید کرد. در آن زمان اگرچه خیلی ها معتقد بودند که این تمدید به معنی وضع تحریم های جدید و نقض برجام نیست، اما نظر آیت الله خامنه ای متفاوت بود. او به صراحت اعلام کرد: "اگر این تحریم اعمال شود قطعاً نقض برجام است."

تحریم های ۱۰ ساله کنگره ، البته به اجرا در آمدند ولي رهبر جمهوری اسلامی نیز خواستار توقف اجرای برجام نشد!! اما طیفی از اصولگرایان منتقد دولت دوازدهم، این دولت را به خاطر خارج نشدن از برجام به سازشکاری متهم کردند. در حالیکه دولت دقیقا بر اساس همین منویات رهبري که بطور خصوصي مطلع بود عمل مي کرد، و براساس نرمش و سازش رهبری موضع داشت، اما بیجاره دولت را به سازشکاری متهم شد، کویا دولت روحاني کوسفند قرباني اين ماجراست.

نمونه ای مشابه وقتی مشاهده شد که ایالات متحده، در واکنش به آزمایش موشکی بهمن ۱۳۹۵ سپاه، ۱۲ شرکت و ۱۳ فرد دست اندرکار پروژه های موشکی ایران را تحریم کرد. آیت الله خامنه ای، پس از آن تحریم ها نیز سخنرانی کرد و بدون سخن گفتن از پایان برجام گفت از رئیس جمهور جدید آمریکا "متشکر است" چون "زحمت ما را کم کرده و چهره

واقعی آمریکا را نشان داده". با وجود این، جمعی از اصولگرایان مجددا دولت را به خاطر متعهد ماندن به برجام علی رغم تحریم های جدید مورد انتقاد قرار دادند.
با توجه به چنین سوابقی، دور از ذهن نخواهد بود اگر به دنبال تحریم کلی سپاه پاسداران که اخیرا اعلام شده، دولت حسن روحانی به خاطر عدم خروج از برجام در واکنش به این تحریم مورد اعتراض اصولگرایان مخالف توافق هسته ای قرار گیرد.
حتی اگر رهبر جمهوری اسلامی، خروج ایران از برجام را تا وقتی آمریکا از این توافق خارج نشده باشد، بلاموضوع دانسته باشد.
با این نرمشهای غیر علني و تدریجي در عمل از سوي رهبري؛ که مرتبا تکرار شده است، امریکا و غرب رهبر ایران را نوعي تست کرده، و متوجه شده اند که او بیشتر نمایش انقلابی را ترجیح مي دهد تا اقدام انقلابی. فلذا به سخنرانیهای او اهمیتی نمي دهند و از تهدیدهای وی واهمه ای ندارند. این دوکانکي در مواضع سخنرانیها با رویکردهای عملي؛ هرچه بیشتر تکرار می شود امریکا را در موضع تشدید تحریمها مصممتر می کند.
رهبر دولت ایران قبلا تئوری "نرمش قهرمانانه" را ارائه داده بود، اما معلوم نبود که مقصود او واقعا جیست، با این رویکردها معلوم شد که مقصود او نرمش و تمکیني است که رهبر نسبت به امریکا نشان می دهد، اما همراه با موضع تند در سخنراني و سرزنش دولتیان به ضعف و کوتاهی، تا شنوندکان بدانند که قهرمان میدان همجنان رهبر است حتی اکر عقب نشینی از مواضع و نرمش در برابر امریکا باشد.

استان کبک کانادا برای نقاب و برقع محدودیت وضع کرد



آمار دقیقی از زنانی که در استان کبک از روبنده استفاده می‌کنند موجود نیست

استان کبک کانادا، با تصویب قانونی جدید اعلام کرده از این پس زنانی که برای استفاده از خدمات عمومی به مراکز دولتی مراجعه می‌کنند باید صورت‌شان پوشیده نشده باشد. این محدودیت شامل خدمات شهرداری و وسائط نقلیه عمومی هم می‌شود.

بر این اساس، از این پس زنانی که با نقاب و برقع صورت خود را در انظار عمومی می‌پوشاندند باید به هنگام دریافت خدمات دولتی و در محل نهادهایی که مربوط به دولت است بدون روبنده حاضر شوند.

شورای ملی کبک که نهاد قانون‌گذاری در این استان فرانسوی زبان کانادا است روز چهارشنبه (۱۸ اکتبر) با ۶۶ رای موافق در برابر ۵۱ رای مخالف، این قانون مناقشه برانگیز را به تصویب رساند.

مقام‌های لیبرال کبک که از سال ۲۰۱۴ به قدرت رسیده‌اند لایحه مربوط به این قانون را از دو سال پیش طرح کرده بودند.

اکنون بر اساس این قانون، کارمندان دولت، افسران پلیس، معلمان، رانندگان اتوبوس، دکترها، ماماها، دندانپزشکان و تمامی کسانی که در نهادها و ساختمان‌هایی کار می‌کنند که از بیت‌المال برای اداره آنها هزینه شده، حق ندارند صورت خود را بپوشانند.

این قانون که منطق بنیادین پشت آن بسط سکولاریسم است همچنین کمک هزینه‌های دولتی مهدکودک‌ها و مراکز نگه‌داری از کودکان که در آنها آموزش‌های مذهبی ارایه می‌شود را هم قطع خواهد کرد.

در نص نوشته شده برای این قانون به مذهب اسلام اشاره نشده و تنها بروی پوشاندن صورت تاکید شده است اما منتقدان آن که احتمالا با تشکیل پرونده دولت استان کبک را به دادگاه‌های مدنی خواهند کشاند، می‌گویند با توجه به این که برقع و نقاب اکثرا از سوی زنان مسلمان به عنوان پوششی اعتقادی استفاده می‌شود، هدف اصلی این قانون مقابله با اسلام‌گرایی بوده است.

اما دولت کبک می‌گوید این قانون شامل همه انواع روبنده‌ها می‌شود و با هدف ایجاد محدودیت برای مسلمانان طراحی نشده است.

هم‌زمان حامیان حقوق زنان می‌گویند وضع چنین قوانینی می‌تواند برای حضور زنان مسلمان در جامعه، محدودیت ایجاد کند.

درمقابل، حامیان این قانون می‌گویند در متن آن پیش‌بینی شده در صورت درخواست زنانی که صورت‌شان را پوشانده‌اند، نهادها و مسئولان دولتی می‌توانند "استثنا" قایل شوند و امکانات ویژه ارایه خدمات به این زنان را بدون آن که روبنده‌شان را اجبارا بردارند، فراهم کنند.
با وجود این، درخواست "مستثنی" شدن از این قانون در شرایطی که "نگرانی‌های امنیتی و احراز هویت" وجود داشته باشد، ممکن است از سوی مقام‌ها پذیرفته نشود.
آمار دقیقی از زنانی که در استان کبک کانادا صورت‌شان را می‌پوشانند وجود ندارد اما یک تحقیق در سال ۲۰۱۶ مدعی است حدود ۳ درصد از زنان مسلمان در کانادا چادر به سر می‌کنند و سه درصد هم نقاب یا برقع بر صورت می‌زنند.
شماری از کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و بلژیک هم در چند سال گذشته قوانین مشابهی وضع کرده‌اند.

علی مطهری: نظر رهبر ادامه حصر است، رایزنی روحانی نتیجه نداشته

موضوع حصر و نیز ماجرای ممنوع التصویری محمد خاتمی بی‌نتیجه بو



علی مطهری می گوید که رایزنی های رئیس جمهور با آیت الله خامنه ای بر سر موضوع حصر و نیز ماجرای ممنوع التصویری محمد خاتمی بی‌نتیجه بوده است

ده است

علی مطهری نایب رییس مجلس ایران در ارتباط با ادامه حصر خانگی رهبران معترضان به انتخابات ۱۳۸۸ گفت: "چون نظر مقام رهبری بر ادامه حصر است سایر مقامات به این موضوع وارد نمی‌شوند."

آقای مطهری امروز چهارشنبه ۱۹ آبان، در جریان یک نشست خبری در نمایشگاه مطبوعات تهران افزود: "روحانی هم فعالیت‌هایی داشته است در زمینه رفع حصر، چند بار با رهبر انقلاب صحبت‌هایی کردند و یا حتی ممنوع‌التصویری. اگرچه بنده معتقدم از همان ابتدا باید قوی‌تر عمل می‌کرد."

نایب رئیس مجلس دهم در عین حال با ذکر اینکه رئیس جمهور ایران در رایزنی های خود بر سر موضوع این موضوعات "یک مقدار منفعل عمل کرده" اظهار داشت: "این نقدی است که به ایشان وارد است."

یکی از شعارهای انتخاباتی حسن روحانی، ایجاد زمینه برای آزادی رهبران جنبش سبز از حصر خانگی بود اما مقام‌های دولت یازدهم می‌گویند تحقق این موضوع در اختیار آنان نبوده است. میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد، از بهمن ۱۳۸۹ در حصر خانگی قرار دارند.

این نخستین بار نیست که علی مطهری در مورد نظر رهبر جمهوری اسلامی ایران بر ادامه حصر خانگی رهبران معترضان به انتخابات ۱۳۸۸ سخن می گوید. وی در تیرماه ۱۳۹۳ هم گفته بود که آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به درخواست این نماینده در مورد رفع حصر از میرحسین موسوی و مهدی کروبی یا محاکمه قضایی آنان، با هر دو درخواست مخالفت کرده است.

جرم اینها بزرگ است و اگر امام بودند شدیدتر برخورد می‌کردند. اگر اینها محاکمه شوند حکمشان خیلی سنگین خواهد بود و قطعا شما راضی نخواهید بود. ما اکنون به اینها ملاطفت کرده‌ایمنقل قول تیرماه ۱۳۹۳ علی مطهری از آیت‌الله خامنه ای

آقای مطهری به نقل از رهبر جمهوری اسلامی ایران افزوده بود: "جرم اینها بزرگ است و اگر امام بودند شدیدتر برخورد می‌کردند. اگر اینها محاکمه شوند حکمشان خیلی سنگین خواهد بود و قطعا شما راضی نخواهید بود. ما اکنون به اینها ملاطفت کرده‌ایم."

در دی ماه ۱۳۹۱، اسماعیل احمدی مقدم فرمانده پلیس ایران گفته بود که آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر ایران شخصا اسامی میرحسین موسوی و مهدی کروبی را از میان "لیستی ۴۰ نفره" از معترضان به حکومت که قرار بوده زندانی شوند جدا کرده و مسئولیت برخورد با آنان را خود به عهده گرفته است.

علی مطهری در اظهارات امروز خود، با تاکید بر اینکه ادامه حصر خانگی بدون حکم قضایی "خلاف قانون اساسی است و قانونی نیست" تاکید کرد: "ما گاهی نظر خودمان را درباره رفع حصر اعلام می‌کنیم اما اینکه در عمل چقدر تاثیر داشته باشد به تصمیم مقامات عالی بستگی دارد."

وی در مورد "ممنوع التصویری و ممنوعیت نقل مطلب" از محمد خاتمی رئیس جمهور اسبق ایران هم گفت که چنین محدودیت هایی "بدون حکم قضایی قانونی نیست".

پیشتر، برخی اصولگرایان وضع این محدودیت را نیز مطابق نظر رهبر جمهوری اسلامی ایران دانسته بودند.

«دنیا در اختیار یک گروه نامریی است»

هانس یورگن یاکوبس

درباره مناسبات قدرت در سرمایه داری جهانی شده

برگردان: آرش برومند

منتشر شده در نگرش

ما معمولن فکر می کنیم که دنیا در اختیار سیاستمداران است که توسط مردم انتخاب می شوند. شاید هم فکر کنیم که متعلق به بانک ها و سرمایه است. من اما معتقدم که جهان متعلق به یک گروه تقریبن نامریی یعنی سرمایه گذاران است که میلیاردها و تریلیون ها وارد بازار می کنند و آن را به طور اساسی دگرگون می سازند؛ گروهی که اطلاعاتی بسیار کم از آن داریم و آن را به هیچوجه نمی بینیم.

توضیح مترجم

آنچه می خوانید مصاحبه کانال دوم تلویزیون آلمان با آقای هانس یورگن یاکوبس در مورد کتاب جدیدش است تحت عنوان «دنیا متعلق به کیست؟». این کتاب 680 صفحه ای، با کمک 20 خبرنگار خارجی «هندلس بلات» و 30 سردبیر موضوعات مختلف این نشریه تهیه شده است. آقای یاکوبس تا ابتدای سال 2016 یکی از دو مدیران اصلی نشریه «هندلس بلات» (نشریه معتبر تجاری آلمان) بوده است. سخنان آقای یاکوبس برای کسانی که نظام سرمایه داری را می شناسند، تازگی ندارد. راه حل ایشان نیز برای مبارزه با سرمایه مالی جهانی شده که به صورت افسار گسیخته دنیا را به کام بحران و آشوب می کشاند نیز، جستجوی راهی است در چارچوب نظام سرمایه داری.

اهمیت این مصاحبه اما در نکته های زیر است:

1. این سخنان از زبان کسی جاری می شود که نه چپگرا است، نه مروج اندیشه های سوسیالیستی و نه مدعی دگرگون ساختن نظام سرمایه داری است.
2. این سخنان نشان از یک گرایش دارد. چنین به نظر می رسد که در میان محفل های مربوط به سرمایه داران، گروه هایی در حال شکل گیری اند که از پیامدهای جهانسوز لیبرالیسم نو، که منافع شان را به خطر می اندازد، هراس دارند. به نظر می رسد که در آینده باید منتظر شدت گیری انتقادها نسبت به سیاست های نولیبرالی از درون خود محافل سرمایه داری بود.

می توان امیدوار بود که چنین پژوهش های روشنگرانه و راهجویانه هر چه بیشتر افزایش یابد و به جنبشی دمکراسی گسترانه، برای محدود کردنِ قدرتی که خارج از کنترلِ عمومیِ قرار دارد، یاری رساند.

***

آقای یاکوبس! جهان متعلق به چه کسی است؟

در هر حال متعلق به آنهایی نیست که فکر می کنیم، مال آنها است. ما معمولن فکر می کنیم که دنیا در اختیار سیاستمداران است که توسط مردم انتخاب می شوند. شاید هم فکر کنیم که متعلق به بانک ها و سرمایه است. من اما معتقدم که جهان متعلق به یک گروه تقریبن نامریی یعنی سرمایه گذاران است که میلیاردها و تریلیون ها وارد بازار می کنند و آن را به طور اساسی دگرگون می سازند؛ گروهی که اطلاعاتی بسیار کم از آن داریم و آن را به هیچوجه نمی بینیم.

یعنی چه؟ آیا صحبت از ساختارهایی است که در برابر کنشگرانی که در آلمان و یا کشورهای دیگر در کارند، آشکار نیستند؟

اینها آشکار نیستند، چون این گروه بندی از قِبَلِ عموم و توسط آنها حیات پیدا نمی کند. آنها احتیاط و رازداری را دوست دارند، چون پول بسیار زیادی که متعلق به دیگران است را به حرکت درمی آورند. اینها محل گردآوری سرمایه اند؛ شرکت های مالی بزرگی که پول شان را از موسسه ها، از افراد ثروتمند، از صندوق های بازنشستگی و صندوق های دولتی دریافت می کنند و این پول را در همه جای دنیا سرمایه گذاری می کنند تا بازده بدست آورند. آنها از قِبَلِ این امر زندگی می کنند که اطلاعاتی در مورد معیارها و رفتارشان ندهند. آنها در کمیته های نظارتی (Aufsichtsrat) موسسه های اقتصادی به هیچوجه حضور ندارند. به همین دلیل اطلاع کمی در مورد آنان داریم.
این به معنای آن است که آنان زندگی خودویژه ای دارند که قابل کنترل نیست و در آنِ واحد تاثیر و نفوذ بسیار زیادی دارد.
تاثیر، واژه خیلی ملایمی در این مورد است. آنها صاحب **قدرت اند**. آنها صاحب **قدرت واقعی** در سیستم اقتصاد جهانی اند، به این دلیل ساده که مبالغ هنگفتی را به کار می اندازند. برای مثال گروه بندی «مدیریت دارایی ها» (باصطلاح شرکت های Asset management) در مجموع، سالانه مبلغی حدود 80 تریلیون دلار سرمایه گذاری می کنند. این رقم، ثروتِ اداره شده است. هشتاد تریلیون دلار! این مبلغ بیش از همه کالاها و خدماتی است که سالانه در کل کره زمین تولید می شود. این آن تناسبی است که منظور نظر ما است.
آدمی مثل لری فینک (Larry Fink) از شرکت «بِلَک راک» (Blackrock)، بزرگترین شرکت مدیریت دارایی ها از نیویورک، حدود 5 تریلیون دلار در اختیار دارد که وارد بازار می کند. برای مقایسه، هزینه بودجه آلمان فدرال سالیانه 300 میلیارد یورو است و تولید ناخالص داخلی آلمان در کل خود حدود 3 تریلیون یورو است. پولی که در اختیار آقای فینک است به مراتب بیشتر از ارزش آن چیزی است که در کل آلمان تولید می شود.
این به چه معنا است؟ چه تصوری می توان از آقای فینک داشت؟ او بر چه چیزهایی می تواند تاثیر بگذارد و با پولی که او به بازار می دهد، چه چیزهایی را می تواند هدایت کند؟
همه رییسان موسسه های بزرگ اقتصادی مرتب در نشست های اطلاع رسانی و کنفرانس هایی با این سرمایه گذاران حضور دارند. گفتگوهایی صورت می گیرند که هیچ فرد دیگری در آن حضور ندارد. «بِلَک راک» در هیچ کمیته نظارتی حضور ندارد، به استثنای شرکت «اَپِل».
به هر حال این نکته ای رسمی نیست. اینها گفتگوهای غیر رسمی اند. اما در این گفتگوها رییسان کنسرن های بزرگ می بایست کسب امتیاز کنند. آنان می بایست تاثیر خوبی از خود بجای بگذارند. در غیر این صورت پولی در میان نخواهد بود. یا اینکه پول کمتری از این مدیران دارایی های بزرگ دریافت خواهند کرد. او [لری فینک .م] همچنین قدرت خود را بطور مثال به این صورت اعمال می کند که نامه هایی اضطراری برای رییسان کنسرن های بزرگ می فرستد و به نکته های مشخصی اشاره می کند و فهرستی از معیارهای معینی وجود دارد که او می خواهد آنها در موسسه ها اجرا شوند. از جمله این که یک رییس هیات مدیره پس از پایان دوره کاری اش نباید به کمیته نظارت برود و رییس کمیته نظارت شود. در مورد نمونه بانک آلمان، لری فینک که بزرگترین سهامدار بانک آلمان است، مانع آن شد که جو آکرمان، پس از پایان دوره اش در سال 2012 مستقیمن اداره کمیته کنترل کننده را بدست گیرد.
این نفوذ و قدرتی است که مشهود و ملموس نیست. در مورد آن به هیچوجه صحبت نمی شود. اما در حالت های استثنایی مانند مورد آکرمان قابل بررسی و دنبال کردن است.

این نکته اما به این معنی است که اغلب انسان ها به هیچوجه نمی دانند که سرنوشت کشورشان در دست کیست؟
نه! این نکته را افراد انگشت شماری می دانند. این را هم نمی دانیم که در چه کنسرن هایی این شرکت های مالی سهیم اند. تنها «بِلَک راک» در آلمان توسط 9 صندوق سرمایه گذاری در تقریبن 11% بازار سهام آلمان سهیم است. این سهام ها متعلق به این شرکت است. 11% با 9 صندوق سرمایه گذاری! خیلی ها از این مساله مطلع نیستند.
حال شما کتابی نوشته اید تا این مساله را افشاء کنید. مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند؟ آیا برای همه جالب است بدانند که چه چیزی واقعیت اجتماعی شان را تعیین می کند؟ یا اینکه اینکتاب برای افرادی که در این محافل در تحرک اند نیز جالب است.
در جریان جهانی شدن، سرمایه هر چه بیشتری در نزد شرکت های کمتری گرد آمده است. این یک بُعد جدیدی از قدرت است. این بنگاه ها به صورت ناشناس عمل می کنند. در پس آنها اما انسان هایی وجود دارند. این شرکت ها همچنین از برنامه های رایانه ای استفاده می کنند و آلگوریتم هایی برای سرمایه گذاری، اما تعیین کنندگان انسان ها هستند. ما فکر کردیم که این نکته را نشان دهیم. ما گفتیم که به این سرمایه بزرگ، که همواره از آنها بعنوان «بازارها» یاد می شود، چهره ای ببخشیم. و اینها افرادی هستند که مسئول اند برای سرمایه گذاری ها. فکر می کنیم که بخش های بزرگی از شهروندان به این موضوع علاقمندند؛ افرادی که به سیاست و اقتصاد علاقه دارند و می خواهند بدانند که چگونه نوسانات در بازار بورس صورت می گیرد و چگونه تصمیم به سرمایه گذاری گرفته می شود. این یک بُعد واقعی است. ما همواره رییسان هیات مدیره ها را می بینیم که در کنفرانس های مطبوعاتی ظاهر می شوند. اما این که آنان در واقع از طرف سرمایه گذاران هدایت می شوند و می بایست خوشایند آنان باشند، چنین بُعدی در برابر دیدمان قرار ندارد.
معمولن فکر می کنیم این سیاست است که سرنوشت کشور و یا تحول اجتماعی را تعیین می کند. با توجه به آنچه گفته شد، آیا سیاستمداران کنشگرانی مانند عروسک های خیمه شب بازی نیستند؟
حرکت بخش سیاست به کُندی صورت می گیرد و متوجه بازارهای ملی است. البته کنفرانس های بین المللی و تلاش هایی برای هماهنگ سازی وجود دارند. اما در هر حال توجه معطوف به کشور مربوطه است و زمان واکنش نشان دادن خیلی طولانی است. مدت زیادی برای تصمیم گیری لازم است. بازار سرمایه و بازار مالی کاملن فرق دارد. در آنجا تصمیم ها با سرعت نانوثانیه توسط رایانه ها گرفته می شوند. در اینجا تحرک تمام و کمال وجود دارد. تحرک سرمایه حرف اول و آخر جهانی شدن است. بخش سیاست نه موسساتی دارد و نه روش هایی که بتواند حریف چنین تحرکی شود.
آیا انشقاقی که در حال حاضر شاهد آنیم، یعنی فقیران فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر شوند، به طور فزاینده ای افزایش خواهد یافت؟
تراکم سرمایه در نزد شرکت های مالی بزرگ، در ابعادی که ما حتی تصورش را هم نمی توانیم بکنیم، منجر به تمرکز خواهد شد. تمرکز در بازار کالاها، تمرکز در شرکت ها (شرکت های بزرگ کمتری بر بازارها حاکم خواهند شد). و این منجر به تمرکز ثروت می شود؛ چنان که 1 درصد بالایی جمعیت جهان صاحب بیش از 50 درصد ثروت مالی جهان است. اینها پیامدهایی اجتناب ناپذیرند. این که چگونه با این مساله می شود برخورد کرد، امر حکومت های

ملی است و من معتقدم که در برابر این نیروی سرمایه در حال حاضر نیرویی از جانب سیاست قرار ندارد.

منبع:
https://www.zdf.de/kultur/aspekte/hans-juergen-jakobs-im-interview-102.html

ممانعت نیروهای امنیتی از خروج محمد خاتمی از منزل

گزارش شده نیروهای امنیتی مانع خروج محمد خاتمی رئیس جمهور اسبق ایران از منزل مسکونی خود شده‌اند.

سایت سحام نیوز، نزدیک به مهدی کروبی و حزب اعتماد ملی، نوشته برخی نهادهای امنیتی به آقای خاتمی اطلاع داده‌اند حق خروج ندارد و به محافظان وی نیز "دستور مشابهی مبنی بر ممنوعیت خروج رئیس دولت اصلاحات از منزل" داده شده است.

سایت کلمه هم خبر این ممانعت را منتشر کرده اما افزوده ممانعت ماموران امنیتی از خروج محمد خاتمی بی‌سابقه نبوده و "برای چندمین بار طی ماه‌های اخیر" صورت گرفته است.

با این حال، هر دو سایت نزدیک به اصلاح‌طلبان، در گزارش‌های جداگانه خود تاکید کرده‌اند ماموران امنیتی برای جلوگیری از خروج آقای خاتمی، در مقابل منزل وی حضور فیزیکی داشته‌اند.

سحام نیوز نوشت آقای خاتمی قرار بود "با وزرای سابق خود در بنیاد باران دیدار کند و این حصر موقت با هدف برهم زدن این دیدار صورت گرفته است."

مشخص نیست چرا جلوگیری از خروج رئیس دولت اصلاحات از طریق ابلاغ پیام صورت نگرفته و نیاز به حضور ماموران در محل بوده است.

سحام نیوز از یک شاهد عینی نقل کرده که "سه ماشین متعلق به یکی از نهادهای امنیتی" برای جلوگیری از خروج رئیس جمهور اسبق ایران در مقابل منزل او مستقر شده‌اند.

این پایگاه خبری اکنون گزارش می دهد که این سه اتومبیل محل را ترک کرده اند.

سایت کلمه نوشته که دادستانی در دو سال گذشته، در موارد دیگری هم جلوی خروج او از منزل را برای شرکت در مراسم خاص گرفته است.

۱۵ مهرماه، محمد انجام، وکیل محمد خاتمی، اعلام کرد که آقای خاتمی از آغاز مهر ماه جاری به مدت سه ماه از حضور در "مراسم عمومی سیاسی، فرهنگی و تبلیغی" منع شده است.

آقای انجام تاکید کرد "برگه‌هایی منتسب به یک مرجع قضایی" به آقای خاتمی داده شده که در آن "به تقاضا و صلاحدید برخی نهادهای امنیتی"، رئیس جمهور سابق ایران از حضور در جلسات عمومی منع می‌شود.

وکیل محمد خاتمی افزود پیش از این هم دستورهایی برای ممانعت از حضور آقای خاتمی در مجالس عمومی به او داده می‌شده، اما این دستورها موردی و درباره جلسه‌ها یا اشخاص به‌خصوص بوده اند.

همزمان، حسن روحانی، رئیس جمهور بدون نام بردن مستقیم از محمد خاتمی -و با اشاره به فراخوان او در آستانه انتخابات ریاست جمهوری برای شرکت مردم در انتخابات- به محدودیت‌های اعمال شده برای او اعتراض کرد.

این در حالی است که در مقابل، غلامحسین محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضاییه، گفت در مورد آقای خاتمی "اقدام جدیدی صورت نگرفته و همان محدودیت های قبلی بوده که هر چند قت یک بار نامه‌ای به ضابطان داده می‌شده و همین دستور گذشته باز هم صادر و تمدید شده است".

نام نهاد امنیتی مشخصی که خواستار محدودیت حضور محمد خاتمی شده و ماموران آن امروز در مقابل منزل او حضور یافته‌اند، اعلام نشده است. با این حال، مشخص شده نهادی قضایی که وضع محدودیت‌های جدید برای آقای خاتمی را ابلاغ کرده، دادستانی ویژه روحانیت بوده است.

دادستان دادگاه ویژه روحانیت ایران، ابراهیم رئیسی، از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ ایران است.

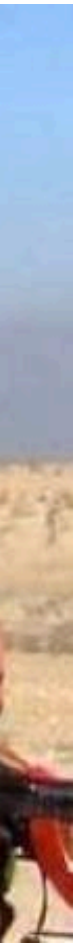
در رثای شیر صحرای سوریه؛ فرمانده اسماعیلي دُروزي

سرلشکر عصام زهرالدین، معروف به شیر صحرای سوریه، مدافع چهار ساله شهر دیرالزور در زمان محاصره، ساعتی قبل بر اثر انفجار مین های کار گذاشته شده در غرب شهر دیرالزور به شهادت رسید.

سرلشکر عصام زهرالدین، معروف به شیر صحرای سوریه، مدافع چهار ساله شهر دیرالزور در زمان محاصره، ساعتی قبل بر اثر انفجار مین های کار گذاشته شده در غرب شهر دیرالزور به شهادت رسید.

به گزارش «تابناک»، این مین در منطقه «حویجه صکر» دیرالزور منفجر شد و منجر به شهادت این فرمانده دلیر دروزی شد.گفتنی است، فرمانده دروزی‌های سوریه در این سال ها، بارها کفایت و توانمندی خود را در عرصه نظامی و دفاع از سوریه با شکست داعش در نبردهایی که هم برای سوریه و هم برای داعش حکم مرگ و زندگی در شرق این کشور را داشت، به اثبات رساند.

شهید عصام زهرالدین، فرمانده گارد ریاست جمهوری سوریه بود که از زمان آغاز بحران در عملیات مهمی از جمله پاکسازی غوطه شرقی شرکت داشت؛ شهید عصام در جریان محاصره شدن شهر دیرالزور با تعدادی از یارانش به این شهر رفت و با مقاومت چهار ساله از نفوذ تروریست های داعش به شهر محاصره شده دیرالزور جلوگیری کرد.



در همین رابطه، اخبار سوریه نوشته است: عصام زهرالدین که از او به عنوان فرزند سویداء هم یاد می‌شود، هیچ وقت ننگ وطن‌فروشی را تحمل نکرد و پس از فرار مناف طلاس به خارج، تقریبا جای او را در گارد ریاست جمهوری گرفت. چندی بعد به دلیل اعتماد بالایی که به او می‌رفت، از طرف فرماندهی ارتش سوریه ماموریت حفظ دیرالزور شد.

او در سال‌هایی که شهر در محاصره کشنده و بی‌سابقه‌ای بود، در برابر بیش از هشتاد عملیات سنگین داعش ـ که گاه تا بیست روز هم طول می‌کشید ـ مقاومت کرد و مانع از سقوط شهر شد. پشت او اما به بچه‌های حزب‌الله مستحکم بود که سه سال پیش برای کمک به وی راهی دیر شدند و تا روز شکست محاصره، کسی نمی‌دانست در این شهر همه مقاومت می‌کنند.

عصام زهرالدین نمونه عالی شیوه حکومت‌داری سوریه بود، او یک دروزی بود، نه سنی بود، نه علوی و نه شیعه. مانند داود الراجحه خدابیامرز که مسیحی بود و در انفجار شورای امنیت سوریه جان باخت. او فرماندهی ده هزار، شیعه، سنی، مسیحی، دروزی، آرامی، آشوری و علوی را

دیرالزور بر عهده داشت و در این مدت با حضور در خط مقدم نبردها، نام نیکی در تاریخ مبارزات ضدتروریسم و وطن‌پرستی از خود بر جای گذاشت.
تقریبا همه کسانی که با تحولات سوریه سر و کار دارند، نام او را شنیده و به دلیل شوخی‌ها و رفتارهای پدرانه‌اش، همه رزمندگان و درجه‌داران و افسرانی که در شهر با او همکاری می‌کردند، دوستش داشتند.
نبود عصام، ضربه مهلکی بر پیکر ارتش سوریه است. همه خانواده او در سوریه لباس رزم بر تن کرده و در حال نبرد با تکفیری‌ها هستند. برادرش فرماندهی جبهه القنیطره را دارد و فرزندش ماه‌ها دوش به دوش پدر در دیرالزور جنگید.
همین سه هفته پیش بود که پس از مدت‌ها راهی زادگاهش شد و استقبال باشکوهی از او کردند، او فخر دروزی‌های سوریه و جهان بود و همه اهالی سویداء به او افتخار می‌کردند و نامش را به نیکی می‌برند. به جرأت می‌توان گفت که اگر وجود او و برادرش نبود، خیلی‌ها در این استان حاضر به پوشیدن لباس رزم نبودند. او زنده ماند تا شکست محاصره شهر را ببیند، اما زنده نماند تا بیرون راندن آخرین داعشی را از دیرالزور و خاک سوریه شاهد باشد.
با وجود حسادت‌هایی که در ارتش سوریه به او می‌شد و برخی‌ها او را شومن می‌نامیدند، اما واقعیت آن است که در کنار سهیل حسن، نامش در تاریخ نبردهای سوریه به یادگار خواهد ماند و مجسمه‌اش در ورودی‌ها و میدان‌های شهرهای سوریه یادگار سرداری است که از خاک وطنش پاسداری کرد.
بعید نیست با نزدیك بودن فتح نهايي ديرالزور؛ و افزايش زمينه ارتقاي عالي او در جايگاه نظامي كشور سبب شده باشد كه برخي معاندان مقدامات شهادتش را فراهم ركده باشند.

مفتي اعظم سوريه در تشييع جنازه اش امروز كفت: هفته قبل با من تماس كرفت و كفت مشتاق لقاي خداوند شده ام، كفتم البوكمال جه مي شو د؟ كفت هستند كساني كه ادامه دهند!

علی مطهری خواهان شفاف‌سازی درباره 'محدودیت‌های جدید' محمد خاتمی شد

علی مطهری، نایب رئیس مجلس ایران خواهان شفاف‌سازی در باره "محدودیت‌های جدید " وضع شده علیه محمد خاتمی، رئیس‌جمهوی سابق این کشور شده است.

چند روز پیش نیروهای امنیتی مانع خروج رئیس‌جمهوری سابق ایران از منزل خود شدند. گفته شد آقای خاتمی قرار بوده با وزرای سابق خود در بنیاد باران دیدار کند اما نیروهای امنیتی مانع شدند.

حسین نجات، جانشین رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران اخیرا گفت محدودیت‌های آقای خاتمی "همان‌هاست که سال ۸۹ تصویب شده و چیز جدیدی نیست."

- **ممانعت نیروهای امنیتی از خروج محمد خاتمی از منزل**
- **پسر کروبی می‌گوید قرار است به رهبران اعتراض‌های ۸۸ اجازه دهند با افرادی دیدار کنند**

آقای مطهری در سایت شخصی خود گفته است "خوب است متن مصوبه مورد نظر جناب آقای نجات به اطلاع عموم برسد."

هنوز به طور دقیق مشخص نیست محدودیت‌های جدیدی علیه آقای خاتمی وضع شده یا نه.

آقای مطهری گفته است چنین اقدام‌هایی خلاف قانون اساسی است و قوه قضائیه باید پس از مراحل قانونی در دادگاه، در این موارد تصمیم بگیرد.

نایب رئیس مجلس ایران گفته است "نمی شود عده‌ای در پشت پرده تصمیماتی بگیرند و هرچند وقت یک بار از نزول آیه‌ای خبر بدهند و به هیچ کس هم پاسخگو نباشند، نه به مجلس و نه مستقیما به مردم."

مهدی کروبی، میر حسین موسوی و زهرا رهنورد، رهبران جنبش اعتراضی سال ۸۸ بیش از شش سال است که در حصر خانگی هستند و آقای خاتمی هم با محدودیت‌هایی برای دیدارهای عمومی مواجه بوده است.

آقای مطهری گفته است "عده‌ای ناشناخته مصلحت نظام را تشخیص می‌دهند و هرکس را که صلاح بدانند در حصر و محدودیت قرار می‌دهند و هر وقت هم صلاح بدانند، مثلاً نزدیک به موت او، وی را آزاد می‌کنند."

- **علی مطهری: نظر رهبر ادامه حصر است**
- **مطهری: 'تصمیم ملی حصر' نباید خلاف قانون باشد**

علی مطهری تاکنون بارها خواهان رفع حصر خانگی این افراد شده است. او سال پیش گفته بود "چون نظر مقام رهبری بر ادامه حصر است سایر مقامات به این موضوع وارد نمی‌شوند".

شیرین هانتر استاد دانشگاه جرج تاون؛

آمریکا نه شاه قوی را دوست داشت و نه جمهوری اسلامی قوی را دوست دارد

صرف نظر از اینکه سرنوشت برجام چه خواهد شد، مسأله این است که آیا آمریکا حاضر است جایگاه منطقه‌ای ایران را بپذیرد یا می‌خواهد مسأله ایران را یک بار و برای همیشه مطابق میل خود حل کند. مسیر دوم بسیار خطرناک و پرهزینه است و هیچ تضمینی هم وجود ندارد که به موفقیت برسد. مسأله این است که سابقه آمریکا اصلا امیدوارکننده نیست.

دونالد ترامپ در سخنرانی خود برای اعلام رویکرد جدید آمریکا در قبال ایران، ایران را دلیل همه مشکلات در خاورمیانه و جنوب غربی آسیا معرفی کرد. ترامپ حتی تا آنجا پیش رفت که ایران را به حمایت از طالبان و القاعده متهم کند که هر دو دشمن قسم خورده ایران و شیعیان هستند.

به گزارش «تابناک»؛ شیرین هانتر استاد و پژوهشگر دانشگاه جرج تاون در تحلیلی درباره ریشه خصومت دولت آمریکا، این فرضیه که دولت‌های آمریکا در دوره قبل از انقلاب اسلامی حاضر به پذیرش ایران به عنوان یک متحد بوده‌اند، زیر سؤال برده و دلیل دشمنی فزاینده آمریکا با ایران را در این می‌داند که صرف‌نظر از نوع حکومت ایران، آمریکا دوست ندارد ایران به جایگاه یک قدرت متوسط جهانی برسد.

به نوشته خانم هانتر، جدی‌ترین بخش سخنان ترامپ علیه ایران، تهدیدات وی علیه برجام بود که ممکن است دو طرف را به سوی یک رویارویی نظامی ببرد، خواه این رویارویی در قالب حمله مستقیم آمریکا به ایران باشد و یا در پوشش ادعاهای ضدتروریستی که آمریکا علیه ایران مطرح می‌کند.

آنهایی که به تحولات اخیر در روابط ایران و آمریکا تمرکز دارند، روند خصمانه روابط ایران و آمریکا را به رفتارهای ثبات‌زدا و ایدئولوژیک ایران منتسب و ادعا می‌کنند که آمریکا با ایران قبل از انقلاب هیچ مشکلی نداشت و اگر حکومت فعلی ایران نیز تغییر کند، آمریکا با ایران مشکلی نخواهد داشت.

روشن است که ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران که ترکیبی از چپگرایی دهه 1960 و 1970 و اصول اسلامی است، رویکردی خصمانه نسبت به ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن دارد. ایران با همه جنبش‌های انقلابی که قبل از دهه 1990 در صحنه جهانی ظهور کرده بودند، تمایل داشت که ایدئولوژی خود را به سایر نقاط جهان صادر کند.

با وجود این، ایدئولوژی و سیاست‌های ایران در 25 سال گذشته شاهد تغییرات زیادی بوده و دیدگاه‌ها و سیاست‌های متفاوتی مطرح شده و افراد متفاوتی سیاست خارجی ایران را در دست داشته‌اند. با این حال، در این دوره، هر زمانی که ایران به سوی آمریکا قدم برداشته، آمریکا ایران را پس زده است. در مقابل، آمریکا تنها زمانی به سراغ ایران رفته است که مثلا مانند زمان جنگ خلیج فارس در سال 1991 و یا بعد از حملات یازده سپتامبر در سال 2001 به این کشور نیاز داشته است.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، اینکه چرا هیچ گاه آمریکا نخواسته است در روابط با ایران به یک آرامش و حالت عادی برسد. پاسخ به این پرسش به پویایی‌های نظام بین‌الملل و جایگاه ایران و آمریکا در این نظام برمی‌گردد.

بسیاری از آنان که از وضعیت فعلی روابط ایران و آمریکا شکایت دارند، نگاهی نوستالژیک به رابطه دو کشور در زمان شاه دارند. با وجود این، در واقع آمریکا هیچ گاه شاه و ایران را یک متحد غیر قابل جایگزینی مانند عربستان سعودی و یا ترکیه در نظر نمی‌گرفت.

برای مثال، به رغم اصرار شاه، آمریکا از امضای پیمان امنیتی با ایران سر باز می‌زد. آمریکا، کمک اقتصادی محدودی در اختیار ایران قرار می‌داد و آماده بود که تغییرات سیاسی و اجتماعی در ایران را آزمایش کند در حالی که چنین تغییراتی را در آمریکای لاتین، آسیا و دیگر نقاط خاورمیانه تحمل نمی‌کرد. برای مثال، دولت کندی، شاه را بسیار تحت فشار قرار داد تا دست به اصلاحات مورد نظر آمریکا بزند که همین تغییرات سبب رویارویی فرهنگی و اجتماعی با حکومت شاه شد که سرانجام به انقلاب اسلامی منجر شد. کارتر هم به نوبه خود، موضوع حقوق بشر را در دستور کار قرار داد که باعث ارسال سیگنال‌هایی غلط به مخالفان شاه شود و سرانجام به سقوط شاه کمک کرد.



حتی اسرائیل و عربستان سعودی که اکنون بسیار برای دوره شاه ابراز دلتنگی می‌کنند، در زمان‌هایی اقداماتی کردند که به سقوط شاه کمک کرد. عربستان از قدرت خود در بازار نفت استفاده کرد تا اقتصاد ایران را در سال 1976 با مشکل مواجه کند. اسرائیل نیز که از برخی تحرکات شاه برای نزدیک شدن به سازمان آزادی‌بخش فلسطین و همچنین دولت حافظ اسد، عصبانی بود، از نفوذ خود در امریکا برای هشدار دادن به ایران استفاده می‌کرد. در غرب از بلندپروازی‌های شاه شکایاتی وجود داشت و همین تصور، یکی از دلایل کم‌توجهی غرب به روندی بود که نهایتا به انقلاب سال 1357 ایران منجر شد.

رویکرد آمریکا به ایران، ناشی از بی‌علاقگی ذاتی آمریکا به ایران است. بریتانیا هم همین گونه بود. سر دنیس رایت، سفیر بریتانیا در ایران در دهه 1960 بهترین توضیح را در این باره دارد و مدعی شده است که بریتانیا هیچ گاه برای ایران آن قدر ارزش قائل نبود که آن را به یک مستعمره کامل تبدیل کند. ولی بریتانیا، ایران را به صورت حائلی مناسب در نظر می‌گرفت که در راه قدرت‌های رقیب مانند روسیه قرار بگیرد؛ بنابراین، سیاست بریتانیا در برابر ایران این بود که این کشور را در حال احتضار نگاه دارد، ولی به مردن آن راضی نباشد تا از آن به عنوان حائلی در برابر روسیه استفاده کند.

آمریکا نیز اساساً رویکرد بریتانیا در برابر ایران را ادامه داده است: ایران را نیمه زنده نگاه دارید تا قدری در برابر شوروی مقاومت کند تا فرصت کافی برای حفاظت از منافع مهم‌تر و حیاتی‌تر آمریکا در خلیج فارس وجود داشته باشد. آمریکا هیچ گاه راضی نبود که ایران به موقعیت یک متحد قدرتمند آمریکا برسد زیرا از چالش‌های احتمالی بعدی که قدرت ایران ایجاد می‌کند نگران بوده است.

در اواخر دهه 1970 هیچ کس باور نداشت از دل مخالفت‌ها با شاه حکومتی مانند حکومت بعد از انقلاب و به ویژه حکومت بعد از استعفای مهندس بازرگان سر بر آورد. در واقع بیشتر ناظران تصور می‌کردند که حکومت پادشاهی با حکومت ملی‌گرای ملایمی جایگزین خواهد شد که

بلندپروازی‌های شاه را ندارد و روابط خوبی هم به غرب خواهد داشت، چیزی شبیه به یک مصدق آرام!

فروپاشی شوروی با تغییر توازن قوا در سطح بین‌المللی و از بین بردن خطر نفوذ شوروی، ارزش ایران به عنوان یک منطقه حائل را نیز از بین برد. در واقع تغییر سیاست آمریکا در قبال ایران و رسیدن به سیاست عدم تعامل و توافق با ایران به سال 1987 بر می‌گردد؛ یعنی به زمانی که اصلاحات گورباچف در شوروی آغاز شد. از آن سال به بعد، آمریکا هیچ راه حلی جز تسلیم کامل ایران را برای حل مشکلات خود با ایران قبول ندارند. برای مثال، ایران در سال 2003، به آمریکا پیشنهاد کرد که حساس‌ترین مسائل اصلی مورد اختلاف بین دو کشور روی میز مذاکره قرار بگیرد ولی آمریکا این پیشنهاد را رد کرد.

بعد از سال 2003، رویکرد آمریکا در قبال ایران به تجزیه تدریجی ایران از طریق اعمال فشارهای شدید تحریمی تغییر کرد. برجام برای این طراحی شد که جلوی رسیدن ایران به سلاح هسته‌ای گرفته شود بدون این که اجازه داده شود ایران توان اقتصادی آسیب دیده خود را احیا کند. هدف آمریکا همچنان این است که ایران را در حالت احتضار نگاه دارد.

سر جمع این که آمریکا از تبدیل ایران به یک قدرت متوسط قابل اعتنا نگران است. قدرت‌های بزرگ از قدرت‌های متوسط متنفرند. قدرت‌های متوسط حاضر به شراکت و اتحاد هستند ولی نمی‌پذیرند که پیرو یک قدرت بزرگتر باشند و به نظرات آنها بی‌توجهی بشود.

همین مسأله در مورد رقبا و دشمنان منطقه‌ای ایران صادق است. آنها دوست دارند ایران تحریم شود و مورد حمله قرار بگیرد، نه به این دلیل که ایران تهدیدی واقعی برای امنیت آنهاست، بلکه برای اینکه آنها ایران بالقوه قدرتمند را دوست ندارند. این ناراحتی از قدرت نظامی ایران فراتر رفته و آنها حتی با قدرت فرهنگی ایران نیز مشکل دارند. وقتی شهاب حسینی بازیگر ایرانی جایزه بهترین بازیگر جشنواره کن در سال 2016 را به دست آورد، تحلیلگران سعودی، وی را از قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس هم خطرناکتر تصور می‌کردند.

هر دولتی در ایران، صرف نظر از ایدئولوژی و جهت‌گیری آن، قصد خواهد داشت که ایران به جایگاه بالقوه خود برسد و با آن به چشم یک بازیگر قابل اعتنای منطقه‌ای و جهانی نگاه شود. بسیاری مدعی هستند که برای رسیدن به این وضعیت، ایران باید به هنجارها و قواعد بین‌المللی احترام بگذارد، ولی اگر به تاریخ توجه شود، حتی وقتی مانند دهه 1970، ایران مطابق میل غرب رفتار می‌کرد و نقش ثبات‌دهنده‌ای در خاورمیانه داشت، باز هم در منطقه به تمایلات توسعه‌طلبانه و رفتار مانند ژاندارم منطقه متهم می‌شد.

صرف نظر از این که سرنوشت برجام چه خواهد شد، مسأله این است که آیا آمریکا حاضر است جایگاه منطقه‌ای ایران را بپذیرد و یا این که می‌خواهد مسأله ایران را یک بار و برای همیشه مطابق میل خود حل کند. مسیر دوم البته بسیار خطرناک و پرهزینه است و هیچ تضمینی هم وجود ندارد که به موفقیت برسد، ولی مسأله این است که سابقه بد آمریکا در منطقه و جهان اصلا امیدوارکننده نیست.

"انتخاب" رفتار زننده نماینده زن را بررسي مي كند

حمله توهین آمیز نماینده زن با "پایه میکروفون" به مقام دولتي، به دليل يك نزاع سخيف قومي!/ آیا نمایندگان از ابزارهای نظارتی مجلس ناآگاهند؟/ مردم درباره نمایندگانی که به جای «میکروفن» با «پایه میکروفن» صحبت می‌کنند، چه تصمیمی خواهند گرفت؟/ انفعال بیش از حد هیات رییسه و هیات نظارت بر رفتار نمایندگان

حمله یکی از نمایندگان زن مجلس به معاون استاندار خراسان رضوی، که فیلم آن دست به دست می چرخد، بیش از آنکه برای خود این نماینده حاشیه ساز بوده باشد، حیثیت پارلمان را خدشه دار کرده.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



حمله یکی از نمایندگان زن مجلس به معاون استاندار خراسان رضوی، که فیلم آن دست به دست می چرخد، بیش از آنکه برای خود این نماینده حاشیه ساز بوده باشد، حیثیت پارلمان را خدشه دار کرده است.

به گزارش «انتخاب»، ماجرا از این قرار است که معاون سیاسی استاندار خراسان رضوی حدود ده روز قبل، در یک جلسه در نیشابور از عبارت «خراسان غربی» استفاده کرد که با واکنش و اعتراض یکی از حاضران روبرو شد. با وجود گذشت این ده روز، هاجرا چنارانی، نماینده نیشابور در مجلس در جلسه دیگری که معاون استاندار در آن حضور داشت با الفاظی ناپسند به او حمله کرد و در حالی که عصبانیت او با وجود پادرمیانی حاضران فروکش نمی کرد، با پایه میکروفن به معاون استاندار حمله ور شد.

سال هاست سبزواری ها برای تشکیل استان خراسان غربی تلاش می کنند و نیشابوری ها با آن مخالفند. همین مسئله باعث بروز بحث هایی در این زمینه شده. صحبت های هاجر چنارانی هم در اعتراض به آنچه دامن زدن به این بحث از سوی استاندار خوانده می شود، مطرح شده بود. اما آیا این موضوع توجیهی برای از کوره در رفتن یک نماینده مجلس و انجام کارهایی است که فراتر از «یک نماینده» در شأن کلیت مجلس هم نیست.

نکته دیگر اینکه معاون سیاسی استاندار خراسان رضوی در همان جلسه پیشین که در آن عبارت خراسان غربی را به کار برد، با اعلام اینکه این عبارت اشتباه سهوی بوده و او قصد داشته تا به شهرهای غرب استان اشاره کند، از آن عذرخواهی کرده است.

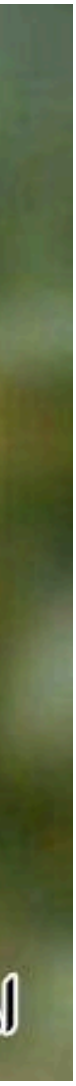
درباره رفتار عجیب این نماینده عضو فراکسیون ولایت، نکات زیادی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم.
اول اینکه از ماجرای مذکور ده روز گذشته بود. چگونه یک نماینده مجلس نمی تواند در این ده روز موضوع را هضم کرده و اگر اعتراضی دارد با اعصابی آرام و مسلط اعتراض خود را مطرح کند؟ داد و هوار کردن، پرتاب پایه میکروفن و به کار بردن الفاظی مانند «پاشو برو بیرون!»، «این (معاون سیاسی استاندار) سبزواری فکر می‌کند. کسی که سبزواری فکر می‌کند لیاقت استانداری و وزارت کشور را ندارد» حتی از شهروند عادی هم پذیرفته نیست چه رسد به نماینده مجلس. چگونه یک نماینده به جای اعتراض مدنی پشت میکروفن، حرف خود را با پایه میکروفن می زند؟
نکته دوم اینکه بحث درگیری سبزواری ها و نیشابوری ها بیش از آنکه یک موضوع رسمی و در شان مدیران و تصمیم گیران کشور باشد، یک جروبحث نازل بین دسته کوچکی از توده های مردمی این دو شهر است که نه تنها وجه جدی پررنگی ندارد بلکه جای طرح آن کری خوانی های نه چندان جدی و گاه بچه گانه و زرد است. حال چگونه می توان پذیرفت که یک نماینده مجلس سطح خود را تا این حد تنزل دهد که با این موج همراه شده و در یک جلسه رسمی با معاون استاندار درگیر شود؟ آیا می توان پذیرفت که دلیل اصلی عصبانیت این نماینده مجلس و از کوره در رفتن او صرفا همین موضوع باشد؟
نکته سوم اینکه اگر این نماینده اعتراضی به اظهارات معاون استاندار داشته، چرا از ابزارهای نظارتی خود که به واسطه نماینده بودنش در اختیار دارد بهره نگرفته است؟ ساده ترین این ابزارها، طرح سوال از وزیر کشور و درخواست توضیح از او بود. حتی می توانست به شرط منطقی بودن اعتراض و استدلالش حمایت سایر نمایندگان را هم در این زمینه به دست آورد. اما این نماینده نه تنها چنین کاری نکرده - و به گفته خودش فقط یک تذکر به وزیر کشور داده - بلکه عجیب ترین راه ممکن برای اعتراض را برگزیده؛ یعنی ده روز منتظر مانده تا آقای معاون را در یک مراسم رسمی پیدا کند و ناگهان به شکل غریبی به او بتازد. یعنی باید این واقعیت تلخ باور کنیم که یک نماینده مجلس حتی از ساده ترین ابزارهای نظارتی در اختیار خود هم ناگاه است؟
نکته چهارم، ثبت یک سابقه بد برای نمایندگان زن است. در حالی که بحث حضور زنان در پست های مدیریتی مدت هاست به یک خواسته اجتماعی تبدیل شده، بروز چنین رفتارهایی سابقه ذهنی بدی برای آنها ایجاد می کند. البته که به صورت منطقی نمی توان رفتار ناپسند یک خانم نماینده را به دیگران تسری داد اما بحث بر سر ذهنیتی است که می تواند در ذهن اقشاری از جامعه شکل بگیرد که هنوز به طور کامل بحث حضور زنان در پست های مدیریتی را نپذیرفته اند.
نکته پنجم در مورد سابقه این نماینده و برخی از دیگر نمایندگان مجلس در پدید آوردن حاشیه هایی اینچنینی است. هاجر چنارانی ۳۱ مردادماه سال 95 سوالی از محمد فرهادی وزیر علوم طرح کرده بود که در جریان توضیحات وزیر در وسط صحن آن قدر جیغ کشید و فریاد زد تا فرهادی مجبور شد پایین آمده، به وسط صحن جایی که او ایستاده بود بیاید و به او قول بدهد که خواسته‌اش را عملی می‌کند.
در تیرماه 95 چنارانی که پیشتر خودش خبر داده بود سخنران پیش از خطبه های نماز جمعه روز قدس است، وقتی فرماندرر وقت نیشابور پشت تریبون رفت، به نشانه اعتراض نماز جمعه را ترک کرد.
به جز چنارانی، زهرا سعیدی، نماینده مبارکه هم شهریورماه گذشته برخورد تندی با استاندار اصفهان بر سر کارگران فولاد مبارکه داشت، که پخش فیلم آن حاشیه ساز شد.
اما در هیچ یک از این موارد، برخورد مناسبی از سوی هیات نظارت بر نمایندگان مجلس صورت نگرفته است.
محمدجواد جمالی نوبندگانی، سخنگوی هیات نظارت بر رفتار نمیاندگان در پاسخ به این سوال که قرار است این موضوع در هیات نظارت بر رفتار نمایندگان بررسی شود، می‌گوید: «به طور کلی اگر شکایتی از جانب کسی که از طرف نماینده‌ای مورد تعرض واقع شده به هیات برسد قطعا موظف به رسیدگی آن هستیم.»
به گفته او، اگر شکایتی هم انجام نشود، «هیات رییسه مجلس می‌تواند موضوع را به ما ارجاع دهد. چون رییس هیات نظارت یعنی آقای پزشکیان خودش نایب‌رییس مجلس است و این ارتباط با هیات رییسه وجود دارد.»
او به این سوال که اگر هیات رییسه هم چنین کاری نکند، تکلیف چه می شود، پاسخ روشنی

نداده اما می توان این برداشت را کرد که هیات نظارت بر رفتار نمایندگان هم می تواند راسا به ماجرا ورود کند.
اکنون سوال اینجاست که چرا برخورد مناسبی از سوی این هیات با نمایندگان متخلف انجام نمی شود؟ البته طبیعی است که تقصیر اصلی به گردن خود نماینده است و اوست که باید شأن جایگاهش را حفظ کند اما یک نکته را هم نمی توان کتمان کرد و آن اینکه احتمالا مردم در دوره های بعدی با رصد رفتار نمایندگان تصمیم خواهند گرفت که به آنها رای بدهند یا نه ولی اگر کلیت مجلس هم به آن واکنش نشان ندهد، چه بسا به جریانی که اکثریت مجلس را در اختیار دارد هم بدبین شوند.

آلودگي تلویزیون حکومتی: جامعه، خانواده و تلویزیون چقدر در ماجرای سلفی شنیع با مقتول نقش دارند؟/ از سریال‌ها و فیلمهای فله‌ای جنایی تا زیاد شدن زحمت روانپزشکان توسط تریبون‌داران

قتل و در پی آن اقدام شنیع سوزاندن و سلفی با جسد که اخیرا در مهاباد اتفاق افتاده به علاوه چندین و چند اتفاق مشابه و دردناک، ریشه های اجتماعی خاص خود را دارد که از نحوه آموزش در خانواده و جامعه گرفته تا رسانه ها و تلویزیون را به چالش می کشد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



ماجرای قتل و آتش زدن جوان مهابادی توسط سه دوستش و اقدام شنیع آنها در خصوص سلفی گرفتن با مقتولی که روزی رفیقشان بود، فارغ از دلایل شخصی و انگیزه های آنی، بی تردید ریشه های جامعه شناختی و روان شناسی خاص خود را هم دارد.

به گزارش «انتخاب»، ماجرا به قدری دردناک و پرسروصدا بود که در همان ساعات اولیه، شایعات بسیاری در فضای مجازی درباه آن دست به دست شد؛ از خودکشی یکی از سه متهم تا مست بودن آنها هنگام قتل و ... علت این شایعات را باید در یک موضوع جستجو کرد و آن اینکه ارتکاب چنین جنایتی، «باورکردنی» نیست. اینکه چطور سه جوان دوستشان را به قتل برسانند؛ روز بعد به محل جرم برگردند و با مشاهده اینکه فرد مذکور هنوز زنده است، او را به آتش بکشند و سلفی بگیرند برای هیچ عقل سلیمی قابل باور نیست.

در توجیه چرایی این اتفاقات باید به ریشه های جامعه شناختی و روانشناختی ماجرا و نیز زمینه

سازی های ناخواسته رسانه ای به ویژه توسط تلویزیون توجه کرد.

هیجانات لحظه ای یا برنامه ریزی برای قتل؟

گفته ها و اعترافات بسیاری از افرادی که مرتکب قتل شده اند، نشان می دهد آنها از قبل برنامه ای برای جنایت نداشتند. به عبارت دیگر، خشم آنی در یک لحظه حساس باعث انجام جنایت شده است.

این موضوع نشان می دهد مدیریتی روی رفتارهای اشخاص در لحظات بحرانی که فرد به هر دلیلی دچار عصبانیت می شود وجود ندارد. ریشه این مشکل در آموزش نادرست مهارت های اجتماعی به افراد است. در زنجیره این آموزش، خانواده، مدرسه و جامعه همگی نقش دارند.

البته در مورد اخیر در مهاباد نمی توان گفت متهمان دچار هیجان آنی شده اند؛ بلکه باید زنجیره عوامل را برای آن جستجو کرد.

چه کسانی الگو شده اند؟

الگوهای جامعه ما در حال حاضر، از هنرمندان گرفته تا ورزشکاران و حتی بعضا افراد سیاسی، خود در بروز خشونت در جامعه نقش دارند. کافی است درگیری دو ورزشکار در زمین بازی بر اثر کوچکترین اتفاقات یک مسابقه را مشاهده کنیم. بی شک فردی که ورزشکار مذکور را الگوی خود قرار داده، در لحظات حساس و بحرانی نمی تواند بر خشم خود فائق آید.

بسیاری از ورزشکاران ما در خارج از زمین نیز الگوی به مراتب نامناسب تری برای هوادارانشان به شمار می روند. ورزشکاری را نظر بگیرید که هر روز با یک شمایل جدید وارد جامعه می شود؛ مدام دم از دین و مذهب می زند اما در نهایت، پرونده مخفی کاری مالی اش به یک رسوایی بدل می شود.

یا هنرمندی که خود را یک فرد مذهبی در جامعه معرفی کرده اما ناگهان آن روی خود را خواسته و ناخواسته به جامعه نشان می دهد. طبعا چنین افرادی در القای حس دورویی و خشونت در جامعه اثرگذارند.

در حوزه سیاسی نیز اوضاع به همین صورت است؛ ترویج اتهام زنی، ادبیات نامناسب و رواج دروغ در جامعه نتیجه خود را در آمار بزه های اجتماعی نشان می دهد. هشدار چندی پیش وزیر بهداشت در این زمینه جای نگرانی دارد. او گفته بود: امیدوارم سیاست‌گذاران، دولت، مجلس، خطبا، ائمه جمعه و هر کسی که در کشور تریبونی دارد زحمات روانپزشکان را زیاد نکند و اعصاب مردم را تحت تأثیر قرار ندهد، تهمت نزنند، اضطراب را تحمیل نکنند و اگر آبی برای شما نمی آورند کوزه را هم نشکنند تا شاهد کاهش اختلالات روانپزشکی باشیم.

تلویزیون و عادی سازی خشونت

بی تردید یکی از دلایل عادی شدن جنایت در جامعه، تکرار و تعدد مشاهده صحنه های خشونت آمیز است. در این میان رسانه ها، نقش اصلی را دارند و از همه بیشتر، تلویزیون. اینکه صداوسیمای حکومتي ایران ما، صرفا به دنبال خرید فیلم ها و سریال های ارزان قیمت فله ای جنایي و نیز انیمیشن های بی سر و ته است، نتیجه خود را در عادی سازی خشونت در جامعه و حتی تشویق به آن، نشان می دهد. این صداوسیماست که شرایط و زمینه های پخش آنها را در نظر نمی گیرد. مثلا سریال های حاوی صحنه های القاکننده خشونت را در ساعات نامناسب پخش می کند؛ یا برنامه ریزی مناسبی برای توالی سریال ها و فیلم ها ندارد؛ یا هشدارهای لازم را در خصوص آنها نمی دهد یا انیمیشن ها را بدون در نظر گرفتن شرایط سنی و نیز تطبیق آنها با جامعه ایرانی پخش می کند.

شوربختی آنجاست که حتی ساخته های داخلی تلویزیون و سریال های وطنی هم دست کمی از خارجی ها ندارند و در ترویج خشونت و القای استرس با آنها در رقابتند!

آنچه مسلم است اینکه در یک جامعه سالم، نمی توان انتظار داشت حوادثی مانند آنچه بر سر جوان مهابادی آمد، رخ دهد؛ به بیان ساده تر، جامعه ناسالم است که زمینه را برای بروز چنین حوادثی مهیا می کند.

چهار پسر جوان پس از قتل دوست صمیمی‌شان با ضربه‌های ساطور و چاقو، او را به آتش کشیدند و از تمام این اقدامات خود فیلم گرفتند. پلیس مهاباد، متهمان را دستگیر و بازجویی از آنها را آغاز

کرده است.

روزنامه جام جم در ادامه این مطلب می‌نویسد: سوم مهر امسال، یکی از چوپان‌های مهاباد با جسدی سوخته کنار جاده روبه‌رو شد و به پلیس خبر داد. با حضور ماموران در محل، جسد به پزشکی قانونی منتقل و شناسایی هویت او آغاز شد.

همزمان خانواده‌ای نیز با مراجعه به کلانتری از مفقود شدن پسر ۱۹ ساله‌شان به نام صادق خبر دادند و گفتند: «صادق دیشب همراه چهار نفر از دوستانش سوار خودروی پراید شد و از خانه بیرون رفت. آنها هم دانشگاهی و از دوستان چندین ساله هم هستند.»

پس از تشخیص هویت مشخص شد، جسد سوخته متعلق به صادق است.

با کشف این سرنخ، بازداشت متهمان به جریان افتاد و آنها در عرض ۲۴ ساعت از سوی پلیس دستگیر شدند و در بازجویی‌ها به قتل صادق به‌دلیل اختلافات شخصی اعتراف کردند.

همزمان با دستگیری متهمان، فیلمی از صحنه قتل پسر جوان به‌دست آمد که در آن متهمان از صحنه قتل و آتش زدن مقتول فیلم گرفته بودند.

صادق دانشجوی حسابداری بود و یک خواهر کوچک‌تر از خود دارد. یکی از بستگانش که فیلم لحظه قتل و آتش زدن او را دیده، درباره جزئیات حادثه به جام‌جم گفت: «هر چهار پسری که دستگیر شده‌اند بین ۱۸ تا ۲۰ سال دارند و همیشه در دانشگاه و بیرون با صادق بودند. آنها شب حادثه، صادق را به بهانه تفریح سوار پراید کردند و با هم به چند کیلومتری مهاباد رفتند اما در یک لحظه با ساطور و چاقو او را مجروح کردند و صبح روز بعد نیز در حالی‌که هنوز نفس می‌کشید با بنزین آتشش زدند.»

او درباره محتوای فیلمی که متهمان از صحنه قتل و سوزاندن تهیه کرده‌اند نیز گفت: «فیلم حدود ۱۵ دقیقه است و چندبار قطع و وصل می‌شود. اولین ثانیه‌های آن نیز صادق را در حالی‌که سرش زخمی است و به حالت نشسته بیهوش در صندلی عقب ماشین نشسته و سرش روی پالشتک خودرو افتاده، نشان می‌دهد. متهمان خیلی خونسرد و آرام هستند، صدای ضبط خودرو را بلند کرده‌اند و ماشین هم در حال حرکت است. آنها دستکش سفید دارند و به صورتشان نیز ماسک زده‌اند.»

وی افزود: «فیلم لحظه‌ای قطع می‌شود اما در شروع دوباره می‌بینیم متهمان ماشین را به بیرون از شهر برده‌اند و

در حال پیاده شدن از آن هستند. سپس با ساطور و چاقو ضرباتی به صادق می‌زنند. در این لحظه، صدای یکی از متهمان می‌آید که به دیگری می‌گوید برو تو هم بزن... داره بلند می‌شه...»
آشنای صادق، لحظه آتش زدن مقتول را نیز این‌گونه توضیح می‌دهد: «فیلم خیلی فجیع است و نمی‌توان به راحتی به آن نگاه کرد. ثانیه‌های آخرش، صادق را در حالی‌که در آتش است، نشان می‌دهد. آنها بنزین ریختند و او را آتش زدند. در بخشی از فیلم دو نفر از متهمان را دیدم که دوربین را بالا می‌آورند و ـ به حالت سلفی ـ ژست می‌گیرند.»
به گفته وی، مراسم تشییع صادق روز جمعه در مهاباد برگزار شد و پدر و مادر او نیز با حضور در دادسرا، درخواست قصاص کردند.
رئیس کل دادگستری آذربایجان‌غربی درباره حادثه به میزان گفت: «سوم مهر امسال، جسد سوخته مجهول‌الهویه در جاده‌ای روستایی کشف شد و بلافاصله ماموران و بازپرس شعبه اول دادسرای مهاباد در محل حاضر شدند.»
توکل حیدری با بیان این‌که جسد متعلق به صادق، متولد 77 است، افزود: در این زمینه چهار نفر دستگیر شده‌اند که سه نفر از آنها به اتهام مشارکت در قتل عمد با قرار بازداشت موقت و یک نفر دیگر هم به اتهام معاونت در قتل عمد با قرار وثیقه به زندان معرفی شدند.» وی با بیان این‌که تحقیقات تکمیلی درباره انگیزه متهمان ادامه دارد، افزود: «هر سه متهم به قتل، به انجام اعمالی که منجر به قتل شده اعتراف کرده‌اند.»

گزارش ویژه مشرق؛

۱۰ واقعیت که باید درباره نظام آموزشی آمریکا بدانید +تصاویر

نظام آموزشی آمریکا امروزه دیگر کارایی لازم را ندارد به گونه‌ای که کارشناسان معتقدند این کشور نیاز به یک انقلاب اساسی در حوزه آموزش دارد.

سرویس جهان مشرق- آموزش‌وپرورش و به‌طورکلی نظام آموزشی در جهان کنونی ما یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی است که در همه حال باید توجه ویژه بدان نشان داد و دلیل آن‌هم به‌طور روشن این است که دانش‌آموز یا دانشجو، ظرفیت و فرصتی است که در اختیار کشور قرار می‌گیرد و نیز، آینده کشور و تعیین سرنوشت آن در دستان این بخش از جامعه خواهد بود. بااین‌حال، وقتی به موانع و چالش‌هایی که در این راه وجود دارد نگاهی می‌اندازیم متوجه می‌شویم که برای فراهم نمودن زمینه برای این آینده‌سازان باید با مشکلات بسیاری دست‌وپنجه نرم کرد. مشکلات مذکور در کشورهای مختلف متفاوت است و راه‌های حل آنها نیز متفاوت است. در این گزارش قصد داریم به برخی از مهمترین مسائل نظام آموزشی ایالات‌متحده از نگاه کارشناسان مسائل آموزشی این کشور بپردازیم.



نظام آموزشی آمریکا امروزه دیگر کارایی لازم را ندارد

به عقیده کارشناسان آموزش ایالات‌متحده، نظام آموزش رسمی کنونی این کشور که روزگاری و در دوره انقلاب صنعتی برای رفع نیازهای اقتصادی کشور طراحی‌شده بود، دیگر پاسخگوی نیازهای فعلی نیست. در نظر آنان، این نظام آموزشی درگیر مشکلات کوچک و بزرگ بسیاری است که دیگر نمی‌توان به برطرف کردن جزئی نقایص اکتفا کرد، بلکه باید انقلابی در آن اتفاق بیفتد. در زیر به برخی از این نقایص اشاره خواهد شد.

۱- پایین بودن روزهای درسی

از میان ۵۰ ایالت آمریکا، ۳۰ ایالت مدارس خود را ملزم به داشتن تقویم ۱۸۰ روزه در سال می‌کند، مدارس ۲ ایالت بیش از ۱۸۱ روز کلاس دارند و مابقی بین ۱۷۱ تا ۱۷۹ روزه هستند. با این حساب، میانگین روزهای تحصیلی در ایالت‌های آمریکا ۱۷۵ روز خواهد شد که این به معنای آن است که دانش آموزان در غالب ایالت‌های آمریکا، بیش از آنکه وقت خود را در مدرسه بگذرانند خارج از آن هستند. هر چند برخی بر این باورند که این نسبت به معنای فرصت دادن بیشتر به دانش آموزان برای اثربخشی بیشتر آموزش است ولی بسیاری از کارشناسان معتقدند بار مالی تقویم‌های کلاسی طولانی‌تر بر دوش دولت و ایالت‌ها منجر به کوتاه‌تر شدن روزهای درسی شده است. این در حالی است که در کشورهای کره جنوبی (۲۲۵ روز آموزشی)، ژاپن (۲۲۳ روز آموزشی)، چین (۲۲۱ روز آموزشی)، انگلیس (۱۹۰ روز آموزشی) و کانادا (۱۸۸ روز آموزشی) که از آنها به‌عنوان کشورهای پیشرفته در این زمینه یاد می‌شود تعداد روزهای تحصیلی بیشتر است.

۲- درگیر نبودن والدین در آموزش کودکان به میزان کافی

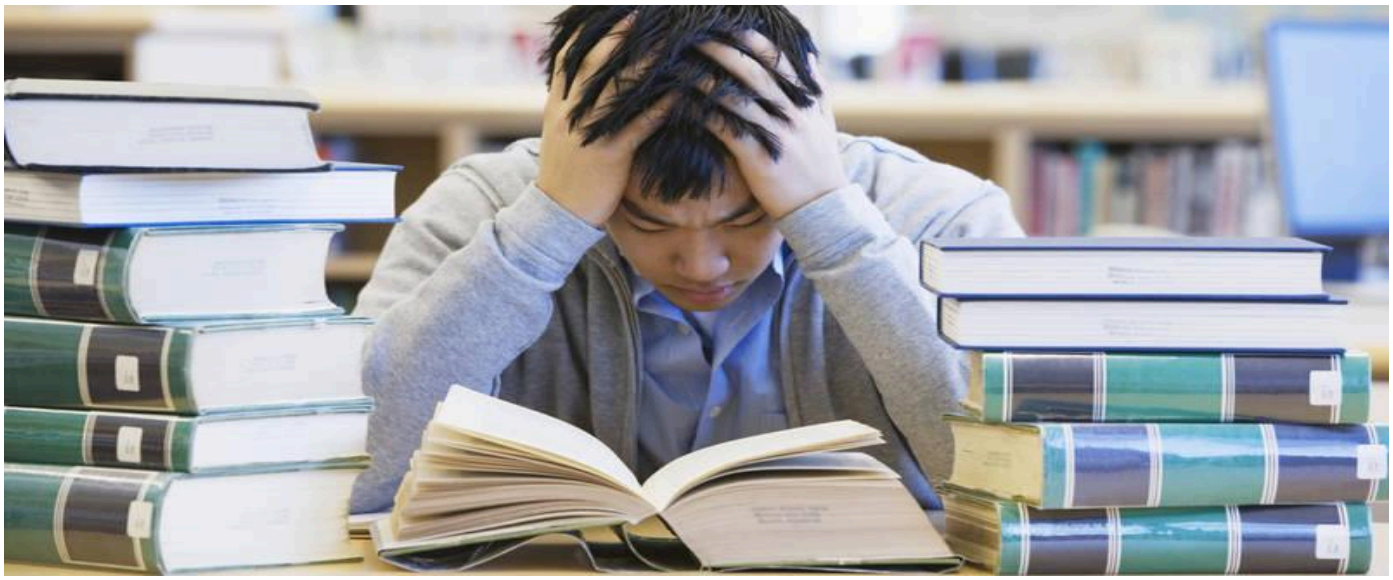
این مورد شاید مهم‌ترین مانعی باشد که معلمان نمی‌توانند بر روی آن کنترل داشته باشند. زمانی که در کلاس درس سپری می‌شود به‌هیچ‌وجه برای آموزش آنچه موردنیاز همه دانش آموزان است کافی نیست. لذا آنها باید آموزش

خارج از مدرسه داشته باشند. برای دانش آموزان با شرایط محروم اقتصادی و اجتماعی که غالباً سطح سواد والدینشان پایین است طبیعی است که این مسئله پیش آید اما مسئله درباره دانش آموزان سطوح بالاتر نیز روی می‌دهد. همچنین نگرانی بسیار والدین در خصوص شغل آینده فرزندانشان و عامل مالی، بر روی آنها اثر منفی گذاشته و این دانش آموزان بیشتر به مهارت‌هایی توجه نشان می‌دهند که شغل محور است و درآمد بیشتری در آینده برایشان به همراه خواهد آورد.

پروفسور میچو کاک، فیزیک‌دان مشهور آمریکایی-ژاپنی و از نظریه‌پردازان بزرگ فیزیک کنونی جهان معتقد است آمریکا بدترین سیستم آموزشی علوم را دارد

۳- ناکارآمدی سرفصل‌های آموزشی در بازار کار جدید

شغل‌های موردنیاز در کسب‌وکار جدید، نیاز به مدارک دانشگاهی نداشته اما نیاز به مهارت‌هایی اساسی دارند. برخی این مهارت‌ها عبارت‌اند از منطق تصمیم‌گیری، آشنایی با وب مدرن، تکنولوژی‌های موبایل و مهارت‌های نرم‌افزاری. اگرچه این مهارت‌ها در ذهن برخی افراد ساده و پیش‌پاافتاده هستند، جالب است بدانید درصد بالایی از فارغ‌التحصیلان دبیرستانی آمریکا، حتی توانایی مناسب برای صحبت کردن در جمع یا نگارش مطلبی ساده را ندارند. درصد بسیار بالایی از فارغ‌التحصیلان آمریکایی توانایی‌های ابتدایی پاسخ دادن به یک مشتری را نیز دارا نیستند. آنها نمی‌دانند چگونه تماس یک مشتری را پاسخ دهند، به مشکلات او گوش دهند، اهمیت مشکلات را درک کرده و پس از آنالیز صحیح، راه‌حل مناسب را ارائه دهند. عموم دانش‌آموزان و دانشجویان آمریکایی، حتی برای مشاغل خدماتی ساده نیز آماده نشده‌اند. با توجه به این‌که این‌گونه شغل‌ها نیز به‌مرور در حال از بین رفتن هستند، تربیت دانش‌آموزان برای در اختیار گرفتن شغل‌های مدرن‌تر، نه‌تنها یک ضرورت اقتصادی است، بلکه اهمیتی حیاتی برای جامعه است.



درصد بالایی از فارغ‌التحصیلان دبیرستانی آمریکا، حتی توانایی مناسب برای صحبت کردن در جمع یا نگارش مطلبی ساده را ندارند

۴- کلاس‌های شلوغ

هراندازه کلاس درس کوچک‌تر باشد کیفیت یادگیری بالاتر خواهد رفت. نتایج یک پژوهش توسط مرکز ملی آموزش در ایالات‌متحده بیان می‌کند که ۱۴ درصد کلاس‌های درس در این کشور، ظرفیت بیش‌ازحد مجاز دارند. درزمانی که دانش آموزان بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه بیشتر برای یادگیری هستند، کلاس‌های شلوغ باعث دشوارتر شدن تدریس، پایین آمدن تأثیرگذاری معلمان، عدم دستیابی به اهداف آموزشی و مشکلات بعدی در زمینه ظرفیت تحصیل پس از مدرسه خواهند شد. این مسئله به‌طور عمده به دلیل مشکلات مالی در برخی بخش‌ها و ایالت‌های آمریکا به وجود آمده است. به‌عنوان مثال، بخش فیلادلفیا هزاران کارمند خود را تعدیل کرده و مسئولان آن هشدار داده‌اند که امکان دارد برخی کلاس‌ها تا ۴۰ دانش‌آموز داشته باشند. بااین‌حال، بسیاری از بخش‌ها مقرراتی در زمینه محدود کردن ثبت‌نام ندارند.

در برخی مناطق کلاس‌های درس در آمریکا با جمعیتی بسیار بیشتر از حد استاندارد برگزار می‌شود





۵- سویه منفی فناوری در آموزش

باوجود توجه به فرصت‌هایی که فناوری برای دانش آموزان به همراه می‌آورد، این پدیده کار معلمان را بسیار سخت‌تر کرده است. در دنیای امروز آموزش و سرگرمی در بسیاری جهات مترادف یکدیگر شده‌اند. والدین به‌محض اینکه فرزندانشان توانایی کار با صفحه لمسی را پیدا کنند به دنبال بازی‌های آموزشی برای آنها می‌روند و این، نگهداری آنها در کلاس درس و شرایط آن را برای معلمانشان دشوار می‌کند. باوجوداینکه تقلب کردن در کلاس‌های درسی مسئله جدیدی نیست، اما استفاده از فناوری بعد جدیدی به آن داده است و دانش آموزان با استفاده از آن، آسان‌تر تقلب می‌کنند و مشکل اینجاست که تصور نمی‌کنند کار اشتباهی انجام داده باشند. مسئله تغییر خصوصیات نسل جدید آمریکایی‌ها نیز موضوع دیگری است که بیان می‌کند دانش آموزان نسل جدید دیگر مانند چند دهه قبل به دنبال بیمه، بازنشستگی نسبتاً زودهنگام و یک شغل شرافتمندانه نیستند. بلکه چیزی که آنها و نیز احتمالاً آمریکایی‌های جدید به دنبال آن هستند ثروتمند شدن به هر طریق است و در این راه اهمیتی ندارند که چه قوانینی باید زیر پا گذاشته شود و یا چندین نفر را باید خرید.

با تغییر منابع مطمئن درسی، دانش‌آموزان و دانشجویان در ایالات‌متحده دیگر به حرف‌های معلمان و استادان خود اطمینان ندارند

۶- ناتوانی در هماهنگ‌سازی آموزش با تفاوت‌های فرهنگی

در حال حاضر، سطح تنوع آموزش و محتوای درسی برای اقلیت‌های نژادی در آمریکا مانند اسپانیایی‌ها و سیاه پوست‌ها بسیار پایین است. علاوه بر محتوا، آمارها می‌گویند که تا سال ۲۰۲۴، اقلیت‌های نژادی در آمریکا بیش از نیمی از جمعیت کلاس‌های درس را تشکیل خواهند داد، درحالی‌که معلمان در اقلیت با همین سرعت تا آن زمان تنها ۲۰ درصد مربیان را تشکیل خواهند داد. یعنی سرعت رشد تعداد معلمان همنژاد که در یادگیری دانش آموزان تأثیر فراوانی دارند بسیار کندتر از سرعت رشد تعداد این دانش آموزان است. مشکل تنوع محتوا مختص برنامه دانش آموزان عادی نیست. به گونه‌ای که از ابتدای آموزش، دانش آموزان پیشتاز طرح‌های آموزش فردی دریافت می‌کنند اما باوجوداین ایده صحیح، غالب این برنامه‌ها در مدارس دولتی نگاهی یکنواخت و غیر جذاب دارند و این مدارس نیازمند شناسایی بهتر گونه‌های مختلف یادگیری پیشتازان هستند.

۷- ثابت ماندن بودجه آموزشی و دانشگاه‌های گران‌قیمت

باوجود رشد اقتصادی ایالات‌متحده، این حوزه همچنان در دوران رکود به سر می‌برد، بودجه مدارس (مهدکودک تا کلاس دوازدهم) سال‌هاست که ثابت مانده است. گزارشی از مرکز اولویت‌های بودجه و سیاست‌گذاری نشان می‌دهد که ۳۴ ایالت به نسبت سال‌های رکود، تأمین مالی پایین‌تری در این بخش دارند. ازآنجایی‌که ایالت‌ها مسئول ۴۴ درصد بودجه آموزشی کل در آمریکا هستند، این رقم ناامیدکننده نشان‌دهنده استمرار سیاست‌های ریاضتی در این حوزه علیرغم اقتصاد در حال رشد است.این در حالی است که تحصیل، تنها در مدارس عمومی ۱۲ ساله رایگان است و پس از آن، همه حتی کسانی که در کالج‌ها و دانشگاه‌های دولتی درس می خوانند ملزم به پرداخت هزینه تحصیل هستند.

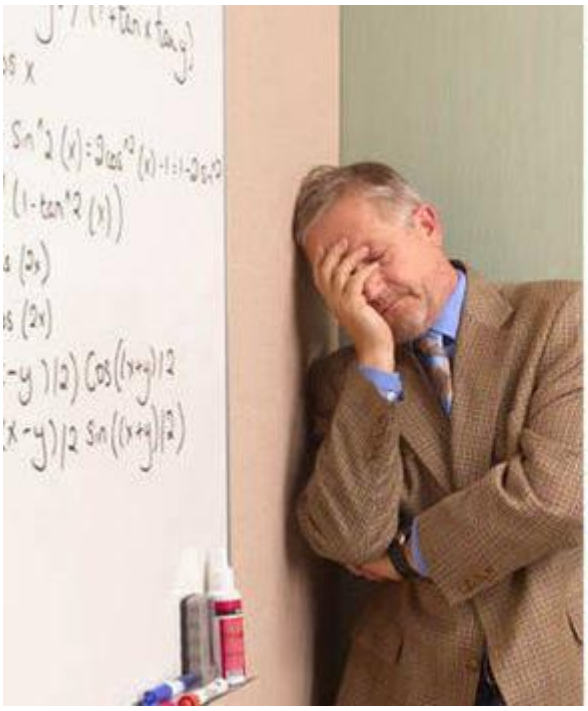


تحصیلات دانشگاهی در آمریکا کلا پولی است و حتی در دانشگاه‌های دولتی نیز باید هزینه تحصیل پرداخت شود.

۸- استفاده از روش‌های آموزش قدیمی به وسیله معلمان

کلاس‌های امروزی در ایالات‌متحده مملو از دانش‌آموزان پیچیده‌ای است که تجربه‌های بسیار بیشتری نسبت به گذشتگان خود از جهان دارند. به‌عنوان‌مثال، دسترسی سریع کودکان به دنیایی که بیرون از محیط زندگی آنها در جریان است باعث می‌شود آنها دیگر کودکان ساده دیروز نباشند و بنابراین، معلمان کار ساده‌ای پیش رو نخواهند داشت. آنها با ذهن‌هایی روبه‌رو می‌شوند که با اطلاعات و ایده‌های تصادفی پرشده‌اند، شکل گرفته‌اند و نیازمند تقویت یا احیا می‌باشند. بسیاری از دانش آموزان از اینکه کلاس‌هایشان خسته‌کننده و خشک است ناراضی‌اند و معتقدند آموزش همیشه منافاتی با سرگرمی ندارد. شاید به همین دلیل است که دانش آموزان دیگر به معلمان و والدین خود به‌عنوان منبعی مطمئن نگاه نمی‌کنند و وقتی سؤالی از آنها می‌پرسند در اینترنت به دنبال آن می‌گردند تا به پاسخی که شنیده‌اند اطمینان یابند. مسئله دیگر، ضعف نوآوری در آموزش معلمان است؛ بدین معنا که اگر دانش آموزان در حال تغییر هستند، معلمان نیز باید تغییر کنند. به‌طور خاص، آموزش دولتی در آمریکا نیازمند معلمانی است که بهتر پاسخگوی نیاز دانش آموزان خاص باشند، ضرورت نقش یادگیری از راه دور را دریابند و خواهان تغییر در کلاس درس باشند. چالش دیگر، چالش سودمندی همزمان معلمان رسمی برای معلم و دانش‌آموز است. یکی از مشکلاتی که معلمان رسمی به وجود می‌آورند، عملکرد ضعیف آنان است که باعث زیان دیدن دانش‌آموز می‌شود. از سوی دیگر، اتحادیه‌های معلمان معتقدند باوجود تغییرات مستمر آموزشی ازجمله سیستم‌های ارزشیابی، قانون معلم

رسمی لازم است تا از معلمان خوبی که ممکن است غیرمنصفانه برکنار شوند محافظت کنیم. بنا بر آمارها، از هر ۴ نفری که از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شوند تنها یک نفر برای کلاس‌های انگلیسی، ریاضیات، علوم و خواندن آمادگی کافی دارد.





۹- ضعف جایگاه اجتماعی معلمان

بنا بر پژوهش‌های صورت گرفته، میزان علاقه‌مندی آمریکایی‌ها به آموزش در حال کاهش است. ۳ اولویت کشور به ترتیب اقتصاد، ایجاد اشتغال و تروریسم هستند و باوجوداینکه کیفیت آموزش می‌تواند با این مسائل عمده در ارتباط مستقیم و یا حتی به هم وابسته باشند، همچنان آموزش در اولویت قرار ندارد. «استیون پاین»، از پژوهشگران حوزه آموزش در آمریکا با در نظر داشتن مشکل اصلی ایالات‌متحده معتقد است نادیده گرفتن شأن معلمان دشمن درجه‌یک آموزش است. در سال ۲۰۱۵، حقوق هفتگی معلمان مدارس دولتی ۱۷ درصد کمتر از کارمندان قابل‌مقایسه دیگر بود، درحالی‌که این رقم در ۱۹۹۴، ۱.۸ درصد ثبت شده است. این سقوط بیشتر از آنکه درباره معلمان تازه‌وارد باشد، مختص معلمان باتجربه بوده است.



نشان طرح «هیچ کودکی نباید عقب بماند» (NCLB) که از سوی منتقدان با عنوان «هیچ کودک سفیدی نباید عقب بماند» از آن یاد می‌شود.

۱۰- سایه شوم نژادپرستی بر آموزش

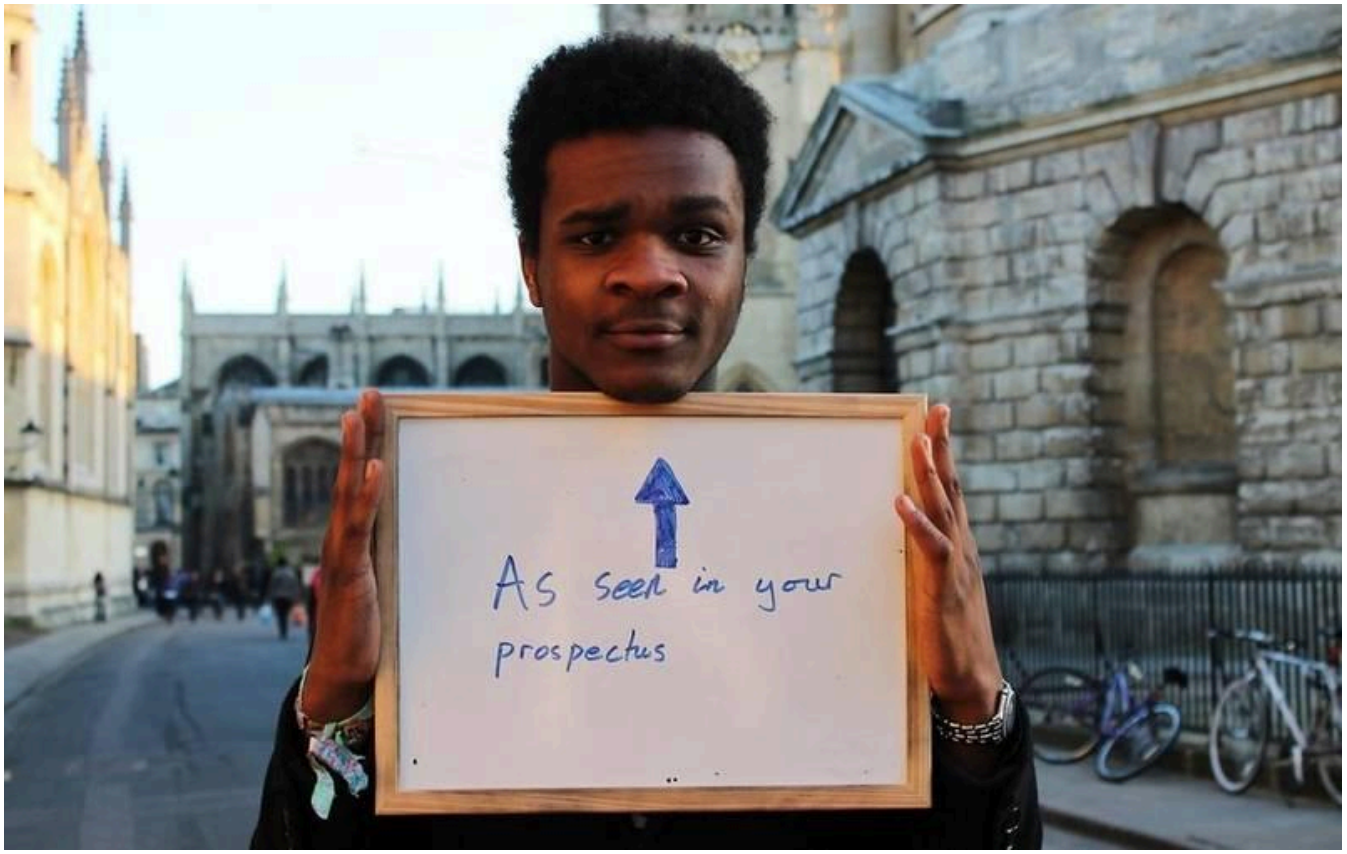
عوامل فراوانی در بی عدالتی‌های آموزشی در ایالات‌متحده میان سفیدپوستان و دیگر نژادها از جمله سیاه‌پوستان، اسپانیایی‌ها، بومیان آمریکایی و آسیایی-آمریکایی‌ها دخیل‌اند که ثروت کمتر، سطح بهداشت پایین‌تر، سطح آموزش کمتر والدین، درگیری بیشتر با سیستم قضایی و شرایط بسیاری ازاین‌دست سبب می‌شود همواره سفیدپوست‌ها در آمریکا شرایط بهتری داشته باشند و فرصت‌هایی که برای آنان فراهم می‌شود برای نژاد سیاه و لاتین تبارها مهیا نشود. به‌طورکلی، انتظارات آموزشی از دانش آموزان سیاه‌پوست کمتر است و همین مسئله خود باعث پایین آمدن انتظارات دانش آموزان و دانشجویان، از بین رفتن نگرش مثبت به آموزش، فرصت‌های کمتر یادگیری خارج از مدرسه و نیز ارتباط کمتر والدین و فرزندان در موضوع مدرسه شده است. کودکان سیاه‌پوست توانایی کمتری در توسعه مهارت‌های واژگانی، بیانی، انطباقی، ریاضی، دانش رنگ‌ها، اشکال و ... به نسبت کودکان سفیدپوست دارند. تعداد مردودی‌های دانش آموزان سیاه‌پوست به‌طور میانگین معمولاً حدود ۳ برابر مردودی‌های دانش آموزان سفیدپوست است. هرگاه درباره ترک تحصیل دانش آموزان صحبت می‌شود، عمدتاً تمرکز بر روی مسائل مالی است. آمارها نشان می‌دهد ۳۸ درصد کسانی که ترک تحصیل می‌کنند زیرخط فقر قرار دارند که اکثریت این افراد از جامعه سیاه‌پوستان آمریکا هستند. همچنین بیش از نیمی از مردان سیاه‌پوستی که در دبیرستان‌های شهری شرکت می‌کنند دیپلم نمی‌گیرند. از میان این ریزش‌ها، حدود ۶۰ درصد به زندان می‌روند.

نژادپرستی همچنان در نظام آموزشی آمریکا مانع از پیشرفت بخش زیادی از سیاهان در این کشور می‌شود

نتیجه‌گیری

آنچه در موارد فوق بدان پرداخته شد، اشاره مختصری به ضعف‌های موجود در نظام آموزشی ایالات‌متحده بود. برخی از این ضعف‌ها مانند نابرابری و مسئله عدالت آموزشی میان اقشار مختلف مردم به‌ویژه سیاه‌پوستان و سفیدپوستان در آمریکا ریشه ساختاری دارند و برای حل آن باید عوامل بسیاری را تغییر داد و برخی از آنها نیز سطحی‌تر ولی همچنان هزینه‌بر هستند. برخی از این عوامل نیز به یکدیگر وابسته هستند که برای نمونه می‌توان به تبعیض آموزشی اشاره کرد که خود با عامل درگیر نبودن والدین با آموزش فرزندانشان در ارتباط است. آنچه به دلایل روشن در بالا بدان اشاره نشد ولی یکی از معضلات نظام آموزشی مدرن ایالات‌متحده می‌باشد تضادی است که میان باورهای مذهبی، سنتی و اخلاقی دانش‌آموزان با آنچه در کتاب‌های درسی خود مشاهده می‌کنند وجود

دارد. یکی از شواهد موجود در این‌باره، انگیزه‌های والدینی است که زمینه‌های تحصیل دانش‌آموزان خود را در خانه فراهم می کنند. برای مثال در سال ۲۰۱۵، این مسئله در خصوص ۴۶.۹ درصد خانواده‌های آفریقایی- آمریکایی در درجه اول «آموزش مذهبی و اخلاقی دلخواه به کودک خود» بوده است که البته افزایش معناداری به نسبت سال‌های قبل‌تر نشان می‌دهد. نهاد آموزش به‌عنوان مهم‌ترین و برترین نهاد یک نظام جدید مانند آمریکا با بحران‌هایی جدی در این زمینه مواجه است که پرداختن به آن در این مقال نمی‌گنجد. نکته دیگر اینکه نقاط فوق، تنها نقاط ضعف نظام آموزشی این کشور نیستند و پژوهشگران با کنکاش و مطالعه بیشتر می‌توانند به ابعاد و عمق نقایص نظام آموزشی آن پی ببرند.

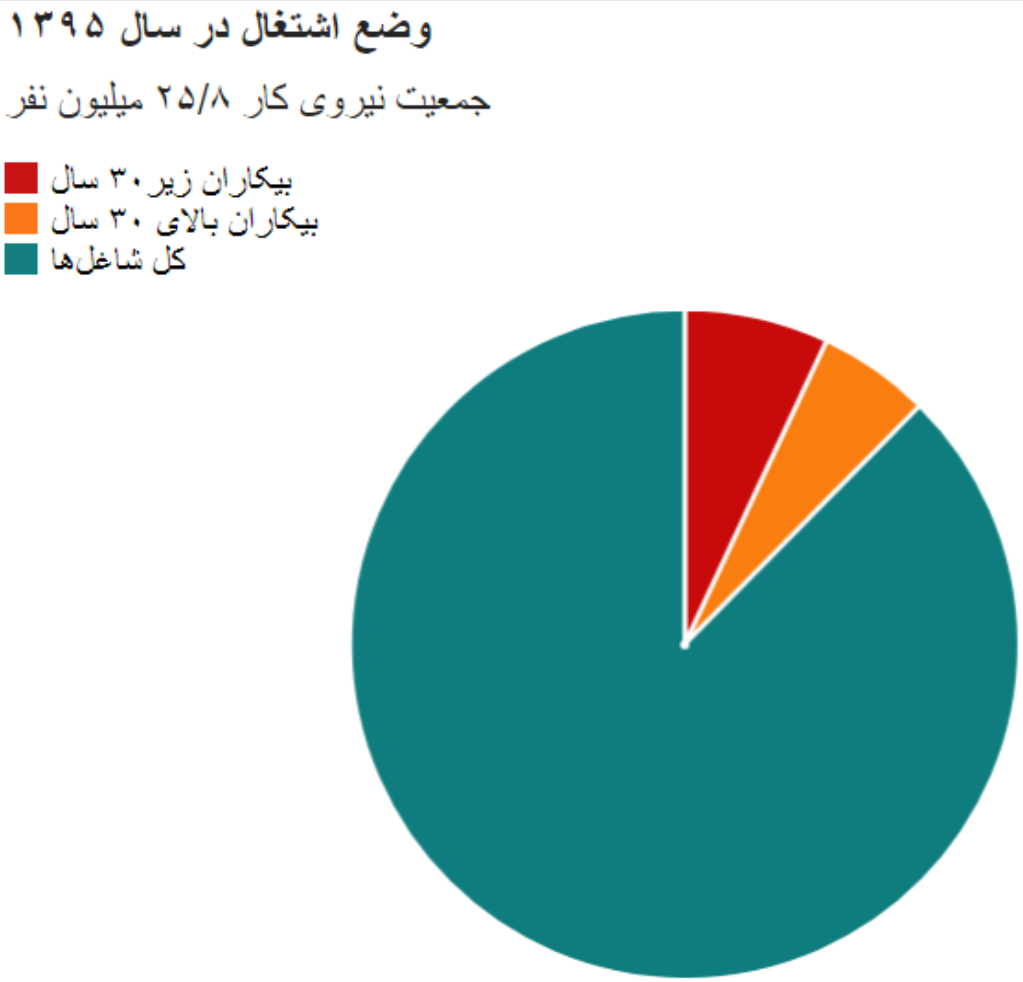


منابع:

https://www.forbes.com/sites/courtneywilliams/۲۰۱۷/۰۸/۱۵/the-disconnect-between-education-and-entrepreneurship/amp
http://www.theedadvocate.org/۱۰-reasons-the-u-s-education-system-is-failing
http://www.theedadvocate.org/۳-issues-that-are-hurting-the-american-educational-system
https://www.zoomit.ir/۲۰۱۷/۸/۱۷/۱۹۰۶۵۹/disconnect-between-education-and-entrepreneurship
http://www.occupyharvard.net/u-s-education-system
https://www.dosomething.org/us/facts/۱۱-facts-about-education-america
http://www.collegiatetimes.com/opinion/lack-of-student-motivation-part-of-america-s-national-decline/article_۹۵۱a۵۸۸۸-۹۷ce-۵۳۵۶-۹e۵۶-۹f۱da۷fd۴۰۷۳.html
https://www.usnews.com/news/blogs/data-mine/۲۰۱۵/۰۱/۲۸/us-education-still-separate-and-unequal
https://www.jstor.org/stable/۴۱۳۴۱۱۱۳?seq=۱#page_scan_tab_contents
http://yon.ir/XzBjb
https://www.theatlantic.com/education/archive/۲۰۱۶/۰۶/everything-in-american-education-is-broken/۴۸۸۱۸۹
http://theweek.com:۸۰/articles/۶۲۵۱۵۶/stunning-lack-diversity-americas-school-teachers

http://www.articlemyriad.com/problems-weaknesses-american-educational-system

افزایش تعداد بیکاران ایران علیرغم دستکاري تعریف کار(هفته ای یکساعت کار= شاغل دارای کار)



مرکز آمار ایران

گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که تعداد بیکاران بیشتر از سه میلیون و ۳۰۰ نفر است اما منتقدان می‌گویند رقم بیکاری دست‌کم دوبرابر آمارهای دولتی است.

استدلال منتقدان این است که بر اساس فرمول مرکز آمار هر کسی که در هفته یک ساعت کار کند، شاغل محسوب می‌شود اما هیچ کس با یک ساعت در هفته نمی‌تواند درآمدی داشته باشد که با آن زندگی خود را اداره کند.

بر اساس آمارهای دولتی، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در ایران در بهار امسال نزدیک به ۲۹ درصد بود و پیش‌بینی می‌شود مانند سال‌های قبل نرخ بیکاری در نیمه دوم سال هم افزایش پیدا کند.

بطور سنتی عمده بیکاران ایرانی را جوانان تشکیل می‌دهد و به استناد آمار بیشتر از نیمی از جمعیت بیکاران این کشور را جوانان تشکیل می‌دهد.

در سال‌های اخیر تعداد دانش آموختگان دانشگاه‌ها افزایش چشمگیری داشته و تعداد آنها به بیشتر از ۱۰ میلیون نفر رسیده است؛ اما با این حال تعداد زیادی از آنها بیکارند.

تعداد شاغلان ایران بیشتر از ۲۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر است که تقریبا نیمی از آنها در بخش خدمات کار می‌کنند و بیشتر از هفت میلیون نفر آنها در بخش صنعت و چهار میلیون و

۳۰۰ هزار نفر نیز در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند.
بنابر آمارهای رسمی در سال گذشته حدود ۶۰۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است و آمارها نشان می‌دهد که در سه دهه اخیر در بهترین شرایط در یک سال بیشتر از ۷۰۰ هزار شغل ایجاد نشده است.
تحلیلگران اقتصادی با استناد به این آمارهای رسمی می‌گویند که ایجاد یک میلیون شغل در سال عملی نیست و تزریق پول به امید ایجاد شغل‌های بیشتر، تنها منابع را هدر می‌دهد.
تعداد زیادی از آنها بیکارند

طرح های دولت

دولت حسن روحانی در سال گذشته برای خروج از رکود چند ساله و ایجاد اشتغال، برنامه حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط را در دستور کار قرار داد و با پرداخت بیشتر از ۱۶ هزار میلیارد تومان وام تلاش کرد تا بخشی از بنگاه‌های تولیدی تعطیل شده یا در شرف تعطیلی را نجات دهد.
در ادامه این برنامه، دولت امسال ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه برای این طرح در نظر گرفته است که در اختیار حدود ۲۰ هزار بنگاه اقتصادی قرار خواهد گرفت.
نیمی از این شرکت‌ها برای سرمایه درگردش خود مشکل دارند و بخشی از این وام‌ها در اختیار ۱۰ هزار بنگاه اقتصادی قرار خواهند گرفت.
اولویت دیگر این برنامه، ۶ هزار طرح نیمه تمام است و بقیه نیز در اختیار واحدهایی قرار خواهد گرفت که طرح های بازسازی و نوسازی انجام دهند.
علاوه بر این، بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان وام به واحدهایی پرداخت می شود که از سوی کارگروه های اشتغال استانی معرفی شوند.
سومین طرح نیز مربوط به "قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری" است که بودجه آن از محل صندوق توسعه ملی تامین خواهد شد.
بودجه پیش‌بینی شده برای این طرح یک و نیم میلیارد دلار است که به صورت وام در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی برای ایجاد اشتغال در روستاها و شهرهای زیر ۱۰ هزار نفر قرار خواهد گرفت.
ولی الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی با اشاره با تجارب طرح های اشتغال‌زا نظیر بنگاه‌های زود بازده گفته "هر گونه اعمال فشار غیر منطقی به بانکها و تضعیف فرآیند بررسی توجیه فنی، مالی و اقتصادی طرح ها از سوی بانک ها می تواند منجر به انحراف و عدم تخصیص بهینه منابع به طرح های واقعی و سودآور گردد."
به نظر می‌رسد با وجود تصمیم دولت به اختصاص حجم بالای بودجه برای طرح‌های اشتغال‌زا، بعضی مقام‌های اقتصادی ایران نظیر رئیس کل بانک مرکزی نگران آینده این طرح‌ها هستند.
به گفته آقای سیف، اگر این طرح ها اقتصادی و سودآور نباشند "برگشت پذیری منابع محدود بانکی را با مخاطرات جدی مواجه می‌سازد و ایجاد اشتغال پایدار در کشور را که هدف غایی این طرح هاست را نیز دچار چالش جدی خواهد کرد."

اما بعضی کارشناسان اقتصادی، این دل‌نگرانی را جدی تلقی نمی‌کنند و می‌گویند که "دولت ها همواره برای جلب رضایت شهروندان در کوتاه مدت، با سوء استفاده از منابع بانکی، بین مردم پول توزیع می کنند و طرح دولت آقای روحانی نیز فرقی با طرح‌های قبلی ندارد."

نکته ها:

1- بر اساس فرمول مرکز آمار هر کسی که در هفته یک ساعت کار کند، شاغل محسوب می‌شود!

2- اين فرمول ظاهرا فراتر از يك اشتباه در محاسبه بوده و در حقيقت حاكي از نكرش باطل به مفهوم كار در ايران است!!

3- ديرينكي اين انحراف سبب نهادينه شدن آن در عامه ملت ايران كرديده است، بطوري كه (طبق براورد مراكز بين المللي) افراد شاغل (روزانه هشت ساعت كار) هر كارمند و كاركر ايراني از هشت ساعت كار اداري فقط يكساعت و 19 دقيقه كار مفيد انجام مي دهد!!! اين به معناي اين است كه حتى اكر 80 مليون شغل بردرآد هم باشد، ايراني مشكلش حل نمی شود.

4- اين نكرش و رويكرد غلط سبب افت شديد سطح كيفيت و بالارفتن هزينه كار و توليد و محصولات در ايران شده است!!!!! اين هزينه منفي را خود ملت مي بردازد، جه در داخل جه در بازار جهاني.

5- غيرواقعي بودن بلكه مضحك بودن اين تعريف از كار و بيكار، موجب مصيبت بار بودن نتيجه كرديده است، كه فراتر از لطمات و عقب افتادكيهای اقتصادي و اتلاف ثروتهای ملی، و هدر رفت عمر هر ايراني، و بهره مفيد نبردن از حيات زندكاني است،

6- اين توهم را امارهای غير واقعي و كزارشهاي نمايشي و لفاظيها و خودبزرك بينيها تشديد می كند. كه عمده آنها برای استمرار سلطه افراد غير واجد شرايط و نالايق بكار مي رود.

7- بس بياييم به تعريف و مجيزكوييهاي حكام در خطابه هايشان با ملت وقعي ننهيم، و آمار و كزارشهايي كه نتايج محسوسش در زندكي و جامعه معكوس است را باور نكنيم، و اكر می خواهيم دست خالی از اين دنيا نرويم؛ خودمان كار كنيم بخاطر خودمان برای خداوند (كه هر جه مقصد نامحدود تر موفقيت بيشتر است.

تعیین ده میلیون دلار جایزه برای اطلاعات منجر به براندازی ترامپ

لری فلینت، از مشهورترین ناشران مجلات در آمریکا، عزم خود را برای حذف دونالد ترامپ از مقام ریاست جمهوری جزم کرده و جایزه‌ای ده میلیون دلاری برای این کار تعیین کرده است.

آقای فلینت، در یک آگهی تمام صفحه در روزنامه واشنگتن پست گفته است که این جایزه به کسانی تعلق می‌گیرد که اطلاعات آنها منجر به استیضاح یا برکناری آقای ترامپ شود.

لری فلینت در این آگهی می‌گوید "وظیفه تمام آمریکایی‌ها است که آقای ترامپ را قبل از آن که خیلی دیر شود از کار برکنار کنند."

او دلایل متعددی را برای براندازی آقای ترامپ ذکر کرده است، از جمله: همدستی با یک قدرت متخاصم خارجی برای تخلف در انتخابات آمریکا، به خطر انداختن سیاست داخلی و خارجی به خاطر تضاد منافع با امپراتوری تجاری، گفتن صدها دروغ آشکار و ناآگاهی مطلق از اوضاع جهانی و همین طور کارشکنی در پیمان اقلیمی پاریس.

در آگهی آقای فلینت یک شماره تماس و یک آدرس ایمیل برای ارتباط و در اختیار گذاشتن اطلاعات علیه دونالد ترامپ دیده می‌شود.

لری فلینت قبلا هم از این نوع آگهی‌ها علیه آقای ترامپ منتشر کرده بود، اما تا کنون وعده چنین مبلغی برای جایزه نداده بود.

دونالد ترامپ که حدود نه ماه پیش با شعار "اول آمریکا" قدرت را در دست گرفت، بسیاری ازپیمان‌ها و معاهدات بین‌المللی و چند جانبه را به ضرر آمریکا می‌داند و در همین مدت چند توافق را لغو کرده یا عملا تلاش کرده که از آن خارج شود.

این رویکرد آقای ترامپ در عرصه بین‌المللی در کنار دیگر اقدامات جنجالی او مانند فرمان مهاجرتی و تلاش برای لغو قانون خدمات درمانی دوره باراک اوباما، اعتراض‌ها و انتقادهای زیادی را حتی در میان همحزبی‌های او به همراه داشته است.

بعد از کذشت جهل سال؛ حکومت متوجه شد و **سردار جلالی مطرح کرد؛**
مراکز موشک‌سازی و شیمیائي (+ اتمي) نبايد در داخل شهرها باشند خصوصا وقتي شهرهاي اسرائيل با مراکز شيميائي و اتمي آن را تهديد مي کنيم!

d

رئیس سازمان پدافند غیرعامل گفت: در شهرها مراکز پرخطر زیادی وجود دارد اگر این مراکز پرخطر، ایمن هم باشند باید سناریو بروز خطر به سمت مردم را داشته باشند. این مراکز باید از شهرها خارج شوند.

به گزارش مشرق، سردار غلامرضا جلالی در دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار و پدافند غیرعامل که در وزارت کشور برگزاری شد، با بیان اینکه عوامل داخلی نیز می‌تواند برنامه توسعه کشور را برهم بریزد و تعادل را بهم بزند، تصریح کرد: مهمترین شرایط مردم و جنگ است. در جنگ جهانی دوم، مردم نقش هدف را داشتند. آلمانی‌ها برای تسلط بر انگلیس سعی می‌کردند با کشتن جمعیت آنها را مجبور بر عقب‌نشینی کنند یا آمریکا برای وادار کردن ژاپن به تسلیم از دو بمب هسته‌ای استفاده کرد. این نقش و مساله می‌توانست موجب فشار، عقب‌نشینی و تحمیل شود.

رییس پدافند غیرعامل ادامه داد: از سال ۲۰۰۵ به بعد، حضور نظامی امریکا منوط به سه شرط شد. شرط اول، موافقت مردم امریکا با آن جنگ است. شرط دوم این است که مردم کشور هدف نیز با آن جنگ همراهی کنند. شرط سوم نیز همراهی بین المللی است. در اینجا نقش رسانه‌ها و افکارعمومی برای همراه مردم و اقناع بسیار مهم است.

رییس پدافند غیرعامل با بیان اینکه امروز مدل‌های جنگ تغییر یافته است به طوری که آمریکایی‌ها می‌گوید کسی پیروز است که بتواند مردمش را مدیریت کند، ابراز داشت: وقتی دولت نتواند مردمش را پشتیبانی و نیازهای آنها را در شرایط خاص تامین کند آنگاه می‌توان براندازی کرد. بنابراین در جنگ‌های جدید اهداف فرق کرده‌اند. در جنگ لبنان دیدید که اسراییل بیمارستان‌ها، فاضلاب‌ها، درمانگاه‌ها، پل‌ها و به طور کلی زیرساخت‌ها را هدف گرفت.

وی با بیان اینکه باید برای شرایط بحرانی تقسیم نقش و مدیریت بحران داشته باشیم، یادآور شد: باید الگوهای ارائه خدمت را بلد باشیم. متاسفانه ۷۲ درصد جمعیت کشور شهرنشین هستند. در شهرها مراکز پرخطر زیادی وجود دارد اگر این مراکز پرخطر، ایمن هم باشند باید سناریو بروز خطر به سمت مردم را داشته باشند. این مراکز باید از شهرها خارج شوند. قابل قبول نیست کارخانه‌های شیمیایی و مراکز موشک‌سازی (+ اتمي) در داخل شهرها باشند. تا زمان انتقال آنها به خارج از شهرها، شهرداری‌ها و دستگاه‌ها باید برنامه مقابله با تهدید آن مرکز را داشته باشند. بنابراین هر بخش باید طرح برخورد با شرایط اضطراری را داشته باشد تا در زمان بحران وظایف و مسئولیت‌ها و تکلیف مشخص باشد.

رییس پدافند غیرعامل افزود: در حوزه هسته‌ای، استان‌های هسته‌ای طرح‌های لازم را برای شرایط اضطراری دارند!! و حتی تمرین هم کردند.!!! تهدیدات مردم‌محور شده‌اند؛ هم تهدید زیرساختی و هم تهدید رسانه‌ای. پس رویکرد پدافند غیرعامل هم مردم محور شده است.

منبع: خبرآنلاین

1- ظاهرا سردار غلام جلالي اخيرا فرصت مطالعه کتب خاطرات جنك جهاني را پيدا کرده اند و متوجه اين نکته شده اند.
2- اکر خطر در شهرهاي با اماکن اتمي با تمرينات حل می شود، مشکل اماکن شيميايي و موشکي هم اسانتر است، و اکر عليرغم تمرين بايد از شهرها خارج شوند که همين امر برای شهرهای اتمي هم بايد رعايت شود
3- از آنجا که راهکار منحصر به خروج مراکز مذکور است و شهرهای اتمي را استثنا کرده يعني که راهکار نجاتي نه برای شهرهای اتمي است نه شيميايي و نه موشکي و اين اظهارات تنها اعلام خطر برای رفع مسؤوليت است، و ازاينکه اين اظهارات بعد سالها انکا و تظاهر به قدرت و اسيب نابذير بودن ابراز مي شود يعني که اکنون خطر جدي شده است و هيچ تامين و وسيله منعي هم ندارند برخلاف اظهارت بر توب و تشر خالي اقران او.

تیلرسون: ماندن در برجام به نفع آمریکا است / کنگره نباید در وضع تحریم علیه ایران شتاب کند، این یعنی خروج از برجام؛ رئیس جمهور با من موافق است

وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد که اصلاح ایرادات برجام ممکن است از طریق یک توافق ثانویه صورت گیرد، نه با تغییر در مفاد برجام.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



دو روز بعد از آن که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که پایبندی ایران به توافق جامع هسته‌ای (برجام) را تأیید نمی‌کند، مقام‌های ارشد آمریکایی در مصاحبه‌های امروز خود تأکید کرده‌اند که آمریکا از برجام خارج نشده و به دنبال "رفع نقایص" آن است.

به گزارش «انتخاب»؛ رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا گفت که از نظر او ماندن در برجام به نفع آمریکا است و نیکی هیلی، نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل متحد هم تاکید کرد که آمریکا فعلا در برجام می‌ماند و امیدوار است که "وضعیت بهبود پیدا کند".

تیلرسون به سی‌ان‌ان گفت که آمریکا به دنبال آن است که با ماندن در برجام و همکاری با دوستان و متحدانش "نقایص" این توافق هسته‌ای را برطرف کند و افزود این تغییرات ممکن است در "توافق ثانویه" منعکس شود.

در این مصاحبه از وزیر خارجه آمریکا سوال شد که آیا او با نظر جیمز متیس، وزیر دفاع، موافق است که گفته بود کنگره نباید در وضع تحریم علیه ایران شتاب کند چون به گفته متیس این کار به معنای خروج آمریکا از برجام خواهد بود.

تیلرسون در پاسخ به این سوال گفت: "من با این نظر موافقم و فکر می‌کنم که رئیس جمهور هم موافق باشد."

وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد: «آنچه رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال آن است، یک راهبرد جامع‌تر در قبال ایران است... توافق هسته‌ای فعلی نقاط ضعفی دارد...بنابراین ما معتقدیم که یا باید این نقاط ضعف برطرف شود و یا یک توافق جدید برقرار گردد...سیاست دولت آمریکا نیز کاملا هماهنگ با این مسئله است.»

تیلرسون ادامه داد که آمریکا به دنبال آن است که ببیند آیا می‌تواند نقاط ضعفی که در توافق هسته‌ای ایران وجود دارد را برطرف کند و همچنان به این توافق پایبند بماند و با دوستان و متحدان خود و با دیگر امضا کنندگان این توافق همکاری داشته باشد.
وی در ادامه گفته است: «این راه می‌تواند به یک توافق ثانویه نیز منجر شود».
وزیر خارجه آمریکا همچنین تأکید کرد، «آمریکا خواستار اجرای کامل توافق به همین صورتی است که در حال حاضر وجود دارد و بعدا فرآیند رسیدگی به نقاط ضعف آن را آغاز خواهد کرد».

ترامپ خواستار جنگ با کره شمالی نیست

تیلرسون در بخش دیگری از این گفت‌وگوی تلویزیونی به موضوع کره شمالی نیز پرداخت و گفت، ترامپ خواستار دیپلماسی در موضوع کره شمالی است، «تلاش‌های دیپلماتیک ادامه خواهد داشت تا نخستین بمب آنها پرتاب شود».
وی ادامه داد: «ترامپ نمی‌خواهد با کره شمالی وارد جنگ شود.»
وزیر خارجه آمریکا در پاسخ به سوال مجری برنامه که پرسید «پس رئیس‌جمهور ترامپ فکر نمی‌کند که مذاکره با کره شمالی تلف کردن زمان است» گفت: «البته که نه. ما هم به تلاش‌های دیپلماتیک خود ادامه خواهیم داد».

در پاسخ به «انتخاب» در نشست خبری مطرح شد

نجفی: با صراحت اعلام می‌کنم داوطلب شهرداری نبودم/ 800 نفر مدیر در شهرداری داریم؛ فکر می‌کنید همه اینها طرفداران سیاسی قالیباف یا احمدی‌نژادند؟/ مدیرانی را در شهرداری می‌شناسم که به قالیباف رای نداده‌اند/ حتما اشکالاتی در مدیریت 12 ساله بوده؛ هر جا احساس کنم حقوق مردم ضایع شده، ورود خواهم کرد/ بخش هایی در شهرداری با اسمی غیر از سازمان املاک، املاکی را واگذار کرده اند که بعدها اعلام خواهم کرد/ مصاحبه ای داشتم که پخش نشد؛ شنیدم که ممنوع‌التصویرم

شهردار تهران در اولین نشست خبری خود با اصحاب رسانه حاضر شد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



شهردار تهران در اولین نشست خبری خود با اصحاب رسانه حاضر شد.

به گزارش خبرنگار سرویس شهری انتخاب، محمدعلی نجفی در اولین نشست خبری خود به عنوان شهردار تهران با بیان اینکه امروز 50 روز از اولین فعالیت من به عنوان شهردار تهران می‌گذرد، با اصحاب رسانه به گفت و گو پرداخت.

نجفی در ابتدای اظهارات خود به مشکل ترافیک و آلودگی هوای تهران اشاره کرد و گفت: کاستن سفرهای کاری و گران کردن استفاده از خودروها دو سیاستی است که در مدیریت آتی به آن توجه خواهد شد و طرحی در این زمینه داریم و امیدواریم مجلس و دولت نیز حمایت کند تا الودگی هوا و ترافیک کاهش یابد.

او با انتقاد از عدم توجه به شروع ریشه ای مبارزه با فساد در شهرداری اظهار داشت: بعضی از رسانه ها، یک اشاره کوتاه هم نکردند که یک کار ریشه ای برای مبارزه با فساد در شهرداری انجام شده است.

شهردار تهران سپس با ورود به بحث انتصابات گفت: در مورد انتصابات، اصل مسئله که می گویند مدیران قالیبافی انتخاب شده اند اشتباه است.

او افزود: تا کنون 6 معاون انتخاب کرده ام و با یک نفر دیگر هم امروز و فردا انتخاب می شود. از این 7 نفر، 4 نفرشان به اصلاح طلبی معروفند 3 نفر هم معتدل متمایل به اصلاح طلبی هستند در سطوح دیگر هم به همین ترتیب نه به خاطر اینکه انتخاب من سیاسی است افرادی را انتخاب می کنم که برنامه های شهرداری و شورای شهر را قبول داشته باشند که طبیعتا یا اصلاح طلبند یا متمایل به اصلاح طلبی

نجفی تاکید کرد: مدیران خود را انتخاب سیاسی نکرده ام اما معتقدم افراد انتخاب شده به اصلاح طلبی نزدیکند.

نجفی در پاسخ به سوال خبرنگار انتخاب در مورد انتصابات شهرداری و اینکه گفته می شود برخی از آنها مدیران قالیبافی هستند گفت: 800 نفر مدیر در شهرداری داریم. فکر می کنید همه این 800 نفر طرفداران سیاسی قالیباف یا احمدی نژادند؟ حتی قبل از انتخابات موارد متعددی ار مدیران شهرداری را می‌شناختم که به قالیباف رای نداده اند.
شهردار تهران ادامه داد: البته آقای قالیباف شهردار بودند و مدیرانی که با ایشان کار می کردند کم و بیش برنامه های ایشان را قبول داشتند. حتما خود شما هم مدیرانی را در شهرداری می شناسید که طرفدار سیاسی قالیباف نبوده اند البته نه در سطح معاونان شهردار.
او افزود: سیاست من این است که حتی الامکان از بدنه خود شهرداری مدیران را انتخاب کنم فقط در شرایطی که در شهرداری مدیری در آن سطح پیدا نکنم مانند معاونان شهرداری، از بیرون از شهرداری نیرو انتخاب خواهم کرد.
وی با بیان اینکه نقل قولی که از من شده که دولت به شهرداری بدهکار نیست صحت ندارد, گفت: باید میزان طلب و وصول دولت و شهرداری مشخص شود. در جلسه ای با اقای نوبخت مقرر شد ردیف های اعتباری سهم شهرداری از بودجه در سال 96 پرداخت شود به همین از محل پرداخت جرایم راهنمایی و رانندگی 80 میلیارد تومان درامد حاصل شده که سهم شهرداری 48 میلیارد است که هنوز پرداخت نشده است.
نجفی اضافه کرد: قبل از سال 96 شهرداری ادعای مطالباتی دارد و دولت بخشی از این ادعا را قبول ندارد. کمیته میان شهرداری و سازمان برنامه و بودجه و وزارت اقتصاد تشکیل شده است. طلب شهرداری 10 هزار میلیارد تومان است البته طلب امسال با توجه به شرایط مالی دولت بعید است پرداخت شود .
شهردار تهران همچنین گفت: اطلاعی از اینکه اقای قالیباف قول دادند که ورودی به عملکرد اقای احمدی نزاد نداشته باشد ندارم. از سال 86 که وارد شورا شدم عملکرد اقای احمدی نژاد مورد بررسی قرار گرفت و برخی از پرداخت ها در شهرداری که از ان بعنوان فاقد یاد می‌شد برخورد شد. آن زمان مشخص شد که 32 میلیارد تومان هزینه فاقد وجود دارد اما اجازه طرح موضوع در شورا را اقای چمران به ما ندادند و ما اصلاح طلبان نتوانستم کاری در شورای سوم کنیم.
او افزود: با صراحت اعلام می‌کنم داوطلب شهرداری نبودم هیچ مرجعی برای من شرط تعیین نکرد و اگر هم مطرح می‌شد نمی پذیرفتم.
نجفی در خصوص عملکرد مدیریت گذشته شهرداری هم گفت: اشکالاتی در مدیریت 12 ساله حتما بوده و ممکن این موارد قابل دفاع نباشد و برخی از نهادها ورود به این مساله کردند و حتی به عملکرد معاونتی زوم کردند اما هر موردی که احساس کنم حقوق مردم ضایع ورود خواهم کرد. مصر هستم که منابع شهر به ناحق به دیگران منتقل شدند باید بازگشت داده شود و رودربایستی با کسی ندارم.
او در مورد نحوه افشای ماجرای املاک نجومی گفت: ما جلساتی با شورای قبلی در تابستان 95 داشتیم. یکی از اعضا گزارشی به من داد. در آن جلسه گفتم که این نامه گزارش نهایی سازمان بازرسی نیست به نظرم افشا نکنید اما نسخه را به من دادند و من آن را به دبیرخانه مبارزه ستاد مبارزه با فساد ریاست جمهوری دادم. اما همان جلسه یک نسخه به سلطانی داده شد.
نجفی ادامه داد: در مورد املاک نجومی بعد از شهردار شدن گزارش املاک نجومی را پرسیدم؛ شوشتری به من گفت فرد دیگری انتخاب شد و من از ان فرد سوال پرسبدم که گزارش بدهد اما این گزارش به من داده نشد و من نامه به سازمان بازرسی نوشتم که این فرد نماینده ما نیست.
او افزود: تاکنون اطلاعات دقیقی کسب نشده اما کمیته متشکل از 3نفر در سازمان املاک شهرداری تشکیل شده است و در حال بررسی هستند.
نجفی همچنین گفت: البته خبر مهم این که بخش هایی در شهرداری بودند که به غیر اسم سازمان املاک، املاکی را واگذار کردند که بعدها اعلام خواهم کرد .
او ادامه داد: در فضای مجازی این مدت اسامی طرح شد و بعد به من حمله شد که چرا این افراد قرار است انتخاب کنم در حالی که من این افراد را نمیشناسم.
شهردار تهران در مورد ماجرای ممنوع التصویر بودن خود هم گفت: من مصاحبه ای داشتم که پخش نشد و شنیدم که ممنوع التصویرم. البته از اقای علی عسگری هنوز نپرسیده ام که بدانم ممنوع هستم.
شهردار تهران ادامه داد: تعبیر اینده فروشی از تراکم درست است و هر چه در شهر ساخته شود

بودجه ای برای ما نخواهد داشت زیرا قبلا دریافت و هزینه شده است. حجم املاک فروخته بالا و برخی نادرست بوده مثلا املاکی که فضای سبز بوده و الان افراد مدعی هستند که شهرداری سرشان کلاه گذاشته اند.
او همچنین در پاسخ به سوال دیگری درباره انتصابات گفت که در این خصوص مورد هجمه قرار نگرفتم اما برخی از اعضای شورا انتقاداتی داشتند.
نجفی در پاسخ به سوالی در مورد مشکل افراد معلول برای تردد در شهر گفت: شهر تهران برای عموم شهروندانی طراحی نشده است و ارامش کافی در این شهر وجود ندارد. شهر تهران مناسب تردد افراد معلول نیست و موجب شرمندگی ما است و قطعا حل این معضل زمانبر است.
نجفی درباره پروژه های عمرانی شهر تهران نیز اظهار داشت: شهری مثل تهران بدون پروژه عمرانی نخواهد بود و باید نیازهای شهر فراهم شود اما نگاه پروژه های شهر فیزیکی بوده نمونه ان پل صدر است که نگاه به ان نگاه مثبت وجود دارد حالا اینکه چقدر ضرورت داشته و چقدر مدیریت هزینه شده مساله دیگری است؛ قطعا حجم منابع شهر تهران به میزان گذشته نبود و پروژه های اساسی تر خواهم داشت و معاون جدید عمرانی که بزودی انتصاب خواهم کرد فردی که شهرسازی خوانده است.
او ادامه داد: از بهمن سال گذشته تا کنون بودجه ای به پروژه های شهری تزریق نشده و طرح ها متوقف شده است. ما از همکاری قرارگاه خاتم با شرکتها راضی هستیم و از بر اساس صورت وضعیت طلب دارد اما همچنان با ما همکاری دارند.
شهردار تهران با بیان اینکه هم با قرارگاه خاتم و هم ثارالله کار خواهیم کرد افزود: ترجیح داریم پروژه ها به صورت مزایده و در قالب رقابت سالم به پیمانکار واگذار شود و بدون شک همکاری ما با قرارگاه شفاف تر خواهد بود.
نجفی درمورد تعداد نیروهای شهرداری هم اظهار داشت: شهرداری 48 هزار و 200 نفر نیرو داریم. البته تعدادی نیرو در مجموعه پیمانکاران وجود دارد که جز پرسنل ما نیست. تعداد پرسنل شهرداری زیاد است و متورم است اما به این تعداد نگاه سرمایه داریم و قصد تعدیل نداریم اما افرادی که با زد و بند وارد سیستم شدند و نبودند و حقوق گرفتند, حسابشان جداست.
شهردار تهران درباره بدهی های شهرداری هم اظهار داشت: به تازگی مشخص شد 2و هزار 400 میلیارد تومان بنیاد تعاونی ناجا از ما طلب دارد از این قبیل امکان دارد زیاد باشد اما فعلا بدهی شهرداری 30 هزار میلیارد تومان است که از این میزان، 18 هزار میلیارد برای بانکها و 9 هرار میلیارد برای پیمانکاران است.
به گفته نجفی، در حال حاضر 25 هزار میلیارد تومان برای اتمام پروژه های شهری مورد نیاز است.
او درباره مجموعه شهر افتاب و شهروند نیز گفت: قرار بود در مدیریت قبلی شهروند و شهر افتاب واگذار شود اما روی قیمت توافق نشد و این واگذاری صورت نگرفت البته برای هر دو هم طرح جدید است و درصورت واگذاری تمام سهام واگذار نخواهد شد.
شهردار تهران همچنین درباره موضوع هولوگرام ها و احتمال تخلفات در این موضوع گفت: ما برای داستان هولوگرام ها راستی ازمایی خواهیم کرد اما برای تمام موارد نخواهد بود. در یک مهلت 100 روزه کل وصعیت شهرداری را با واقعیت موجود اعلام خواهیم کرد و رسانه ها خود بررسی و راستی ازمایی کنند.
نجفی با بیان اینکه در مسئولیت شهرداری تهران به دنبال خدمتم، گفت: معامله ای با کسی نداشتم و حتی انتقاد به من می‌شود که توصیه فلانی را درباره پستی بپذیرم.
او درباره تخلفات شهرداری در دوره گذشته نیز عنوان کرد: هر تخلفی که در گذشته از نظر مدیریتی درست نباشد حتما برخورد خواهم کرد اما درباره افرادی که منصوب کردم تخلف مواجه شوم درنگ نخواهدکردم .
او ادامه داد: موارد متعددی در 50 روز بوده از طریق هیات رسیدگی تخلفات شهرداری و سازمان بازرسی و.قوه قضاییه دستور رسیدگی دادم .
شهردار تهران به عنوان نمونه ای از این تخلفات گفت: 6 هزار نفر از پیمانکاری شهرداری وارد شهرداری شدند و به نوعی رسمی شدند که تخلف است و در حال بررسی هستیم. او ادامه داد: دلیلی برای عمومی کردن این مسایل نمی‌دیدم.

جوانان حزب کارگر انگلیس مشت به دیوار ناتو می زدند

راشا تودی- ترجمه رضا نافعی



سازمان جوانان حزب کارگر انگلیس در صدر اخبار انگلستان و برخی کشورهای اروپائی قرار گرفت: این سازمان در کنگره سالانه خود که در آخر هفته گذشته برپا شد خواستار خروج انگلستان از ناتو شد و اعلام کرد که این اتحادیه نظامی یک اتحادیه نظامی امپریالیستی است که به گسترش ناامنی در داخل و خارج کمک می کند.

کنگره سالانه سازمان جوانان حزب کارگر انگلستان مصوبه کنگره خود را بصورت یک بیانیه منتشر کرد.

در این مصوبه ناتو سازمانی خوانده میشود که تحت تسلط » قدرتی امپریالیستی» است که از زمان تاسیس آن دست کم 27 کشور را بمباران کرده است. افزون بر این، در اجرای 40 کودتای موفق یا ناموفق سهیم بوده است.

بنا به تحلیل سازمان جوانان حزب کارگر انگلیس، که جوانانی میان 14 تا 26 سال در آن عضو هستند، جنگ های افغانستان و عراق نه تنها بر امنیت مردم غرب نیفزوده اند بلکه بجای آن «اسلام هراسی در داخل و خصومت شدید در خارج » را به بار آورده اند.

در این مصوبه تاکید شده که ناتو «رکن اصلی و ابزار نهادین » امپریالیسم ایالات متحده امریکاست». سازمان جوانان حزب کارگر انگلیس، سازمان مادر (رهبری حزب) را متهم ساخت به این که از «گویان» گرفته تا ویتنام و عراق بارها و بارها در تجاوزات ایالات متحده امریکا در خارج با آن همدستی کرده است. حزب باید بجای این رفتار به مواضع ضد امپریالیستی جرمی کوربین، رهبر حزب، بعنوان سرمشق بنگرد. توصیه های مطروحه در مصوبه مذکور این هاست:

حزب کارگر باید خود را به خروج از ناتو موظف سازد، زیرا که دیگر با الزامات ایمنی جمعی ما مطابقت ندارد، و توسط مردی رهبری می شود (منظور ترامپ است. دبیرخانه) که

از جوانب مختلف بعنوان اقتدارگرا و فاشیست دیده می شود. مردی که با ادامه تجاوزات خود امنیت مردم بریتانیا را کاهش می دهد.»
بنا به ارزیابی رسانه های انگلیس این مصوبه رهبر حزب کارگر را در موقعیت نامطلوبی قرار می دهد. به هر حال باید در نظر داشت که همین هواداران جوان حزب بودند که در مبارزه موفق او علیه استبلیشمنت حزب، که می خواست او را ساقط کند، با حمایت از او موجب پیروزی او بر استبلیشمنت حزب شدند.
کوربین بعنوان پاسیفیست سالهای سال است که می خواهد انگلستان سلاح های اتمی خود را بکنار نهد. این رهبر 68 ساله چند سال پیش ناتو را » خطری برای صلح جهانی» می دانست. او نیز در آن زمان مانند جوانان امروز حزب خواستار خروج انگلستان از اتحادیه نظامی ترانس اتلانتیک بود. ولی در دوران مبارزات انتخاباتی این خواست را به کنار نهاد. حزب کارگر در برنامه انتخاباتی خود صریحا خواستار ادامه عضویت در ناتو است. پس از آن که کنگره سازمان جوانان حزب خواستار خروج از ناتو شد یک سخنگوی کوربین گفت :
«جرمی کوربین و حزب کارگر، همانطور که درمانیفست انتخاباتی حزب تصریح شده به ناتو متعهد هستند.».
این سخنی است که احتمالا بسیاری از جوانان حزب را شوکه خواهد کرد . با وجود این تعهد در برابر ناتو وقتی پای سیاست تجاوزگر امریکا و ناتو بمیان آید جرمی کروبین ملاحظه را کنارمی گذارد. بعنوان نمونه کوربین در ماه آگوست خواستار آن شد که انگلستان در رزمایش مشترک نظامی در برابر کره شمالی شرکت نکند. «دنباله روی کورکورانه» از دولت ترامپ و «سیاست های جنگ طلبانه و غیر قابل پیش بینی او» مجاز نیست.
کوربین گفت» جنگ هائی که امریکا برای تغییر رژیم ها به آن دست زده و تهدید به دست زدن به جنگهای تازه این بحران را خطرناکتر و حل آن را دشوار تر ساخته است» .
در نظر پرسی های جاری حزب کارگر انگلیس جلوتر از حزب محافظه کار حاکم در انگلستان است. از این رو، چند روز پیش، روزنامه محافظه کار آلمانی » دی ولت » وحشت زده نوشت که » جوانان خشمگین » احتمالا قادر خواهند بود در انتخابات بعدی کوربین را رئیس دولت کنند. در انگلستان، مواضع چپ دیگر یک پدیده جنبی نیست، بلکه می تواند به اکثریت دست یابد.

https://deutsch.rt.com/europa/59122-grossbritannien-labour-jugend-sorgt-mit-beschluss-f/urore

بیشتر زنان بیامبر (صلی الله علیه وآله) بیوه یا مطلقه بودند
سنت نبوي (ازدواج پسران مجرد با زنان مطلقه) رایج شده

این روزها به نسبت گذشته ازدواج پسران مجرد با زنان مطلقه و بزرگ‌تر از خودشان که حتی فرزندی هم دارند، رایج‌تر شده است. یکی از دلایل این انتخاب با تجربه بودن این خانم‌ها در اداره زندگی است اما قطعا دلایل دیگری هم دارد و به همین علت است که این روزها بسیاری از کارشناسان به ریشه‌یابی این مسئله می‌پردازند.
در بین اطرافیان‌تان هم که دقت کنید چنین ازدواج‌هایی را یا دیده‌اید یا بیش از گذشته در مورد آن شنیده‌اید. در ادامه دلایل گرایش به این ازدواج‌ها را بررسی می‌کنید.
یکی از دلایلی که یک مرد مجرد جذب خانمی مطلقه می‌شود، این است که بهتر از یک خانم جوان توانایی لازم برای مدیریت یک زندگی را دارد و باتجربه‌تر است. اکثر افراد عموما بدون اطلاعات و منطق و تنها براساس احساس‌شان پیشقدم می‌شوند و تصمیم‌گیری می‌کنند؛ حتی اگر آن خانم بچه هم داشته باشد، می‌گویند مثل بچه خودم بزرگش می‌کنم!
جذابیت بیشتر زنان مطلقه و بیوه مسلما زن‌های مطلقه‌ای که رفتار جذاب‌تری دارند، شانس بیشتری برای انتخاب شدن از جانب پسرهای مجرد دارند. زن‌هایی که به دلیل تجربه زناشویی قبلی می‌دانند چطور باید با مردان معاشرت کنند؛ چیزی که قطعا یک دختر جوان تجربه کمتری در این زمینه دارد. به همین دلیل است که خانم‌ها عموما در ازدواج دوم موفق‌تر هستند. زن مطلقه به دلیل تجربه و پختگی بهتر می‌تواند یک مرد جوان را در زندگی نگه دارد. پسرها هم با کوچک‌ترین اشاره‌ای از یک خانمی که اتفاقا می‌تواند ایفاگر نقش مادر هم باشد، دلخوش می‌کنند.
به زندكي واقعي نزديكتر مورد تاثیرگذار بعدی در این انتخاب‌ها توجه به دیدگاه اقتصادی است چون خانم‌های بیوه عموما ثروت دارند و در برگزاری مراسم عروسی کم‌توقع هستند. به همین خاطر این مسئله نقش مهمی در انتخاب این زن ها توسط پسرهای مجرد دارد. داشتن مجموعه‌ای از این تسهیلات برای هر پسر جوانی یک آرزوی دست‌نیافتنی است. زمانی که این آرزو توسط خانم مطلقه‌ای که خانه، ماشین و ثروت دارد تامین می‌شود، برای آنها گزینه مناسبی محسوب می‌شود.
حس ابراز وجود در میان مردان گاهی پسرها تصمیم به انجام کاری می‌گیرند که تا به حال کسی در خانواده آن را انجام نداده است؛ مثلا با خانمی که 10 سال از خودشان بزرگ‌تر است ازدواج می‌کنند تا سر زبان‌ها بیفتند. این مردها از اینکه همه با آنها مخالفت کنند و در نهایت با قدرت‌نمایی پیروز میدان شوند، لذت می‌برند. در این پسرها، فشار مضاعف خانواده و علاقه‌مند شدن به خانم مطلقه منجر به ازدواج می‌شود.
سیاست‌های بالغانه یک زن برای نگه داشتن زندگی زنان بیوه برای شوهر جوان درك و تفاهم بیشتری در نظر می‌گیرند که دختر جوان این کار را نمی‌کند. مردها دوست دارند آزاد باشند و زن‌های مطلقه عموما این امکان را به آنها می‌دهند. گاهی حتی حمایت فهیمانه دارند و برای مردها تصمیم می‌گیرند. این میزان توجه بین یک خانم بیوه و یک مرد جوان بیشتر پیش می‌آید. این توجه‌ها به صورت غیرمستقیم و مادرانه است. خیلی از مردها برای زن‌های مطلقه بیشتر خرج می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد میزان مجادلات و چالش در بین یک خانم مطلقه و یک مرد جوان کمتر از یک زوج جوان است. در زوج‌هایی که هر دو جوان هستند، درگیری بیشتر است. اتفاقا در بین خانم‌های مطلقه و پسران جوان، خانم نقش بیشتری در مدیریت زندگی دارد اما کاملا سیاستمدارانه!
احساس مفید بودن ازدواج نه کرفتاري بودن دخترهای جوان بیشتر به همسران‌شان می‌گویند چرا به این خانم نگاه کردی؟ چرا وقتت را صرف من نمی‌کنی؟ و... اما با اینکه یک خانم مطلقه هم چنین چیزهایی در ذهن دارد اما کمتر به زبان می‌آورد چون همسر اولش را از دست داده است. این زن‌ها کمتر می‌گویند این کار را بکن و آن کار را نکن. درواقع کمتر دستور می‌دهند و بیشتر رعایت کرامت مرد را می نمایند و چون نمی‌خواهند تجربه تلخ قبلی دوباره تکرار شود، کمتر بي توجهي مي كنند . این زندگی عموما آرام است که پسرهای امروزی خیلی دنبالش هستند... .
نکته نسل قبل آرامتر رشد کرد و این همه فشار در خانواده‌ها وجود نداشت ولی مادران این دوره و زمانه به نسبت قبل مهربان‌تر و حامی‌تر هستند. شاید این مسئله به دلیل توجه بیشتر و تعداد

کمتر بچه‌هاست اما موارد دیگری هم به آنها اضافه شده؛ مثل امر و نهی بیشتر به بچه‌ها و... اتفاقا آزاد گذاشتن آنها و کاستن از فشار کاذب در مقاطعی نتیجه بهتری هم می‌دهد.
هر خانم مطلقه‌ای قطعا حق انتخاب و ازدواج دارد و خوب است که از فرصت ازدواج با جوانها نیز استفاده کند هر چند با فردی مثل خودش یا مسن تر هم مي تواند ازدواج کند. در تجربه عملي ثابت شده است که هرچه فاصله سني بين زوجين بيشتر باشد تفاهم و وفاق و شيرنني بين زوجين بيشتر است البته ممکن است از نظر بعضي خانمها هم جالب نيست که با مردی که تفاوت سن و سال داشته باشد مراوده عاشقانه و ازدواج داشته باشند. اما سنت نبوي و تجربه عملي تاريخي بر خلاف اين ذائقه و يا جو رايج برخي جوامع است
سن و تجربه دو بحث مجزا سن، نقش تجربه را بازی نمی‌کند. یک دختر 25 ساله با یک خانم مطلقه 25 ساله بسیار متفاوت هستند. نحوه نگهداری زندگی توسط زنی که تجربه قبلی دارد با یک دختر مجرد متفاوت است. همچنین ارتباط جنسی به طور معمول با زنی که قبلا تجربه داشته بهتر و لذت بیشتری دارد چون در بین روابط جنسی و عواطف، روابط جنسی نقش مهمتری را ایفا می‌کند.
برای بدست آودن زندکي و استمرارش باید تلاش کرد حتی اکر دختر و زن باشي در نظامهای قدیم خانوادکي؛ جون مرد عنوانش بیشتر بود، توجه رسمي مسؤوليتهای تشکيل زندکي خانوادکي و نيز حفظ و استمرار آن عمدتا با مرد بود، هرجند زن هم از بدو ورود با تمام وجود تلاش و فداکاري داشت، اما مسؤوليتهاي بيشتري با مرد بود، از نظر تامين زندکي و بالطبع مديريتش هم بيشتر بود، و تبعيت از مرد هم اصل بود.
در دهه های اخیر و شیوع غربزدکي، به اسم تساوي؛ موضوع تبعيت از شوهر و رضايت آن کمرنك شد، ضمن اينکه امور سنتي شرق و اسلامي (که در غرب نه تنها مرسوم نبوده بلکه معقول نبوده و نيست) مثل مهريه و شيربها و نفقه ووو بجاي خودش باقي ماند بلکه بر ان افزوده نيز شد بحدي زن به تعداد افراد خاندان و فاميلش سکه دريافت مي کند، و بجز تامين بودن کذران ضروريات در زندکي شوهر (که همين فقط واجب شرعي اوست) حقوق ماهيانه به اسم نفقه هم ملزم شد، بحدي که ناتواني در اداي اين موارد غير معقول؛ منجر به اختصاص بخشي از زندانهای کشور به اين نوع شوهران کرديد.
از آنطرف وظايف داخل خانه از تولد فرزندان هرساله يا دوسال يکبار و بجه داري و انجام امور خانه ووو هزار کار ديکر که زنان به عهده داشتند؛ يا منسوخ کرديد و يا کمرنك و ناجيز شد،.
و ازدواج تبديل شد به اينکه دختري بنشيند خانه بدرش و همنيطور توقع بيافزايد تا کسي برسد و هزاران سکه و مليونها تومان هزينه کند و او را ببرد خانه شوهر (که قبل ورورد به اسم زن شده است) اما نه ديکر خانه داري نه شوهرداري نه بجه داري ووو نه اطاعت نه رضايت ووو هيچکدام به عهده زن نبود يا ناجيز شده بود و روابط فيما بين هم فقط براساس توقع زن و تامين يکسويه شوهر تنظيم شده ....
اين فضا سبب کريز بسياري از مردان از ازدواج با جنين زنان يا در جنين فضاهايي کرديده و امار تجرد بسران و بي شوهر ماندن دختران بالا رفت. طبيعي است دختري که در جو غلط انداز اين جنيني تربيت شده مثل شخصي است که يکسره رفته سر سفرامادە نشسته، اين شخص در زندکي اکر نياز و کمبود هم نداشته باشد، هيچ تلاشي برای بدست اوردن زندکي يا حفظ آن نمي کند، و جايکاه و حدي نيز برای خودش نشاخته و فقط خودش را طلبکار مي داند ...جون سر عقد کفته است بله (توخالي). از آنظرف مرد مي بيند آن همه هزينه کرده و خودش را قانون ملزم کرده است فقط يك بهانه کير بر بشت خودش سوار کرده؛ طبيعي است که کريزان باشد، اما زن بيوه و مطلقه اکرجه خودش قبلا در همين جو مغلوط دختران شوهرنکرده بوده، اما تجربه زندکي سابقش (هرجند با هزينه سنکين) به او تعليم کرده که ان روحيه و توقعات مردود است و متوقع و طلبکار نشستن زندکي برای زن نمي سازد، و تنها با تلاش و فداکاري و ارزش شوهر را دانستن (فراتر از هزينه کردن) است که مي تواند زندکي خودش را بدست اورد و سبس نکه دارد، ازين رو رفتار اشتباه شايع دختران شوهرنکرده را کمتر دارد، و به هرقدر کمتر مبتلاست جذابتر مي شود و زندکي دومش شيرينتر و با دوام تر مي کردد. آنجه نوشته شد مربوط به هر مطلقه و هر بيوه نيست، مربوط به آنهايي است که زندکي مجدد را بدست آورده اند.
صحیح ترین روش تلاش برای ایجاد و حفظ زندکي بيرون از اوصاف جنسيتي (مرد يا زن)، مطلقه يا بيوه، و بسر يا باکره، جوان يا مسن بودن است.

» رسانه های دروغگو» نقش خود را از جنگ اول شروع کردند

روسیه امروز – ترجمه رضا نافعی

» جان پیلگر»

وقتی تظاهر کنندگان بخشم آمده یا مفسران براشفته، رسانه های مسلط را » مطبوعات دروغگو» خطاب می کنند، همیشه کسانی که مورد توهین قرار گرفته اند بشدت خشمگین می شوند. گرچه » جان پیلگر» این صفت آمیخته به توهین را که امروز حتی به زبان روزمره امریکائی ها نیز راه یافته است خود هیچگاه بکار نمی برد ، اما به منبع احتمالی این سو ظن عمیق نسبت به رسانه های مسلط لیبرال که بکرات مورد این اتهام قرار گرفته و میگیرند اشاره خواهد کرد.

اکثرا از » ادوارد برنایز» Edward Bernays روزنامه نگار امریکائی بعنوان کسی یاد می شود که کاشف شیوه جدید تبلیغات است. برنایز که خواهر زاده فروید، راهگشای روانکاوی است کسی است که اولین بار اصطلاح » روابط عمومی» را بعنوان لفظی مطبوع و خوش آیند برای تلاش در جهت نفوذ به نظرات دیگران و فریب دادن آنها ابداع کرد.

او در سال 1929 فمینیست ها را متقاعد ساخت که دست به ترویج سیگار در میان زنان بزنند، به این صورت که در رژه عید پاک در نیویورک سیگار بکشند- کاری که در آن زمان شرم آور تلقی می شد. خانمی فمینیست بنام » روت بوث» در این رابطه گفت: » زنان ! مشعل آزادی را برافروزید! با تابو های جنسی مبارزه کنید!»!!

دامنه نفوذ برنایز از عرصه تبلیغات بسیار فراتر رفت. متقاعد کردن افکار عمومی امریکا برای شرکت در کشت و کشتار جنگ جهانی اول بزرگترین موفقیت تبلیغاتی او بود.

او می گفت رمز کار بدست آوردن موافقت مردم برای آنست که ما به میل خود آنها را کنترل و برآنها حکومت کنیم و آنها اصلا متوجه آن نشوند. (1)

او این عمل را قدرت مسلط واقعی در جامعه ما توصیف کرد و آن را » دولت نامرئی نام گذارد». امروز این دولت نامرئی نیرومند تر از هر زمان دیگر و ناشناخته تر از همیشه است.

من در زندگی حرفه ای خود بعنوان روزنامه نگار و فیلمساز تا کنون هیچوقت ندیده ام که تبلیغات (پروپاگاندا) مثل امروزتا این حد در زندگی ما تنیده شود و این قدر آسان پذیرفته شود.

دو شهر را در نظر بگیرید که هر دو درمحاصره نیروهای دولتی دو کشورهستند. هر دو شهر در تصرف نیروهای متعصبی هستند که دست به اعمال شنیعی مانند بریدن سر انسان ها می زنند. ولی یک تفاوت اساسی میان آنها هست و آن تفاوت این

است که : خبرنگاران غربی که به انجا اعزام شده اند سربازان دولتی را که شهر را محاصره کرده اند نیروهای آزادی بخش توصیف می کنند که با شور و اشتیاق از زد و خورد های خود و از بمباران های خود سخن می گویند. عکس های این سربازان قهرمان که دوانگشت خود را به نشان پیروزی بلند کرده اند در صفحه اول روزنامه ها و پشت جلد مجلات چاپ می شود. ولی کلامی در باره قربانیان غیر نظامی عملیات آنها نوشته نمی شود.
درشهر دوم – در کشور همسایه – تقریبا عین همان جریانات رخ می دهد. یعنی نیروهای دولتی شهری را محاصره می کنند که در تصرف متعصبانی از همان نوع است.
آنها حتی یک مرکز رسانه ای هم دارند که هزینه آن را امریکا و انگلیس می پردازند. یک تفاوت دیگر میان آنها این است که آن سربازان دولتی که این شهر دوم را محاصره کرده اند جنایتکارانی هستند که برای حملات خود به شهر و بمباران آن محکوم می شوند، برای عملیاتی که عینا مانند همان بمباران شهر اول و حملاتی است که توسط سربازان » خوب» صورت گرفته بود. گیج کننده است؟ در واقع نه. این همان استاندارد دوگانه ای است که ماهیت تبلیغات غرب را روشن میکند.
البته اشاره من به محاصره فعلی شهر موصل توسط نیروهای دولتی عراق است که مورد حمایت ایالات متحده امریکا و انگلستان قرار دارد و محاصره شهر حلب توسط نیروهای دولتی سوریه که مورد حمایت روسیه است. یک محاصره خوب است یک محاصره پلید است.
چیزی که در باره آن صحبت نمی شود این است که این دوشهر نه به تسخیر نیروهای متعصب در می آمدند و نه ویران می شدند اگر در سال 2003 انگلیس و امریکا به عراق هجوم نمی آوردند. آن عملیات تبهکارانه بطور کامل بر دروغ بنا شده بود و تدارک قبلی فضا برای انجام آن کاملا مشابه همین تبلیغاتی است که امروزذهن ما را در مورد جنگ داخلی سوریه مشوب می سازد.
بدون این » خبر» های جعلی همراه با غلغله طبل تبلیغات نه هیولای داعش ، القاعده یا النصرت و بقیه باند های جهادی بوجود می آمدند ونه مردم سوریه مجبور بودند برای نجات جان خود بجنگند.
شاید هنوز کسانی بیاد داشته باشند آن سری از خبرنگاران بی بی سی را که در برابر دوربین برای آنچه بعدا معلوم شد جنایت قرن بوده است از تونی بلر » دفاع می کردند». فرستنده های تلویزیونی امریکا نیز با همین شیوه جورج دبلیو بوش را توجیه می کردند. » فوکس نیوز» » هنری کیسینجر را جلوی دوبین آورد که برای جعلیات » کالین پاول» (مثلا دروغ گاز سمی او) تبلیغ کند.

من در همان سال، اندکی پس از اشغال عراق، با «چارلز لِویس» روزنامه نگار حقیقت جو و سرشناس امریکائی در واشنگتن مصاحبه کردم . از او پرسیدم چه می شد اگر رسانه های آزاد جهان در صحت آنچه که بعدا تبلیغات بی اعتبار شناخته شد از آغاز شک می کردند؟ او گفت اگر روزنامه نگاران کار خود را انجام می دادند می توانست یک شانس واقعی بوجود آید که ما به جنگ با عراق مجبور نشویم.
این سخن تکان دهنده ای بود، سخنی که روزنامه نگاران معروف دیگر هم آن را تایید کردند وقتی من این پرسش را با آنها در میان گذاشتم- Dan Rather از سی بی اس، David Rose از »آبزرور» و روزنامه نگاران و تولیدکنندگان بی بی سی که می خواستند ناشناس بمانند.
به بیانی دیگر معنی آن چنین می شود: اگر روزنامه نگاران کار خود را انجام می دادند، اگربجای تقویت تبلیغات در باره آن تحقیق می کردند وخود آن را مورد سوال قرار می دادند امروز صدها هزار مرد، زن و کودک هنوز زندگی می کردند و نه از داعش خبری بود و نه شهرهای حلب و موصل در محاصره بودند و روز 7 ژوئیه 2005 هم آن عملیات شنیع در قطار زیرزمینی لندن رخ نمی داد. میلیونها انسان مجبور به فرار نمی شدند و این اردوگاههای هراس برانگیز پناهندگان بوجود نمی آمد.
در نوامبر سال گذشته پس از آن عملیات شنیع تروریستی که در پاریس رخ داد پرزیدنت اولاند فورا هواپیما به سوریه هواپیما فرستاد تا سوریه را بمباران کنند که حاصل آن افزایش تروریسم بود، اولاند گفت فرانسه در حال جنگ است و کوچکترین ترحمی صورت نخواهد گرفت. در حقیقت خشونت دولتی و جهادگرایی یکدیگر را تغذیه می کنند ولی هیچ رئیس دولتی جرئت بیان آن را ندارد.
«وقتی سکوت جای حقیقت را می گیرد سکوت تبدیل به دروغ می شود» این سخنی است که » یِوتو چنکو» دگراندیش شوروی زمانی بر زبان آورد.
حمله به عراق، لیبی و سوریه به این دلیل صورت گرفت که رهبران این کشورها عروسک دست غرب نبودند. مسئله این نبود که قذافی حقوق بشر را رعایت نمی کردند. مسئله این بود که آنها گوش به فرمان غرب نمی دادند و کنترل کشور خود را بدست غرب نمی سپردند.
طبق کشفیات ویکی لیکس حمله به پرزیدنت اسد از سال 2009 آغاز شد . از زمانی که او با ایجاد خط لوله نفت از قطر به اروپا از طریق سوریه مخالفت کرد. از این لحظه بود که سیا نقشه ای طرح کرد که با کمک متعصبان جهاد گرا سوریه را ویران کند. بدست همان متعصبانی که در حال حاضر مردم را در موصل و حلب به گروگان گرفته اند.
چرا این خبرها را در برنامه اخبار پخش نمی کنند؟ «کارنه راس» دیپلمات پیشین

انگلیسی که از مسئولان بکار گرفتن تحریم علیه عراق بود، به من گفت : ما روزنامه نگاران را با اطلاعات نیمه درست یا خوش ظاهر تغذیه می کنیم یا آنها را کنار می گذاریم. شیوه کار این بود.

حکومت قرون وسطائی عربستان سعودی که غرب از آن حمایت می کند و امریکا و انگیس میلیارد ها اسلحه به آن می فروشند، در حال حاضر در کار ویران کردن یمن است. یمن چنان وضع اسف انگیزی دارد که دوران خوب در آن وقتی است که فقط نیمی از کودکان دچار کم غذائی هستند.

اگرنگاهی به » یو تیوب» بیاندازید می بیند که سعودی ها با بمب های » ما» چگونه دهکده های فقر زده ،عروسی ها و مراسم تشیع جنازه آنها را بمباران می کنند. انفجار ها شبیه انفجار های اتمی کوچک است. خلبانهای بمب افکن در عربستان با افسران انگلیسی همکاری تنگاتنگ دارند.این واقعیت نیز در اخبار شبانه تلویزیون نشان داده نمی شوند.

اثر بخش ترین تبلیغ که مورد تایید ما قرار گیرد ساخته و پرداخته فارغ التحصیلان عالتیرین موسسات آموزشی مانند آکسفورد، کمبریج، هاروارد یا کلمبیا هستند. یا کسانی که مشاغلی در بی بی سی، گاردین، نیویورک تایمز، یا واشنگتن پست داشته اند. این رسانه ها معروفند به رسانه های لیبرال. آنها خود را بعنوان تریبون های روشن اندیش، پیشرو و روح اخلاقی زمانه معرفی می کنند.آنها ضد نژاد پرستی، هوادار حقوق زنان و همجنس گرایان و عاشق جنگ هستند!

در همان حال که سخن از حقوق زنان می گویند، از غارتگرانه ترین جنگ ها حمایت می کنند، حقوق زنانی بیشمار از جمله حق حیات آنها را نفی می کنند. در سال 2011 در آن زمان که لیبی کشوری مدرن بود به این بهانه ویران شد که قذافی قصد داشت دست به کشتار مردم کشور خود بزند. این خبری بود که بدون انقطاع پخش می شد و مدرکی هم برای اثبات آن وجود نداشت. دروغ بود.

حقیقت این بود که انگلستان، اروپا و امریکا می خواستند در بزرگترین کشور تولید کننده نفت در افریقا نقشه ای را پیاده کنند که آن را » تغییر رژیم» می نامند. نفوذ قذافی در قاره افریقا و بویژه استقلال او قابل تحمل نبود.

او با خنجری از پشت بدست متعصبانی که مورد حمایت امریکا، انگلستان و فرانسه بودند، بقتل رسید. هیلری کلینتون با ابراز شادمانی از مرگ فجیع او در برابر دوربین گفت : » ما آمدیم، ما دیدیم، او مرد!» (ها ها ها)

ویرانی لیبی یک پیروزی رسانه ای بود. وقتی طبل جنگ به صدا در آمد «یوناتان فریدلاند» در گاردین نوشت : گرچه خطرات واقعی هستند، اما دلائل خوبی برای مداخله وجود دارد.

مداخله – واژۀ منتخب گاردین واژه ای بود مودبانه و بی خطر ولی معنای واقعی

آن برای لیبی عبارت بود از مرگ و ویرانی. بنا بر برخی اطلاعات ناتو 9700 حمله هوائی به لیبی کرد که بیش از یک سوم آنها حمله به اهداف غیر نظامی بود. راکت هائی مجهز به کلاهک اورانیومی نیز جزو آنها بود. کافیست نگاهی به عکس هائی از ویرانه های مصراته و سرت بیفکنید و به گورهای دسته جمعی که توسط صلیب سرخ کشف شده است بنگرید. گزارش اونیسف در باره کودکانی که کشته شده اند حکایت از آن دارد که» اکثر آن کودکان کمتر از 10 سال داشتند. نتیجه مستقیم آن این بود که سرت پایتخت داعش در لیبی شد.
اوکرائین نمونه دیگری از موفقیت رسانه ایست. روزنامه های لیبرال و وزینی چون نیویورک تایمز، واشنگتن پست، گاردین و تلوزیون های وزینی چون CBSو BBC,NBC, و CNN برای آن که تماشاگران آنها یک جنگ سرد جدید و خطرناک را بپذیرند نقش تعیین کننده ای ایفا کردند.
همه این ها رویدادهای اوکرائین را نادرست، یکجانبه و بعنوان یک عمل خبیثانه روسیه معرفی کردند، در حالی که کودتای اوکرائین در سال 2014 در واقع ساخته و پرداخته امریکا، با حمایت آلمان و ناتو بود.
این وارونه کردن واقعیت چنان آشکار است که ارعاب نظامی روسیه توسط امریکا حتی ارزش گفتن هم ندارد.
اکونومیست می نویسد روس ها دومرتبه می ایند تا ما را ببرند، رهبرشان یک استالین دیگر است، و او را درشکل و شمایل شیطان تصویر می کند. سرکوب حقیقت در باره اوکرائین یکی از جامع ترین سانسورهائی است که می توانم بیاد آورم. فاشیست هائی که طرح کودتای کیف را ریختند از همان دست آدم هائی هستند که در سال 1941 از حمله نازی ها به اتحاد شوروی حمایت کردند. برغم وحشتی که از رشد یهودی ستیزی فاشیستی در اروپا وجود دارد ولی هیچیک از رهبران کشورهای اروپائی نامی از فاشیست های اوکرائین نمی برند – جز ولادیمیر پوتین، ولی او که به حساب نمی آید.
افزون بر این کسان فراوانی در رسانه های غربی کلی کار کرده اند تا بخشی از مردم اوکرائین را که زبانشان روسی است بعنوان گروهی در حاشیه جامعه اوکرائین معرفی کنند که در واقع نه شهروند اوکرائین بلکه جاسوس مسکو هستند که برای ایجاد فدراسیونی در درون اوکرائین تلاش می ورزند، گروهی که در برابر کودتایی که بیگانگان علیه دولت منتخب آنها بر پا کردند، مقاومت می کنند.
رضایت خاطر نویسندگان دبیرخانه «واشنگتن پست» ازوضعیت کنونی به شادی دیدار دوباره همکلاسی های سابق شبیه است. آنها ها که امروز در «واشنگتن پست» علیه روسیه بر طبل جنگ می کوبند، همان نویسندگان دروغپردازی هستند که به دروغ ادعا کردند صدام حسین سلاح های کشتار انبوه در اختیار دارد.

برای اغلب ما کمپین کنونی انتخابات ریاست جمهوری در امریکا یک نمایش محیرالعقول رسانه ایست که در آن دونالد ترامپ دشمن بزرگ است . ولی دلیل نفرت قدرتمندان امریکائی از ترامپ رفتار و نظرات سرکشانه او نیست، بلکه دلائل دیگری دارد. رفتار غیر قابل پیش بینی ترامپ مانع از آنست که دولت نامرئی در واشنگتن بتواند به طراحی کارهای خود در قرن بیست و یکم بپردازد. صحبت بر سر حفظ برتری امریکا و در این رابطه بزانو در آوردن روسیه و در صورت امکان چین است.
مشکل اصلی که میلیتاریست ها ی واشنگتن با ترامپ دارند این است که در لحظاتی چنین بنظر میرسد که او نمی خواهد با روسیه بجنگد.
او می گویدنمیخواهد با رئیس جمهور روسیه بجنگد، می خواهد با او صحبت کند. او می گوید می خواهد با رئیس جمهور چین هم گفتگو کند.
ترامپ در نخستین بحث خود با هیلری کلینتون قول داد که اگر چالشی پیش آید او ضربه اول اتمی را نخواهد زد. او گفت :» من قطعن فرمان وارد آوردن نخستین ضربه اتمی را نخواهم داد. بمحض آن که پاسخ اتمی بیاید کار تمام است.» این سخن او در اخبار نیامد.
آیا این نظر واقعی اوست؟ کسی چه می داند؟ بسیار پیش می آید که اوحرف خود را هم نقض می کند. اما آنچه روشن است این است که ترامپ تهدیدی جدی برای وضع موجود محسوب می گردد. حافظ وضع موجود تشکیلات بزرگ امنیت ملی امریکاست است، صرفنظر از آن که رئیس جمهور امریکا کیست، این است آن تشکیلاتی که بر ایالات متحده امریکا مسلط است. سیا خواستار شکست ترامپ است. پنتاگون خواستار شکست اوست. رسانه ها خواستار شکست او هستند.حتی حزب خودش خواستار شکست اوست. او تهدیدی است برای فرمانروایان جهان – بر خلاف کلینتون که جای هیچ شک وشبهه ای باقی نگذاشت که او حاضر است علیه دو قدرت اتمی روسیه و چین دست به جنگ بزند. این کار از او بر می اید. او بارها توانائی خود را در این زمینه ستود. کارنامه او واقعا قابل توجه است. وقتی که سناتور بود از حمام خون در عراق حمایت کرد. وقتی که در انتخابات ریاست جمهوری در سال 2008 علیه اوباما وارد میدان شد، تهدید کرد که ایران را » بکلی از بین خواهد برد». بعنوان وزیر خارجه به ویران کردن لیبی و هندوراس رای موافق داد و تحریکات تبلیغاتی علیه چین را آغاز کرد.
سپس روی به سوریه آورد و در سوریه از ایجاد منطقه ممنوع برای پرواز حمایت کرد، که به معنی تحریک مستقیم برای جنگ با روسیه بود. کلینتون می تواند خطرناک ترین رئیس جمهور امریکا گردد که من در زندگی خود دیده ام.
کلینتون بدون داشتن کوچکترین مدرک روسیه را متهم کرد به حمایت از ترامپ و

این که نامه های الکترونیک او را هک کرده است. ایمیل هائی که ویکی لیکس منتشر کرد به ما نشان می دهد که چه تفاوت بزرگی هست میان آنچه او در محافل ثروتمندان و قدرتمندان برزبان می آورد و آنچه در در برابر افکار عمومی می گوید.
به همین دلیل تهدید یولیان آسانژ و ساکت کردن او حائز اهمیت جدی است. آسانژ که ناشر ویکی لیکس است حقیقت را می داند. بگذارید به شما و همه کسانی که نگران حال او هستند اطمینان بدهم که حال او خوبست و کار ویکی لیکس عالی است.
امروز بزرگترین مارش نیروهای نظامی امریکا پس از جنگ جهانی دوم، در قفقاز و اروپای شرقی در مرزهای روسیه، در آسیا و در اقیانوس آرام در جریان است که هدف آن چین است.
یادتان باشد روز 8 نوامبر که سیرک انتخاباتی به پایان می رسد، اگر برنده کلینتون باشد انبوهی از مفسران بی خبر موفقیت او را بعنوان پیشرفتی بزرگ برای زنان جشن می گیرند ولی کسی از قربانیان کلینتون یاد نخواهد کرد: از زنان سوریه، زنان عراق و زنان لیبی. هیچکس از تمرین های دفاع غیر نظامی در روسیه یاد نخواهد کرد. هیچکس بیاد «مشعل آزادی » ادوارد برنایز نخواهد افتاد.
سخنگوی مطبوعاتی جورج بوش زمانی رسانه ها را» تدارک گران سهیم در گناه» نامید. کسی که به این شناخت دست یافته یکی از مقامات ارشد دولتی است که دروغ های درد آفرین آن تازه از طریق رسانه ها آشکار شد.
در سال 1946دادستان دادگاه نورنبرگ(که برای محاکمه سران رژیم نازی بر پا شده بود.م) اظهار داشت: شما قبل از هر تهاجم بزرگ یک کمپین مطبوعاتی براه میانداختید که میبایست قربانیان شما را تضعیف و مردم المان را از لحاظ روانی برای حمله اماده سازد. در سیستم تبلیغاتی شما روزنامه ها و رادیو مهم ترین سلاح بودند.

Die geheime Regierung: John Pilger über Wesen und «Funktion der «Lügenpresse

1- در حاشیه، برای روشن تر شدن مطلب در تئوری و در عمل این چند سطر روشنگر را از ویکی پدیای آلمانی ترجمه کردم : این سخن ادوارد برنایز است:
«اگر ما مکانیسم و انگیزه فکر جمعی را بشناسیم این امکان هست که توده مردم را بدون آن که متوجه شوند، آنطور که می خواهیم کنترل و هدایت کنیم «.
مشکل اساسی صنایع در سالهای پس از جنگ رکود تقاضا بود. مردم فقط چیزی را می خریدند که به آن نیاز داشتند: اساس تبلیغ برای کالاها معیار های عقلانی بودند مانند مفید بودن کالا و کیفیت آن. بازار اشباع و خرید و فروش راکد بود. استراتژی برنایز این شد که:» بایدذهنیت خریداران بالقوه را دگرگون کرد». آنچه

که مصرف کننده برنایز می خرد باید معرف شخص و شخصیت او باشد، بیانگر من کیستم باشد: «خود را بیان کن» باید معیار تصمیم گیری برای خرید میشد. تبلیغات پیامی بود خطاب به امیال و آرزوهای غیر عقلانی خریداران».
https://de.wikipedia.org/wiki/Edward_Bernays

رویای بر باد رفته مسعود بارزانی در کردستان عراق /قماری که او را بازنده کرد

رسانه انگلیسی رویترز نوشته همه‌پرسی جدایی کردستان عراق که به ابتکار «مسعود بارزانی»، رئیس اقلیم کردستان عراق برگزار شد، قماری بود که رویای او برای داشتن سرزمین را بیش از هر زمان دیگر دست‌نیافتنی کرد.

یک رسانه غربی نوشته رئیس اقلیم کردستان عراق رویای خود برای محقق کردن جدایی این منطقه را دست‌نیافتنی‌تر از گذشته کرد.

به گزارش تیک ؛ رسانه انگلیسی رویترز نوشته همه‌پرسی جدایی کردستان عراق که به ابتکار «مسعود بارزانی»، رئیس اقلیم کردستان عراق برگزار شد، قماری بود که رویای او برای داشتن سرزمین را بیش از هر زمان دیگر دست‌نیافتنی کرد. خبرگزاری رویترز نوشته برگزاری این همه‌پرسی در روز 25 سپتامبر با حمایت اکثریت رأی‌دهندگان برای جدایی رو به رو شد، اما از طرف دیگر، خطر وقوع جنگ داخلی در عراق را بالا برد. بغداد، این رأی‌گیری را غیرقانونی خوانده است.

علی‌رغم این، مسعود بارزانی و حزب او به نام «حزب دموکرات کردستان» از برگزاری این همه‌پرسی دفاع کرده‌اند.

یک سخنگوی بارزانی به رویترز گفت: «[برگزاری همه‌پرسی] اقدامی صحیح بود. هیچ کس نمی‌تواند جلوی دستیابی ما به استقلال را بگیرد.»

اما تمامی کُردها هم از این ایده بارزانی استقبال نکرده‌اند. حزب اتحاد میهنی، گفته حزب دموکرات کردستان به دلیل مخالفت‌های شدیدی که با برگزاری همه‌پرسی وجود دارد، کُردها را در معرض خطر قرار داده است.

رویترز با اشاره به عملیات ارتش عراق برای بازپس‌گیری کرکوک، به نقل از یک فرمانده نیروهای وابسته به بارزانی مدعی شده ایران به نیروهای عراق برای انجام این حمله کمک کرده است.

علی‌رغم این، یک دیپلمات غربی، ایفای نقش ایران در این زمینه را رد کرد. وی گفت: «این، افسانه‌سرایی است. بارزانی در گذشته هم دیگران را به خاطر اشتباهاتی که خودش مرتکب شده سرزنش کرده است. ولی این بار این افسانه برای جلب حمایت آمریکایی‌ها، طراحی شده است.»

رویترز به نقل از برخی کارشناسان نوشته برخی معتقدند که برگزاری همه‌پرسی جدایی کردستان عراق به حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق فرصت بیشتری برای تحکیم قدرتش می‌دهد و استقلال منطقه کردستان عراق را دور از دسترس می‌کنند.

*فارس

علي مطهري : به آمر اصلي حمله شيراز رضايت مي‌دهم/ پيگير دادگاه جديد نشديم/ به اندازه كافي اينها تنبيه شده‌اند/سازماندهي شده بودند، خودسري نبود

نقطه سر خط؛ پايان پرونده. وكيل پرونده حمله به مطهري در شيراز مي‌گويد موكلش حق دارد كماكان از آمر اصلي شكايت كند اما علي مطهري گفته «رضايت خواهم داد». آمر اصلي حمله به مطهري در شيراز چندي بعد از سازماندهي آن حمله راهي تهران شده و به گفته مطهري ارتقا يافته است.

آمر اصلي حمله به مطهري در شيراز چندي بعد از سازماندهي آن حمله راهي تهران شده و به گفته مطهري ارتقا يافته است.

به گزارش تيک؛ مطهري حالا تأكيد دارد كه دلايل گذشتش از آمر اصلي حمله سازماندهي‌شده به او، درنظرگرفتن مصلحت كشور است. مطهري تأكيد دارد كه «آمر اصلي متنبه شده است». مصطفي تركهمداني، وكيل مطهري، نيز به «شرق» مي‌گويد «بنا بر دفاعيات متهمان هيچ فردي به عنوان شهروند عادی شناسايي و محاكمه نشده است. بنابراين متهمان پنج نفر نظامي بودند و سه نفر دانشگاهي».

هم علي مطهري و هم تركهمداني هر دو از نتيجه نهايي دادگاه راضي‌اند. تركهمداني گفته «دادگاه رأي لازم را صادر كرده كه از ديد من رأي خوبي است. اما ادامه آن به شاكي بستگي دارد. اگر شاكي بخواهد مي‌تواند در مورد آمر اصلي به مرجع قضائي ذي‌صلاح شكايت برد. البته مرجع رسيدگي براي برخي افراد متفاوت است. همان‌طور كه به روحانيون در دادسراي ويژه روحانيون رسيدگي مي‌شود و به نظامي‌ها در دادسراي نيروهاي مسلح. اما در مورد برخي نظاميان كه رده‌بالا هستند، دادسراي نيروهاي مسلح رسيدگي نمي‌كند و محل رسيدگي جاي ديگري است. به همين خاطر تأكيد دارم كه ادامه مسير به شاكي برمي‌گردد كه آيا مي‌خواهد ادامه دهد يا نه؟ امكان شكايت از آمر اصلي كماكان براي علي مطهري وجود دارد».

۱۸ اسفند ۹۳ علي مطهري براي سخنراني در دانشگاه از فرودگاه عازم شده بود كه گروهي به او حمله‌ور شدند. حالا پرونده مطهري به خط پايان نزديک شده است. او جزء نخستين چهره‌هاي سياسي است كه از حمله شكايت كرده و حالا از نتيجه رسيدگي‌ها راضي است. با اين حال هنوز نواقصي در كار مي‌بيند. معتقد است كمترين تأثير پيگيري و شكايت او حالا به «ازبين‌رفتن آن فضا كه در آن استان وجود داشت، منجر شده است. نهادها هم در جاي خود قرار گرفتند و استاندار نيز تغيير كرد».

تركهمداني نيز مي‌گويد: «رأي دادگاه يک شاهكار قضائي بود. دادستان و قاضي پرونده دوم درخشان عمل كردند و پيگيري‌هاشان بسيار تأثيرگذار بود. دستگاه قضائي و قضات ما در چنين پرونده‌هايي به نقطه‌اي رسيده‌اند كه مي‌دانند اگر برخورد جدي نشود، اتفاق‌هاي بدتري در راه است».

او همچنين افزوده «وقتي قاضي صفري نيمي از متن نهايي دادنامه را به فرمايش رهبري اختصاص مي‌دهند، يعني به خوبي متوجه شده‌اند چه كساني بايد مراقب

رفتارشان باشند». در ادامه گفت‌وگوي علي مطهري، نايب‌رئيس مجلس دهم مي‌آيد.

در نهايت رضايت خواهيد داد؟
... قبلا هم گفتم كه آمر اصلي اخيرا حكم ارتقا گرفته. به خاطر احترام به اين حكم و اينكه آبروي او حفظ شود، عملا دنبال نمي‌كنيم.

در حكم نهايي، حكمي هم براي آمر اصلي صادر شده است؟ توضيح شما چيست؟
چون ما دنبال نكرديم، خير. بايد يک دادگاه جديد تشكيل مي‌شد تا در آن آمر اصلي محاكمه مي‌شد اما ما ديگر پيگير دادگاه جديد نشديم.

فكر نمي‌كنيد عدم شكايت شما منجر به تكرار چنين وقايعي شود؟
به اندازه كافي اينها تنبيه شده‌اند و آمر اصلي هم به اندازه كافي متنبه شده است. ما اين كار را -رضايت از جرم آمر اصلي- به خاطر مصالح كشور انجام داده‌ايم.

شما چند سال است كه درگير اين پرونده هستيد، با شما تماسي گرفته شد كه پرونده به شكلي جمع شود؟
بله. موقعي كه دادگاه اول درباره مهاجمان مطرح بود، درخواست گفت‌وگو شد ولي به جايي نرسيد.

از نتيجه نهايي راضي هستيد؟
بله، راضي هستم چون هم مهاجمان و هم آمران درجه دو، هر دو محكوم و مجازات شدند و همه آنها هم به نادرستي كار خود اعتراف كردند و در دادگاه اول عذرخواهي كردند. علاوه بر اين، اين حادثه آثار بسيار خوبي در استان فارس داشت و كاملا آن فضا و جو سابق كه در آن استان وجود داشت، از بين رفت. نهادها هم در جاي خود قرار گرفتند و استاندار نيز تغيير كرد. اين حادثه آثار بسيار خوبي در استان فارس و در كل كشور داشت.
از اين‌گونه حمله‌ها به افراد مختلف در سمت‌هاي مختلف صورت گرفته است. مشابه اتفاقي كه براي شما افتاد، براي خيلي‌هاي ديگر هم افتاده اما شما اولين فردي هستيد كه شكايت كرديد، آيا از پيگيري حقوقي‌تان راضي هستيد؟ توصيه‌تان به ديگران چيست؟
به نظرم لازم است كه پيگيري كنند و بسيار مؤثر است در جلوگيري از اين رفتارها. درعين حال اين مقدار هم غنيمت است. قضات عادلي هم داريم. مثلا قاضي‌اي كه پرونده عاملان درجه دوم را بررسي مي‌كرد آدم منصف و عادلي بود. با اينكه ما گفتيم اگر اينها آمر اصلي را اعلام كنند، از اينها مي‌گذريم اما خودش به عنوان مدعي‌العموم احكام مجازات براي آنها صادر كرد چون نظم عمومي را برهم زده بودند.

بخشي از پرونده شما مشكلاتي بود كه براي رئيس دانشگاه و يك دانشجو رخ داد. براي اينها جريمه‌هايي در نظر گرفته شد و بعد برخي از ايشان خلاص شدند. روز حمله صد نفر خودسر بودند و فقط سه عضو، دانشگاهي بودند.
اينها خودسر نبودند، دستور داشتند. اين‌طور نبود كه خودجوش بيايند، بلكه برنامه‌ريزي شده بود.

به‌جز واژه خودسر، چه واژه‌اي مي‌شود استفاده كرد؟
سازماندهي‌شده بودند. خودسري نبود، دستور داشتند كه اين كار را انجام دهند. خودسر كساني هستند كه خودجوش برنامه‌اي را برهم مي‌زنند.

من با دانشجويي كه شما را دعوت كرده بود صحبت مي‌كردم، مي‌گفت كه تعداد اينها بالاي صد نفر بوده است.
فكر نمي‌كنم، ۵۰ تا ۶۰ نفر بيشتر نبودند.

ولي فقط هشت نفرشان را دادگاهي كردند، اما از چهره‌هاي دانشگاهي سه نفر درگير بودند و هر سه نفر را دادگاهي كردند، توضيح مي‌دهيد؟
براي رئيس دانشگاه و معاون فرهنگي دانشگاه احكامي صادر كردند. البته در تجديدنظر، رئيس دانشگاه تبرئه شد، اما معاون فرهنگي همچنان محكوم است، درحالي‌كه بنده خدا هيچ نقشي نداشت و حكمش عادلانه نبود.

سؤالم اين بود كه احكام دانشگاهيان را چطور مي‌بينيد؟
اصلا مديران دانشگاه در آن حادثه نقشي نداشتند. ظاهرا يک دانشجو جريمه نقدي شد، اما نفهميدم كه حكمش نقض شد يا نه. او هم نقشي در حادثه نداشت، فقط زير دعوت‌نامه را امضا كرده بود.

وضعيت حكم معاون فرهنگي دانشگاه شيراز به چه شكل است؟
تا جايي كه مي‌دانم، خود ايشان اعتراض كرده‌اند و در تجديدنظر حكم او نقض نشده، اما اطلاع دارم كه معاون فرهنگي وزارت علوم پيگير اين قضيه بوده و به ايشان كمک مي‌كردند.

نكته ديگري هست كه بخواهيد به آن اشاره كنيد؟
وكيل پرونده، آقاي تركهمداني، خيلي زحمت كشيد و از ايشان تشكر مي‌كنم. هدفم اين بود كه اين برخوردها تكرار نشود و قصد انتقام‌جويي نداشتم. در دادگاه اول و دوم مي‌توانستيم تقاضاي تجديدنظر بدهيم تا مجازات‌ها سنگين‌تر شوند، ولي اين كار را نكرديم. بالاخره برخي دخالت‌ها در امور دانشگاه‌ها و ديگر سازمان‌ها كماكان از جانب برخي دستگاه‌ها وجود دارد كه اميدواريم با اين حكم آنها هم متنبه شوند و اين‌گونه حوادث تكرار نشود. / شرق

هشدار و سخنان صریح جان‌کری، گابریل و موگرینی در دفاع از برجام؛ ترامپ دروغ می‌گوید

جان کری، وزیر خارجهٔ پیشین ایالات متحده آمریکا می گوید که دولت کنونی آمریکا دربارهٔ توافق هسته‌ای ایران «دروغ» می گوید.
جان کری روز پنجشنبه در بوستون با محکوم کردن اقدام دونالد ترامپ در رد پایبندی ایران به توافق هسته‌ای گفت: «صراحتا بگویم که دولت به مردم آمریکا دروغ می‌گوید. این توافق و پروتکل الحاقی آن، تضمینی برای تمام عمر داشت، برای همیشه.»

به گزارش تیک ؛ او افزود هیچ شاهدی وجود ندارد که ایران این توافق را نقض کرده است و اگر چنین نقضی وجود داشت، ایالات متحده آمریکا بر اساس همین توافقنامه می‌توانست وارد عمل شود.

آقای کری گفت که در سالهایی که احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای افزایش یافته بود، باراک اوباما از سوی رهبران دست‌کم سه کشور (حسنی مبارک در سال ۲۰۱۱ میلادی، ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی و بنیامین نتانیاهو در سال ۲۰۱۳ میلادی) پیام‌هایی را مبنی بر بمباران ایران دریافت کرد؛ رئیس جمهوری پیشین آمریکا حتی تقاضاهای شخصی دریافت کرده بود که بر بمباران ایران اصرار داشتند. اما آقای اوباما در مقابل، مذاکرات برای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ میلادی را آغاز کرد.

آقای کری گفت: «ما تصمیم گرفتیم از روش‌های دیپلماتیک وارد عمل شویم؛ نه از آن رو که می‌دانستیم که قطعا به نتیجه خواهد رسید بلکه به این دلیل که می دانستیم باید قبل از جنگ، از دیپلماسی استفاده کنیم.» به گفتهٔ او، حتی مقامات ارشد امنیتی اسرائیل نیز معتقدند که این توافق، کار می کند.

جان کری در تهیه ۱۵۹ صفحه از توافق هسته‌ای و همچنین برای مدتی بیش از دو سال در مذاکرات برای به نتیجه رسیدن این توافق مشارکت داشت.

جان کری تاکید کرد که دونالد ترامپ در عمل نمی‌تواند به «هیچ معامله‌ای بهتر از توافق هسته‌ای» دست یابد. به گفته او رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا تنها به این دلیل ساده پایبندی ایران به این توافق را رد کرده که «این توافق را دوست نداشته است» آنهم در حالیکه برخی از منتقدان جدی ایران و حتی برخی از مقامات امنیتی کابینه ترامپ به او هشدار داده بودند که دست به چنین کاری نزند.

جان کری در ادامه افزود: «بیش از ۸ بار آنهم در زمان‌های مختلف، آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام کرده است که ایران مطابق این توافق عمل می کند». به گفته او این آژانس همچنین هشدار داده است که تهدید آمریکا مبنی بر ترک این توافق، کاری «خطرناک» و «غیرمسئولانه» است.

آقای کری با اشاره به اینکه سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان اعلام کرده اند برای افزایش تحریم‌های ایران، در کنار ایالات متحده آمریکا قرار نخواهند گرفت، گفت: «آنچه من قویا به ایران، چین و روسیه پیشنهاد می‌کنم این است که رهبران این کشورها مانند افراد بالغ و عاقل در کنار بریتانیا و فرانسه و آلمان در یک اتاق قرار بگیرند و همهٔ آنها با هم بگویند که "ما می‌خواهیم این توافق را حفظ کنیم زیرا با این توافق، جهان امن‌تر خواهد بود"».

هشدار وزیر خارجه آلمان

زیگمار گابریل، وزیر خارجه آلمان نیز در این هفته هشدار داد که این اقدام آمریکا می‌تواند همه را گرفتار درگیری نظامی کند که ممکن است میان آمریکا و ایران روی دهد.

او پیش از این نیز اعلام کرده بود که هر حرکتی از سوی دولت دونالد ترامپ برای خروج از توافق هسته ای، فاصلهٔ میان اروپا و آمریکا را بیشتر می کند.

آقای گابریل که روز دوشنبه در نشست وزیران اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ شرکت کرده بود، هشدار داد: «ضروری است که اروپایی‌ها در این موضوع با همدیگر کار کنند. باید به آمریکایی‌ها بگوییم که رفتارشان در قبال ایران، باعث می‌شود ما اروپایی‌ها موضع مشترکی را با چین و روسیه علیه آمریکا اتخاذ کنیم.»

آلمان به لحاظ تاریخی روابط اقتصادی نزدیکی با روسیه دارد. آلمان همچنین علاقمند به برقراری روابط نزدیک با چین است و آقای گابریل بطور ویژه در زمینهٔ تقویت روابط پکن و برلین فعالیت می‌کند.

آقای گابریل همچنین هشدار داد که خروج از توافق هسته‌ای ایران، بحران کره را تشدید می‌کند و از اعتبار هر نوع توافق احتمالی با کره شمالی خواهد کاست.

وزرای خارجه اتحادیه اروپا پس از نشست لوکزامبورگ با انتشار بیانیه‌ای «نگرانی عمیق» خود را در قبال استراتژی جدید آمریکا اعلام کردند.

ژان ایو لودریان، وزیر خارجه فرانسه بر این موضوع تاکید کرد که این رفتار آمریکا خطر احیای مسابقه تسلیحات هسته‌ای را افزایش می‌دهد. ژان اسلبورن، وزیر خارجه لوکزامبورگ نیز با اشاره به خطر احتمال وقوع یک درگیری نظامی، بر این موضوع تاکید داشت که «از لحاظ جغرافیایی، اروپا در مقایسه با آمریکا، به ایران خیلی خیلی نزدیکتر است.»

اروپا همچنین نگران شرکتهایی است که پس از لغو تحریم‌های ایران، همکاری‌های اقتصادی خود را با تهران آغاز کرده بودند و اکنون این نگرانی وجود دارد که با تحمیل تحریم‌های جدید از سوی کنگره، این شرکتها را از لحاظ مالی بطور قابل توجهی متضرر شوند.

موضع‌گیری قاطع فدریکا موگرینی

سخنان آقای گابریل پس از آن بیان شد که فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز موضع محکمی در قبال سخنان دونالد ترامپ اتخاذ کرد. خانم موگرینی عصر جمعه ۱۳ اکتبر و دقایقی پس از اعلام استراتژی جدید دونالد ترامپ علیه ایران، در یک نشست خبری بر حمایت اتحادیه اروپا از این توافق هسته‌ای تاکید کرد.

او گفت: «توافق هسته‌ای یک توافق دوجانبه نیست. یک معاهده بین‌المللی هم نیست. توافق هسته‌ای یک پیوست بسیار طولانی به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل است که به اتفاق آراء تصویب شده است. با توجه به دانش من، هیچ کشوری در این جهان نمی‌تواند به تنهایی به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که به تصویب رسیده است و مهمتر اینکه به اتفاق آراء به تصویب رسیده، سپس اجرا شده و اجرای آن نیز به تایید رسیده است و بقیه کشورهای عضو جامعه بین‌الملل به اجرا و حمایت آن ادامه می دهند، خاتمه دهد.»

خانم موگرینی افزود: «کاملا روشن است که در دست هیچ رئیس‌جمهوری در هیچ کشوری در این جهان نیست که به چنین توافقی پایان دهد. زیرا این قطعنامهٔ شورای امنیت سازمان ملل است. این برنامه‌ای عملی درباره کارهایی است که باید انجام شود... رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا قدرت زیادی دارد؛ اما نه در این موضوع.»

به نوشته یورونیوز، او همچنین روز دوشنبه ۱۶ اکتبر در لوکزامبورگ و به نمایندگی از طرف ۲۸ کشور عضو این اتحادیه اعلام کرد که این توافق «موفقیت‌آمیز بوده است» و بار دیگر بر این موضوع که حفظ این توافق، صلح را تضمین می کند، تاکید کرد.

برایش کلاس اشنائی با جنگ جهانی بگذارید

تخیلات جنگی جانشین فرمانده کل سپاه

سردار سلامی جانشین فرمانده کل سپاه که عمده سابقه نظامی- جنگی او باز می گردد به جنگ در کردستان روز گذشته در یک سخنرانی بدیع و البته کمی هم مضحک گفت: "ما تاکنون در فضایی همانند جنگ جهانی زندگی کرده‌ایم" (یعنی 4 دهه است ایران در جنگ جهانی است**!**)

همان اوائل جمهوری اسلامی که عرق فروشی ها بسته شد و تولید عرق دست ساز داخلی شروع شد، این مزاح بعنوان یک رویداد خنده دار بر سر زبانها بود که یک شب مستی را در خیابان می گیرند و نزد حاکم شرع می برد تا حکم بدهد. حاکم شرع دستور 5 هزار ضربه شلاق میدهد و مرد مست به حاکم شرع می گوید: "حاج آقا**!** یا تا حالا در زندگی ات عرق نخورده ای و یا شلاق نخورده ای**!**"

حالا حکایت سردار سلامی است که یا جنگ جهانی را ندیده - که سن و سالش به دیدن آن جنگ کفایت نمی کند- و یا در کتاب ها درباره جنگ دوم چیزی نخوانده است.

۹ چیزی که نمی دانستید مخترع آنها زنان هستند

اگر اسم مخترعان مهم را بپرسند ممکن است از توماس ادیسون، الکساندر گراهام بل و لئوناردو داوینچی شروع کنید. ولی آیا مری اندرسون و یا آن تسوکاموتو را می شناسید؟

شاید این اسمها را نشناسید ولی آنها فقط دو تن از زنان مخترع وسایل و خدماتی هستند که هر روزه از آنها استفاده می کنید.

امسال بخش جهانی بی‌بی‌سی به مناسبت مجموعه برنامه‌های سالانه*صدزن*، فهرستی را تهیه کرده از ۹ وسیله و خدماتی که آنها را مدیون اختراعات زنان پیشرو هستیم.

۱۰۰ زن؛ اپلیکیشن-های سلامت زنان، آنان را 'قدرتمند-تر می-کند'

تاکید آیت‌الله خامنه‌ای بر خانه‌داری زنان و تاریخ تامل برانگیز خانه‌نشینی

پنج نکته درباره اولین رئیس-جمهوری زن برزیل

۱. نرم افزار کامپیوتر - گریس هاپر

گریس هاپر در جنگ جهانی دوم به نیروی دریایی آمریکا پیوست. زمانی که درجه دریاداری داشت مامور شد روی کامپیوتر جدیدی به نام مارک ۱ کار کند. به فاصله کوتاهی در دهه ۱۹۵۰ او جز متخصصان ارشد برنامه ریزی کامپیوتر شد.

او وسیله‌ای به اسم همگردان (کامپایلر) را ساخت که می توانست دستورات را به رمزهایی بدل کند که کامپیوتر قادر به خواندن آن بود. به این ترتیب برنامه سازی سریعتر و در نتیجه شیوه کار کامپیوتر از اساس متحول شد.

گریس هاپر در عین حال در عمومیت دادن به عبارت "ویروس زدایی" نقش داشت که ما امروزه هنوز آنرا به کار می بریم. پس از آنکه بیدی را از کامپیوتر او خارج کردند این عبارت را ابداع کرد.

او که لقب "گریس شگفت‌انگیز" گرفته بود کار با کامپیوتر را ادامه داد تا اینکه بالاخره در سن ۷۹ سالگی به عنوان مسن ترین افسر شاغل نیروی دریایی آمریکا بازنشسته شد.

EACHUS

۲.کالر آی‌دی و کال ویتینگ - دکتر شرلی آن جکسون

خدمات ویژه مخابراتی از جمله قابلیت نمایش شماره فرد تماس گیرنده (کالر آی‌دی) و انتظار مکالمه (کالر ویتینگ) مدیون پژوهش‌های دکتر شرلی آن جکسون، یک کارشناس فیزیک تئوری آمریکایی است.

این خدمات براساس پژوهش های او در دهه ۷۰ میلادی طراحی و ابداع شدند.

علاوه براین اختراعات، او در زمینه ارتباطات صوتی و تصویری پژوهش های دیگری هم داشت که زمینه را برای اختراع دستگاه فکس متحرک، کابل های فیبر نوری و سلولهای خورشیدی توسط دیگران فراهم کرد.

او اولین زن آمریکایی آفریقایی تبار است که از دانشگاه فنی ماساچوست مدرک دکترا گرفت و هدایت یک دانشگاه پژوهشی عالیرتبه را برعهده داشته است.

EACHUS

۳. برف پاک کن اتومبیل - مری اندرسون

در یک روز زمستانی سال ۱۹۰۳ مری اندرسون که مشغول دیدار از شهر نیویورک بود متوجه شد که راننده اش برای پاک کردن برف از روی شیشه جلوی اتومبیل مجبور شده پنجره سمت خودش را باز کند.

هر بار که پنجره راننده باز می شد مسافران اتومبیل احساس سرما می کردند.

خانم اندرسون ساختن یک تیغه پلاستیکی برای پاک کردن شیشه که بتوان آنرا از داخل اتومبیل به حرکت درآورد شروع کرد و در سال ۱۹۰۳ اختراع خود را به ثبت رساند.

اما شرکت‌های اتومبیل سازی این اختراع او را نپذیرفتند چون به نظر آنها حواس راننده را پرت می کرد. خانم اندرسون هیچگاه حتی زمانی که برف پاک کن به وسیله‌ای استاندارد در همه اتومبیل‌ها بدل شد از این اختراع خود سودی نبرد.

۴. باتری های ایستگاه فضایی - اولگا د گونزالس- سانابریا

شاید جذاب‌ترین نام در این فهرست را نداشته باشد اما باتری‌های پردوام نیکل و هیدروژن در تامین انرژی مورد نیاز ایستگاه فضایی بین المللی نقش تعیین کننده‌ای داشته و بنابراین بسیار مهم هستند.

اولگا د گونزالس- سانابریا که اصلا اهل پورتو ریکو موفق به توسعه فناوری جدیدی شد که در دهه ۸۰ میلادی به ساختن این نوع باتری‌ها کمک کرد و اکنون مدیر مرکز پژوهشی گلن سازمان فضایی آمریکا- ناسا است.

۵. ماشین ظرفشویی - جوزفین کوچرین

خانم کاکرین که اهل مهمانی دادن بود به دنبال وسیله‌ای می گشت که ظرفهایش را با سرعت بیشتری از مستخدمان بشوید و آنها را نشکند.
ماشین اختراع او که شامل موتوری است که یک چرخ را داخل مخزن آب گرم مسی می‌چرخاند اولین ماشین ظرف شویی خودکاری است که از پمپ آب (فشار آب) استفاده می‌کند.
شوهر الکلی خانم کوچرین پس از مرگ بدهی فراوانی برای او به جا گذاشت و این انگیزه‌ای شد که اختراع خود را در سال ۱۸۸۶ ثبت کرده و کارخانه تولید این نوع ماشین ها را راه اندازی کند.

EACHUS

۶. سیستم امنیتی خانه - مری ون بریتن براون

مری ون بریتن براون که پرستار و معمولا در خانه تنها بود به فکر خلق ابزاری افتاد که به او احساس امنیت بدهد.
همراه همسرش آلبرت و در واکنش به افزایش میزان جرایم و واکنش کند پلیس در دهه ۶۰ میلادی اولین سیستم امنیتی خانه را طراحی کرد و ساخت.
این وسیله پیچیده بود، دوربینی داشت که با کمک یک موتور حرکت می کرد و به کمک آن می شد محیط بیرون در ورودی منزل را از طریق دریچه کوچکی دید. علاوه بر این تصاویر دوربین به صفحه‌ای که در اتاق خواب او نصب شده بود منتقل می شد که در عین حال به یک آژیر خطر مجهز بود.

EACHUS

۷. جدا سازی سلولهای بنیادی - تسوکاموتو

او برای یافته‌های خود در زمینه جداسازی سلولهای بنیادی در سال ۱۹۹۱ جایزه گرفت. از آن زمان کار خانم تسوکاموتو منجر به پیشرفت‌های مهمی در زمینه شناخت سیستم خون بیماران مبتلا به سرطان که می تواند به درمان این بیماری بیانجامد.
خانم تسوکاموتو در حال حاضر مشغول پژوهش‌های بیشتری در مورد نحوه رشد سلولهای بنیادی است و هفت اختراع دیگر با مشارکت دیگران به نام او ثبت شده است.

۸- کولار - استفانی کوولک

این شیمی دان الیاف بسیار سبکی به نام کولار را اختراع کرد که از آن در جلیقه های ضد گلوله و لباس های ایمنی برای انواع ورزشها از جمله اتومبیل رانی و موتور سواری استفاده می شود.
از زمان اختراع در سال ۱۹۶۵ این ماده که پنج برابر فولاد استحکام دارد جان بسیاری را نجات داده و میلیونها نفر روزانه از آن استفاده می کنند.
این ماده در انواع و اقسام وسایل، از دستکش‌های آشپزی و تلفن‌های موبایل گرفته تا هواپیماها و پل‌های معلق به کار برده می شود.

۹- مونوپلی - الیزابت مگی

معمولا مردی به نام چارلز دارو به عنوان مخترع پرطرفدارترین بازی رومیزی در تاریخ شناخته می شود ولی قوانین بازی مونوپلی در حقیقت توسط الیزابت مگی اختراع شد.
خانم مگی از طریق ابداع یک بازی نوآورانه که در آن بازیکنان پول و مستقلات فرضی را معامله می کنند قصد داشت مشکلات نظام سرمایه داری را نشان دهد.
نام اختراع او که در سال ۱۹۰۴ ثبت شد بازی صاحب ملک بود.
بازی مونوپلی که امروزه می شناسیم در سال ۱۹۳۵ توسط برادران پارکر به بازار عرضه شد. آنها متوجه شدند که چارلز دارو تنها خالق این بازی نیست و با خریدن حق ثبت خانم مگی به بهای ۵۰۰ دلار ازآن زمان انحصار بازی مونوپلی را در دست گرفتند.

روایت اسماعیل دوستی از دیدار با کروبی: براساس گشایش‌های صورت گرفته موضوع «حصر» قابل حل است

اسماعیل دوستی که به عنوان نخستین فعال سیاسی پس از شش سال با مهدی کروبی در حصر ملاقات کرده است، درباره شرایط جسمی و رویکرد او نسبت به مسائل مختلف می‌گوید که آقای کروبی شاداب و سر و حال و در سلامت کامل است و نسبت به آینده نظام و انقلاب امیدواری بسیاری دارد.

اسماعیل دوستی که به عنوان نخستین فعال سیاسی پس از شش سال با مهدی کروبی در حصر ملاقات کرده است، درباره شرایط جسمی و رویکرد او نسبت به مسائل مختلف می‌گوید که آقای کروبی شاداب و سر و حال و در سلامت کامل است و نسبت به آینده نظام و انقلاب امیدواری بسیاری دارد.

اسماعیل دوستی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به دیدار اخیر خود با حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروبی اظهار کرد: من برای سومین بار در دوران حصر به دیدار آقای کروبی رفتم که دیدار اخیر حدود ۳ ساعت به طول انجامید.

وی با بیان اینکه «به لطف خدا آقای کروبی در سلامت کامل بودند و حال‌شان بسیار عالی، خوشحال و سر و حال بود»، خاطر نشان کرد: پیش از این شش سال قبل به همراه آقای عباسی‌فرد در منزل سابق آقای کروبی به دیدار ایشان رفته بودم.

این عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی گفت: مدت‌ها بود که برای دیدار با آقای کروبی به مراجع ذی‌صلاح درخواست‌هایی داده بودم که خوشبختانه اخیرا از سوی شورای عالی امنیت ملی این اجازه صادر شد تا با ایشان دیداری داشته باشم. این دیدار نیز خیلی مفصل انجام شد و آقای کروبی امیدواری بسیاری نسبت به آینده نظام و انقلاب داشتند.

دوستی تصریح کرد: در این دیدار حامل هیچ پیامی از طرف فرد خاصی یا برای فرد خاصی نبوده‌ام.

این فعال سیاسی اصلاح طلب در پایان با بیان اینکه «موضوع رفع حصر نیازمند تدابیری است که نظام در حال اتخاذ آنهاست»، اظهار کرد: به

فعالان سیاسی داخل کشور توصیه می‌کنم که درباره موضوع حصر خیلی هیجانی عمل نکنند؛ چرا که ان‌شاءالله براساس گشایش‌هایی که صورت گرفته، این موضوع قابل حل بوده و نظام نیز آرام آرام در حال اتخاذ تدابیری در این زمینه است. من به حل این موضوع بسیار امیدوار هستم.

اسماعیل دوستی عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی سه شنبه ۱۸ مهر ۹۶ به عنوان نخستین فعال سیاسی پس از شش سال با حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروبی دبیر کل حزب اعتماد ملی و از محصوران سال ۸۸ دیدار کرد.

گزارش ویژه مشرق؛

روایت «سندرز» از بحران در طبقه متوسط آمریکا: 43 میلیون نفر در فقر شدید هستند +تصاویر و آمار

سندرز در کتاب «انقلاب ما؛آینده‌ای که باید باور داشته باشیم» به بررسی بحران طبقه متوسط در این کشور پرداخته است. بحرانی که زوال قطعی آمریکا را سرعت خواهد بخشید.

سرویس جهان مشرق - پایان جنگ جهانی دوم با ویرانی طرف‌های درگیر به‌جز آمریکا و پس‌ازآن، فروپاشی شوروی به‌عنوان مظهر اندیشه کمونیست، شرایط ویژه‌ای را در نظام بین‌الملل برای ایالات‌متحده وجود آورد. آمریکا با استفاده از این فرصت و به پشتوانه غول‌های رسانه‌ای خود همچون هالیوود توانست خود را به‌عنوان بهشت روی زمین و کشوری برای رشد و پیشرفت معرفی کند به‌گونه‌ای که زندگی در چنین کشوری به آرزوی بسیاری از مردم در سرتاسر جهان تبدیل‌شده است. اما تحولاتی که اخیراً در حوزه سیاسی- اجتماعی آمریکا رخداده و خبرهایی که از چالش‌های به وجود آمده برای نظام سیاسی این کشور به گوش می‌رسد با گذشت زمان در حال آشکار کردن چهره واقعی آمریکا برای مردم جهان می‌باشد.

گفته‌ها و نوشته‌های برنی سندرز به‌عنوان یک سیاستمدار کهنه‌کار آمریکایی و نامزد انتخاباتریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ در آمریکا ازجمله مواردی است که کمک بسیاری به شناخت صحیح ما از واقعیات ایالات‌متحده می‌کند. سندرز که به خاطر نشان دادن یک چهره ضد سرمایه‌داری از خود توانسته بود آراء بسیاری را به خود جذب کند، پس از پایان انتخابات با انتشار یک کتاب به تشریح وضع فعلی آمریکا و بیان ایده‌های خود برای بهبود آن پرداخته است. ازجمله مواردی که سندرز آن را به‌عنوان یکی از مشکلات اساسی نظام سیاسی آمریکا مطرح می‌کند، توزیع نابرابر ثروت در آمریکا می‌باشد. درنتیجه تکرار پیوسته توزیع غیرعادلانه ثروت در چند دهه گذشته، جامعه آمریکا خود را دچار یک شکاف طبقاتی عمیق در حوزه اقتصادی می‌بیند به صورتی که در آن گروهی به طبقه مرفه با ثروت‌های بسیار زیاد و گروهی دیگر به طبقات محروم و ناتوان در برآوردن نیازهای اولیه خود تبدیل می‌شوند.



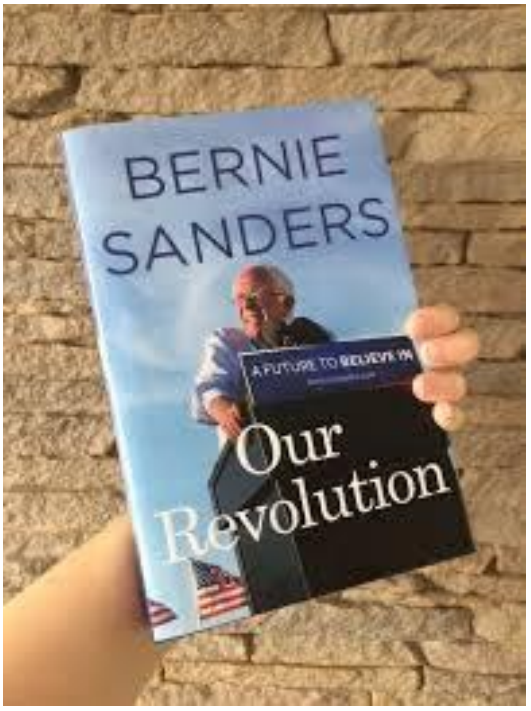
یکی از مشکلات پیش روی جامعه آمریکا از نگاه سندرز نابودی «طبقه متوسط» در ازای افزایش ثروت طبقه مرفه در این کشور می‌باشد

پرده‌برداری سندرز از شکاف طبقاتی فزاینده در آمریکا

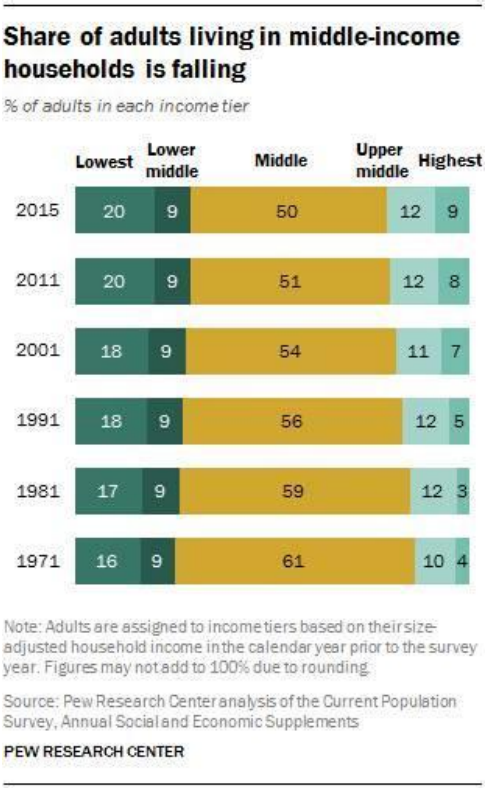
برنی سندرز سناتور دمکرات سنای آمریکا که برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ از طرف حزب دموکرات نامزد شده بود اگرچه در انتخابات درون‌حزبی از هیلاری کلینتون شکست خورد اما در عین ناباوری توانست به‌وسیله شعارهای سوسیالیستی و جذب آرای نسل جوان آمریکا خود را به‌عنوان یکی از گزینه‌های مطرح برای ریاست جمهوری معرفی کند. جالب‌تر آنکه حرکت این سیاستمدار با شکست در انتخابات و انتخاب

ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا نه‌تنها متوقف نشد بلکه ادامه یافت تا جایی که برخی از او به‌عنوان محبوب‌ترین سیاستمدار حال حاضر آمریکا یاد می‌کنند. دلیل اصلی این محبوبیت می‌تواند بیان گوشه‌ای از واقعیت‌های جاری در آمریکا طی کمپین انتخاباتی او و ادامه این راه را حتی پس از پایان انتخابات باشد.

ازجمله اقدامات سندرز پس پایان انتخابات ریاست جمهوری، انتشار کتابی با عنوان «انقلاب ما»(Our Revolution: A Future to Believe In) می‌باشد که در آن پس از توضیح ماجرای کمپین انتخاباتی خود به بیان مشکلات اصلی این روزهای کشور آمریکا که باید برای حل آن‌ها وارد عمل شد، می‌پردازد. بر اساس آنچه در کتاب آمده، یکی از مشکلات پیش روی جامعه آمریکا از نگاه سندرز نابودی طبقه متوسط درازای افزایش ثروت طبقه مرفه در این کشور می‌باشد که افزایش فاصله طبقاتی را به همراه خواهد داشت. او که برای توضیح این مدعای خود از آمار و ارقام دقیقی استفاده می‌کند. وی این معضل را در جامعه آمریکا این‌گونه توضیح می‌دهد:

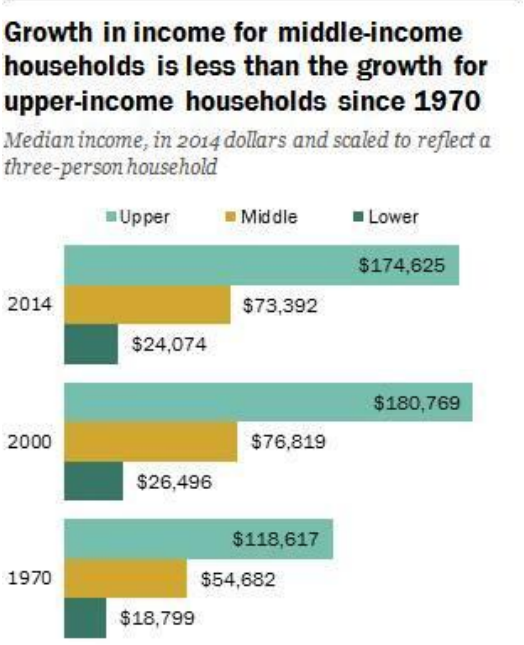


«امروزه بیش از ۴۳ میلیون آمریکایی شامل ۲۰ درصد کودکان کشور فقیر هستند و اکثر آن‌ها در فقر شدید به سر می‌برند. بیش از ۲۸ میلیون آمریکایی هیچ‌گونه بیمه‌ای در حوزه خدمات سلامت ندارند، سالانه هزاران نفر به دلیل عدم مراجعه به پزشک در آمریکا می‌میرند و میلیون‌ها جوان باهوش به‌جز با غرق شدن دریای بدهی‌ها، توانایی پرداخت هزینه‌های ادامه تحصیل در دانشگاه را ندارند. اما در میان این‌همه درد و آشفتگی اقتصادی این واقعیت خودنمایی می‌کند که وضعیت ثروتمندترین افراد و بزرگ‌ترین شرکت‌ها در ایالات‌متحده هیچ‌گاه به‌خوبی این روزها نبوده است. درحالی‌که بسیاری از مردم آمریکا در شرایط ناگوار مالی و ترس از وضعیت آینده خود قرار دارند، افراد دارای ثروت بسیار پیوسته در حال افزایش دارایی‌های خود هستند چراکه اکثر درآمدهای جدید تنها به جیب یک درصد طبقه مرفه جامعه می‌رود. ایالات‌متحده آمریکا ثروتمندترین کشور تاریخ جهان است اما این عبارت برای بسیاری از مردم آمریکا بی‌معنی خواهد بود چراکه مقدار کثیری از این ثروت تحت مالکیت و کنترل تعداد انگشت‌شماری از افراد می‌باشد. ما بیشترین نابرابری را در حوزه کسب درآمد و تقسیم ثروت در میان کشورهای بزرگ جهان داریم و شکاف موجود میان طبقه مرفه و بسیار ثروتمند با بقیه مردم به بیشترین مقدار خود از سال ۱۹۲۰ میلادی رسیده است. از نظر بنده تلاش برای برطرف کردن تبعیض‌های موجود در حوزه درآمد و ثروت از مهم‌ترین مسائل اخلاقی، سیاسی و اقتصادی این روزهای ماست.»



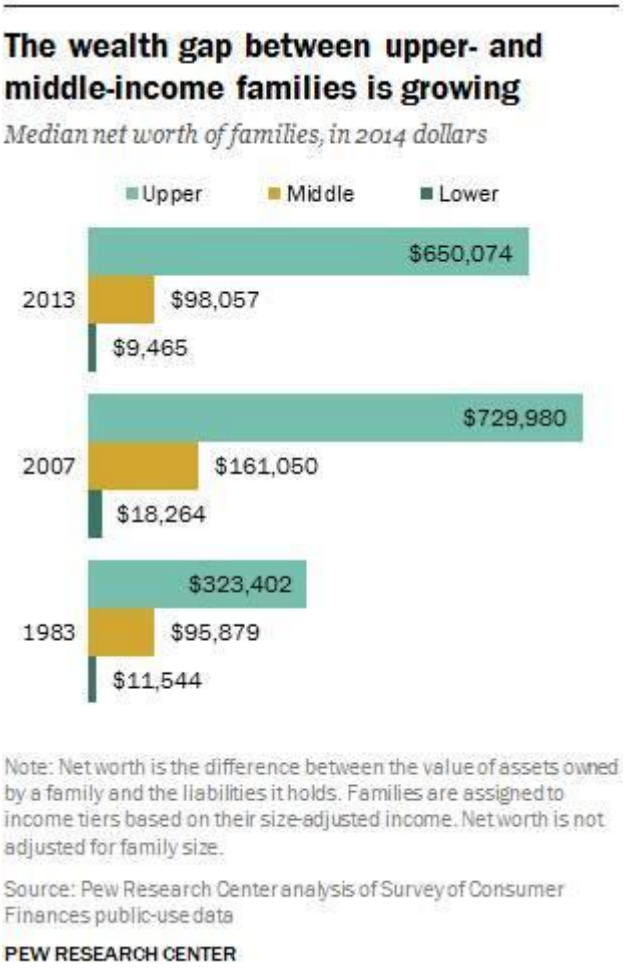
طی ۵ دهه اخیر طبقه متوسط آمریکا ۱۱ درصد کوچک شده است

برنی سندرز در ادامه کتاب خود می‌نویسد: «من به‌خوبی می‌دانم که عبارت«توزیع ثروت» باعث نگرانی شدید دوستانم در حزب جمهوری‌خواه خواهد شد اما حقیقت آن است که در ۳۰ سال گذشته ما شاهد باز توزیع گسترده ثروت در ایالات‌متحده بوده‌ایم که متأسفانه در مسیر کاملاً اشتباه حرکت کرده و درنتیجه آن میلیون‌ها دلار از جیب طبقه متوسط خارج‌شده و به حساب‌های بانکی یک درصد طبقه مرفه جامعه واریز شده است. در سال ۱۹۷۰ میلادی این افراد ۷ درصد ثروت کشور را در اختیار داشته‌اند ولی امروز دارایی آن‌ها به ۲۲ درصد از ثروت کل کشور می‌رسد. همچنین در طول ۱۵ سال گذشته تعداد میلیاردرهای آمریکا ۱۰ برابر افزایش‌یافته و درحالی‌که در سال ۲۰۰۰ میلادی ایالات‌متحده ۵۱ میلیاردر با مجموع دارایی‌هایی به ارزش ۴۸۰ میلیارد دلار داشته در حال حاضر رکورد ۵۴۰ میلیاردر را که ارزش مجموع دارایی‌های آن‌ها بیش از ۴/۲ تریلیون دلار می‌شود، شکسته است.



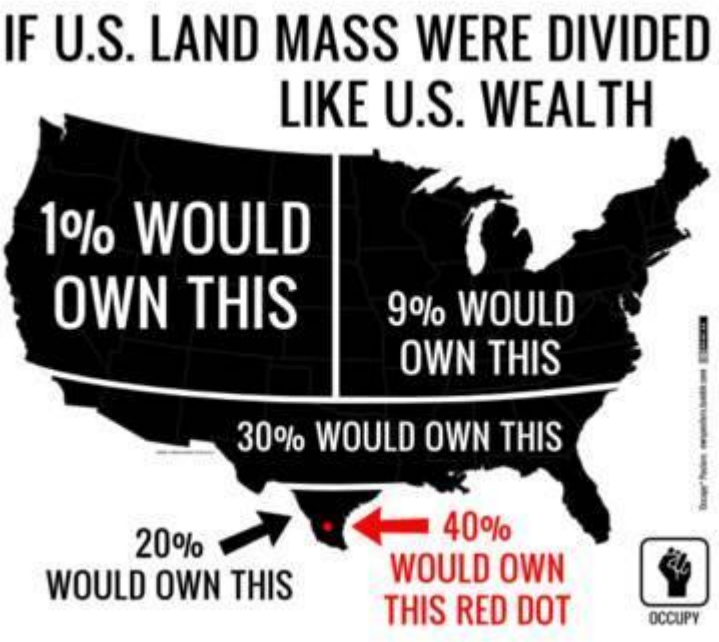
مقایسه افزایش درآمد طبقات اقتصادی آمریکا طی دهه‌های اخیر

هیچ‌کس حتی لحظه‌ای در مورد نامعقول و احمقانه بودن درآمدهای ده‌ها میلیون دلاری بازیکنان بسکتبال نمی‌اندیشد چراکه آن‌ها در زمین‌هایی که با مالیات مردم ساخته‌شده و برای تیم‌های تحت مالکیت میلیاردرها بازی می‌کنند و درست در همین زمان پرستاران کودک کمترین دستمزدها را دارند و سربازان معلول با پرداختی سالانه ۱۲ هزار دلار از تأمین اجتماعی برای نجات جان خود دست‌وپا می‌زنند. دلیل این بی‌توجهی‌ها آن است که به ما تلقین شده تنها با این روش می‌توان جامعه را اداره کرد و هیچ جایگزین دیگری برای آن وجود ندارد. اما باید اعتراف کرد چیزی به‌شدت اشتباه در کشور ما رخ‌داده زمانی که می‌بینیم دارایی‌های یک درصد طبقه مرفه از مجموع دارایی‌های ۹۰ درصد جامعه بیشتر است، ۲۰ نفر از ثروتمندترین افراد کشور بیش از ۱۵۰ میلیون آمریکایی (بیش از نیمی از جمعیت کشور) ثروت دارند و ارزش سرمایه‌های یک خانواده (والتونزها، که وال مارت را تأسیس کرده و مالک آن هستند) بیش از مجموع سرمایه‌های ۱۳۰ میلیون نفر در آمریکا می‌باشد.



رشد شکاف ثروت بین طبقات بالا و متوسط آمریکا در ۳۰ سال گذشته

این‌ها تنها تجربه یک سطح ناگوار و شوک‌آور از اختلاف میزان ثروت طبقات مرفه و محروم در کشور ما نیست بلکه از وجود نابرابری‌های وحشتناک در حوزه کسب درآمد سالیانه مردم در آمریکا خبر می‌دهد. به‌صورت غیرقابل‌باوری حدود ۵۲ درصد ثروتی که در چند سال گذشته در این کشور تولیدشده به جیب یک درصد طبقه مرفه ریخته شده است. در مقابل در بسیاری از خانواده‌ها پدر، مادر و حتی بچه‌ها شب و روز سخت کار می‌کنند اما بازهم برای اداره و پیش برد زندگی خود دچار مشکل هستند. ما در زمان تحصیل مطالبی در مورد «جمهوری‌های وابسته به صادرات موز»(Banana Republics) در آمریکای لاتین و جوامع الیگارشی موجود در سایر نقاط جهان می‌خواندیم که در آن‌ها تعداد انگشت‌شماری خانواده تقریباً تمام ثروت و قدرت کشور را در اختیار دارند و متأسفانه شرایط ایالات‌متحده امروز بسیار شبیه این کشورها می‌باشد. مردم عزیز آمریکا، به اطراف خود با دقت نگاه کنید تا واقعیاتی که کشور شما را فراگرفته به‌خوبی ببینید. وجود چنین سطح ناخوشایندی از تبعیض در کشور نشان از فساد آن دارد. اقتصاد ما در وضعیت بد و ناپایداری قرار دارد درحالی‌که این اقتصاد جعلی و غیرعادلانه آن چیزی نیست که ما می‌خواستیم و در گذشته آمریکا بوده است.»

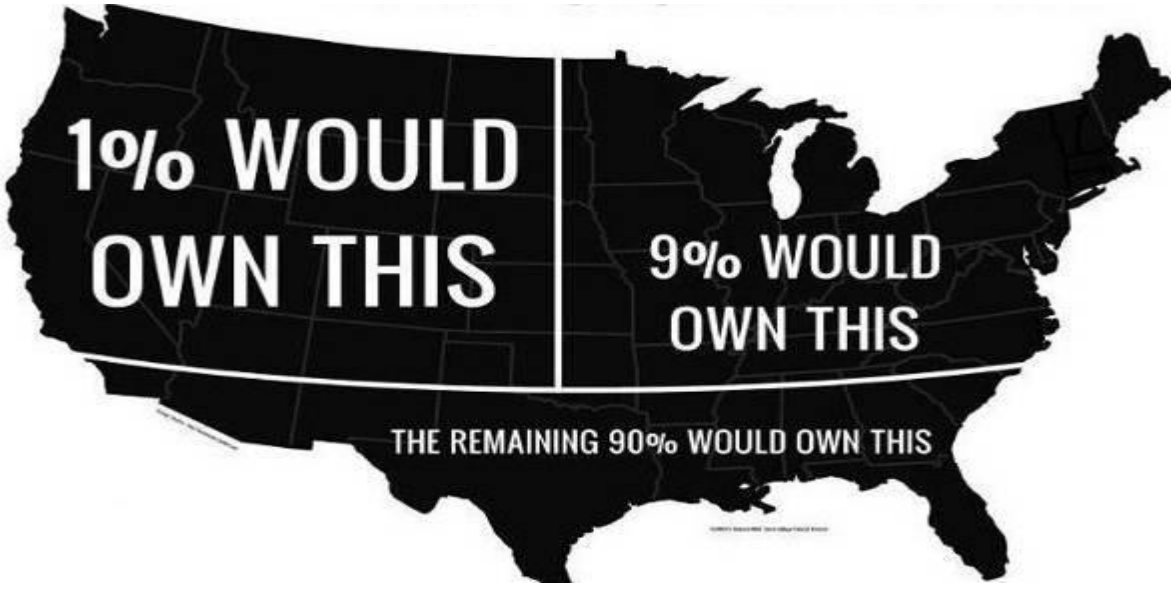


اگر سرزمین آمریکا را بر اساس

میزان ثروت تقسیم کنیم به هر کس چقدر می‌رسد؟

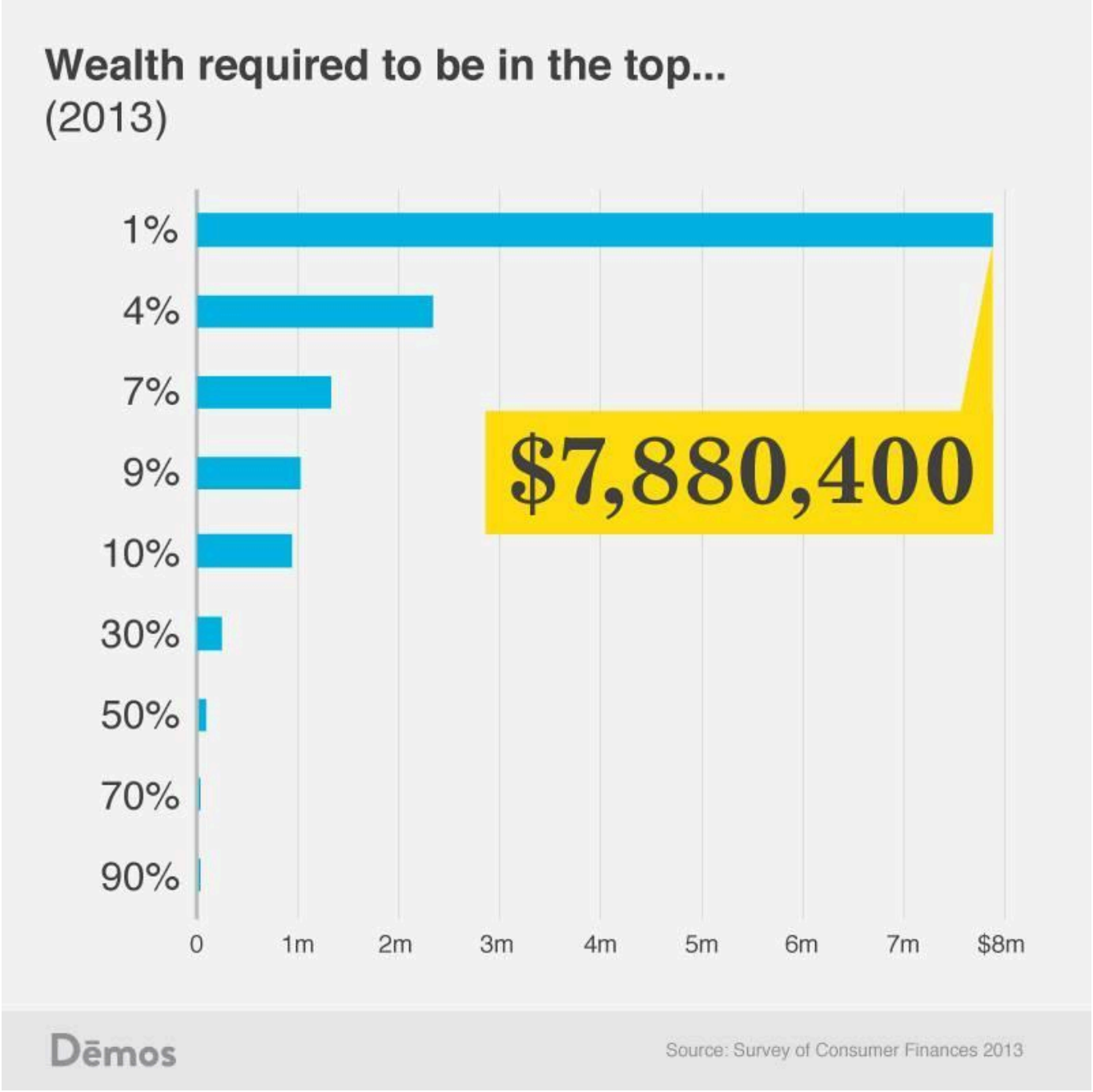
چهار دهه تضعیف طبقه متوسط در آمریکا

بر اساس گزارش مرکز تحقیقاتی پیو که در دسامبر سال ۲۰۱۵ میلادی منتشرشده و مبتنی بر تحلیل داده‌های دولتی می‌باشد، در مدت چهار دهه گذشته طبقه متوسط آمریکا پیوسته در حال کوچک شدن بوده است. از سال ۱۹۷۱ میلادی در انتهای هر دهه خانواده‌های با درآمد متوسط سهم کم‌تری از ثروت کشور را نسبت به ابتدای دهه داشتند و حتی یک دهه نتوانسته‌اند در مقابل سقوط سریع خود ایستادگی کنند. سهم خانواده‌های طبقه متوسط نسبت به مجموع خانوارهای کشور آمریکا از ۶۱ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده و در مقابل سهم طبقه سرمایه‌دار در همان بازه زمانی از ۱۴ درصد به ۲۱ درصد افزایش‌یافته است درحالی‌که در سوی دیگر طیف، سهم طبقه محروم از ۲۵ درصد جامعه به ۲۹ درصد آن رسیده و در حال گسترش می‌باشد. شکاف درآمدی به وجود آمده بین طبقه متوسط و سرمایه‌دار در چند دهه گذشته، افزایش شتابان و لجام‌گسیخته مجموع دارایی‌ها و ثروت خانواده‌های سرمایه‌دار را از ۲۹ درصد کل ثروت کشور در سال ۱۹۷۰ به ۴۹ درصد آن در سال ۲۰۱۴ به دنبال داشته است. آمارها نشان می‌دهد سرمایه خانواده‌های طبقه سرمایه‌دار در سال ۱۹۸۳ سه برابر سرمایه طبقه متوسط بوده که با افزایش بیش از دو برابری این شکاف در سال ۲۰۱۳ میلادی، ثروت طبقه سرمایه‌دار به هفت برابر کل دارایی‌های طبقه متوسط می‌رسد.



رکود بزرگ به وجود آمده در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ میلادی (The Great Recession of ۲۰۰۷-۰۹) نیز که از مهم‌ترین عوامل اخیر کاهش درآمدها در آمریکا بود، تأثیر بسیاری بر میزان ثروت خانوارهای آمریکایی داشت. قبل از شروع رکود بزرگ ارزش دارایی‌های طبقه متوسط از ۹۵۸۷۹ دلار در سال ۱۹۸۳ میلادی به

۱۶۱۰۵۰ دلار در سال ۲۰۰۷ میلادی افزایش‌یافته بود اما رکود اقتصادی به وجود آمده تقریباً تمام سرمایه‌های به‌دست‌آمده را از بین برد به‌گونه‌ای که ارزش ثروت طبقه متوسط در سال ۲۰۱۰ میلادی به تقریباً ۹۸۰۰۰ دلار سقوط کرد. علاوه بر این باوجوداینکه خانوارهای موجود در تمام سطوح اقتصادی در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۴ میلادی تجربه افزایش درآمدی داشتند اما این افزایش برای طبقه ثروتمند بیش‌تر از طبقه متوسط و کم‌درآمد بوده است. درآمد طبقه ثروتمند از ۱۱۸،۶۱۷ دلار در سال ۱۹۷۰ به ۱۷۴،۶۲۵ در سال ۲۰۱۴ رسید که یعنی افزایش ۴۷% درصدی درحالی‌که درآمد طبقه متوسط با رسیدن از ۵۴،۶۸۲ دلار به ۷۳،۳۹۲ دلار ۳۴% رشد داشت و درآمد خانوارهای کم‌درآمد تنها ۲۸% رشد را تجربه کرد.



میزان ثروت یک درصد بالای جامعه آمریکا در برابر بقیه مردم

نتیجه‌گیری

تحولات چند دهه اخیر آمریکا در حوزه اقتصادی و بیش‌تر شدن سلطه تفکر سرمایه‌داری بر این کشور عواقب ناگواری را در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی مردم آمریکا داشته است. عمیق‌تر شدن مشکلات به وجود آمده در سال‌های اخیر باعث شده تا روزبه‌روز شاهد اعتراضات گسترده‌تر و آشکارتر مردم آمریکا به بهانه‌های مختلف و در مناسبت‌های متفاوت باشیم. یکی از مهم‌ترین رویدادهایی که به‌خوبی به آشکار شدن این مشکلات و نشان دادن خواست مردم آمریکا برای تغییرات اساسی کمک کرد، انتخابات اخیر ریاست جمهوری در آمریکا بود چراکه شعارها و مباحث مطرح‌شده در میان نامزدها برای به دست آوردن رأی مردم و گرایش مردم به هر یک از کاندیداها در انتخابات، حقیقت جامعه را نشان می‌دهد.

اگرچه رأی آوردن ترامپ با شعارهای ساختارشکن خود، تمایل مردم به ایجاد تغییر در آمریکا را نشان می‌دهد اما ظهور پدیده برنی سندرز در انتخابات درون‌حزبی دموکرات‌ها به دلیل جذب رأی قشر جوان و خاموش با استفاده از شعارهای سوسیالیستی و ادامه این روند حتی بعد از شکست در مقابل هیلاری کلینتون، عمق این تحول‌خواهی را برای ما روشن می‌کند. ازجمله ویژگی‌های سندرز آن است که خود را نماینده طبقه متوسط جامعه و در مقابل طبقه سرمایه‌دار و مرفه آمریکا می‌داند و حتی در کتابی که پس از پایان انتخابات منتشر کرده به تشریح نابرابری‌ها در حوزه توزیع ثروت و تضعیف طبقه متوسط در ازای فربه‌شدن یک درصد طبقه مرفه می‌پردازد. او که سعی در بیان شناخت خود از حقایق موجود در ایالات‌متحده را دارد به‌خوبی با بیان آمارها و اطلاعات دقیق ناکارآمدی نظام سیاسی و اقتصادی حاکم بر این کشور را برای ایجاد برابری و عدالت در جامعه آمریکا آشکار می‌کند.

منابع:

Bernie Sanders, Our Revolution A Future To Believe in, New York: St.Martin's Press, P.۳۹۱

http://www.pewsocialtrends.org/۲۰۱۵/۱۲/۰۹/the-american-middle-class-is-losing-gro/und

به بهانه چهلمین سالگرد درگذشت سید مصطفی خمینی و درباره 5 مرگ مشکوک در تاریخ معاصر/ طبیعی یا غیر طبیعی

محتمشی پور: پزشک ایرانی می گفت ... از سم‌هایی استفاده می‌کنند و در لیوان آب یا چای می‌ریزند...

عصر ایران؛ مهرداد خدیر- مطابق اعلام حجت الاسلام محتشمی پور قرار است به مناسبت چهلمین سالگرد درگذشت مشکوک یا شهادت آیت الله سید مصطفی خمینی دو همایش در نجف (عراق) و تهران برگزار شود. یکی فردا 28 مهر ماه 1396در نجف و دیگری اول آبان در محل اجلاس سران در تهران.

علت انتخاب سید علی خمینی به عنوان ناطق پیش از دستور نماز جمعه این هفته تهران نیز همین مناسبت است. هر چند که نوه امام هیچ گاه عموی خود را ندیده زیرا بعد از انقلاب به دنیا آمده است.

اگر چه در ادبیات رسمی از سید مصطفی خمینی با لفظ «شهید» یاد می شود و در تهران خیابان و بیمارستانی به نام «شهید مصطفی خمینی» است اما پدر ایشان- امام خمینی- هیچ گاه این لفظ را درباره آقا مصطفی به کار نبردند و حتی گویا موافق برگزاری مراسم ساگرد هم نبودند و به همین خاطر اول بار در سال 76 و به مناسبت «بیستمین سالگرد شهادت» مراسمی برگزار شد.

برخی معتقدند دلیل پرهیز امام از به کارگیری لفظ «شهید» به این خاطر نبود که معتقد به قتل و شهادت نبودند بلکه به سبب رابطه پدر و پسری و برای غلبه بر عواطف بود وبه سبب شخصیت عرفانی و این که بین فرزند خود و دیگران تفاوتی قایل نیستند بود و نیز این که تنها 4 ماه قبل از آن برای درگذشت مشکوک دکتر شریعتی در لندن هم تعبیر «فقد» را در نامه به دکتر یزدی به کار برده بودند.

در تاریخ معاصر ایران از 5 فقره درگذشت به عنوان مشکوک و حتی «شهید» یاد شده اما به مرور اصرار و اعتقاد به قتل و شهادت کمتر شده است. این چهره ها عبارتند از:

غلامرضا تختی (قهرمان کُشتی)، جلال آل احمد (نویسنده)، دکتر علی شریعتی (اسلام پژوه و استاد دانشگاه)، صمد بهرنگی (نویسنده کودکان) و آیت الله سید مصطفی خمینی (فقیه و مجتهد و فرزند امام خمینی).

درباره جهان پهلوان تختی تقریبا می توان گفت فرضیه قتل رنگ باخته و احتمال خودکشی بالاتر است. هر چند که مسؤولیت فشارهایی که او را به این نقطه رساند قطعا متوجه حکومت بوده است. بابک تختی هم اصرار ندارد فرضیه قتل را پررنگ کند و همین بحث مسؤولیت را پیش می کشد.

(مجله خوشه به سردبیری احمد شاملو روی جلد شماره 47 خود - دی و بهمن 1346 خورشیدی- را به طرحی از جهان پهلوان تختی اختصاص داد با این تیتر:

گُل از شاخه افتاد و بر خاک خفت/ شهیدان خاک! این شهیدی دگر

اما ناگزیر شد طرح و تیتر را سانسور کند و شماره 47 با جلدی که سه چهارم آن سفید بود و تیترهای حاشیه ای باقی مانده بود منتشر شد).

در ماجرای درگذشت دکتر علی شریعتی نیز دیگر مانند سال های اول انقلاب تعبیر شهادت و شهید به کار نمی رود و احسان شریعتی هم مانند بابک تختی به دنبال اثبات فرضیه قتل و شهادت پدرش نیست و تنها می پرسد: چرا یک استاد دانشگاه را از شغل خود محروم کردند و خودش و پدرش را به زندان انداختند و بعد وادار به خانه نشینی کردند تا ناگزیر از مهاجرت شود؟ اوهم مسؤولیت مرگ در 43 سالگی را متوجه حکومت می داند اما از تعبیر قتل استفاده نمی کند.

در ماجرای صمد بهرنگی نیز همراه او هنگام شنا در رود ارس بعد از انقلاب به ایران برگشت و گفت: صمد شنا نمی دانست و غرق شد و ادعای قتل توسط عامل ساواک یعنی من او را خفه کرده ام.

حمزه فراهتی افسر سابق دامپزشکی ارتش که همراه او بوده گفته است: « 50 متر بیشتر شنا نکرده بودم که نعره صمد میخ کوبم کرد: دکتر، دکتر. برگشتم. صمد تا شانه ها توی آب بود. نعره زدم: صمد! دست بزن، پا بزن. دارم می رسم. ولی به طرف جریان شدید رودخانه پیش می رفت و فقط توانست سه بار صدایم کند و بیش از 10 ثانیه روی آب نماند. تقصیر بزرگ من اعتماد به صمد بود. تقصیر بزرگ صمد گم کردن دست و پایش بود. این صحنه را غیر از من 5 سرباز پاسگاه هم شاهد بودند.» این مطلب اول بار در مجله آدینه در بهمن 1370 - شماره 67 منشر شد (البته نام حمزه فراهتی به اشتباه فلاحتی درج شده) و به افسانه قتل صمد که گویا ساخته و پرداخته برادرش اسد و البته جلال آل احمد بود پایان داد.

همراه صمد در رود ارس نوشته خود را با این عبارت به پایان می برد: « امروز اگر کسانی هستند که پشت مادر صمد، خاله صمد و زن دایی صمد سنگر گرفته و مزخرفات خود را با زبان آنها بیان می کنند دیگر مرا با آنها کار نیست. ما به مرحوم آل احمدش حرف نزدیم چه رسد به اینها...»

خود سردبیروقت آدینه هم که مانند صمد به گرایش های چپ شهرت داشت در مقاله « روزهای باران در تبریز» نوشت: « آل احمد پس از مرگ او به دروغی آگاهانه از او شهیدی پرداخت که حکومت او را در ارس غرق کرده است...صمد قربانی بود اما شهید نشده بود... آل احمد بود که از صمد چهره شهید پرداخت با مقاله ای که در آرش ویژه صمد بهرنگی نوشت و صمد تبدیل شد به یک شهید. در حالی که نبود. چون احساس می کردند نسل شکست خورده در کودتای 28 مرداد به شهید نیاز دارد.»

شگفتا که قصه برای خود جلال هم تکرار شد و شمس آل احمد هم اصرار داشت مرگ برادرش را قتل و کار ساواک جلوه دهد و کار به رویارویی با خانم سیمین دانشور هم کشید. چون همسر جلال می گفت در آسالم (گیلان) بودیم و سرِ جلال روی دامن من بود که چشم از جهان بست و قتل در کار نبود. آنها که می گویند او به قتل رسیده لابد منظورشان این است که من کُشته ام!

با این حال شمس آل احمد دست بردار نبود و فرضیه قتل را تا آخر عمر کنار نگذاشت.

درباره آیت الله سید مصطفی خمینی هم هیچ کس به اندازه حجت الاسلام محتشمی پور معتقد به «شهادت» ایشان نیست. جالب این که چند سال پیش همین آقای محتشمی پور در گفت و گو با مجله آسمان درگذشت مرحوم آیت الله خویی در نجف را هم غیر طبیعی اعلام کرد و گفت صدام در سال های آخر درصدد حذف ایشان بود و آیت الله خویی را به شهادت رساند. این تعبیر از این جهت متفاوت بود که این مرجع برجسته و فقید تقلید با نهضت امام خمینی نسبتی نداشت و روحانیون گرداگرد اما با ایشان فاصله یا زاویه داشتند و این که یکی از نزدیک ترین شاگردان و یاران امام چنین نظری دهد غافل گیر کننده بود.

اولین واکنش امام خمینی به درگذشت سید مصطفی این بود: «از الطاف خفیه الهی بود». اندک زمانی بعدتر که شعله های انقلاب درگرفت مشخص شد منظور امام چه بود.

روایت حجت الاسلام سید علی اکبر محتشمی پور اما ازاین قرار است:

«چند ماه قبل از شهادت وقتی به عیادت آیت الله جزایری یکی از علمای نجف رفته بود حدود ساعت ۱۰ یا ۱۱ شب پسر مرحوم جزایری خدمت حاج آقا مصطفی می‌رسد و می‌گوید دو نفر ایرانی آمدند و می‌خواهند با شما ملاقات کنند.

ایشان فرمودند بگویید بیایند بالا. آنها با حاج آقا مصطفی خمینی آرام صحبت می‌کنند و بعد از آن حاج آقا مصطفی برای دوستان نقل می‌کنند که آنها گفتند ما اعضای تیمی هستیم که ساواک این تیم را فرستاده است. این توضیح را بدهم که در ۱۳۵۵ که حکومت بعث عراق با شاه آشتی کرد و صدام با شاه در الجزایر ملاقات کرد، توافقی بین ایران و عراق امضاء شد که از آن به بعد کاروان‌های یک هفته‌ای برای زیارت کربلا توسط اوقاف زمان شاه تنظیم می‌شد و به کربلا می‌آمدند.

در میان این کاروان‌ها عوامل ساواک هم حضور داشتند که با استخبارات عراق هم همکاری بسیار نزدیکی داشتند. یک تیمی در قالب همین کاروان ها آمده بودند که برای تعقیب و چگونگی حضرت امام فعالیت می‌کردند که این دو نفر در این تیم بودند و به حاج آقا می گویند که رأی ساواک برگشته و قبلا می‌خواستند امام را ترور کنند اما بعدها گفتند که حاج آقا مصطفی را تعقیب و مراقبت کنید و الان برنامه ترور شما در دستور کار است.

علت آن هم این است که امام عمر خود را کردند اما خطر جدی برای رژیم شاه شما تشخیص داده شدید و الان ساواک معتقد است اگر امام اعلامیه می‌دهد و سخنرانی می‌کند این شما هستید که امام را تحریک می‌کنید و اگر شما ترور شوید با یک تیر دو نشان زده می‌شود یکی اینکه امام ساکت می‌شود و آخر عمرش است و دوم اینکه خطری را که برای آینده رژیم شاهنشاهی وجود دارد شما تشخیص داده شدید. اما ما در این مدتی که از شما تعقیب و مراقبت می‌کردیم دیدیم که شما درس و بحث انجام می‌دهید و به عبادت و کربلا و نجف می‌روید پس ما منقلب شدیم که چرا دست ما به خون شما آلوده شود پس تصمیم گرفتیم مخفیانه شما را مطلع کنیم.

حاج آقا مصطفی خمینی گفتند آنها دنبال این مسأله نیستند؛ این کار هم با نظر ساواک انجام شده تا من را بترسانند تا مانع فعالیت‌های انقلابی و سیاسی من شوند. لذا حاج آقا مصطفی خمینی هیچ توجهی به این موضوع نکردند بعد که حادثه شهادت ایشان رخ داد و ایشان را به بیمارستان منتقل کردند، مشاهده شد که در سینه و پشت کمر ایشان لکه‌های بنفش رنگی است یکی از پزشکان ایرانی که از خارج آمده بود گفت اگر اجازه دهید کالبد شکافی انجام دهیم تا مشخص شود آن سمی که به او دادند چه نوع سمی است و قطعا این کار، کار ساواک است اما حضرت امام اجازه کالبد شکافی ندادند.

اما برای پزشکان مسلم بود که ایشان به مرگ طبیعی از دنیا نرفته است چراکه به مرز پنجاه سالگی نرسیده بودند و هیچ بیماری نداشتند اما یک‌مرتبه چراغ عمرشان خاموش شد.

پزشک ایرانی که از خارج آمده بود گفت سرویس‌های امنیتی کشورهای خارج برای اینکه مخالفین خود را از بین ببرند و مشخص نشود که آنها این ترور را انجام دادند از یک نوع سم‌هایی استفاده می‌کنند که در لیوان آب یا چای می‌ریزند بدون اینکه رنگ و مزه آن عوض شود در بدن تأثیر می‌گذارد اما اینگونه نیست که فوری از بین برود یک هفته الی ده روز طول می‌کشد و کم کم اشتهایش کم می‌شود و مثل شمعی خاموش می‌شود در زمان حیات هیچ اثری در بدن ندارد اما بعد از فوت علایمی در بدن او ظاهر می‌شود که مشخص می شود که فرد مسموم شده و سمی به او خورانده شده است.»

بافل طالبانی: هرآنچه در کرکوک رخ داد، ناشی از کوته‌بینی رهبران کُرد بود



فرزند رئیس‌جمهور سابق عراق می‌گوید هر آنچه تاکنون در کرکوک رخ داده، ناشی از سیاست کوته‌بینانه رهبران کُرد بوده است.

به گزارش مشرق، پس از عقب‌نشینی نیروهای منطقه کردستان عراق از کرکوک، بحث‌هایی در خصوص خیانت نیروهای وابسته به اتحادیه میهنی کردستان عراق مطرح شد. در این خصوص، بخش انگلیسی شبکه خبری «فرانس ۲۴» مصاحبه‌ای را با «بافل طالبانی»، از رهبران اتحادیه و فرزند جلال طالبانی، رئیس‌جمهور سابق عراق ترتیب داد.

در این مصاحبه، بافل طالبانی ضمن رد اتهام توافق با بغداد اظهار داشت: من کاملا این اتهامات بی‌اساس و مشمئزکننده را رد می‌کنم. هر آنچه تاکنون رخ داده، ناشی از سیاست کوته‌بینانه رهبران کُرد بوده است. پس از این تراژدی من انتظار داشتم که کُردها متحد شوند و صدای واحد داشته باشند اما متاسفانه همچون موارد بسیار در گذشته، جناح‌های مختلف کُردی تصمیم گرفتند که یکدیگر را مورد سرزنش قرار داده و اتهامات بی‌اساس به هم بزنند و توجه جامعه بین‌المللی را از مشکل اساسی منحرف کنند.

وی به اتهام توافق با ایران نیز واکنش نشان داد و گفت: چنین اتهاماتی متاسفانه وجود دارند و من فکر می‌کنم این به خاطر آن است که کسانی که واقعا مسئول این تراژدی هستند تلاش می‌کنند تقصیر را گردن دیگران بیندازند. من می‌توانم به شما توضیح دهم که چه اتفاقی در کرکوک رخ داد. نیروهای پیشمرگه ما (اتحادیه میهنی) به‌خاطر دفاع از کرکوک در سال‌های گذشته شهره هستند. ما شجاع‌ترین فرماندهان و نیروهایمان را در دفاع از کرکوک در برابر انواع تهدیدها از دست داده‌ایم. این‌بار با عدم توازن قوا و دشمنی برتر مواجه شدیم. پس از نبرد بسیار که هزینه‌اش برای ما کشته شدن حدود ۱۰۰ نفر بود و منجر به مجروح شدن ده‌ها نفر شد،فرماندهان نظامی ما در میدان، «شیخ جعفر» و دیگران تصمیم گرفتند که دست به یک عقب‌نشینی تاکتیکی بزنند. این واقعیت ماجراست. به جای دادن هزاران نفر تلفات، گسترش جنگ به داخل کرکوک، تلفات ناخواسته و به خطر انداختن جان غیرنظامیان، فرماندهان پیشمرگه ما تصمیم به عقب‌نشینی راهبردی از این مناطق گرفتند و من این تصمیم آنان را تمجید می‌کنم.

بافل طالبانی ادامه داد: من کسانی را که در اتحادیه میهنی، مرا به خیانت متهم کردند، به خیانت متهم می‌کنم و خواهان آن هستم که تحقیقی در خصوص این مساله به عمل آید و رسما هم چنین تقاضایی کرده‌ام. من می‌خواهم در خصوص آنچه در کرکوک اتفاق افتاد تحقیق صورت پذیرد و همچنین می‌خواهم تحقیق دیگری در خصوص رهبران کُرد به عمل آید که شرایط امروز را برای ما رقم زدند تا معلوم شود که آیا آنها شایستگی رهبری مردم کُرد را دارند؟!

مجری برنامه بحث را به سمت مسعود بارزانی، رئیس منطقه کردستان عراق برد و این سوال را مطرح کرد که آیا او با برگزاری همه‌پرسی جدایی مرتکب اشتباهی تاریخی شده است؟ طالبانی در پاسخ گفت که او مسعود بارزانی را مورد حمله قرار نمی‌دهد و نمی‌خواهد وحدت کُردها را به خطر افکند و وحدت کُردها از نظر او بسیار مهم است. کُردها امروز بیش از هر زمانی به اتحاد نیاز دارند اما لازم است از خود بپرسیم که چرا به چنین شرایطی دچار شدیم؟ همه‌پرسی سوالی بود که باید پرسیده می‌شد اما همه‌پرسی هرگز مقصد نهایی نبود. هدف نهایی، حقوق مردم کُرد بود. در آخرین روزها (منتهی به همه‌پرسی) ایالات متحده، برت مک‌گورگ (نماینده ویژه آمریکا در ائتلاف ضد داعش) و فرانک بیکر (سفیر انگلیس در عراق)، پیشنهادی به ما ارائه دادند که ما را محافظت می‌کرد. این پیشنهاد به ما می‌گفت اگر با بغداد مذاکره کنیم، ظرف ۲ سال برگزاری همه‌پرسی را برای ما تضمین می‌کند. متاسفانه رهبران کُرد (نمی‌خواهم به مسعود بارزانی اشاره کنم) از این فرصت تاریخی استفاده نکردند ... این اشتباهی بزرگ بود.

وی افزود: حتی در نبرد کرکوک هم فرصتی وجود داشت. حتی در زمانی که نیروهای عراقی در راه کرکوک بودند، حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق تلاش کرد تا دست خود را به سوی ما دراز کند و مصالحه‌ای شرفتمندانه را به ما پیشنهاد کرد. پس از یک روز مذاکره، ما با این پیشنهاد مواجه شدیم مبنی بر اینکه به جای اینکه نیروهای عراقی به‌صورت یکجانبه به پایگاه نظامی K۱ بازگردند، این پایگاه به یک مرکز برای ائتلاف ضد داعش تبدیل شود، یعنی نیروهای آمریکایی، انگلیسی و سایر نیروهای ائتلاف و نیروهای نظامی عادی عراقی در آن مستقر شوند. این توافق می‌توانست از فاجعه سقوط کرکوک جلوگیری کند و این تنها توافقی بود که من از آن حمایت می‌کردم. من اینجا سندی دارم که نشان می‌دهد ۳۸ نفر از ۵۰ رهبر اتحادیه میهنی کردستان آن را امضا کرده و از این پیشنهاد حمایت کرده‌اند. این امتیاز شرفتمندانه‌ای بود که با آن کسی نمی‌باخت، ما کرکوک را حفظ می‌کردیم و این تراژدی که برای مردم کُرد پیش آمده، پیش نمی‌آمد اما متاسفانه بازهم رهبران کردستان نتوانستند تصمیم درستی بگیرند.

بافل طالبانی تصریح کرد که حیدر العبادی بارها تلاش کرد که دست خود را به سوی کُردها دراز کند و به توافقات مختلف دست یابد. بسیاری از این توافقات برای ما ممکن نبود اما نپذیرفتن راهکار نهایی آمریکایی‌ها در خصوص توافق جایگزین اشتباهی تاریخی بود. حتی پس از آن، با وجود فشار شدید از سوی مردم عراق، العبادی تلاش کرد تا با ما به توافق برسد و راه‌حلی را پیشنهاد کرد که دردسرها در کرکوک متوقف شود اما متاسفانه رهبران کُرد نتوانستند در یک چارچوب زمانی سریع با آن موافقت کنند.

وی گفت برای من هم ساده بود که بگویم ما ۱۰۰ نفر را در دفاع از کرکوک از دست دادیم اما بقیه مناطق تحت تسلط کردستان به عراقی‌ها داده شد بدون اینکه یک گلوله شلیک شود! اگر من با بغداد توافق کرده بودم، دوست دارم بدانم بقیه نیروها با چه کسی توافق کرده بودند؟!

طالبانی در خصوص احتمال جنگ داخلی در کردستان نیز گفت که من تجربه جنگ را دارم و از آن لذت نمی‌برم. راه پیش روی ما جنگ نیست، ما باید برای اتحاد تلاش کنیم. مردم و احزاب کُرد اکنون بیش از همیشه باید متحد باشند و به همین خاطر است که من به ادعاهای مطرح شده در رسانه‌های کُردی مستقیما پاسخ نمی‌دهم.

وی در بخش پایانی مصاحبه گفت ما به مذاکره با بغداد نیاز داریم، به تعامل با جامعه بین‌المللی و کشورهای همسایه نیاز داریم تا با گفت‌وگو این مشکل را که در سراسر کردستان به‌وجود آمده از میان برداشته و از تراژدی‌های بزرگتر ممانعت کنیم. کردستان مستقل، رویای هر کُرد است اما برای به دست آوردن آن باید تلاش کرد. برای مذاکره باید در جایگاه قدرت باشیم، باید در خصوص انتظارات متحدانمان در غرب واقع‌گرا باشیم، باید جدا فکر کنیم، باید برای این مساله لابی کنیم، برنامه‌ریزی کنیم، در این میان مسائل حقوقی، نظامی و ... وجود دارند. هر کُردی می‌خواهد که کردستان مستقل شود اما این امر در زمان مقتضی خودش اتفاق می‌افتد. ما هرگز تلاش برای کردستان مستقل را متوقف نمی‌کنیم اما کردها به روش فعلی به آن نمی‌رسند. کُردها باید متحد باشند و در کنار هم، با دیپلماسی و تحت حمایت قانون با دشمنان خود مواجه شوند و سرانجام به توافقی برسند که آنها را به سوی کردستان مستقل می‌برد.

منبع: فارس

علی مطهری خواهان شفاف‌سازی درباره 'محدودیت‌های جدید' محمد خاتمی شد

علی مطهری، نایب رئیس مجلس ایران خواهان شفاف‌سازی در باره "محدودیت‌های جدید " وضع شده علیه محمد خاتمی، رئیس‌جمهوی سابق این کشور شده است.

چند روز پیش نیروهای امنیتی مانع خروج رئیس‌جمهوری سابق ایران از منزل خود شدند. گفته شد آقای خاتمی قرار بوده با وزرای سابق خود در بنیاد باران دیدار کند اما نیروهای امنیتی مانع شدند.

حسین نجات، جانشین رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران اخیرا گفت محدودیت‌های آقای خاتمی "همان‌هاست که سال ۸۹ تصویب شده و چیز جدیدی نیست."

- **ممانعت نیروهای امنیتی از خروج محمد خاتمی از منزل**
- **پسر کروبی می‌گوید قرار است به رهبران اعتراض‌های ۸۸ اجازه دهند با افرادی دیدار کنند**

آقای مطهری در سایت شخصی خود گفته است "خوب است متن مصوبه مورد نظر جناب آقای نجات به اطلاع عموم برسد."

هنوز به طور دقیق مشخص نیست محدودیت‌های جدیدی علیه آقای خاتمی وضع شده یا نه.

آقای مطهری گفته است چنین اقدام‌هایی خلاف قانون اساسی است و قوه قضائیه باید پس از مراحل قانونی در دادگاه، در این موارد تصمیم بگیرد.

نایب رئیس مجلس ایران گفته است "نمی شود عده‌ای در پشت پرده تصمیماتی بگیرند و هرچند وقت یک بار از نزول آیه‌ای خبر بدهند و به هیچ کس هم پاسخگو نباشند، نه به مجلس و نه مستقیما به مردم."

مهدی کروبی، میر حسین موسوی و زهرا رهنورد، رهبران جنبش اعتراضی سال ۸۸ بیش از شش سال است که در حصر خانگی هستند و آقای خاتمی هم با محدودیت‌هایی برای دیدارهای عمومی مواجه بوده است.

آقای مطهری گفته است "عده‌ای ناشناخته مصلحت نظام را تشخیص می‌دهند و هرکس را که صلاح بدانند در حصر و محدودیت قرار می‌دهند و هر وقت هم صلاح بدانند، مثلاً نزدیک به موت او، وی را آزاد می‌کنند."

- **علی مطهری: نظر رهبر ادامه حصر است**
- **مطهری: 'تصمیم ملی حصر' نباید خلاف قانون باشد**

علی مطهری تاکنون بارها خواهان رفع حصر خانگی این افراد شده است. او سال پیش گفته بود "چون نظر مقام رهبری بر ادامه حصر است سایر مقامات به این موضوع وارد نمی‌شوند".

دولت امارات روي حكومت ايران را كم كرد

ايران ترديد در يك وزير زن مسن × امارات 9 وزير زن جوان

9 وزیر زن در کابینه جدید امارات/ ایجاد وزارت هوش مصنوعی

نخست وزیر امارات مرحله جدید را اینگونه نامگذاری کرد: مهارت های آینده، علوم آینده و تکنولوژی آینده.

کابینه جدید امارات معرفی شد. در این کابینه 31 وزیر حضور دارند که 9 نفر آنها (حدود یک سوم) خانم هستند.

به گزارش عصرایران، در این کابینه سه وزارت جدید به نام های هوش مصنوعی، علوم پیشرفته و امنیت غذایی ایجاد شده است.

شیخ محمد بن راشد نخست وزیر و حاکم دبی با اعلام کابینه جدید، گفت که طرح اکتشاف مریخ نیز زیر نظر وزارت علوم پیشرفته ادامه خواهد یافت.

"ساره امیری" 30 ساله به عنوان وزیر مشاور در امور علوم پیشرفته منصوب شده است.



دولت امارات قبل از این هم با ایجاد وزارت های خوشبختی و تسامح، توجه جهانیان را به خود جلب کرده بود.

نخست وزیر امارات، خبر تشکیل کابینه جدید و تغییرات وزیران را در توئیتر اعلام کرد.

در کابینه قبلی هم از میان 29 وزیر، 8 وزیر خانم بودند.
نخست وزیر امارات در توئیتر نوشت که در حمایت از تغییر و به روز سازی با هدف برآورده ساختن چشم اندازهای بلندمدت کابینه جدید اعلام می شود.
او مرحله جدید را اینگونه نامگذاری کرد: مهارت های آینده، علوم آینده و تکنولوژی آینده.
همچنین یک جوان 27 ساله به نام عمر بن سلطان نیز به عنوان وزیر مشاور در امور هوش مصنوعی منصوب شد.
نخست وزیر امارات در این باره در توئیتر نوشت: موج جهانی آینده، هوش مصنوعی است. می خواهیم کشوری باشیم که بیش از دیگران آماده آن باشیم.
وزارت امنیت غذایی نیز به یک خانم به نام مریم المهیری سپرده شده است.
نوره بنت محمد الکعبی دیگر وزیر کابینه نیز مسوولیت وزارت فرهنگ را برعهده گرفته است.



دختر ایرانی وزیر علوم امارات شد

«محمد بن راشد آل مکتوم» نخست‌وزیر امارات و حاکم دبی در صفحه توئیتر خود از تعیین وزیران جدید و ایجاد وزراتخانه‌های جدید در این کشور خبر داد. به گزارش جام جم آنلاین، «عمر بن سلطان» ۲۷ ساله به عنوان وزیر دولت در هوش مصنوعی (این منصب برای اولین بار در امارات اعلام می‌شود)، «نوره کعبی» به عنوان وزیر فرهنگ و توسعه اجتماعی، « ناصر بن تانی الهملی» به عنوان وزیر منابع انسانی و اسکان و «نهیان بن مبارک» به عنوان وزیر تسامح (بخشش و گذشت) انتخاب شدند. همچنین ساره امیری که اصالتا بلوچ و ایرانی است به عنوان وزیر علوم پیشرفته حکم گرفت.

برخی دیگر از مقامات و وزرای اعلام شده در روز (پنجشنبه) به شرح زیر هستند:

« عبدالله محمد بن طوق» دبیرکل شورای وزیران

«عبدالرحمن العویس» وزیر مشاور در امور شورای ملی

«سهیل المزروعی» وزیر مشاور در پرونده صنعت

«حصه بنت عیسی بوحمید» وزیر توسعه اجتماعی

«ساره امیری» وزیر مشاور در علوم پیشرفته «احمد بالهول» رئیس منابع انسانی ساره امیری یک دختر بلوچ اصالتا ایرانی است. طایفه امیری و بسیاری دیگر از طوایف بلوچستان ایران مقیم کشورهای عربی هستند.

خبرسازي بديده شانديز تا بااحمدينجاديها مرتبط بود و آنها در قله های صعود، وضع بديده شانديز هم خوب بود، وقتي احمدينجاديها روبه افول رفتند و با خاندان هاشمي و طبسي مرتبط شد، يك باره فريز شدند



مالک پدیده با دولت احمدی نژاد چه ارتباطی داشت؟

اقتصاد > اقتصاد کلان - سایت صدای اقتصاد نوشت:

این روزها موضوع پدیده شاندیز و فروش سهام به مردم بر سر زبان ها افتاده است.برخی اخبار نشان می دهد که رابطه ای میان محسن پهلوان مقدم مالک پدیده شاندیز و دولت قبل وجود داشته است.

در این رابطه مشخص شده است که سطح رابطه پهلوان با دولت دهم به قدری بالا بوده که به عنوان مشاور اقتصادی هیات وزیران فعالیت می کرده است. پهلوان مقدم با همین عنوان در جلسات هیات دولت نیز شرکت می کرده است.

با آغاز به کار دولت جدید اما مشکلات او آغاز شده است. شورای عالی شهرسازی سال گذشته گزارشی از وضعیت زمین های محل اجرای پروژه پدیده به دستگاه قضایی ارسال کرد و از برخی تخلفات در زمینه مجوزهای قانونی پرده برداشت.

طی هفته های اخیر هم موضوع فروش سهام توسط این گروه زیر ذره بین قرار گرفته است تا شاید پهلوان مقدم روزهای سخت تری را در پیش داشته باشد.

او مجبور شده است برای مدیریت این بحران نشستی خبری را در مشهد ترتیب دهد تا پس از سال ها فعالیت اقتصادی وارد فضای رسانه ای شود.

پس از پلمب چند دفتر فروش سهام پدیده در مشهد، مقامات قضایی در این مورد به اظهار نظر پرداختند.

رئیسی دادستان کل کشور تخلف این شرکت در فروش سهام به عموم را تایید کرده است.

فروش سهام به عموم مردم برای شرکتی که سهامی خاص محسوب می شود، مهمترین ابهام پدیده شاندیز است که این موضوع خریداران سهام را با نگرانی مواجه ساخته است.

فروش گسترده سهام بدون حضور در بورس با تبلیغات گسترده موجب شده تا دستگاه قضایی وارد این پرونده شود.

طی سال های اخیر نام پدیده شاندیز از طریق رستوران های زنجیره ای مطرح شد و حالا پروژه ای بزرگ در مشهد به راه افتاده تا سوال های زیادی در مورد مالک متمول آن ایجاد شود.

مجموعه اقتصادی «پدیده شاندیز»، یکی از سوژه‌های اصلی ماه‌های اخیر اقتصاد ایران است به‌طوریکه مقام‌های مختلف نسبت به عملکرد آن موضع انتقادی مطرح کرده‌اند و رسانه‌های بسیاری به گزارش عملکرد و حواشی آن پرداخته‌اند.

به تازگی مسئول دبیرخانه ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی گفته که وزیر کشور ایران مسئول کمیته رسیدگی به پرونده پدیده شاندیز شده است. ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی گفته که به دنبال "احقاق حقوق سهامداران شرکت پدیده شاندیز است و با توجه به مشخص بودن اراضی تصرف شده، جای نگرانی برای دریافت مطالبات سهامداران وجود ندارد."

کمتر از دو هفته پیش، ناصر سراج، رئیس سازمان بازرسی کل ایران گفت که پرونده این شرکت به دادسرا ارسال شده است.

اما آنچه شرایط پدیده شاندیز را نسبت به سایر موارد جنجال‌ساز اقتصادی سالهای اخیر متفاوت کرده، این است اتهام‌های متداول در پرونده‌های اقتصادی ایران، هنوز به طور جدی علیه آن مطرح نشده است. به‌طور نمونه پدیده شاندیز نه بدهکار مالیاتی است و نه بدهی معوق بانکی دارد. مدیران آن نه به پرداخت رشوه متهم شده‌اند و نه صحبتی از اختلاس است.

عمده مسایلی که علیه پدیده شاندیز مطرح شده در دوبخش قابل تقسیم‌بندی است: نخست تغییر کاربری اراضی منطقه شاندیز مشهد است و دوم نحوه معاملات بخشی از سهام شرکت ساختمانی مجموعه پدیده شاندیز که بحث‌برانگیز شده. در خصوص تغییر کاربری اتهامی به طور مستقیم به پدیده شاندیز وارد نشده و تحقیقات قضایی بیشتر درباره عملکرد مقام‌های محلی در حال انجام است.

هنوز از سوی مجاری رسمی اتهام روشنی علیه آن عنوان نشده و مشخص نیست که نسبت به فعالیت آن چه تصمیمی گرفته شده است.

به‌طور نمونه این شرکت در دومین نمایشگاه بین‌المللی املاک و مستغلات که از ۱۱ تا ۱۴ اسفند امسال در تهران برگزار می‌شود حضور خواهد داشت اما **به گفته عضو شورای سیاست‌گذاری** این نمایشگاه «به دلیل برخی مسائل حق تبلیغات را ندارند، اما می‌تواند پروژه های خود را عرضه کند.»

عمده مسایلی که علیه پدیده شاندیز مطرح شده در دوبخش قابل تقسیم‌بندی است: نخست تغییر کاربری اراضی منطقه شاندیز مشهد است و دوم نحوه معاملات بخشی از سهام شرکت ساختمانی مجموعه پدیده شاندیز که بحث‌برانگیز شده.

در خصوص تغییر کاربری اتهامی به طور مستقیم به پدیده شاندیز وارد نشده و تحقیقات قضایی بیشتر درباره عملکرد مقام‌های محلی در حال انجام است.

در یک موضع‌گیری رسمی، **معاون سازمان امور اراضی کشور** در بجنورد به نمایندگان رسانه‌ها گفته است که شهردار شاندیز در رابطه با این موضوع حکم انفصال از خدمات دولتی گرفته و تحقیقات درباره عملکرد مدیرکل راه و شهرسازی خراسان رضوی در این خصوص ادامه دارد. اما وزیر دادگستری در حاشیه سفری که به خرم‌آباد داشت به خبرنگاران اعلام کرده که «دفاتر پدیده از این جهت بسته شده که هیچگونه سپرده‌گذاری جدیدی صورت نگیرد؛ فعالیت سپرده گذاران قبلی مشکلی ندارد و فعالیت های این شرکت برای همیشه متوقف نمی‌شود.»

پیش از او نیز معاون قوه قضاییه و رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نیز گفته بود که «اظهارنظرهای قابل‌توجهی نسبت به شرکت پدیده شاندیز بیان شده اما هنوز به اظهارنظر قطعی قضایی نرسیده است که بتوان به طور صریح از ارتکاب جرم این شرکت سخن گفت.»

مالک و بنیان‌گذار پدیده شاندیز، محسن پهلوان مقدم است. او سهامدار اصلی، مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره پدیده شاندیز است و بسیاری از سهامدران و عوامل شرکت نیز از اقوام و نزدیکان او هستند. با شهرت یافتن پدیده شاندیز و تبلیغات گسترده این مجموعه اقتصادی، بسیاری از رسانه‌ها تلاش کردند تا از زندگی حرفه‌ای آقای پهلوان مقدم و رمز موفقیت پدیده شاندیز نیز باخبر شوند.

غلامحسین محسنی اژه‌ای **سخنگوی قوه قضاییه** هم در خصوص پدیده شاندیز گفته: «طبق سوالی که از مسولان استانی و قضائی کردم انشاالله پول مردم سوخت نمی‌شود و جلوگیری از تبلیغات هم برای همین بود که دیگر سهام جدید خریداری نشود. جلوی دلال بازی ها هم بستیم. باید این گونه پروژه ها با حساب و کتاب باشد و هر کس اندازه گلیمش پایش را دراز کند. هم اکنون مدیر این مجموعه بازداشت نشده و اموال هم توقیف نشده است و ما از تخلفات احتمالی جلوگیری کردیم.»

در مقابل برخی اظهارنظرهای تندتر هم صورت گرفته است که از جمله می‌توان به سخنان **روح‌الله حسینیان**، عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اشاره کرد که در نیمه دی ماه گذشته در قم، با اشاره مستقیم به پدیده شاندیز گفته بود «در قانون و شرع مشخص شده چیزی که قرار است در معرض فروش قرار گیرد، باید دارای عینیت باشد، بنابراین فروش سهامی که فاقد پشتوانه خارجی باشد هم از نظر شرع و هم از نظر قانونی ممنوع است.»

اینها تنها نمونه‌هایی از مواضع مطرح شده علیه پدیده شاندیز است که حالا آن را تبدیل به موضوعی خبرساز کرده و کنجکاوی عمومی را برای شناخت بیشتر از نحوه فعالیت این شرکت و مالکان آن برانگیخته است.

مالک و بنیان‌گذار پدیده شاندیز، محسن پهلوان مقدم است. او سهامدار اصلی، مدیرعامل و رییس هیات‌مدیره پدیده شاندیز است و بسیاری از سهامدران و عوامل شرکت نیز از اقوام و نزدیکان او هستند.

با شهرت یافتن پدیده شاندیز و تبلیغات گسترده این مجموعه اقتصادی، بسیاری از رسانه‌ها تلاش کردند تا از زندگی حرفه‌ای آقای پهلوان مقدم و رمز موفقیت پدیده شاندیز نیز باخبر شوند.

مدیرعامل شرکت محسن پهلوان مقدم، در تیرماه سال ۱۳۹۲ در گفت و گو با نشریه زندگی ایده آل در معرفی خود گفته است: «بچه خیابان تهران، مشهد هستم. نسل در نسل، ما در کارهای ساختمانی بودیم. کاشی‌کاری‌های حرم امام رضا و بقعه خواجه ربیع، کار پدربزرگ من بوده. برای همین ما هم درکار ساخت و ساز افتادیم ... در تمام مدتی که در کار ساخت و ساز بودم، هرچند روز یک مرتبه به رستوران شاندیز سر می‌زدم. چون بهترین جایی بود که می‌توانستیم در مشهد غذا بخوریم. این رفت و آمدها سبب شد ما یک کار مشارکتی را آغاز کنیم؛ سال ۱۳۷۶ بود که با همکاری یکی از رستوران‌های زنجیره‌ای شاندیز، رستوران شاندیز خیابان جردن تهران را برپا کردیم.»
به این ترتیب محسن پهلوان از نیمه دهه هفتاد خورشیدی در دو حوزه رستوران‌داری و ساخت و ساز مشغول به فعالیت شد ولی در ابتدای کار سطح فعالیت او به اندازه‌ای نبود که توجه عموم را به خود جلب کند.

مشارکت با آستان قدس در افغانستان

آقای پهلوان مقدم بعد از آنکه دولت حامد کرزی در افغانستان بر سر کار آمد، همانند بسیاری از خراسانی‌ها برای کسب و کار به کابل رفت و یک شعبه از رستوران شاندیز را هم در آنجا راه‌اندازی کرد.

آقای پهلوان مقدم بعد از آنکه دولت حامد کرزی در افغانستان بر سر کار آمد، همانند بسیاری از خراسانی‌ها برای کسب و کار به کابل رفت و یک شعبه از رستوران شاندیز را هم در آنجا راه‌اندازی کرد.
گفته شده است که این رستوران به محل محبوب برخی از شخصیت های سیاسی کابل تبدیل شد و زلمای خلیل زاد، سفیر وقت آمریکا در افغانستان از جمله مشتریان آن بوده. موفقیت این رستوران زمینه‌ساز فعالیت گسترده‌تر شد به‌نحوی که محسن پهلوان در همان مصاحبه با مجله زندگی ایده‌آل گفته که در مشارکت با آستان قدس رضوی، حق انحصاری تابلوهای تبلیغاتی افغانستان را برای بیست سال دریافت کرده است.
محسن پهلوان مقدم بعد از فعالیت‌هایی که در افغانستان داشت، فرد شناخته‌تر شده‌ای برای مقام‌های محلی خراسان شد. به گفته خودش یک روز در باغی مهمان بوده که شهردار شاندیز نیز در آن مهمانی حضور داشته است و از او دعوت کرده تا به شهرداری شاندیز برود.
وقتی او به شهرداری این منطقه کوچک حومه مشهد رفت شهردار شاندیز از او خواست تا با سرمایه‌گذاری در یکی از پارک‌های شاندیز که محل تجمع معتادان بوده، شرایط مطلوب‌تری در تفریح‌گاه‌های شاندیز ایجاد کند. به دنبال آن، محسن پهلوان رستورانی بزرگ با ظرفیت بالا به راه انداخت به‌گونه‌ای که در یک شیفت کاری، ۸هزار وعده غذا سرو می کرد.
در آبان ۱۳۸۷ آقای پهلوان مقدم، شرکت سهامی عام خود با نام «سرمایه‌گذاری کاوشگران سهام» که در سال ۱۳۸۳ ثبت کرده بود را به شرکت «توسعه بین‌المللی صنعت گردشگری پدیده شاندیز» تغییر داد.
این شرکت اجرای پروژه‌ای بزرگ با عنوان «شهر رویایی پدیده شاندیز» را آغاز کرد. این «شهر رویایی» به‌گونه‌ای طراحی شده که دارای امکاناتی نظیر مراکز خرید، آپارتمان های مسکونی، هتل پنج ستاره، مجتمع‌های تجاری، باغ و نمایشگاه دائمی گل و گیاه، اماکن ورزشی و فرهنگی، پارک آبی و شهربازی سرپوشیده است. اجرای پروژه در مهرماه ۱۳۹۰ آغاز و اتمام پروژه پایان سال ۱۳۹۴ هدف‌گذاری شد.
در سال ۱۳۹۳ هم طرح مشابهی برای ایجاد «شهر افسانه‌ای کیش» در دستور کار این شرکت قرار گرفت. برای انجام این پروژه زمینی به مساحت دو هکتار در کیش خریده شد تا یک هتل ۵ ستاره همراه با مجتمع بزرگ اقامتی، مراکز همایش، مرکز خرید، اسکله بزرگ تفریحی، شهربازی سرپوشیده، پارک آبی، باغ گیاهان دریایی و امکاناتی دیگر در آن ساخته شود.

در آبان ۱۳۸۷ آقای پهلوان مقدم، شرکت سهامی عام خود با نام «سرمایه‌گذاری کاوشگران سهام» که در سال ۱۳۸۳ ثبت کرده بود را به شرکت «توسعه بین‌المللی صنعت گردشگری پدیده شاندیز» تغییر داد. این شرکت اجرای پروژه‌ای بزرگ با عنوان «شهر رویایی پدیده شاندیز» را آغاز کرد. این «شهر رویایی» به‌گونه‌ای طراحی شده که دارای امکاناتی نظیر مراکز خرید، آپارتمان های مسکونی، هتل پنج ستاره، مجتمع‌های تجاری، باغ و نمایشگاه دائمی گل و گیاه، اماکن ورزشی و فرهنگی، پارک آبی و شهربازی سرپوشیده است. اجرای پروژه در مهرماه ۱۳۹۰ آغاز و اتمام پروژه پایان سال ۱۳۹۴ هدف‌گذاری شد.

با گسترش فعالیت‌های اقتصادی پدیده،محسن پهلوان مقدم شرکت‌های متفاوتی تاسیس کرد. حتی برخی شرکت‌های او که در نیمه اوایل دهه هشتاد ثبت شده بودند با بزرگ شدن مجموعه پدیده، فعالیت بیشتری پیدا کردند.
آقای پهلوان مقدم در تابستان ۱۳۸۸ و در زمانی که شرایط عمومی ایران به شدت تحت تاثیر فضای اعتراضی به انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری قرار داشت، به فکر توسعه تجارت خود بود. او در شهریور این سال شرکت جدیدی با سرمایه اولیه ۱۵۰ میلیارد تومان در قالب یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون سهام صد تومانی تاسیس کرد و نام آن را «ابنیه و ساختمان پدیده» گذاشت.
هدف از تاسیس این شرکت اجرای پروژه‌های ساختمانی شرکت اصلی عنوان شده است. محسن پهلوان مقدم با فروش بخشی از سهام شرکت ابنیه و ساختمان به مردم، بخشی از منابع مالی مورد نیاز پروژه‌های خود را تامین کرد. این اقدام در آبان سال ۸۸ با عرضه ۱۰ درصد سهام به قیمت هر سهم ۲۰۰ تومان آغاز شد.
به تدریج خرید و با تبلیغات متنوع و گسترده پدیده، تقاضا برای خرید سهام شرکت ابنیه افزایش یافت اما تنها ۱۵ درصد از سهام این شرکت برای عموم عرضه شد.
با افزایش تقاضای خرید و فروش سهام ابینه، شرکت پشتیبانی سهام پدیده تاسیس شد و با دایر کردن شعب مختلف در سراسر ایران امکانات بهتری برای خرید سهام این شرکت فراهم و همزمان این دفاتر معامله سهام به محلی برای بازاریابی پروژه‌های شرکت پدیده تبدیل شد.
پیش‌فروش بسیاری از واحدها منابع مالی جدیدی وارد مجموعه پدیده شاندیز کرد.
به دلیل میزان بالای تقاضا و همچنین رغبت اندک دارنگان سهام برای فروش آن، قیمت سهام شرکت ابنیه به طور مستمر افزایش یافت. در نهایت قیمت هر سهم شرکت ابنیه از صد تومان در شهریور ۱۳۸۸ به ۱۲هزار تومان در آذر ۹۳ رسید. این رشد حباب‌گونه در این مدت نه در بازار سهام و نه در صنعت ساختمان وجود داشته و نه در هیچ فعالیت اقتصادی دیگری این میزان از بازدهی گزارش شده است.

با افزایش تقاضای خرید و فروش سهام ابینه، شرکت پشتیبانی سهام پدیده تاسیس شد و با دایر کردن شعب مختلف در سراسر ایران امکانات بهتری برای خرید سهام این شرکت فراهم و همزمان این دفاتر معامله سهام به محلی برای بازاریابی پروژه‌های شرکت پدیده تبدیل شد. پیش‌فروش بسیاری از واحدها منابع مالی جدیدی وارد مجموعه پدیده شاندیز کرد.

به نظر می رسد رشد بی‌وقفه ارزش سهام ابنیه پدیده حساسیت را نسبت به این مجموعه و مالکان آن افزایش داد. به دنبال این حساسیت ها، مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت ابنیه و ساختمان پدیده شاندیز دی ماه امسال برگزار شد.

در این مجمع تصمیم گرفته شد تا سرمایه شرکت به میزان ۵۰۰ درصد از محل مطالبات حال شده افزایش یابد.

در پی این مصوبه هر یک سهم شرکت به ۶ سهم افزایش پیدا کرد و درنتیجه قیمت هر سهم به یک ششم کاهش یافت؛ به‌نحویکه قیمت سهام از ۱۲ هزار تومان به ۲هزار تومان رسید. البته تعداد سهام هر سهامدار نیز شش برابر شد. این تصمیم که بیشتر برای کاهش حساسیت گرفته شد تغییری در وضعیت ارزش کل سهام شرکت نداده است.

حالا محسن پهلوان مقدم با انواع حساسیت‌هایی که در خصوص فعالیت‌های او ایجاد شده به دنبال افتتاح طرح هایش است و همزمان دستگاه‌های مختلف نظارتی در ایران در حال بررسی جزییات عملکرد مجموعه پدیده شاندیز هستند.

مدیرعامل پدیده شاندیز کیست؟

محسن پهلوان مقدم، مدیرعامل شرکت پدیده را اوایل سال 90 در جزیره کیش دیدم، مردی کوتاه قامت، خوش صحبت، بذله گو و شلوغ. بابک زنجانی هم آن وقت‌ها تازه داشت در کیش جان مي‌گرفت. پهلوان مقدم رستوران بزرگش را در گوشه ای دور افتاده راه انداخته بود، راضی به نظر نمی رسید ولی ایده اش ساخت یک شهر رویایی در کیش بود و مصمم نشان مي‌داد برای اجرایش. پهلوان مقدم چند روز پیش به يك روزنامه چاپ مشهد گفته است: "سهامداران نگران نباشند، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد." اعتماد به نفس و آرامش کماکان در جمله‌هایش موج می‌زند، بابک زنجانی، امیرمنصور آریا، حتی دورتر، شهرام جزایری هم اینطوری بودند ...!

آفتاب‌نیوز :

آفتاب: رضا حقیقت‌نژاد خبرنگار رسانه‌هاي داخلي كه مدتي است به خارج كشور رفته در گزارشي نوشته است: محسن پهلوان مقدم، مديرعامل شركت پديده را اوايل سال 90 در جزيره كيش ديدم، مردی كوتاه قامت، خوش صحبت، بذله گو و شلوغ. بابک زنجانی هم آن وقت‌ها تازه داشت در كيش جان مي‌گرفت. پهلوان مقدم رستوران بزرگش را در گوشه ای دور افتاده راه انداخته بود، راضی به نظر نمی رسید ولی ایده اش ساخت یک شهر رویایی در كيش بود و مصمم نشان مي‌داد برای اجرايش. دنبال اين بود كه نماد رستورانش كه يک لنگر بزرگ بود، بشود نماد جزيره كيش و مي‌خواست پروژه رسانه ای برای اين تعريف شود.

دوستش كه نشريه ورزشی داشت مي‌گفت پهلوان مقدم مي‌خواهد جدی تر وارد فعاليت‌هاي تبليغاتی و رسانه ای شود. ايده عجيبش اين بود كه رسانه‌ها مي‌توانند يک بچه خوشگل بسازند از كارهايی كه او مي‌كند، طوری كه همه تعريف كنند ازش. خبرگزاری دانشجو چند روز پيش گزارش داد: ۱,۵ درصد از حجم درآمد صدا و سيما از محل تبليغات مربوط به شركت پديده شانديز است، علاوه بر اين روزانه در روزنامه‌های سراسری هم تبليغات دارد كه به طور متوسط هزينه هر روز تبليغ، تنها در يک روزنامه ۳۰ تا ۴۰ ميليون تومان است." خب! اين يعنی كه ايده بچه خوشگل را او خيلی خوب دارد دنبال مي‌كند.

دنبال كارهای خيريه و مذهبی هم بود، مثلا يک مورد ديدم كه 150 ميليون تومان داده به ستاد بازسازی عتبات عاليات كه خرج مكان‌هاي مذهبی شيعيان در عراق شود، به ابومسلم خراسان و پرسپوليس هم كمک كرده بود. ادبيات مخصوص اين كارها را هم دارد. مثلا وقتی مي‌خواست سهام شركتش را به قيمت 8 هزار تومان بفروشد، گفت عدد 8 به نيت امام رضا انتخاب شده است.

او تيرماه سال 92 در گفت و گو با مجله زندگی ايده آل اينطوری خودش را توصيف كرده است: " بچه خيابان تهران، مشهد هستم. نسل در نسل، ما در كارهای ساختمانی بوديم. كاشی‌كاری‌های حرم امام رضا (ع) و بقعه خواجه‌ربيع، كار پدربزرگ من بوده. برای همين ما هم دركار ساخت و ساز افتاديم. مجتمع سازی و ويلا سازی و... ؛ اما با اين حال در تمام مدتی كه در كار ساخت و ساز بودم، هرچند روز يك مرتبه به رستوران شانديز سر می‌زدم. چون بهترين جايی بود كه می‌توانستيم در مشهد غذا بخوريم. اين رفت‌و آمدها باعث شد ما يك كار مشاركتی را آغاز كنيم؛ سال 1376 بود كه با همكاری يكی از رستوران‌های زنجيره‌ای شانديز، رستوران شانديز خيابان جردن تهران را برپا كرديم... بازی تبليغات را از گروه ارمغان بهزيستی ياد گرفتم؛ برگه‌هايی را با 200 تومان به مردم می‌فروختند تا در قرعه‌كشی‌جايزه‌های نقدی شركت كنند.

در واقع کاغذ می‌فروختند به مردم. يك تيم بازرگانی فرانسوی هم پشت ماجرا بود... با اين تيم بازرگانی ديدار كردم، پيشنهاد كردند برای افتتاح رستوران شانديز در جردن تبليغ كنم... بازی تبليغات را آغاز كنم... در افغانستان رستوران را افتتاح كردم، پاتوقی شد برای وزيران افغانستان. حتی حامد كرزای هم، برای يك وعده به رستوران ما آمد. از همه مهم‌تر چيزی كه برای سفارت ايران هم غيرقابل پيش‌بينی بود، حضور زلمای خليل‌زاد، سفير وقت ايالات متحده آمريكا در رستوران ما بود... تمام حق انحصاری بيل‌بوردهای تبليغاتی افغانستان را به مدت 20 سال از حامد كرزای گرفتم.... شروع كردم به ساختمان سازی. چند مجتمع را كلنگ زدم. البته دراين مدت، آستان قدس رضوی هم، در افغانستان سرمايه‌گذاری كرد و شريك ما شد... اما داستان پديده شانديز. يك روز دريكی از باغ‌هايم در شانديز نشسته بودم. جمعی از دوستان بوديم و شهردار شانديز هم بود.
او من را دعوت كرد، فردای آن روز به دفتر شهردار بروم. روز بعد شهردار شانديز به من گفت يكی از پارك‌های شانديز، تبديل شده به پاتوق معتادان. از من خواهش كرد دراين پارك سرمايه‌گذاری كنم... بازهم بمباران تبليغاتی را آغاز كردم. جوری... در ايران، رستورانی نداريم كه با اين ظرفيت رقابت كند. در دنيا هم فقط رستورانی در دمشق سوريه ساخته شده كه ظرفيت آن 6 هزار نفر است. البته ما در پديده شانديز در يك وعده، 8 هزار غذا داديم، اين ركورد در هيچ جای دنيا ثبت نشده."
اما پهلوان مقدم آرام و سرخوش آن روزها، اين روزها درگير يک ماجرای پيچيده شده و دارد بابک زنجانی دوم مي‌شود. شركت پديده، بهمن 83 ثبت شده است. اول اسمش بود "شركت سرمايه‌گذاری كاوشگران سهام"، سال 87 تغيير اسم داد به " شركت توسعه بين‌المللی صنعت گردشگری پديده شانديز." 73 درصد سهام اين شركت متعلق به خانواده پهلوان مقدم است.
زير مجموعه شركت پديده، 7 شركت مشغول به كار هستند: "شركت ابنيه و ساختمان پديده شانديز، پديده پارسيان توس، بين‌المللی كيش، تجارت الكترونيكی پديده كيش، آريا دوام ساز شرق، شهربازی پديده شانديز و باشگاه فرهنگی ورزشی پديده". شركتی كه الان فعاليت هايش دردسرساز شده، "ابنيه و ساختمان پديده شانديز" است كه سال 87 ثبت شده.
ارزش سهام شركت پديده سال 88، 100 تومان بوده، دی ماه 93 رسيده به 11300 تومان.
هفته گذشته اعلام شد كه فروش سهام پديده شانديز با دستور قضايی ممنوع و دفاتر فروش سهام پلمپ شده اند. غلامعلی صادقی، قاضی پرونده پديده در مشهد هم گفته "به خاطر افزايش‌هاي به اصطلاح بادكنكی و غيرقانونی سهام، مبالغ ميلياردی جابه جا شده است كه اين امر حتما نيازمند شفاف سازی است تا هر كسی يک شبه ميلياردر نشود."
پيش از اين، محسن پهلوان مقدم، مديرعامل اين شركت گفته بود: "شايد پديده اولين و آخرين شركت اقتصادی در دنيا باشد كه در آن سهام افزايش پيدا می‌كند و قيمت سهم در آن كاهش نمی يابد. از بزرگان علم اقتصاد هم بپرسيد به شما می‌گويند كه اين موضوع كاری بزرگ است."
شركت پديده در سال 92 سودی معادل 680 ميليارد تومان داشته، روزنامه قدس در گزارشی درباره ابعاد فعاليت‌هاي اين شركت، نوشته: "بيش از 64 درصد سود خالص سال مالی 92 شركت پديده، ناشی از معاملات درون گروهی و سود فروش سهام شركت بين المللی پديده شانديز كيش به شركت ابنيه و ساختمان پديده شانديز به مبلغ 4353 ميليارد ريال بوده ؛ به عبارتی حدود 835 تومان از سود 1305 تومانی "پديده" از بابت انجام معاملات درون گروهی است كه طی آن تنها سهام از يک شركت به يک شركت ديگر زيرمجموعه آن منتقل شده، يعنی شركتی با سرمايه 14 ميليارد تومانی به قيمتی بيش از 435 ميليارد تومان فروخته شده."
تخلفات پديده محدود به اين موارد نيست. اين شركت در مشهد با تغيير كاربری 41.5 هكتار خارج از محدود شهری، مساحت اجرای پروژه پديده شانديز را به 50 هكتار رسانده، آن را جزو محدوده شهری تعريف كرده، مسئولان استانی و شهری و نمايندگان مجلس هم حمايت كرده و صدا و سيما هم تبليغ اين پروژه مشغول شده است. پديده در قزوين و شمال كشور هم از اين كارها كرده و تقريبا در همه جای ايران مي‌توان تبليغات اين شركت را مشاهده كرد. در طول يک سال گذشته، دفاتر فروش سهام پديده در 20 شهر بزرگ ايران به فروش سهام 150 پروژه اين شركت مشغول بوده اند.
اعداد و ارقام درباره شركت پديده هر روز بزرگ تر مي‌شوند و بازيگران ماجرا، گردن كلفت تر. كيهان در سرمقاله 15 دی ماه نوشته كه اين شركت 90 هزار ميليارد تومان سهم به مردم فروخته، 100 هزار سهامدار نگران هستند، خبرنگاری از سخنگوی قوه قضاييه درباره بدهی 94 هزار ميليارد

تومانی این شرکت پرسیده، 4 وزارتخانه شاکی هستند، دادستان کل کشور وارد ماجرا شده و قرار است پرونده اش در ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی بررسی شود.
نمایندگان مجلس که همین چند ماه پیش پروژه‌هاي پديده را افتخار ملی توصیف کرده بودند، حالا مي‌گويند فاجعه و فساد ملی رخ داده، تیم پدیده شاندیز معلوم نیست چه شود، مثل راه آهن بابک زنجانی مي‌شود یا دامادش امیر منصور آریا. خروج پهلوان مقدم از کشور تکذیب شده تا مبادا خاوری دیگر ظهور کند و... در این کشاکش، پهلوان مقدم هم چند روز پیش به روزنامه شهرآرای مشهد گفته است: "سهامداران نگران نباشند، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد." اعتماد به نفس و آرامش کماکان در جمله‌هایش موج می‌زند، بابک زنجانی، امیرمنصور آریا، حتی دورتر، شهرام جزایری هم اینطوری بودند ...!
منبع/بهار نیوز

پهلوان مقدم مالک پدیده شاندیز + تصاویر



پهلوان مقدم مالک پدیده شاندیز که در زمینه ی توسعه صنعت گرشگری با سرمایه‌ای بالغ بر ۵۲۰ میلیارد ریال در امور توریسم داخلی و بین المللی فعالیت می کند از روند کاری خود می گوید.

بازدید : 31,111 نفر

مدیر موفق **پدیده شاندیز** که توانست با مدرک دیپلم یکی از ثروتمندترین های کشور باشد. پهلوان مقدم تنها با دیپلم توانسته است چنین دستگاه عظیمی را برای خود در داخل و خارج از کشور فراهم کند؛ موضوعی که شرکت های ساختمانی زیادی با مدیرهای با تجربه و البته تحصیلکرده از آن عاجز هستند...

تبلیغات و پروژه ها به قدری وسیع و گسترده هستند که اولین سوالی که به ذهن مردم عادی خطور می کند این است که مدیر و مالک این پروژه وسیع کیست؟

مالک **پدیده شاندیز** شخصی است به نام محسن پهلوان مقدم. به گفته مدیرعامل پدیده سهام پدیده اولین و آخرین شرکت در دنیا که فقط رشد صعودی دارد و هیچگاه نزولی نمی شود.

پروژه های چندین هکتاری از کیش تا مشهد، سیر صعودی قیمت سهام هایش و غیره و غیره همه دسته به دست هم داد تا نام ***پدیده شاندیز*** به عنوان یک پروژه وسیع بر سر زبان ها بیفتد. اما اکنون دادستانی کل کشور با توجه به گسترده تر شدن ابعاد تخلفات مالی شرکت های ***پدیده شاندیز***، تبرک و پردیسبان تمامی تبلیغات رسانه ای این شرکت ها را در صدا و سیما و روزنامه ها ممنوع کرده است.

شرکت توسعه بین المللی صنعت گردشگری پدیده شاندیز در تاریخ 18 بهمن 1383 تحت شماره 22829 نزد اداره ثبت شرکت های مشهد تحت نام شرکت سرمایه گذاری کاوشگران سهام (سهامی عام) به ثبت رسید. در ادامه و در تاریخ 28 آبان 1387 با تصمیم مجمع عمومی فوق العاده نام شرکت به شرکت توسعه بین المللی صنعت گردشگری ***پدیده شاندیز*** (سهامی عام) تغییر پیدا کرد.

پهلوان شاندیز از ارتباط با حامد کرزای تا آستان قدس

دامنه فعالیت های او البته تنها به داخل ایران محدود نشده و سابقه فعالیت تجاری در خارج از کشور را نیز دارد. خود در یکی از مصاحبه هایش تعریف کرده است که پیش از ایران در افغانستان سرمایه گذاری کرده و حتی زلمای خلیل زاد، سفیر واشنگتن در افغانستان میهمان رستورانش شده است:هنوز سر و صدای جنگ در افغانستان نخوابیده بود که سرمایه ای زیاد را با خودم برداشتم و رفتم افغانستان. آن دورانی که من به افغانستان رفتم، از ساعت 6 بعدازظهر در کابل حکومت نظامی بود و سروصدای درگیری های پراکنده هم در حاشیه کابل شنیده می شد. برق و آب نبود. با سطل از چاه، آب می کشیدیم. هیچ امکاناتی نبود. درآن وضعیت، من با شهردار کابل مذاکراتی داشتم و توانستم 4هزار متر زمین بگیرم.

اصلا برایشان قابل باور نبود که یک خارجی، بخواهد در افغانستان جنگ زده سرمایه گذاری کند. به آنها وعده دادم یک رستوران شیک در افغانستان بسازم. آنها هم، این 4 هزار متر زمین را به من دادند ... پس از این که رستوران را افتتاح کردم، پاتوقی شد برای وزیران افغانستان. حتی حامد کرزای هم، برای یک وعده به رستوران ما آمد. از همه مهم تر چیزی که برای سفارت ایران هم غیرقابل پیش بینی بود، حضور زلمای خلیل زاد، سفیر وقت ایالات متحده آمریکا در رستوران ما بود.



البته دامنه سرمایه گذاری های او در افغانستان تنها محدود به افتتاح رستوران در افغانستان نشد و برای سرمایه گذاری بعدی، حق انحصاری بیلبوردهای افغانستان را از حامد کرزای خرید:پس از افتتاح رستوران در افغانستان، من به فکر یک تجارت دیگر در افغانستان افتادم؛ برای همین هم، تمام حق انحصاری بیل بورد های تبلیغاتی افغانستان را به مدت 21 سال از حامد کرزای گرفتم. براساس قراردادی که با کرزای بستم، برای 21 سال حق انحصاری بیل

بورد ها به من واگذار شد. دریک دیدار رسمی، حامد کرزای به همراه 7 تن از وزیرانش پای این قرارداد را امضا کردند. البته اصلا نمی دانستند فضای شهر را می فروشند. برای همین هم، یک هواپیما گرفتم و چندنفر از وزرا را با خود به ایران آوردم تا در دیدار با شهرداری تهران، متوجه شدند بیل بوردهای تبلیغاتی، یکی از روش های درآمدزایی شهری است. قرارداد بدی هم نبستم؛ سودی که از تبلیغات نصیب مان می شد، یک سوم به دولت افغانستان می رسید، دو سوم به من. تا الان 451 بیل بورد تبلیغاتی در افغانستان نصب کرده ایم.
در این وضعیت، دیگر در افغانستان شروع کردم به ساختمان سازی. چند مجتمع را کلنگ زدم. البته دراین مدت، آستان قدس رضوی هم، در افغانستان سرمایه گذاری کرد و شریک ما شد. تا پیش از این، ما شرکت ایران- افغان بودیم. پس از آن شدیم، شرکت ایران- افغان- رضوی. 41 درصد من،31 درصد آستان قدس، 31 درصد هم دولت افغانستان. من در این مدت، تجارت در ایران را ضعیف کرده بودم. مدیریت کارهای ایران را به یکی از دوستان سپرده بودم. 2 هفته افغانستان بودم و یک هفته ایران.»
پهلوان گفته بود که جدیدترین پروژه من راه اندازی شعبه پدیده شاندیز در تهران است. فعلا به دنبال خرید زمین آن هستم و مذاکراتی را هم با ارتش داشتم تا زمینی را در اقدسیه تهران بخرم؛ اما یک پروژه بزرگ دیگر هم دارم. می خواهم کلنگ بزرگترین مجموعه تفریحی خاورمیانه را در شاندیز بزنم. در این پروژه تعهد می دهیم فاز اول آن را که 211 هزار متر زیربنا دارد، در عرض یک سال بسازم. قرارداد ساخت آن را با یک شرکت آلمانی- اسپانیایی بسته ام. در این پروژه، بزرگ ترین شهربازی سرپوشیده خاورمیانه را تاسیس خواهم کرد. یک مرکز خرید بزرگ، یک مجموعه رستوران و تالارهای پذیرایی هم درنظر دارم.
در شرایطی که کارآفرینان تحصیلکرده و جوان از یک سرمایه گذاری بی حاشیه و بدون سنگ اندازی های اداری عاجز شده اند و به دلیل سلطه روابط بر ضوابط، نمی توانند از یک کسب و کار کوچک برندهای قدرتمند بسازند، یک سوال مهم دیگر نیز پیش می آید. چگونه یک فرد با مدرک دیپلم توانسته است به این حجم ثروت و سوددهی دست یابد؟ آیا او نیز به جایی وصل است و با سیاسی ها نشست و برخواست دارد؟ این سوالات در حالی مطرح شده که برخی رسانه ها اعلام کردند:**مهدی هاشمی** رفسنجانی و دو پسر کوچکش با پسر آقای طبسی و به همراه محافظش از پروژه «پدیده» بازدید و طی صحبتی با محسن پهلوان مالک پدیده شاندیز حمایت خود را از پروژه اعلام کردند. بر اساس اعلام این رسانه ها هاشمی گفته است:شما کارتان را انجام دهید و ماهم شما را حمایت می کنیم! البته نام افراد دیگری مانند مشایی هم در این طرح به میان آمده است که نه تایید و نه تکذیب شده است.

تخلفات شاندیز چیست؟
در اختیار گرفتن دهها هکتار زمین :رییس سازمان اراضی کشاورزی اعلام کرد که شرکت پدیده شاندیز 45 هکتار از اراضی خارج از محدوده را در اختیار گرفته و سپس برای قانونی کردن این تخلف این اراضی را به شهر ملحق کرده است.
تبلیغات:در تبلیغات این طرح بزرگ بزرگ ترین پروژه این شرکت به نام «شهر پدیده شاندیز» معرفی می شود این در حالی است که طبق ماده چهارم «قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری» شهر محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی مشخص.
فروش بدون مجوز :چند ماه قبل وزارت راه و شهرسازی نامه ای به رئیس قوه قضائیه داده بود که در آن آمده است:شرکت توسعه بین الملل شاندیز در مغایرت با ماده 9 قانون منع فروش واگذاری اراضی مسکونی مصوب 1381 و ماده 21 قانون پیش فروش ساختمان اقدام به پیش فروش ساختمان کرده است و این اقدام در حالی است که بر اساس قانون درج تبلیغات بدون مجوزهای لازم جرم محسوب می شود.

توقیف موقت فعالیت بدلیل تخلفات:شورای عالی شهرسازی و معماری کشور طی برگزاری دو جلسه در تاریخ 28 دی ماه 92 و 12 بهمن 92 با اعزام نمایندگان خود دستور توقف بخشهای اجرا نشده پروژه ساخت شهرک چندمنظوره پدیده شاندیز را صادر کرد.

سهام و سهامداران این شرکت

ردیف	نام سهامدار	۱۳۹۲/۱۲/۲۹	
		تعداد سهام	درصد
۱	محسن پهلوان مقدم	۲۳۷.۰۴۱.۷۳۷	۴۵/۴۵
۲	علیرضایزدانی لنگرودی	۷.۸۱۶.۲۶۰	۱/۵۰
۳	سعید ورودی طرقبه	۶.۷۵۶.۱۶۴	۱/۳۰
۴	محمدرضا ریاحی	۷.۷۴۶.۲۶۰	۱/۴۹
۵	علی اکبر عبدی	۷.۸۰۰.۰۰۰	۱/۵۰
۶	مهدی شعبانی شه بندی	۹۷.۰۷۴.۱۰۲	۱۸/۶۱
۷	سارا سینی چی	۹.۹۹۶.۲۶۰	۱/۹۲
۸	محمود پهلوان مقدم	۹۶.۸۹۴.۱۰۲	۱۸/۵۸
۹	علی اکبر سینی چی	۱.۹۹۵.۲۵۲	۰/۳۸
۱۰	مجید بهرامی	۴۳۴.۶۲۰	۰/۰۸
۱۱	غلامرضا پهلوان مقدم	۴۶۳.۵۵۰.۰۰۰	۸/۹۳
۱۲	شیرین منصوری	۱۰۰.۰۰۰	۰/۰۲
۱۳	دانیال پهلوان مقدم	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۱۴	مریم پهلوان مقدم	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۱۵	زهرا کامرانی مشهدی	۱۳۸.۹۵۸	۰/۰۲۶
۱۶	اسد پهلوان مقدم	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۱۷	فاطمه پهلوان مقدم	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۱۸	فرزانه پهلوان مقدم	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۱۹	فائزه پهلوان مقدم	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۲۰	نرگس پهلوان مقدم	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۲۱	منصوره شمشادی یزدی	۵.۰۰۰	۰/۰۰۱
۲۲	فاطمه شعبانی شه بندی	۵.۰۰۰	۰/۰۰۱
۲۳	ساره شعبانی شه بندی	۵.۰۰۰	۰/۰۰۱
۲۴	عارفه شعبانی شه بندی	۵.۰۰۰	۰/۰۰۱
۲۵	مریم باغبان حقیقی	۲.۰۰۰	۰/۰۰۰۳
۲۶	لیلا سینی چی	۲.۰۰۰	۰/۰۰۰۳
۲۷	زینب ضیایی	۱۰۰.۰۰۰	۰/۰۲
۲۸	طهورا ریاحی	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۲۹	محمدمهدی ریاحی	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۳۰	محمدحسین ریاحی	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۳۱	ناهید عبداله زاده	۱۰۰.۰۰۰	۰/۰۲
۳۲	مریم ورودی طرقبه	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۳۳	جواد ورودی طرقبه	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۳۴	مرضیه ارقبه	۱۰۰.۰۰۰	۰/۰۲
۳۵	نیما عبدی فریمانی	۴۸.۱۳۰	۰/۰۰۹
۳۶	شهریار عبدی فریمانی	۴۸.۱۳۰	۰/۰۰۹
۳۷	مهسا علوی	۸۰.۰۰۰	۰/۰۱۵
۳۸	مازیار یزدانی لنگرودی	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
۳۹	محمدضیاء یزدانی لنگرودی	۵۰.۰۰۰	۰/۰۱
	جمع	۵۲۱.۵۴۳.۹۷۵	۱۰۰

Namnak.com

به گفته مدیرعاملش سهام پدیده اولین و آخرین شرکت در دنیا که سهامش فقط رشد صعودی دارد و هیچگاه نزولی نمی شود. شرکتی که طی پنج سال فعالیت ارزش هم سهمش از 111تومان در سال 88 به 11311 تومان در سال 93 (تاکنون) رسیده است.
اما این روز ها بحث های زیادی پیرامون مشکلات قانونی شرکت، نحوه فروش سهام خارج از بازار بورس رسمی کشور، اختلاس مالی در آن و حتی حمایت برخی افراد مطرح است که توانسته تا این حد جای پای خود را محکم کند. شرکتی که به مدد پیشتوانه قوی مالیش هزینه زیادی را صرف تبلیغات می کند. گفته می شود 1,5 درصد از حجم درآمد صدا و سیما از محل تبلیغات مربوط به شرکت پدیده شاندیزاست، علاوه بر این روزانه در روزنامه های سراسری هم تبلیغات دارد که به طور متوسط هزینه هر روز تبلیغ تنها در یک روزنامه 31 تا 41 میلیون تومان است. البته هر زمان که بحث ها مبنی بر اشکالات قانونی این شرکت بالا می گیرد حجم تبلیغات بیشتر می شود و تا آگهی های 121 میلیون تومانی هم می رسد. علاوه بر این یک سوم تبلیغات کل فرودگاه های ایران مربوط به این شرکت است، این ها به همراه صد ها بیلبورد و دیگر انواع تبلیغاتی است که در سراسر کشور به ویژه مشهد برای ساخت شهر افسانه ای پدیده شاندیز در منطقه توریستی شاندیز مشهد در فاز اول و ده ها پروژه مشابه در سراسر ایران انجام می شود.
ترکیب اعضای هیأت مدیره میان شرکت توسعه بین المللی صنعت گردشگری پدیده شاندیز و سایر شرکت های تابعه اش موجب شده معاملات درون گروهی و در اصطلاح تیکی تاکای خانوادگی قابل توجهی در آن انجام شود و در نتیجه مشمول ماده 129 قانون تجارت باشد. بطوریکه بیش از 64 درصد سود خالص سال مالی 92 "پدیده" ناشی از معاملات درون گروهی و سود فروش سهام شرکت بین المللی پدیده شاندیز کیش به شرکت ابنیه و ساختمان پدیده شاندیز به مبلغ 4353 میلیارد ریال بوده است. در حقیقت شرکتی با سرمایه 14 میلیارد تومانی به قیمتی بیش از 435 میلیارد تومان فروخته شده که در نوع خود بسیار قابل توجه و بی نظیر است. بطوریکه طبق نظر حسابرس با توجه به عدم ارایه صورت های مالی حسابرسی شده تلفیقی و همچنین وجود زیان انباشته در سال مالی قبل، انجام این قبیل معاملات به ابهامی اساسی در افشای اطلاعات شرکت منجر شده است.

پدیده شاندیز

از ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد

لحن یا سبک این مقاله بازتاب‌دهندهٔ لحن دانشنامه‌ای استفاده‌شده در ویکی‌پدیا نیست. لطفاً کلمات ستایش‌گونه و غیر ادبی و عبارت‌های نادانشنامه‌ای را بزدایید. برای راهنمایی بیشتر راهنمای نوشتن مقاله‌های بهتر و لحن بی‌طرف را ببینید.

برای تأییدپذیری کامل این مقاله به **منابع بیشتری** نیاز است. لطفاً با توجه به شیوهٔ ویکی‌پدیا برای ارجاع به منابع با ارایهٔ منابع معتبر این مقاله را بهبود بخشید. مطالب بی‌منبع را می‌توان به چالش کشید و حذف کرد.

در **درستی** این مقاله اختلاف نظر وجود دارد. خواهشمندیم در روشن‌شدن اعتبار منابع مورد اختلاف کمک کنید. بحث‌های مرتبط را می‌توانید در صفحهٔ بحث ببینید.

برای باشگاه فوتبال این شرکت، باشگاه فوتبال پدیده خراسان را ببینید.

پدیده شاندیز

نوع	سهامی عام (شرکت ابنیه و ساختمان پدیده شاندیز که از دیگر زیر مجموعه‌ها است، سهامی خاص است)
صنعت	گردشگری
تأسیس	۱۳۸۸,۰۸,۰۸
شعبه‌ها	شعبهٔ مرکزی مشهد، ایران
افراد کلیدی	محسن پهلوان
وبگاه	http://www.padide.com

شرکت توسعه بین‌المللی صنعت گردشگری پدیده شاندیز در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۸۳ تحت شماره ۲۲۸۲۹ نزد اداره ثبت شرکت‌های مشهد تحت نام شرکت سرمایه‌گذاری کاوشگران سهام (سهامی عام) به ثبت رسید و در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۸۷ با تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده نام شرکت به نام کنونی آن تغییر یافت.[۱][*نبود متن در منبع یا ارجاع اشتباه*]
آنچه در ایران به فعالیت و فروش سهام مشغول است یک شرکت سهامی خاص زیر مجموعه این هلدینگ است که با نام **شرکت ابنیه پدیده شاندیز** ، مجری و مالک تمام پروژه‌های ساختمانی مجموعه پدیده و زیرمجموعه گروه شرکت‌های پدیده است. شرکت ابنیه و ساختمان پدیده شاندیز (سهامی خاص) در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۸۸ تحت شماره ۳۶۵۲۷ در اداره ثبت شرکت‌های مشهد به ثبت رسید. مجمع فوق‌العاده با حضور سهامداران پدیده روز یکشنبه ۱۹ مرداد در پدیده شاندیز تشکیل و افزایش سرمایه ۲۵درصدی تصویب شد.[*نیازمند منبع موثق*]
این شرکت با مجموعه‌ای از اتهامات و انتقادات پیرامون سهام خود؛ پیش فروش غیرقانونی املاک و تبلیغات دروغ در رسانه‌ها روبرو شده است و شورای عالی معماری و شهرسازی در مصوبه‌ای به تخلفات آن در تضییع حقوق بیت المال و تخلفات ارضی ده‌هاهکتاری در مشهد رسیدگی کرده ورییس سازمان امور اراضی از توقف موقف ساخت آن در شاندیز خبر داده بود.[*نیازمند منبع موثق*]
پس از فعالیت‌های غیرقانونی این شرکت و تخلفات گسترده، شرکت‌های دیگری نیز قصد ادامه دادن این روش را داشتند که با اقدام دولت حسن روحانی جلوی آنان گرفته شد.[۲][*نبود متن در منبع یا ارجاع اشتباه*]
در دی ماه ۱۳۹۳ برخی از دفاتر فروش سهام «پدیده شاندیز» در مشهد و برخی شهرهای بزرگ ایران پلمپ شد.[۳]
محسن پهلوان در آخرین مجمع عمومی شرکت ابنیه و ساختمان پدیده شاندیز پیوستن به بورس را منتفی دانست.[۴]

محتویات

[نهفتن]

- ۱حوزه فعالیت
  - ۱.۱شرکت‌های تابعه
  - ۱.۲فعالیت‌های انجام گرفته و پروژه‌های در دست اجرا
- ۲تشکیل پرونده قضایی و برخورد دادستانی در دی ماه ۱۳۹۳
- ۳سهام پدیده شاندیز
- ۴واکنش وزیر کشور
- ۵تخلفات
  - ۵.۱در اختیار گرفتن ده‌ها هکتار زمین
  - ۵.۲تبلیغات
  - ۵.۳پیش فروش بدون مجوز
  - ۵.۴توقیف موقت فعالیت به دلیل تخلفات
- ۶نقد
  - ۶.۱همکاری با شرکت بریتانیایی ایتکینز
- ۷نقش بانک‌های کشاورزی و، مهر و انصار در تخلفات
- ۸بازداشت محسن پهلوان
- ۹صدور مجدد مجوزات برای پروژه
- ۱۰جستارهای وابسته
- ۱۱پیوند به بیرون
- ۱۲منابع

حوزه فعالیت[ویرایش]

پاتیناژ شهر رویایی پدیده شاندیز
شرکت توسعه بین‌المللی صنعت گردشگری پدیده شاندیز یک شرکت ایرانی سهامی عام می‌باشد که در زمینه توسعه صنعت توریسم و گردشگری با سرمایه هزار و پانصد میلیارد ریال، فعالیت می‌کند.[۵][*نیازمند منابع بیشتر*]

شرکت‌های تابعه[ویرایش]

شرکتهای:[۶]

- شرکت پدیده پارسیان توس (۱۳۸۲,۰۶,۱۰)
- شرکت آریا دوام ساز شرق (۱۳۸۵,۱۰,۲۸)
- شرکت ابنیه و ساختمان (۱۳۸۸,۰۶,۱۱)
- شرکت بین‌المللی تجارت الکترونیک پدیده کیش (۱۳۸۹,۰۴,۳۱)
- شرکت بین‌المللی تجارت الکترونیک پدیده کیش (۱۳۹۲,۰۴,۱۲)
- شرکت شهربازی پدیده شاندیز (۱۳۹۲,۰۸,۲۷)
- شرکت تأمین و توزیع کالای پدیده
- باشگاه فرهنگی و ورزشی پدیده(۱۳۹۲)



پروژه های در دست ساخت پدیده در کیش

فعالیت‌های انجام گرفته و پروژه‌های در دست اجرا[ویرایش]

افتتاح مجموعه‌های پدیده شاندیز در مشهد با زیربنای ۱۰ هزار متر مربع و تهران با زیر بنای ۲ هزار و پانصد متر مربع، ساخت و افتتاح بزرگترین رستوران سرپوشیده جهان و بازار بزرگ کیش با زیربنایی بالغ بر۲۰ هزار متر مربع[۷][*مساحتهای مذکور در منبع موجود نیست*][*نبود موضوع بازار در منبع*] و افتتاح یکی از بزرگترین هایپر مارکتهای جهان [*نیازمند منبع*] در زمینی به وسعت ۲۲ هزار متر مربع[*مساحت مذکور در منبع موجود نیست*] در مرکز تعطیلات و سرگرمی پدیده شاندیز مشهد، از جمله فعالیت‌های به اتمام رسیده گروه شرکت‌های پدیده می‌باشد؛ احداث یکی از عظیم‌ترین مراکز تعطیلات، سرگرمی و خرید جهان در شهر شاندیز مشهد با هدف ارائه خدمات ویژه در صنعت گردشگری با کاربری‌هایی همچون هتل ۵ ستاره، مرکز خرید و سرگرمی، شهربازی سرپوشیده، مجتمع اداری، باغ گل ودیگر امکانات رفاهی – تجاری با زیر بنایی بالغ بر ۱/۱۱۰/۰۰۰ متر مربع،[۸] و احداث پروژه بزرگ شهر افسانه‌ای کیش در جنوب غربی این جزیره به عنوان یکی از شاخص‌ترین قطبهای گردش گری جنوب کشور در زمینی به مساحت ۲۰ هزار متر مربع با زیربنایی بیش از ۸۸۸ هزار متر مربع با کاربری‌های منحصر به فرد و بخش‌های متنوعی شامل: هتل ۵ ستاره - مجتمع بزرگ اقامتی - مراکز همایش- مرکز بزرگ خرید - اسکله بزرگ تفریحی - شهربازی سرپوشیده - پارک آبی - باغ گیاهان دریایی و ...[۹]

تشکیل پرونده قضایی و برخورد دادستانی در دی ماه ۱۳۹۳[ویرایش]

قاضی «غلامعلی صادقی» دادستان عمومی و انقلاب مشهد در ۸ دی ماه ۱۳۹۳ از پلمپ دفاتر غیرقانونی خرید و فروش سهام شرکت پدیده در مشهد خبر داد. وی گفت: «دفاتر دلالی ۲شرکت «تبرک» و «پردیسبان» روز گذشته پلمب شد و امروز نیز دفاتر غیرقانونی ودلالی شرکت بزرگ سرمایه‌گذاری «پدیده» به طور کامل و در اقدامی هماهنگ با ضابطان دستگاه قضایی پلمب شد. افرادی که به عنوان دلال و با تأسیس دفاتر غیرقانونی فروش سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری فعالیت می‌کنند با تبلیغات فریبنده ارزش سهام رابه طور غیر واقعی و به اصطلاح بادکنکی بالا می‌برند و بدین ترتیب صدمات جبران ناپذیری رابه اقتصاد کشور و تولید سرمایه‌گذاری واقعی وارد می‌کنند.[۱۰]»
ظاهراً دفاتر اصلی این شرکت‌ها پلمپ نشده و فقط دفاتر دلالی سهام پلمپ شده است. اما دفاتر اصلی برای پاسخگویی به مردم باز نگاه داشته شده.
بازپرس شعبه ۹۰۴ دادسرای عمومی و انقلاب مشهدنیز گفت که خرید و فروش سهام این شرکت در خراسان ممنوع شده است. حیدری در گفتگو با میزان خبرگزاری قوه قضاییه گفت: «فعالیت دفاتر اصلی شرکت پدیده شاندیز بر اساس دستور دادستان ممنوع شده است. به دلیل اینکه سرمایه و پول مردم در این شرکت‌ها وجود دارند پلمپی صورت نگرفته اما این شرکت‌ها حق خرید و فروش ندارند.»[۱۱] سید مرتضی بختیاری معاون امنیتی، سیاسی دادستان کل کشور در ۱۰ دی ماه ۱۳۹۳ گفت: «با توجه به درخواست دادستان عمومی و انقلاب مشهد از دادستان کل کشور در رابطه با تخلفات مالی صورت گرفته در شرکت‌های پدیده شاندیز، تبرک و پردیسبان، که پرونده قضایی آنان در شعبه ۹۰۴ بازپرسی دادسرای انقلاب اسلامی

مشهد در حال بررسی است، طبق دستور دادستان کل کشور؛ صدا و سیما، رسانه‌های نوشتاری، دیداری و گفتاری، شهرداری‌ها، فرودگاه‌ها، راه آهن و تمام معابر از درج و انتشار هر گونه آگهی تبلیغاتی و تجاری در مورد این شرکت‌ها منع شدند و این دستورالعمل طی نامه کتبی به ریاست سازمان صدا وسیما، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر مسکن، راه و شهرسازی اعلام شده است.»[۱۲]
دفتر نمایندگی مؤسسه پشتیبانی پدیده شاندیز در قزوین نیز ۹ دیماه بدستور دادستان قزوین پلمپ گردیده بود.[۱۳]
پیش از این نیز برخی وکلا اقدام پدیده در خرید و فروش سهام از طریق سایت را غیرقانونی دانسته بودند.[۱۴]
«امیر خجسته» رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مجلس شورای اسلامی نیز خواستار برخورد با فروش سهام توسط این شرکت شده بود.[۱۵]

سهام پدیده شاندیز[ویرایش]



دفتر مرکزی و رستوران پدیده در اریکه ایرانیان تهران

شرکت ابنیه پدیده شاندیز، مجری و مالک تمام پروژه‌های ساختمانی مجموعه پدیده، با هدف ساخت بزرگترین مجموعه چند منظوره تفریحی و گردشگری کشور، اقدام به جذب مشارکت و سرمایه‌گذاری، در قالب فروش سهام نموده است و تعداد کل سهام این شرکت، یک و نیم میلیارد سهم می‌باشد. شاخص رشد سهام پروژه پدیده شاندیز از آبان ۸۸ تا شهریور ۱۳۹۰، رشد ۵۰ درصدی را تجربه کرد و با آغاز عملیات اجرایی در مهرماه ۹۰، با جهش ۱۳۰درصدی رو به رو شد. در سال ۱۳۹۰ با وجود رکود در بخش ساختمان، قیمت سهام پدیده ۲۷۵ درصد رشد داشته.
در سال ۱۳۹۱، سهام پدیده شاندیز با افزایش ۱۳۴ درصدی، سود بالایی را به سمت سهامداران خود روانه کرد و در سال ۱۳۹۲ باز هم سهام پدیده، سیر صعودی حدوداً ۱۳۰ درصدی را ادامه داد.[۱۶]
سود مورد ادعای این شرکت حبابی و غیر واقعی ارزیابی شده است و دربارهٔ آثار آن هشدار داده شده است.[۱۷]
منتقدین می‌گویند این شرکت از شیوه بمباران تبلیغاتی و تعیین ارزش سهام توسط مدیریت و سایر روش‌ها برای بالابردن ارزش سهام خود بطور غیر واقعی سود می‌برد.

واکنش وزیر کشور[ویرایش]

عبدالرضا رحمانی فضلی در صفحه اینستاگرام خود از تشکیل کارگروه پیگیری موضوع تخلف پدیده شاندیز و صیانت از حقوق مردم و بیت‌المال خبر داد و گفت:جای تعجب و شگفتی است که چگونه اتفاق پدیده شاندیز با اشکالات و تخلفات بسیار فاحش و بی شماری مانند تملک، تغییرکاربری، جوازات، تصرفات، نحوه فروش سهام شرکت، هویت سهامی خاص از یک سو و از طرفی دیگر در نظر نگرفتن مسائل زیست‌محیطی، حریم رودخانه، ساختار شهر شاندیز و ارتباطات جاده‌ای در کنار چشم تمام مسئولان مربوطه اتفاق بیفتد و در سطحی گسترده صداو سیما در کنار رسانه‌ها تبلیغ کنند و کمترین اقدام عملی در جهت برخورد قانونی مؤثر صورت نگرفته باشد!![۱۸]

تخلفات[ویرایش]

در اختیار گرفتن ده‌ها هکتار زمین[ویرایش]

رئیس سازمان اراضی کشاورزی اعلام کرد که شرکت پدیده شاندیز ۴۵ هکتار از اراضی خارج از محدوده را در اختیار گرفته و سپس برای قانونی کردن این تخلف این اراضی را به شهر ملحق کرده است. بررسی‌های وبگاه صبحانه نشان می‌دهد، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در دو جلسه رسمی خود در مورخه ۲۳ دی ماه و ۷ بهمن ماه، زوایای مختلف حقوقی و فنی این پروژه را مورد بررسی قرار داده و تصمیمات مهمی دربارهٔ آن اتخاذ کرده است که بخشی از این تصمیمات، در قالب نامه شماره "۶۱۲۲۷/۳۰۰ " در تاریخ ۲۸ دی ماه، به استاندار خراسان رضوی رسماً ابلاغ شده است.[۱۹]

تبلیغات[ویرایش]



هایپرمارکت پدیده شاندیز

وبگاه تابناک در شهریور ۱۳۹۲ نوشت که به دلیل دروغگویی در تبلیغات شرکت پدیده از تبلیغ در صداوسیما منع شده است همچنین تبلیغات این شرکت در لیگ برتر نیز با حکم قضایی ممنوع شد این اقدام با شکایت وزارت راه و شهرسازی از این شرکت صورت گرفت. در تبلیغات این طرح بزرگ بزرگ‌ترین پروژه این شرکت به نام «شهر پدیده شاندیز» معرفی می‌شود این در حالی است که طبق ماده چهارم «قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری» شهر محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی مشخص. از طرف دیگر در همین تبلیغ تلویزیونی فردی نشان داده می‌شود که به عنوان شهردار شهر به توضیح دربارهٔ ویژگی‌ها و اقدامات انجام شده برای تأسیس شهر پدیده می‌پردازد، در حالی‌که شهرهای جدید باید زیر نظر مدیرعامل اداره شوند. جدا از موضوع تبلیغات موضوع اقدامات غیرقانونی شرکت پدیده شاندیز و پیش فروش غیرقانونی واحدهای ساختمانی آن هم مطرح است. به نحوی که در تاریخ ۲۱ مردادماه سال جاری وزارت راه و شهرسازی طی نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه اعلام می‌کند: نظر به شکایت اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی از اقدامات شرکت پدیده شاندیز موضوع در دادسرای مشهد مطرح شده است و دادسار معاونت پیشگیری از وقوع جرم تحقق جرم را اعلام کرده و دستور توقف تبلیغات رسانه‌ای در این مورد را به صدا و سیما و وزارت فرهنگ و سازمان ورزش و جوانان ارسال کرده است. این در حالی است که هنوز صدا و سیما همچنان در حال تبلیغات این پروژه است. این گزارش و نامه در حالی به آیت‌الله صادق آملی لاریجانی ارائه شده که در ذیل نامه آمده است یکی از وکلای پدیده از نزدیکان مسئولان حوزه قضایی شاندیز است برای همین احاله پرونده کیفری پس از ثبت به حوزه قضایی دادگستری مشهد ضروری است؛ لذا درخواست ثبت کیفری این پرونده را داریم.[۲۰][۲۱][۲۲]
دادیار حوزه معاونت پیشگیری از وقوع جرم مشهد هم طی نامه‌ای به رئیس صدا و سیما، وزیر ارشاد، وزیر ورزش و جوانان، شهردار مشهد و مدیرکل میراث فرهنگی مشهد و وزیر راه و شهرسازی می‌نویسد: پیرو نامه قبلی در مورد ممانعت از پخش تبلیغات شرکت پدیده شاندیز متأسفانه شاهد تبلیغات گسترده‌تر این شرکت بعد از صدور دستور قضایی در صدا و سیما و مطبوعات و میادین ورزشی بودیم؛ لذا علت پخش تبلیغات این شرکت را در اسرع وقت به این حوزه اعلام نمائید.[۲۰]

پیش فروش بدون مجوز[ویرایش]

دو ماه قبل وزارت راه و شهرسازی نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه داده بود که در آن آمده است: شرکت توسعه بین‌الملل شاندیز در مغایرت با ماده ۹ قانون منع فروش واگذاری اراضی مسکونی مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۲۱ قانون پیش فروش ساختمان اقدام به پیش‌فروش ساختمان کرده است و این اقدام در حالی است که بر اساس قانون درج تبلیغات بدون مجوزهای لازم جرم محسوب می‌شود.[۲۰]

توقیف موقت فعالیت به دلیل تخلفات[ویرایش]

شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور طی برگزاری دو جلسه در تاریخ ۲۸ دی ماه ۹۲ و ۱۲ بهمن ۹۲ با اعزام نمایندگان خود دستور توقف بخشهای اجرا نشده پروژه ساخت شهرک چندمنظوره پدیده شاندیز را صادر کرد.[۲۳] همچنین قباد افشار رئیس سازمان امور اراضی طی تشکیل پرونده و ارجاع آن به شورای عالی حفظ حقوق بیت‌المال، ادامه ساخت این پروژه را به طور موقت و به دلیل انجام ندادن مراحل اداری و عدم پرداخت حقوق بیت‌المال متوقف اعلام کرد.[۲۴]
در مصوبه شورایعالی شهرسازی و معماری در زمینه گزارش طرح پدیده شاندیز آمده آمده است:[۲۵]
شورای عالی شهرسازی و معماری نمایندگان خود را برای نهایی کردن مدارک طرح جامع و ابلاغ آنها و همچنین انطباق این طرح با طرحهای مصوب به منطقه اعزام نماید. همچنین اگر پیشنهادی برای طرح مذکور هست از جمله انجام ارزیابی زیست‌محیطی، مراحل قانونی خود را طی نماید و ظرف مدت شش هفته نتیجه گزارش گردد. ضمناً شهرداری شاندیز موظف است هیچ مجوزی خارج از حدود طرحهای مصوب) مراجع تصویبی و شورای عالی شهرسازی و معماری) صادر ننماید و از تدام بخشهای اجرا نشده طرح تا تطبیق با طرحهای مصوب ممانعت بعمل آورد.
به گفته رئیس سازمان امور اراضی پروژه شهرک تماشا در تهران نیز به دلیل حق اجازه ساخت‌وساز در منابع ملی و کشاورزی را نداشته‌اند به صورت کامل متوقف و ضمن جریمه مجری طرح، پروژه به صورت کامل تخریب شده است.[۲۶]
در عین حال جواد رجب زاده شهردار شاندیز که مجوزهای خلاف قانون را صادر کرده بود طی مصاحبه‌ای ضمن اعتراف به عدم پرداخت حقوق بیت المال در پروژه پدیده ادعا کرد «بحث پروژه پدیده شاندیز در رابطه با ساخت و ساز یک موضوع داخل استانی است و مدیران استان خراسان رضوی باید اعلام موضع کنند نه جهاد کشاورزی. موضوع پدیده شاندیز به استانداری خراسان رضوی، سازمان مسکن و شهر سازی این استان و شهرداری شاندیز مربوط می‌شود.» به گفته وی پروژه در حال اجراست.
در پاسخ به ادعاهای شهردار شاندیز روابط عمومی سازمان امور اراضی در اطلاعیه پاسخ وی را به شرح ذیل داد:[۲۷]
نکته اصلی و پرسش‌برانگیز در اظهارات آقای شهردار بی‌اطلاعی وی از قوانین مصرح در حوزه مدیریت زمین و حدود اختیارات قانونی دستگاه‌های اجرایی مختلف ازجمله وزارت جهاد کشاورزی و سازمان امور اراضی و کمیسیون‌ها و قوانین مربوطه است. به‌طور خلاصه جهت اطلاع شهردار شاندیز باید گفت که بر اساس قانون، سازمان امور اراضی کشور به‌منظور انتظام بخشیدن به اجرای قوانین و مقررات مربوط به امور زمین در سطح کشور فعالیت می‌کند و وظیفه اجرا یا نظارت بر اجرای ده‌ها قانون مهم

مرتبط با مدیریت اراضی ازجمله مفاد قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها را بر عهده دارد. از قضا اصلی‌ترین موضوع تخلفات پروژه پدیده شاندیز مسئله تخریب و تغییر کاربری غیرمجاز ۴۰ هکتار اراضی زراعی و باغی خارج از محدوده شهر و تصرف این اراضی و ساخت و ساز غیرقانونی، قبل از تصویب طرح جامع و الحاق اراضی کشاورزی به محدوده شهر است که از سال ۱۳۹۰ تاکنون در اینباره علیه متخلفین در مراجع قضایی طرح دعوی شده و موضوع در دست بررسی است. علاوه بر این شورای عالی شهرسازی و معماری و کمیسیون‌های مربوطه نیز به این موضوع ورود کرده است. شهردار شاندیز و مجری پروژه پدیده در حالی به استناد جلسات کمیسیون ماده پنج ساخت و سازهای انجام شده در اراضی زراعی و باغی حاشیه شهر شاندیز را قانونی عنوان می‌کنند که بر اساس قانون، صرف طرح موضوع در کمیسیون مذکور، موجبی برای خروج موضوعی اراضی کشاورزی از شمول قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها نبوده و هرگونه تصمیم در اینباره باید منطبق بر تبصره یک ماده یک قانون حفظ کاربری باشد. بر اساس همین قانون، شورای عالی شهرسازی و معماری در سال ۱۳۹۱ افزایش محدوده شهری برای اجرای این پروژه را به حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌های ملحقه مشروط کرد. کما اینکه در بند چهار مصوبه مورخ چهارم اسفندماه سال ۱۳۹۱شورای عالی شهرسازی و معماری ایران دربارهٔ طرح جامع شهر شاندیز تأکید شده است که: "افزایش محدوده شهر و تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغ‌ها و پهنه‌های حفاظتی داخل محدوده، مطابق با نقشه کاربری اراضی پیشنهادی طرح جامع، به هر شکل و به هر میزانی ممنوع خواهد بود."به‌تازگی و پس از پیگیری‌های انجام‌شده، این موضوع بار دیگر در دستور کار شورای عالی شهرسازی و معماری قرار گرفته و این شورا در مصوبه مورخ هفتم بهمن‌ماه سال ۱۳۹۲ مقرر کرد که نمایندگانی را برای بررسی پرونده و نهایی کردن مدارک طرح جامع و ابلاغ آنها و همچنین انطباق این طرح با طرح‌های مصوب، به منطقه اعزام کند. نکته جالب این که شهردار شاندیز درحالی مدعی بی‌اطلاعی از قوانین مرتبط با این موضوع، طرح دعوا در مراجع قضایی شهرستان و حتی مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری شده و از تداوم فعالیت این پروژه خبر می‌دهد که بر اساس مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری در جلسه مورخ هفتم بهمن‌ماه ۱۳۹۲ پس از بررسی گزارش تخلفات انجام شده در طرح پدیده، شهرداری شاندیز را موظف کرد "هیچ مجوزی خارج از حدود طرح‌های مصوب صادر نکند و از تداوم فعالیت بخش‌های اجراء نشده طرح تا تطابق با طرح‌های مصوب ممانعت به‌عمل آورد."

[*نیازمند منبع موثق*]

چندی بعد برخی رسانه‌ها از ضعف شورایعالی شهرسازی که قادر به متوقف کردن تخلفات کارتل‌های ساخت و ساز همچون شرکت ایرانیان اطلس و ... نیست انتقاد کرد.[۲۸][۲۹][۳۰][۳۱]

نقد*[ویرایش]*

وبگاه الف طی یادداشتی انتقادی پیرامون سهام این شرکت نوشت:[۳۲]

شنیده‌ها حاکی از آن است قبل از جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده سهامدار عمده هر سهم را به‌قیمت حدود۸۶۰۰ تومان از طریق نمایندگی‌های فروش دادوستد می‌کرد. در حالی که با توجه به افزایش سرمایه ۲۵درصدی قیمت به صورت تئوریک باید ۶۸۸۰ تومان باز می‌شد، اما مدیران قیمت هر سهم را هشت هزار تومان تعیین کردند. چرا که مکانیسم قیمت‌گذاری نه از طریق عرضه و تقاضای بازار محصول، بلکه به‌وسیله مدیران تعیین می‌شود. شاید به همین دلیل است که این شرکت به شکل سهامی خاص ثبت شده تا مشمول ثبت نزد سازمان و قیمت‌گذاری در بورس نشود. از طرفی سیاست این شرکت بر بالا بردن ارزش بازار سهام و افزایش تعداد سهام در دست افراد است. شنیده‌ها حاکی از آن است که در مجمع شرکت ابنیه و ساختمان پدیده نیز بیان شده است که پدیده اولین و آخرین شرکت اقتصادی در دنیاست که در آن قیمت سهام افزایش می‌یابد و هرگز کاهش پیدا نمی‌کند... قیمت اوراق بهادار در بورس بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود در حالی که نرخ سهام پدیده از طرف شرکت مشخص می‌شود. طبیعی است وقتی همیشه نرخ‌ها بالاتر تعیین شوند میل به خرید بیشتر از فروش است. شرکت نیز می‌تواند با اندکی تأمین مالی اوراق متقاضی فروش را بازخرید کند. حال سؤال اینجاست که اگر روزی خود شرکت پس از فروش بخش عمده‌ای از سهام به مردم، قیمت هر سهم را مثلاً هزار تومان تعیین کند چه اتفاقی می‌افتد. کسی می‌تواند اعتراض کند؟ چه کسی پاسخگوست؟

محسن پهلوان به عنوان مشهورترین فرد در میان مجریان این پروژه بزرگ، در گفتگو با یک مجله، تأکید می‌کند که «بازی تبلیغات را از یک گروه قدرتمند به نام «ارمغان بهزیستی» یادگرفتم که یک تیم بازرگانی فرانسوی هم پشت ماجرا بود.» وی با اشاره به شیوه تبلیغات خود تأکید می‌کند که در ایام افتتاح یک رستوران کاری کرده است که «هرکسی از خواب بیدار می‌شد، نام رستوران «شاندیز» را می‌شنید. اگر کسی روزنامه را باز می‌کرد، تبلیغ رستوران بود. در رادیو، تبلیغ رستوران را می‌شنید. در تلویزیون، تبلیغ رستوران را می‌دید... یک جور بمباران تبلیغاتی بود.»

منتقدین می‌گویند این شرکت از شیوه بمباران تبلیغاتی و تعیین ارزش سهام توسط مدیریت و سایر روش‌ها برای بالابردنارزش سهام خود بطور غیر واقعی سود می‌برد.

سایت اقتصاد آنلاین نیز ضمن بررسی چگونگی فروش سهام در این هلدینگ می‌نویسد که قیمت سهام این شرکت ۴ برابر گرانتر از ارزش واقعی آن است.[۳۲]

قیمت هر سهمی که مردم ۸ هزار تومان می‌خرند، در حدود ۱۷۰۰ تومان برآورد شده است. این رقم صرفاً در مقام مقایسه و به عنوان خوشبینانه‌ترین برآورد کارشناسی از قیمت عادلانه سهم ارائه شده است... در ابتدا ۱۰۰٪ سهام این شرکت به «شرکت توسعه بین‌المللی صنعت گردشگری پدیده شاندیز» تعلق داشت ولی در این بازه ۵ ساله در حدود ۱۵٪ آن به مردم واگذار شده است اما رشد جالب این شرکت مردم را ترغیب به خرید درصد بیشتری از این سهام می‌کند. لازم است بدانید با این تفاسیر(۱,۵ میلیارد برگ سهم ۸۱۳۲ تومانی) ارزش بازاری این شرکت یعنی «شرکت ابنیه و ساختمان پدیده شاندیز» به رقم جالب ۱۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان رسیده است. برای اینکه مقیاس مناسبی در ذهنتان از این بزرگی ایجاد شود بد نیست بدانید بانک صادرات به عنوان سومین بانک بزرگ سیستم بانکداری کشور ارزش بازاری معادل ۴۶۰۰ میلیارد تومان در بورس تهران دارد یا در صنعت مشابه یعنی صنعت ساختمان شرکتهای «سرمایه‌گذاری مسکن» و «بین‌المللی توسعه ساختمان» به عنوان دو هلدینگ بزرگ ساختمان ساز کشور ارزش بازارهایی به ترتیب ۵۱۷ میلیارد و ۴۰۶ میلیارد تومان دارند و در سالهای مالی ماقبلشان در تلفیق به ترتیب سودهای ۱۰۲ و ۹۳ میلیاردی محقق نموده‌اند، این در حالیست «شرکت ابنیه و ساختمان پدیده شاندیز» در سال مالی قبل سودی تنها معادل ۴۶ میلیارد تومان محقق نموده است. در واقع این شرکت نسبت قیمت به درآمدی معادل ۲۶۳ مرتبه دارد در حالیکه این نسبت برای شرکتهای مذکور در بورس به ترتیب ۴,۷ و ۳,۹ می‌باشد!

طراحی محوطه پروژه پدیده کیش

همکاری با شرکت بریتانیایی ایتکینز[ویرایش]
شرکت پدیده شاندیز در ساخت مجموعه شاندیز مشهد با شرکت ساختمانی اتکینز WS Atkins plc همکاری داشته است. این شرکت بریتانیایی در ساخت و سازهایی که دولت عربستان سعودی در اماکن مقدس مسلمانان در مکه انجام داده است مشارکت داشته است. برخی وبگاه‌های ایرانی این شرکت را به دلیل طراحی‌هایی که مسجدالحرام صورت داده مورد انتقاد شدید قرار داده‌اند و همکاری شرکت پدیده با این شرکت را مورد سؤال می‌دانند.[۳۴][۳۵]

نقش بانک‌های کشاورزی و، مهر و انصار در تخلفات[ویرایش]
به نوشته وبگاه معماری نیوز بانک‌های کشاورزی، مهر و انصار در فروش غیرقانونی سهام این شرکت دست داشته‌اند.[۳۶] این وبگاه نوشته است «در تاریخ ۸۸٫۸٫۲۳ «مجید توتونچی» رئیس سازمان مسکن و شهرسازی خراسان رضوی در نامه‌ای به شماره ۱۲٫۴۶۷۰۱ به معاون هماهنگی امورعمرانی و با رونوشت به «شهردار شاندیز» مجدد به نبود مجوزهای لازم در کارگروه مسکن و شهرسازی و کمیسیون ماده ۵ و غیرقانونی بودن اقدامات صورت گرفته و همچنین فروش سهام آن شرکت توسط بانک کشاورزی و موسسات مالی اعتباری انصار و مهر تأکید کرد.»
متن نامه نیز توسط معماری نیوز منتشر شده است.

بازداشت محسن پهلوان[ویرایش]
محسن پهلوان مدیرعامل سابق «پدیده» در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۹۴ پس از احضار به دادسرای عمومی و انقلاب مشهد بازداشت و روانه زندان شد. پس از آن که گزارش‌هایی از جرایم و تخلفات در شرکت «پدیده» به دادسرای مشهد رسید و بررسی‌های مقدماتی نیز نشان داد که بسیاری از شهروندان به طور ناآگاهانه در دام تبلیغات گسترده خرید و فروش غیرقانونی اوراق موسوم به سهام این شرکت گرفتار شده‌اند و هر روز قیمت سهام «پدیده» به صورت بادکنکی افزایش می‌یابد و هر لحظه بر تعداد قربانیان این گونه اقدامات و فعالیت‌های غیرقانونی افزوده می‌شود، بنابراین دادستانی مشهد به منظور پیشگیری از وقوع جرایم بعدی و جلوگیری از حیف و میل اموال مردم، به این موضوع ورود کرد و در اولین مرحله از اقدامات قضایی دستور ممنوعیت تبلیغات و خرید و فروش غیرقانونی سهام صادر شد.[۳۷]

صدور مجدد مجوزات برای پروژه[ویرایش]
هتل شهر رویایی پدیده شاندیز
بعد از جلسات متعدد، سرانجام در دی ماه سال ۹۵ معاون وزیر کشور از صدور پایان کار پروژه عظیم پدیده شاندیز از سوی شهردار شاندیز خبر داد.[۳۸] همچنین در اسفند ماه سال ۹۵ نیز مجوز تبلیغات شرکت پدیده شاندیز در صداوسیما و سایر رسانه ها از سوی رحمانی فضلی وزیر کشور، صادر شد.[۳۹] سرانجام در فروردین ماه سال ۹۶ نیز پس از ماه ها جلسات برای ارتفاع هتل پدیده شاندیز، با ارتفاع ۳۴ طبقه برای برج اقامتی و اِلمان پدیده شاندیز در شورای عالی شهرسازی موافقت و به تصویب رسید تا آخرین مجوز مورد نیاز برای پروژه پدیده شاندیز نیز صادر شود.[۴۰]

جستارهای وابسته[ویرایش]
- باشگاه فوتبال پدیده خراسان

پیوند به بیرون[ویرایش]
منابع[ویرایش]

1. پرش به بالا↑ «Padideh Kish Competition Winning Proposal / Shirdel and Associates Architects». وبگاه archdaily. بازبینی‌شده در ۱۳۹۲,۰۲,۲۵.
2. پرش به بالا↑ «اختصاصی صبحانه/ هشدار جدید دربارهٔ عرضه سهام و تبلیغات پردیسبان/ 6 ایراد مهم شورای عالی شهرسازی به پروژه مشهور +سند». صبحانه آنلاین. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
3. پرش به بالا↑ پلمپ دفتر دیگری از فروش سهام «پدیده» در مشهد /yjc.ir
4. پرش به بالا↑ «در مجمع عمومی پدیده چه گذشت؟». مشهد نیوز.
5. پرش به بالا↑ http://www.gazette.ir/Detail.asp?NewsID=937631084146588&paperID=9246183368990 10
6. پرش به بالا↑ «شرکت‌های تابع، توسعه بین‌الملل پدیده». پدیده. بازبینی‌شده در ۱۳۹۲,۰۱,۱۹.
7. پرش به بالا↑ «افتتاح بزرگترین رستوران سرپوشیده جهان در کیش». خبر گذاری فارس. بازبینی‌شده در ۱۳۹۳,۰۴,۱۹.
8. پرش به بالا↑ «احداث بزرگ‌ترین مرکز توریستی کشور». خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. بازبینی‌شده در ۱۳۹۲,۰۱,۱۹.
9. پرش به بالا↑ «گام بلند «پدیده» برای رقابت با شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس». جامعه خبری تحلیلی الف. بازبینی‌شده در ۱۳۹۲,۰۱,۱۹.
10. پرش به بالا↑ «دادستان عمومی و انقلاب مشهد خبرداد پلمپ دفاتر فروش سهام «تبرک» و «پدیده شاندیز»». خبرنگاران جوان.

11. پرش به بالا↑ «به دستور دادستان مشهد صورت گرفت؛ ممنوعیت فروش سهام پدیده شاندیز». میزان.
12. پرش به بالا↑ «ممنوعیت تبلیغ پدیده شاندیز، تبرک و پردیسبان». تابناک.
13. پرش به بالا↑ «با دستور دادستان قزوین: دفتر نمایندگی «پدیده» در قزوین پلمپ شد». خبرنگاران.
14. پرش به بالا↑ «پوربابایی در گفتگو با باشگاه خبرنگاران: اقدام غیرقانونی پدیده شاندیز اخلال در سیستم اقتصادی است/سایت فروش سهام فیلتر شود». خبرنگاران جوان.
15. پرش به بالا↑ «خجسته در گفتگو با باشگاه خبرنگاران: دستگاه قضا قاطعانه برخورد کند/ موضوع تخلفات «پدیده» در کمیسیون شوراهای مجلس بررسی می‌شود». خبرنگاران.
16. پرش به بالا↑ «پتانسیل‌های صعودی سهام پدیده!». تابناک. بازبینی‌شده در ۱۳۹۳,۰۴,۱۴.
17. پرش به بالا↑ «رشد 140 درصدی سهام پدیده طی 280 روز + نمودار». مشرق.
18. پرش به بالا↑ «یادداشت وزیر کشور دربارهٔ پدیده شاندیز». تابناک. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
19. پرش به بالا↑ «صبحانه گزارش می‌دهد/ پای شورای عالی شهرسازی به «پدیده شاندیز» باز شد/ سرنوشت برج بابک زنجانی تکرار می‌شود؟». صبحانه. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
20. ↑ پرش به بالا به:۲۰,۲ ۲۰,۱ ۲۰,۰ .
21. پرش به بالا↑ «سوء استفاده شرکتهای تجاری از غفلت تلویزیون در پخش آگهی‌های تبلیغاتی پدیده شاندیز بازارگرمی می‌کند، صداوسیما برای پول سکوت می‌کند!». بولتن نیوز، ۲۸ آذر ۱۳۹۱. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
22. پرش به بالا↑ «تخلف جدید فدراسیون فوتبال؛ تبلیغات «پدیده شاندیز» ممنوع شد». بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
23. پرش به بالا↑ دنیای اقتصاد. «دستور توقف «پدیده شاندیز»». اقتصاد آنلاین، ۲۴ بهمن ۹۲. بازبینی‌شده در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴.
24. پرش به بالا↑ خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا). «توقف پروژه پدیده شاندیز و تخریب شهرک تماشا». ایسنا، ۱۹ فروردین ۹۳. بازبینی‌شده در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴.
25. پرش به بالا↑ «مصوبه شوریعالی معماری دربارهٔ پدیده شاندیز». وبگاه روزنامه رسمی کشور. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
26. پرش به بالا↑ «توقف پروژه پدیده شاندیز و تخریب شهرک تماشا». همشهری آنلاین. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
27. پرش به بالا↑ «پاسخ به ادعاهای شهردار شاندیز دربارهٔ تخلفات پروژه پدیده شاندیز». خبرگزاری کشاورزی ایران. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
28. پرش به بالا↑ «سرنوشت 6 مگاپروژه غیرقانونی و عدم کارایی شورای عالی شهرسازی». وبگاه الف. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
29. پرش به بالا↑ باشگاه خبرنگاران جوان. «پروژه پدیده شاندیز نه تنها متوقف نشده بلکه به شدت در حال اجراست». باشگاه خبرنگاران جوان، 20 فروردین 93. بازبینی‌شده در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴.
30. پرش به بالا↑ خبر فارسی. «واکنش پدیده شاندیز به یک خبر». خبر فارسی، 20 فروردین 93. بازبینی‌شده در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴.
31. پرش به بالا↑ وب سایت شرکت پدیده. «پروژه پدیده شاندیز نه تنها متوقف نشده بلکه به شدت در حال کار است». وب سایت شرکت پدیده، 20 فروردین 93. بازبینی‌شده در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴.
32. پرش به بالا↑ «دربارهٔ سهام پدیده شاندیز، پدیده‌ای به نام پدیده». وبگاه الف، پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۳. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
33. پرش به بالا↑ «وجود محدودیتهای قانونی برای فروش سهام سهام پدیده چهار برابر گرانتر از ارزش واقعی / ارزش پدیده سه برابر بانک صادرات». اقتصاد آنلاین. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
34. پرش به بالا↑ «"مدل بازی «به جای "مدل سازی»؛ وقتی طراح پروژه تخریب مسجدالحرام در ایران جولان می‌دهد». وبگاه مشرق، ۲۰ فروردین ۱۳۹۲. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
35. پرش به بالا↑ ««جوان‌آنلاین» بررسی می‌کند؛ پشت پرده ساخت پروژه پدیده شاندیز!». جوان آنلاین. بازبینی‌شده در ۰۲ اکتبر ۲۰۱۴.
36. پرش به بالا↑ ««پدیده» غیرقانونی شروع شد / نقش «شهرداری شاندیز» در شروع غیرقانونی پدیده + سند». معماری نیوز.

37. پرش به بالا↑ «محسن پهلوان مقدم مدیرعامل سابق پدیده شاندیز بازداشت شد».
38. پرش به بالا↑ «پایان کار پروژه "پدیده شاندیز" صادر شد».
39. پرش به بالا↑ «صادر شدن مجوز تبلیغات پدیده شاندیز از سوی وزیر کشور».
40. پرش به بالا↑ «مجوز ساخت ۳۴ طبقه از هتل پدیده شاندیز صادر شد».

۷. «Biggest Indoor Restaurant Opens On Kish Island» (پی‌دی‌اف). وبگاه Iran-daily. بازبینی‌شده در ۱۳۹۲٫۰۲٫۲۵.



تحصن سهامداران پدیده شاندیز مقابل قوه قضائیه

19 اکتبر 2017 - 27 مهر 1396

همرسانی

"هرچه داشتم دادم سهام پدیده خریدم. مجبورم در خانه‌های مردم ظرف بشویم تا زندگیم بگذرد". صحبت‌های یک مادر سرپرست خانواده از سهامداران پدیده شاندیز را بشنوید. برخی از آنان از ۱۵ مهر در مقابل قوه قضاییه در تهران تحصن کرده‌اند. گفته می‌شود طیبه سیاوشی، نماینده مجلس در محل تحصن با آنان دیدار کرده است.

قطار شيوع تجاوز در قاره سردمداري فمينسم

کمپین "من هم" برای افشای آزارجنسی زنان/ از بازیگران هالیوود تا وزیر خارجه سوئد

این تهیه کننده سینمای هالیوود وجود هر گونه ارتباط جنسی با این بازیگران را رد کرده است.

کمپینی در جهان به راه افتاده است با عنوان #metoo (من هم).

به گزارش عصرایران، خانم ها در این کمپین، ضمن اعتراف به اینکه مورد آزار جنسی قرار گرفته اند تجربه آزار جنسی خود را مطرح می کنند.



هدف از این کمپین رسوا کردن آزاردهندگان جنسی و انتقاد از سکوت جامعه در این باره است.

این کمپین با این عبارت آغاز شد: من هم ... اگر همه خانم هایی که مورد آزار جنسی قرار می گیرند یا مورد تجاوز قرار گرفته اند می نوشتند «من هم» در این صورت درباره حجم مشکل، به مردم یک تصور می دهیم.

این هشتگ بعد از آن گسترش یافت که الیسا میلانو بازیگر مشهور سینمای آمریکا در توئیتری خواستار اعلام تجربیات دیگران درباره آزار یا تجاوز جنسی شد. این توئیتر 40 هزار بار تایید شد و 60 هزار نظر دریافت کرد

این هشتگ بیش از یک میلیون بار در سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفت و بارها از سوی افراد مختلف استفاده شد.

وزیر خارجه سوئد

خانم "مارگوت والستروم" وزیر خارجه سوئد هم با پیوستن به این کمپین "من هم" گفت: من هم در عالی ترین سطح سیاسی، مورد آزار جنسی قرار گرفته ام. در بالاترین سطح سیاسی هم آزار جنسی خانم ها وجود دارد. او از بیان تجربه آزار جنسی خود خودداری کرده است.

تهیه کننده هالیوود: یک تهیه کننده مشهور هالیوود به نام "واینستین " از هیات مدیره شرکتش استعفا کرد. تعدادی از بازیگران مشهور هالیوود این تهیه کننده سینما را به آزار و تجاوز جنسی آنها در سه دهه اخیر متهم کرده بودند. این تهیه کننده سینما وجود هر گونه ارتباط جنسی با این بازیگران را رد کرده است. همزمان شرکت ژاپنی تویوتا نیز اعلام کرد درباره شراکت و همکاری با شرکت آمریکایی واینستین تجدیدنظر می کند. تویوتا اسپانسر یکی از برنامه های تولیدی این شرکت است.

شمار دیگری از زنان معروف هالیوود نیز با عضویت در این کمپین ، تجربه هایی از آزارجنسی خود را مطرح کرده اند.



اولین صدای ضبط شده در ایران از: مظفرالدین شاه قاجار

صدای ضبط شدهٔ مظفرالدین شاه قاجار که قدیمی ترین سند صوتی تاریخ ایران است،
جملات وی که خطاب به اتابك اعظم گفته شده است را می توانید در زیر بشنوید و بخوانید .

زمان : 1 دقیقه ساختار : mp3

دریافت کنید

http://www.mehremihan.ir/dadeh/sokhanrani/AvaYe-Mozafar.mp3



نخستین صدای حبس شده ایرانی

نقل صدای ضبط شده مظفرالدین شاه در دورانی که دستگاه فونوگراف را «حافظ الصوت» و «حبس الصوت» شناخته شد .

اما نخستین صدای شکار شده ایرانی متعلق به شخص اول مملکت در عصر خود است .

گویند شنیدن صدا لطف دیگری دارد . پس شاید با شنیدن صدای مظفرالدین شاه به درون روح او راه یابید اگر هم نتوانستید لااقل به حوزه ادبیات کلامی آن موقع واقف می شوید.

شنیدن صدای واقعی نخستین پادشاهی که صداو تصویر آن بدست نسل فعلی رسیده حتما منحصر به فرد است.

همانگونه که گفته شد صدای ارایه شده متعلق است به پنجمین شاه دوره قاجار- مظفرالدین شاه قاجار است فرمایش ایشان در حضور اتابک اعظم و وزیر امور خارجه وقت گفته شده است . برای فهمیدن بهتر شما از سخنان شاه قاجار علاوه بر آنکه کیفیت صدا را بهره گیری از تکنیک های جدید بهتر کرده ام ، متن آن را نیز تقدیمتان می کنم.

دانلود صدای مظفرالدین شاه با کیفیت مناسب

http://www.persiangig.com/pages/download/?dl=http://daraie.persiangig.com/audio/mozafardinshah.zip

متن سخنان مظفر الدین شاه قاجار



"...تا حالا که... جناب اتابك اعظم
از خدمات صادق و لایق شما که تا به حال چهل سال است خدمت می کنید
از همهٔ خدمات شما راضی هستیم

به خصوص از خدمات این سه چهار ساله ای که در صدارت خودتان کار مي کنید
و ان شاء الله عوض اینها را همه را به شما مرحمت خواهیم فرمود
و شما هم ابدا ذره ای در خدمات خودتان ان شاء الله قصور نخواهید داشت
و مرحمت ما را به اعلا درجه نسبت به خودتان بدانید
انشاء الله الرحمن بعد چهار صد سال که خدمت بکنید امیدوار هستیم که همیشه خوب باشید
و این خدماتی که به من می کنید و به مملکت ایران می کنید
البته از خداوند او را بی.....بی ..... عوض نخواهد گذاشت
ان شاءالله عوض او را هم خدا و هم سایهٔ خدا که خودمان باشیم [!] به شما خواهیم داد
و از خدمات همهٔ وزرا هم راضی هستیم
و شما خدمات همه را حقیقتا خوب عرض می کنید
و همه را به موقع عرض می کنید.
==========

حابس الصوت یا دستکاه ضبط مزبور سوغات آخرین سفر فرنکستان بود

آخرین سفر مظفرالدین شاه به فرنگ



فرادید- میثم رضوانی؛ شاه قاجار با اینکه دوبار پیش از این، جهت مداوای امراض در آب‌های معدنی فرنگ و آشنایی با فرهنگ و صنعت آن دیار ـ و نه چیز دیگری ـ عازم اورپا شده بود، بااین‌حال شوق و ذوقش را در خاطرات آخرین سفرش به فرنگ پنهان نکرده و روز ـ به روایت خود ـ "نزول"اش را این‌گونه ثبت می‌کند: "عموم مردم از ورود ما زیاده اظهار شعف می‌نمودند. ما هم به همه اظهار مهربانی می‌کردیم و با دستمال تعارف می‌نمودیم. حقیقتا خیلی خوب از ما پذیرایی کردند."

مظفرالدین شاه قاجار علاوه بر تاج‌وتخت شاهی و علاقه به تفریح و خوش‌گذرانی، عشق سفر به فرنگ را هم از شاه شهید به ارث برده بود. او در طول دوران دهساله‌ی سلطنتش در فواصلی نزدیک به هم به اورپا مسافرت کرد. در عصری که خزانه‌ی مملکت خالی‌تر از هر دوران دیگری بود و امور جاریه‌ی کشور ازطریق استقراض از بانک‌های روس و انگلیس درقبال اعطای امتیازات فراوان انجام می‌شد، در16 خرداد 1284، شاه جماعتی 50نفره از خدموحشم دربار را راهی سفری صدروزه کرد، که به شهادت تاریخ، دستاوری به‌جز "هیچ" برای ایرانیان نداشت. سفری پرخرج که منابع مالی آن ازطریق وامی به ارزش 290

هزار لیره از بانك شاهي انگلیس تأمین شد.



مظفرالدین شاه در سفر آخر به اورپا از اتریش، فرانسه، بلژیک و روسیه دیدن کرد. او در این سفر دستاوردهای اندکی ـ آن هم فقط برای دربار ـ به همراه آورد. ازآن‌جمله چند دستگاه تلفن برای دربار، سیناتوگراف برای دربار، فنوگراف (دستگاه ضبط و پخش صدا) برای دربار و لانترن مژیک (دستگاه نمایش تصاویر غیرمتحرک یا جهان‌نما) باز هم برای دربار. و البته بدهی چندصدهزار لیره‌ای برای مردم که کشورشان ازپس جنگ روس و ژاپن، بیش از گذشته گرفتار تورم و گرانی شده و به نان شب محتاج بودند. در طرف دیگر اما، شاه و رفقا، در فرنگستان گشت‌وگذار می‌کردند، در جشن‌های باشکوه حاضر می‌شدند، به سیرک و اپرا و مراسم حرکات موزون می‌رفتند، در فروشگاه‌های پرزرق‌وبرق خرید می‌کردند و جایی نوشته آمده که گویا به بانوان فرنگی به دیده‌ی حسرت می‌نگریسته‌اند. مظفرالدین شاه همچنین به تجویز پزشکی انگلیسی دارویی برای تقویت قوه‌ی باه همراه خود به ایران آورد که گفته می‌شود تأثیر همان دارو بر کلیه‌ها، باعث مرگش شد.



تاریخ به نکویی از مظفرالدین شاه نام نمی‌برد. او را مردی بیمار، بی‌سواد، بی‌کفایت و در پی مسخره‌بازی معرفی می‌کند. خاطرات سفرهای او به فرنگ نیز مملو از این ظرائف است. در بخشی از خاطره‌ی سفرش به بلژیک نوشته: "یک مرد که یک طرف سبیلش بلند بود، یک طرف کوتاه... [آمد]. از ریشش به سبیلش درست کرده بود. خیلی خندیدیم. اسماعیل‌خان فراش خلوت پیش ما بود، به او نشان دادیم. حیف که فخرالملک نبود که نشان بدهیم و درست خنده کنیم." تاج‌السلطنه خواهرش در خاطره‌ای از سفرهای برادر به فرنگ می‌نویسد: "... گردي از انگلستان با خود آورده بود که به قدر بال مگسي اگر در بدن کسي يا رختخواب کسي مي‌ريختند تا صبح نمي‌خوابيد و مجبور بود اتصال بدن خودش را بخاراند. دو من از اين گرد آورده و اتصال در رختخواب عمله خلوت مي‌ريخت، آنها به حرکت آمده، حرکات مضحك مي‌کردند و او مي‌خنديد."
علی‌اصغر شمیم در کتاب «ایران در دوره سلطنت قاجار» در توصیف پنجمین شاه قاجار می‌نویسد: «تاریخ او را فردی ساده‌لوح، سهل‌القبول، متلون‌المزاج، مسخره و مضحکه‌پسند به خلوت می‌شناسد که از لحاظ فکر، کودکی سالخورده بیش نبود. در دوره او امور سلطنت با میل عمله‌جات خلوت با وزرای خودغرض اداره می‌شد. خلوتیان پادشاه گویا از پست‌فطرتان و پست‌نژادان و بی‌تربیت و بداخلاقان انتخاب شده بودند. از این رو وضع دربار ملاعبه بود. پادشاه شخصا با آن همه تعلیم و تربیت دارای هیچ علم نبود و از اطلاعات سیاسی و تاریخی و غیره که لازمه جهانداری است، بی‌بهره بود و از این رو مال‌بینی و عاقبت‌اندیشی، حتی برای خود و اخلاف خویش، هم به خاطرش خطور نمی‌کرد."



بزرگ‌ترین افتخار شاه علیل قاجار، امضای سند مشروطه بود. بعید به نظر می‌رسد پادشاهی که به گواهی تاریخ، به سختی می‌توانست تا صد بشمارد و با سواد و معلومات کاملا بیگانه بود، از آگاهی به فواید دموکراسی و مشروطه و حکومت قانون، تن به امضای سند مشروطه داده باشد، محتمل آن است که فرمان مشروطه امضا شد از ترس گرفتار شدن مظفرالدین شاه به غضب عامه و مرگی مانند پدرش. به دیگر سخن، شاید صدور فرمان مشروطه، دلجویی پادشاهی علیل و پرخرج از مردمی فقیر و نجیب بوده‌باشد. چراکه سند مشروطه، اندکی بعداز آخرین

سفر شاه به فرنگ که باعث بروز نارضایتی‌های عمومی شد، به امضای شاه رسید.

منطقه قفقاز جنوبی جولانگاه سیاست‌های غیردینی؛

همسر «الهام علی‌اف»؛ مأمور اجرای سیاست‌های ضددینی در جمهوری آذربایجان

بانوان مسلمان کشور آذربایجان بیش از ۱۵ سال است که از داشتن حجاب در اماکن دولتی محروم هستند و باید تصاویر آن‌ها بر روی اوراق شناسایی بدون داشتن حجاب اسلامی باشد.

سرویس جهان مشرق - جمهوری آذربایجان بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور منطقه قفقاز جنوبی است که در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی و دگرگونی کشور اتحاد جماهیر شوروی به استقلال دست‌یافت.

این کشور در زمان جنگ‌های روسیه و ایران در بین سال‌های ۱۸۱۳ تا سال‌های ۱۸۲۸ طی دو قرارداد گلستان و ترکمن چای از ایران جدا شد و به خاک روسیه ملحق گردید. کشور آذربایجان پس از سقوط امپراتوری روسیه در سال ۱۹۱۷ و باروی کار آمدن و به قدرت رسیدن بلشویک‌ها در روسیه و با توجه به ضعف دولت مرکزی بلشویک‌ها، در سال ۱۹۱۸ با کمک ترک‌های عثمانی حکومتی تحت عنوان جمهوری آذربایجان را تشکیل داد که این حکومت ۲ سال بیشتر دوام نیاورد و در سال ۱۹۲۰ ارتش سرخ روسیه این حکومت را لغو کرده و آذربایجان را داخل قلمرو شوروی سابق قرارداد.

جمهوری آذربایجان به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه منطقه قفقاز مرکزی به شمار می‌رود و ازنظر بافت جمعیتی (۷۵درصد) این کشور شیعه هستند که دومین کشور شیعی جهان محسوب می‌شود.

جمهوری آذربایجان به خاطر موقعیت ژئوپولتیکی و راهبردی و منابع غنی انرژی و همچنین ارتباط آن با دنیای اسلام وجهان غرب موردتوجه ویژه قدرت‌های جهانی است. این کشور در حالی بیست و ششمین سال استقلال خود را جشن می‌گیرد که در سال‌های سپری‌شده و با توجه به رفتار و سیاست‌های خاندان علی‌اف خود را دولتی شیعه ستیز معرفی کرده و در این سال‌ها سعی کرده است از هر ابزار و نیرویی برای سرکوب و اعمال فشار بر شیعیان در داخل خاک این کشور استفاده کند.

دولت آذربایجان نه‌تنها هیچ اقدام عملی در جهت تعمیق "هویت" باورهای اسلامی و شیعی انجام نمی‌دهد بلکه درصدد برتری دادن و هویت بخشی به تفکر لائیسم و سکولاریسم (همانند آتاتورک) در ساختار و حاکمیت این کشور است که بزرگ‌ترین چالش پیش روی شیعیان جمهوری آذربایجان با دولت و حاکمیت خاندان علی‌اف همین عامل است.

رئیس‌جمهوری کشور آذربایجان در ۳۱ اکتبر سال ۲۰۰۳ قدرت را در این کشور به دست گرفت. علایق و گرایشات شدید علی‌اف به غرب و دنباله‌روی او از کشورهای غربی در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی ، فرهنگی باعث گردید که روند اسلام‌ستیزی در کشور آذربایجان سرعت بیشتری به خود بگیرد.

علی‌اف در میان مردم آذربایجان به خاطر علاقه و میل شدید به قمار شخصیتی معروف است. وی به خاطر علاقه فراوان به قمار در ایام جوانی (۱۹۹۶) و به خاطر باخت کلان به قماربازان استانبولی مدتی گروگان گرفته شد که درنهایت با وساطت پدرش (حیدر علی‌اف) از این گرفتاری رهایی پیدا کرد.

علی‌اف در سال ۱۹۹۸ به خاطر انتشار عکس‌های مبتذلش به همراه یک خوانند مطرح ترکیه از سمت خود برکنار شد. وی بعد رسیدن به مقام رئیس‌جمهوری آذربایجان نیز به این رویه غیراخلاقی خود همچنان ادامه داد تا اینکه فساد اخلاقی وی در برقراری رابطه نامشروع با معلم خصوصی فرزندش برای مدت‌ها تیتر اصلی تمامی خبرگزاری‌ها و رسانه‌های اروپایی شد.

ترویج فساد و برهنگی که از ابزارهای اصلی غربی‌ها مخصوصاً لابی‌های صهیونیستی برای مقابله با اعتقادات و ارزش‌های دینی در کشورهای مسلمان است، در چند دهه اخیر رواج بیشتری داشته است و کشورهای که سران و روسای جمهور آن‌ها وابسته به فرهنگ و تفکرات غرب هستند همواره سعی کرده‌اند این فرهنگ برهنگی را در بین مردم کشورشان رواج دهند. آن‌ها باهدف از بین بردن فرهنگ و هویت بومی کشورها و ایجاد زیر ساختارهای نوین فرهنگی طبق دستور کار غربی‌ها دست به رواج برهنگی در کشورهای خود می‌زنند.



اسلام‌ستیزی رژیم پهلوی با محوریت فرح همسر محمدرضا شاه که با ترویج برهنگی سعی در از بین بردن هویت اسلامی شیعی در کشور اسلامی ایران داشت، رفتار و اقدامات"لیلا طرابلسی "همسر بن علی رئیس‌جمهور مخلوع تونس که در طول سال‌های اقتدار و قدرت همسرش این فرهنگ را در کشور تونس ترویج می‌داد، هم‌اکنون توسط «مهربان علی‌آوا» (مهربان عارف قیزی علی آوا) همسر الهام علی‌اف پیگیری می‌شود و وی با اقدامات و رفتار خود سعی در تکمیل پروژه دین‌ستیزی و شیعه ستیزی غربی‌ها و رواج فرهنگ برهنگی در دومین کشور شیعه جهان یعنی آذربایجان را دارد. مهربان علی آوا همسر الهام علی‌اف در بافت قدرت سیاسی حاکم در کشور آذربایجان صاحب نفوذ و تأثیرگذاری قابل‌توجهی است.

پس از گشایش بنیاد حیدر علی‌اف (رئیس‌جمهور سابق آذربایجان) که باهدف تربیت نسل جدید بر اساس گفتمان لائیک پایه‌ریزی شده بود، مهربان علی آوا به ریاست این نهاد مهم برگزیده شد. این بنیاد اندک‌اندک بر اساس تفکرات غرب گرایانه مهربان علی آوا کنترل نهاد "آموزش و پروش" در کشور آذربایجان را زیر نظر خود قرارداد. فلذا سیستم آموزش‌وپرورش آذربایجان بر اساس تفکرات غرب گرایانه مهربان علی آوا ، این کشور را برای پی‌ریزی و ترویج فساد در لایه‌های مختلف اجتماع آذربایجان آماده کرد. مهربان علی آوا همچنین ریاست کمیته برگزاری مسابقات یورو ویژن، به‌منظور معرفی و تبلیغ تمدن جدید غربی برای جوانان این کشور را بر عهده گرفت و با این کار عملاً تمرکز مسئولین کشور آذربایجان را برای پاسخگویی به مطالبات ملی مذهبی مردم و مسئله ملی قره‌باغ را منحرف کرد. الهام علی‌اف در ژانویه سال ۲۰۱۷ طی حکمی ، همسر خود مهربان علی آوا را به‌عنوان معاون اول خود منصوب کرد.

الهام علی‌اف و اعضای خانواده‌اش در رأس تمامی فسادهای مالی آذربایجان قرار دارند. پسر کوچک و دوازده‌ساله الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان صاحب و مالک چندین کاخ و امارت لوکس در دبی است. میزان املاک و مستغلات لیلا و آرزو علی‌اف دو دختر الهام علی‌اف بیش ۸۰ میلیون دلار برآورد شده است . طبق گزارش روزنامه گاردین خانواده علی‌اف متهم به همکاری با یک شبکه مافیایی بریتانیایی برای پول‌شویی به مبلغ (۲.۹ میلیارد دلار) هستند. بر اساس آمار و اطلاعات رسمی و بین‌المللی الهام علی‌اف متهم به نقض حقوق بشر ، پول‌شویی ، فساد سامانمند و تقلب در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۲ است.[۱]



خاندان علی‌اف برای مقابله با شریعت اسلام و هویت شیعی در جامعه آذربایجان و کم‌رنگ کردن اعتقادات مردم ، دست به انجام اقدامات فراوان و گسترده‌ای زده است که ازجمله آن‌ها می‌توان به ممنوعیت خواندن نماز در اماکن عمومی و دولتی ، ممنوعیت عزاداری برای سالار شهیدان امام حسین (ع) در ایام سوگواری محرم ، دستگیری و زندانی کردن فعالان اسلامی، ممنوعیت حجاب برای دانش آموزان و دانش جویان در مدارس و دانشگاه‌ها ، متحدالشکل کردن پوشش دانش آموزان دختر در دبیرستان‌ها (دامن کوتاه بدون روسری) و ... اشاره کرد.

مسابقات «یورو ویژن» ازجمله مهم‌ترین مسابقات رقص و آواز در جهان به‌حساب می‌آید که به عهده گرفتن میزبانی این مسابقات (یورو ویژن۲۰۱۲)، از طرف کشور آذربایجان ، دومین کشور شیعه‌نشین در جهان و همچنین تبلیغات گسترده و بی حد و حساب دولت در زمان برگزاری این مسابقات (سال ۲۰۱۲)، کسب مقام اولی آذربایجان در مسابقات رقص و آواز یورورویژن در سال۲۰۱۱ ، همه نشان از عزم خاندان علی‌اف و اربابان غربی آن‌ها برای مبارزه با هویت اسلامی و شیعی در این کشور است؛ چراکه منحرف کردن افکار عمومی از همه مسائل سیاسی،اقتصادی، نظامی، مخصوصاً مسائل دینی و هویتی به سمت مسابقات یورو ویژن ، و تبدیل کردن آن به مسئله اصلی و روزمره جامعه هدف اصلی حکومت علی‌اف در آذربایجان است. برگزاری مسابقه یورورویژن در شهر باکو(مهد تفکرات اسلامی در آذربایجان) ، جدالی میان اسلام‌گرایی و لائیسم بود.

خاندان علی‌اف با زندانی کردن امام جماعت‌های مساجد ، چهره‌ها و شخصیت‌های تأثیرگذاری که بین مردم از جایگاه و ارزش دینی بالای برخوردار هستند، سعی دارند چهره‌های معتقد به اسلام اصیل را از صحنه اعتقادی مردم حذف کنند، و با جایگزین کردن امام جماعت‌هایی که رفتار و کردار آن‌ها مغایر شئون اسلامی است و طرفدار (برهنگی ، شراب‌خواری) و جیره‌خوار خاندان علی‌اف هستند، اسلام موردپسند خود و همپیمانان غربی-صهیونیست خود را در بین افراد جامعه ، بخصوص قشر جوان و تشنه دین و اسلام اصیل ، رواج دهند.

بانوان مسلمان کشور آذربایجان بیش از ۱۵ سال است که از داشتن حجاب در اماکن دولتی محروم هستند و باید تصاویر آن‌ها بر روی اوراق شناسایی بدون داشتن حجاب باشد. اتفاقات و رویدادهای کشور آذربایجان در دو دهه گذشته (به‌عنوان دومین کشور شیعه در جهان) ، نشان‌دهنده اسلام‌ستیزی از جانب دولتمردان این کشور بخصوص از طرف خاندان علی‌اف است که نشان داده‌اند از حکومت‌های کمونیستی سابق حاکم بر این جمهوری چیزی کم ندارند.

[۱] https://www.theguardian.com/world/۲۰۱۷/sep/۰۴/uk-at-centre-of-secret-۳bn-azerbaijani-money-laundering-and-lobbying-scheme

گزارش «انتخاب» از بی توجهی های متعدد به شکایت های مردم

فیش های شگفت انگیز «همراه اول»، دغدغه مردم که سالهاست به آن بی توجهی می شود/ بسته‌های اینترنتی که به قیمت آزاد محاسبه می شوند/ هزینه فیش‌های چند صدهزارتومانی چگونه محاسبه می‌شوند؟، چرا ابهامات مردم بدون پاسخ می‌ماند؟، نحوه نظارت بر این هزینه ها چگونه است؟شرکت خصولتي (امنيتي نظامي) همراه اول

نحوه محاسبه هزینه مکالمه و اینترنت شرکت همراه اول سال هاست که ابهامات زیادی میان مشترکان این اپراتور به وجود آورده و به دلیل عدم پاسخگویی دقیق و قانع کننده، این ابهامات هرگز به صورت کامل رفع نشده است.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



نحوه محاسبه هزینه مکالمه و اینترنت شرکت همراه اول سال هاست که ابهامات زیادی میان مشترکان این اپراتور به وجود آورده و به دلیل عدم پاسخگویی دقیق و قانع کننده، این ابهامات هرگز به صورت کامل رفع نشده است.

به گزارش «انتخاب»، همراه اول که از سال 91 عملا وارد بورس شده، در حال حاضر 86 میلیون سیم کارت واگذار شده دارد و از این منظر، چه بسا در خاورمیانه بی رقیب باشد. اما «اول» بودن این همراه، از حوزه تعداد سیم کارت ها فراتر نرفته و در زمینه کیفیت ارائه خدمات در مقابل رقبای منطقه ای خود حرف خاصی برای گفتن ندارد.

با این وجود، بحث این نوشتار، کیفیت خدمات این اپراتور نیست بلکه هزینه هایی است که از مشترکان دریافت می کند. سال هاست که هزینه دریافتی همراه اول از مشترکان، علامت سوال های فراوانی را برای مردم ایجاد کرده؛ بسیاری از مردم از جزییات و نحوه محاسبه هزینه ها اطلاع دقیقی ندارند.

طرح های تشویقی اینترنتی و ترکیبی، هم نه کمکی به کاهش هزینه ها به صورت ملموس کرده و نه بر شفافیت هزینه ها افزوده. در حال حاضر، بیش از ده آیتم برای هزینه های همراه اول در نظر گرفته شده؛ از آبونمان، مکالمه، خارجه، پیامک، بسته های اینترنت و اینترنت عادی گرفته تا سرویس ارزش افزوده و رومینگ و سایر هزینه ها.

اما مشکل نحوه تفکیک این هزینه ها نیست؛ بلکه آنچه ابهام آمیز است، ریز محاسبه هریک از این آیتم هاست. به طور مثال، فردی که عمده مصرف آن از تلفن همراه، اینترنت است و در ماه شاید به تعداد انگشت شماری تماس تلفنی دارد، تقریبا همان هزینه ای را پرداخت می کند که فرد دیگری با تماس تلفنی صرف می پردازد.

مصداق های فراوانی برای این موضوع وجود دارد که مثلا فیش ماهانه فردی 200 هزار تومان بوده در حالی که هزینه تماس های او فقط 10 یا 20 هزار تومان است. آنگاه باید پرسید چگونه ممکن است هزینه اینترنت همراه فردی – با یک مصرف عادی و معمولی – بیش از 150 هزار تومان در ماه باشد؟ حتی توجیهاتی مانند اینترنت آزاد هم نمی تواند این ابهام را رفع کند.

اوج ناراحتی و گلایه ی مردم در روزهاییست که فیش های این اپراتور صادر می شود! چه بسیار خطوط بیکار و کم کاری که با اعداد شگفت انگیزی رو به رو می شوند و متاسفانه از سوی مسئولان همراه اول، با بی توجهی مواجه می شوند!

ابهامات به این موارد محدود نمی شود. مشترکان همراه اول از جزییات بسته های اینترنتی هم انتقاد دارند. به طور مثال، مشترکان از این گلایه دارند که برخی بسته ها، به جای ساعت 2 تا 7 صبح، اینترنت شبانه خود را از ساعت 3 تا 9 ارائه می کنند، اما عملا فاصله ساعات 7 تا 9، را اینترنت آزاد در نظر می گیرد. یا در موردی دیگر، که مشترکان زیادی را درگیر خود کرده، با پایان اشتراک روزانه، اشتراک شبانه منقضی می شود. یعنی اگر بسته ای با حجم یک گیگابات روزانه و یک گیگابایت شبانه برای مدت یک ماه فعال شده باشد، با اتمام حجم روزانه در کمتر از یک ماه، حجم شبانه به طور خودکار منقضی می شود.

البته قصد نوشتار، اتهام زنی نیست. آنچه مدنظر است لزوم شفاف سازی هزینه هاست. بد نیست همراه اول راهکاری در نظر بگیرد که جزییات مصرف مشترکان خود را ارائه کند تا بلکه از این ابهام کاسته شود. و یا برای تک تک بسته های خود، روش محاسبه را به صورت کاملا واضح و شفاف توضیح دهد.

موضوع دیگر، نحوه نظارت بر این هزینه هاست؛ اصولا کسی خبر ندارد که کدام نهاد در حال حاضر بر این ابهامات و دریافتی های همراه اول و سایر اپراتورها نظارت می کند. چند و چون این نظارت چگونه است؟ آیا تا کنون تخلفی در این زمینه صورت نگرفته؟ گزارش های مربوطه به کجا ارسال می شود و اگر تخلفی احراز شده، حقوق مشترکان چگونه ایفا می شود؟

می توان گفت تنها زمانی ابهامات مربوط به هزینه های دریافتی از مشترکان به طور کامل رفع می شود که هر یک از دارندگان سیم کارت خود نیز بتوانند با یک روش ساده محاسباتی، رقم مصرف خود را کنترل و حتی برآورد کنند. لازمه چنین امری، شفافیتی واقعی است؛ شفافیتی که اکنون تنها شعار آن وجود دارد؛ در غیر این صورت، ضرورت ورود نهادهای نظارتی برای بررسی گلایه های مردم، امری واجب است.

شرق اتحادیه اروپا زیر بلیت چین قرار گرفته!

یونگه ولت – ترجمه رضا نافعی

آلمان می خواهد سیاست خود را در قبال چین به دیگر کشورهای اروپائی تحمیل کند. ولی آنچه برای آنها بیشتر اهمیت دارد علائق اقتصادی است نه ایدئولوژی.

میشائیل کلاوس (سفیر آلمان در چین) خود را مجبور دید که نکته ای را روشن سازد و در آغاز ماه اکتبر در مصاحبه ای مودبانه بگوید «ما از پروژه عظیم چین برای احیاء جاده ابریشم استقبال می کنیم.»

اما متاسفانه در این میان چیزی هست که برلین با آن موافق نیست و آن این است که آنچه در پیش است یک «پروژه چین محور است» که سبب تقویت «جهانی شدن با ویژگی های چینی» می گردد و این آن چیزی است که با علائق آلمان هماهنگ نیست. کلاوس در این مورد گفت :»ما می خواهیم در پیشبرد این پروژه بر مبنای برابری حقوق سهیم گردیم .»

آیا سفیر کشوری که امروز دیگر بر اتحادیه اروپا مسلط است و می خواهد در عرصه سیاست جهانی بعنوان کشوری هم سطح با ایالات متحده گفتگو کند، برای آن که بتواند در اجرای پروژه جاده ابریشم سهیم گردد ازچین تقریبا ملتمسانه تقاضای همکاری میکند؟

دست آخر کلاوس بنحوی حفظ آبرو می کند. با همان لحن شناخته شده دیرین ادامه می دهد:»انتظار ما اینست که چین با تحت نفوذ قرار دادن این یا آن عضو اتحادیه اروپا در روند تصمیم گیری در اتحادیه اروپا دخالت نکند. «

چین در امور داخلی اتحادیه اروپا دخالت می کند؟ این سرزنشی است که حالا دیگر سیاستمداران و دیپلمات های آلمان علنا بر زبان می آورند ، بهترین نمونه برای نشان دادن آن توجه به یونان است.

از آغاز سال 2010 که آلمان نخستین فرمان صرفه جوئی را به یونان تحمیل کرد هم یونان و هم مردم آن گرفتار مصائب سختی شدند. شوکی که در پی به خاک افتادن یونان دست داد سبب شد که مدتی دراز پدیده نوی که در آن کشور شروع به پیدایش و رشد کرده است نادیده بماند، که عبارت بود از پیدایش نوینه ای در بندر » پیره » یونان.

«کمپانی اقیانوس پیمائی چین China Ocean Shipping Company (Cosco)) در سال2009 موفق به دریافت نخستین امتیاز شد و در همان حال که بخش عمده اقتصاد یونان در حال فروپاشیدن بود کمپانی چینی در بندر پیره سرمایه گذاری و هزار کارگر استخدام کرد و در مدت زمانی کوتاه از 2010 تا 2016 حجم گردش کالا در آن بندر 4 برابر شد. ناگهان» پیره «تبدیل شد به سریع

الرشدترین بندر جهان. در سال گذشته کمپانی چینی اکثریت سهام را خریداری کرد و اینک بازار داد و ستد در آنجا داغ است.
چه انگیزه ای چین را بر آن داشت تا روی به یونان آرد؟ روشن است که چین نه برای خیرات و مبرات بلکه برای تامین علائق خود به یونان آمده است. چین در سال 2013 استراتژی ها مختلف خود را در عرصه سیاست خارجی در یک استراتژی کلی بنام «طرح جاده ابریشم نو» یا «طرح یک کمربند و یک جاده » ادغام کرد.
این اشاره به گسترش راهروهای بزرگ حمل و نقل زمینی از چین به اروپا («کمربند اقتصادی جاده ابریشم») و راه دریائی («جاده ابریشم دریایی») است.
این طرح باید به اقتصاد چین کمک کند تا به بازارهای نو دست یابد و در عین حال موجب رونق اقتصاد کشورهائی گردد که در مسیر این جاده قرار دارند.
بندر پیره نخستین بندری است که کشتی های چینی پس از عبور از کانال سوئز به آن میرسند. چین از این بندر برای صادرات خود استفاده می کند- و بعنوان اقدام مکمل شروع به گسترش خط آهن از جنوب اروپا به مرکز قاره کرده است که نخستین گام آن ایجاد خط آهن میان بلگراد – بوداپست است.
برخی از کنسرن ها مانند » هواوای Huawei» و HP(که در گذشتهHelwett Packard)) نام داشت مرکز پخش تولیدات الکترونیکی خود را در اروپا از روتردام به پیره منتقل ساخته اند.
سرمایه گذاری های چین دریچه امیدی است نادر برای یونان، همین نکته نشان می دهد که چرا یونان حاضر نیست در اقداماتی که چین در محدوده امور داخلی اتحادیه اروپا انجام می دهد، دخالت کند.
تا کنون در اتحادیه اروپا رسم بر این بود که هر سال در شورای حقوق بشر سازمان ملل در مورد رعایت نشدن حقوق بشر در چین یک گواهینامه منفی علیه چین به شورای مذکور ارائه دهد، اما در ماه ژوئن سال جاری یونان حاضر به امضای این گواهینامه منفی نشد و همین سبب گشت تا اتحادیه اروپا نتواند مثل هر سال به پکن حمله کند.
برلین نیز در سال گذشته با مصیبتی مشابه آنچه گفتیم روبرو شد. به این صورت که برلین از بروکسل خواست تا بیانیه ای حاکی از خشم اتحادیه اروپا نسبت به دعاوی چین در مورد دریای جنوبی چین تصویب کند، که آن نیز با شکست روبروشد، چون یونان حاضر به امضای خشمنامه اتحادیه اروپا نیز نشد.
اوضاع و احوال، مثلا در مورد جمهوری چک نیز مشابه موارد پیشگفته است.
شرکت های چینی در آنجا و دیگر کشورهای اروپای شرقی و جنوبی پیوسته سرمایه گذاری های بیشتری می کنند.

این سرمایه گذاری ها در عین حال این شانس را بوجود آوردند که صنایع داخلی آن کشور بتوانند دست کم اندکی خود را از زیر فشار خرد کننده صنایع آلمان بیرون بکشند.
دولت جمهوری چک برای آن که به سرمایه گذاران و به شرکای چینی بی حرمتی نشده باشد، تصمیم گرفت که ازین پس نه اعضای کابینه و نه رئیس جمهور مجاز نیستند «دالائی لاما » را به حضور بپذیرند.
اندک زمانی بعد دولت چک بیانیه ای را امضاء کرد مبنی بر این که دولت چک تایید می کند که قلمرو چین تقسیم ناپذیر است. (این بیانیه به معنی طرد دعوی غرب است که خواستار تقسیم خاک چین و جدا ساختن تبت از آنست.مترجم)
اگر برخی از اعضای اتحادیه اروپا نمی خواهند از دستور های آلمان پیروی کنند و به این یا آن صورت به جمهوری خلق چین دهن کجی کنند، نشان دخالت چین در امور داخلی اتحادیه اروپاست؟
به هر حال دولت آلمان و بخش رشد یابنده ای از رسانه های موسوم به» مین استریم » ادعا می کنند که «خطر در راه است». زیگمار گابریل وزیر خارجه آلمان روز 30 آگوست در نطقی که در کنفرانس سفیران فرانسه ایراد کرد این نظر را تشدید کرد.
او خطاب به اتحادیه اروپا گفت «اگر نتوانیم با در نظر گرفتن چین برای خود یک استراتژی بوجود آوریم آنوقت چین موفق خواهد شد در اروپا دو دستگی ایجاد کند».
هم اکنون هم دیگر نمیتوان در سطح اروپا فقط با اشاره به اعضاء اتحادیه رفتار چین را در دریای جنوب چین محکوم کرد، چون کشورهای عضو اتحادیه نمی خواهند با چین در بیفتند».
دست زدن کشورهای حاشیه ای اروپا به این گونه نافرمانی ها در نقشه ای که برلین طرح کرده پیش بینی نشده است..
گابریل در برابر دیپلمات های فرانسوی خواستار روشن شدن تکلیف ها شد: باید «یک استرا تژی اروپائی» وجود داشته باشد که » البته اساس آن برهمکاری با چین باشد» ولی در عین حال باید «از چین بخواهد که یک سیاست اروپائی در پیش گیرد». معنی آن این است که در اروپا همه چیز باید از مجرای اتحادیه اروپا بگذرد، و این اتحادیه نیز بگونه ای مطمئن تحت کنترل برلین است.
«16+1» : این قالبی است که چین و کشورهای اروپای شرقی و جنوبی در آن بطور منظم با یکدیگر همکاری می کنند. البته منظور از 1 کشور چین است، 16 معرف کشورهایی چون کشورهای بالتیک :استونی، لتونی، لیتوانی و کشورهای چهارگانه لهستان، چک، اسلواکی و مجارستان و همچنین کشورهای یوگسلاوی

سابق یعنی : اسلوونی، کرواسی، بوسنی و هرزگوین، صربستان، مونته نگرو و مقدونیه و افزون بر این ها آلبانی، رومانی و بلغارستان است. از این گروه یازده کشور عضو اتحادیه اروپا هستند و پنج کشور عضو آن نیستند ولی همه آنها باستثنای کوزوو در تصمیم گیری ها سهیم هستند.
نخستین جلسه سران کشوهای «1+16» در سال 2012 در ورشو برپا شد، و از آن سال تا کنون هر ساله تکرار می شود: 2013 در بخارست، 2014 در بلگراد، 2015 در سوژو در چین. امسال هم در ماه نوامبر در بوداپست برپا خواهد شد.
این فرمات 1+16 تا حدودی نهادینه شده است، برای مثال دبیر خانه خود را دارد. در میان نشست ها ، اعضای علاقمند به طور جداگانه جلسات دوجانبه برپا می کنند و در آن مانند ابتکار «1+16» بطور کلی به تقویت مناسبات اقتصادی با یکدیگر می پردازند. در این گونه نشست ها پرداختن به زیر ساخت ها از اولویت ویژه برخوردارند و در کنار آن فنآوری زیست محیطی قرار دارد.
چرا چین با کشورهای 16 گانه همکاری می کند و نه با اتحادیه اروپا؟ این پرسش بویژه در برلین مطرح می گردد، یعنی در جایی که این ظن وجود دارد که پکن قصد دارد در اتحادیه اروپا تفرقه بیندازد. در واقع آنچه مسلم ست این است که سیاست خارجی آلمان بارها و بارها خود سیاست » تفرقه بینداز و حکومت کن « را بکار برده است و چون خود این سیاست را بکرات بکار بسته ، حالا فورا ظنین می شود.
در ماه مارس انجمن آلمانی برای سیاست خارجی (DGAP) با جدیت به تحقیق در باره پرسش مطروحه پرداخت. انجمن مزبور به این نتیجه رسید که : حیله ای در کار نیست. آنچه پکن برای دست یافتن به آن می کوشد این است که اروپای شرقی و جنوبی را بعنوان اعضای داخلی اتحادیه اروپا بعنوان پلاتفرمی برای گسترش مناسبات اقتصادی خود با اروپای غربی ، بویژه آلمان بکار برد.
مطالب سایت اینده ما را در تلگرام دنبال کنید https://t.me/siteaayandema
https://www.jungewelt.de/artikel/320235.seidenstraße-kritisch-beäugt.html

نظرسنجی: ۷۵ درصد آمریکایی ها از برجام حمایت می کنند

عکس آرشیوی

اندیشکده خاورمیانه در واشنگتن می گوید بررسی افکار عمومی آمریکا نشان می دهد که اکثریت قابل توجهی از مردم آمریکا از توافق اتمی با ایران حمایت می کنند.

این موسسه که نظرسنجی تازه را در همکاری با موسسه نظرسنجی ایپسوس انجام داده است می گوید نتایج نشان می دهد که ۷۵ درصد آمریکایی ها از برجام حمایت می کنند.

نتایج این نظرسنجی روز ۱۸ اکتبر ۵ روز پس از آن منتشر می شود که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا از تایید پایبندی ایران به برجام خودداری کرد و به این ترتیب براساس قوانین آمریکا تصمیم گیری در مورد اعمال مجدد تحریم های قبلی بر ایران - که براساس برجام معلق شده است - را به کنگره سپرد.

این نظرسنجی همچنین نشان می دهد که ۵۰ درصد آمریکایی ها معتقدند که آمریکا باید در مسائل خاورمیانه فعال باشد اما نباید در مناقشه های آن منطقه مداخله کند.

با این حال ۸۲ درصد از نبرد با داعش (گروه دولت اسلامی) که اکنون عمدتا در عراق و سوریه شکست خورده است حمایت می کنند.

براساس این مطالعه ۶۸ درصد هم می گویند که حفظ احترام جامعه مسلمانان آمریکا در جلویگری از خطرات داخلی نقش کلیدی دارد و ۵۸ درصد فکر می کنند که کشورهای مسلمان متحدان آمریکا در نبرد با تروریسم هستند.

این نظرسنجی همچنین نشان می دهد که حدود ۴۳ درصد از پذیرش پناهجو از خاورمیانه حمایت می کنند.

درخواست آمریکا در سازمان ملل

همزمان سفیر آمریکا در سازمان ملل ایران را به نقض چند قطعنامه سازمان ملل متهم کرده و از شورای امنیت پرسیده چرا "انزجار خود را بیان نمی کند؟".

نیکی هیلی سفیر آمریکا گفت: "داوری در مورد ایران فقط در محدوده باریک توافق اتمی ماهیت واقعی تهدید را نادیده می گیرد. ایران باید براساس مجموعه رفتارهای پرخاشگرانه، بی ثبات کننده و غیرقانونی اش ارزیابی شود. کاری غیر از این بی فکری خواهد بود."

او افزود: "رژیم ایران شورا را به بازی گرفته. ایران پشت ادعای پایبندی تکنیکی به توافق اتمی پنهان شده در حالی که گستاخانه سایر محدودیت ها را نقض می کند."

او گفت: "ابراز انزجار شورا کجاست؟ ایالات متحده این تخطی ها را نادیده نخواهد گرفت."

موضوع نشست شورا بررسی مساله خاورمیانه بود اما خانم هیلی هیچ اشاره ای به موضوع مناقشه اسرائیل و فلسطینی ها نکرد. واسیلی نبنزیا سفیر روسیه در سازمان ملل به تمسخر گفت: "شاید آنها (آمریکایی ها) موضوع بحث را اشتباه گرفته اند".

خانم هیلی همچنین ایران را به نقض قطعنامه های شورای امنیت درباره لبنان و یمن متهم کرد.

غلامعلی خشرو نماینده ایران در سازمان ملل گفت: "نماینده آمریکا می کوشد تا درباره ریشه های ناآرامی خاورمیانه آدرس غلط بدهد.... امریکا به هنگام بحث در مورد ریشه‌های بی ثباتی و عدم امنیت در خاورمیانه عمدا آدرس اشتباه می دهد."

او اسرائیل را بزرگترین تهدید علیه صلح و ثبات منطقه دانست و گفت: "من با اطمینان می گویم که هیچ کشوری به اندازه ایران با داعش نجنگیده و مانع شکل گیری خلافت داعش از دمشق تا بغداد نشده است."

موضوعات مرتبط

بازگشت قادر متعال

اعتقادبه خدا، که برخی می پنداشتند دیرزمانی است که دورانش
بسر آمده، نیرومند تر از همیشه برجاست. انجیل و قرآن،
کاردستورِ دو دین جهانی، برای جلو افتادن از یکدیگر تلاش می کنند.
کدام یک از آنها برای عصر جهانروائی(گلوبالیسم) جذاب ترند؟
اشپیگل شماره 52دسامبر2009
برگردان رضا نافعی

هر مذهبی در پی آن نیست که همهٔ انسانها را رستگار کند: برای هندوئیسم شبه قاره هند کافیست. بودائی ها در پی جهان هم نیستند تا چه رسد به حکمروائی بر جهان. برای آنان مهمتر از» هیچ « چیزی نیست. برای شینتوئیست ها تقریبا بی تفاوت است که کسی بیرون از مرز های ژاپن به خدایان شینتو اعتقاد داشته باشد. یهودی ها هم خود بحد کافی مشکل دارند، افزون بر این «قوم برگزیده » بودن مرتبه ای نیست که رسیدن به آن در اختیار آدمی باشد.

دو دین ادعای جهانروائی دارند. دو دین که باور دارند یک خدای واحد، یگانه آموزش حقیقی و معتبر را به آنان ارزانی داشته است. دینی برای همه و برای همیشه. این دو دین، که بگونه ای حیرت انگیز بخود اعتقاد دارند، مسیحیت واسلام هستند.

و از آنجا که هر دو دین که خواستار گسترش خویشند به یک خدا اعتقاد دارند، پیوسته با یکدیگر برخورد پیدا می کنند. این در گیری همیشگی اندک زمانی پس از درگذشت پیامبر در سال 634 میلادی آغازگشت. هنگامی که یک لشگر اسلامی – عربی در فلسطین با نیروهای مسیحی روبرو شد.

از آن زمان ، علیرغم وجود دوران های همزیستی مسالمت آمیز میان آن دو، رقابت آنها با هم برجای مانده است. این دو دین جهانی برای کسب توفق با یکدیگر زور آزمائی و برای ترویج و تقویت باور خود حتی در دورترین نقاط جهان ، میلیارد ها پول خرج می کنند.

و موفق هم هستند. مجامع نوپا از عاشقان سوزان در عشق الهی – در حلبی آباد های ریو دِ ژانیرو، در حومه بی عیب ونقص شهر های بزرگ آمریکا، در کلانشهرهای پر ازدحام آسیائی – نشان می دهند که سرمایه گذاری ها بارور بوده است. مبلغ مذهبی بودن دیگر یک حرفه از مد افتاده نیست. این حرفه در دانشگاه های آمریکا آموزش داده می شود و یا مورد حمایت بنیادهای بسیار ثروتمند عربستان سعودی است.

روشن ترین ماموریت به مسیحیان داده شده است، در انجیل مرقس ، مسیح از

پیروان خود می طلبد :» در جهان پراکنده شوید و پیام را به هر جنبده ای برسانید «.
اسلام در این مورد اندکی با ملاحظه تر است. درست است که هر مسلمانی باید به تنهائی مبشر پیام الهی باشد ولی این امر در درجه اول امت و مومنانی را در بر می گیرد که زیر پرچم سبز هستند. انشاء الله (اگر خداوند خود بخواهد) و اعراب ثروتمند هم کماکان پول بنای مساجد تازه را تامین کنند، تعالیم اسلام به دورترین نقاط جهان نیز خواهد رسید.
ولی امروز،هم در جهان مسیحی و هم در جهان اسلام ، کار ترویج دین بدست اصولگرایان افتاده است. ثروتمندان مروج دین که در دهه های گذشته میلیاردها پول نفت را برای ساختن مساجد و مدارس قران خرج کرده اند، مسلمانان عادی نیستند، بلکه پیروان تند ترین عقایدی هستند که تا کنون در اسلام دیده شده، مثلا پیروان محمد عبدالوهاب که در قرن هجدهم اعلام کرد دیگر ادیان صاحب کتاب، یعنی یهودی و مسیحی انسان را برستگاری هدایت نمی کنند.از آن زمان مسیحیت برای آنان مذهب کفار است که خداوند گفته است » با آنان که کتاب به آنان عرضه شد ولی به خدا ایمان نیاوردند پیکار کنید». از دیدگاه آنان جهاد بمعنی جهاد با نفس ، برای تعالی انسان ، نیست بلکه بمعنی جنگ مسلحانه با کفار است.
پدیده مشابه در مسیحیت کسانی نیستند که مانند مادر ترزا با ایمان راسخ رسالت را دنبال می کنند، بلکه سربازان مجاهد عیسی مسیح هستند. اصولگرایان مسیحی که بویژه در آمریکا هستند سخن از » پنجره 40/10 » می رانند ، یعنی آن مناطق آفریقائی و عربی که میان عرض جغرافیائی 10 و 40 قرار دارند که مسیحیت باید آنرا بچنگ آرد. و ایمان آنان به اعتبار خلقت جهان، درست در6013 سال پیش، همانقدر معتبر است که بازگشت خلافت در چشم مسلمانان.
عاملان این رقابت جهانی آتشین مزاجان هر دو دین هستند و همین است که آنان را خطرناک می سازد. آنها که، با هواپیماهای ربوده شده، برج های بازرگانی جهانی را در نیویورک ویران کردند وهابی ها بودند و مسیحیانی که امروز اغلب از فاشیسم اسلامی سخن می گویند نیز روحانیون مذاهب اصولگرای آمریکائی هستند.
از اینجاست که، بر خلاف خواست معتقدان متعادل در هر دو مذهب، رقابت میان اسلام ومسیحیت به یکی ازاساسی ترین مسائل این قرن تبدیل شده، آن هم نه از زمان بر گذاری رفراندم در سوئیس، برای ممنوع ساختن بنای مناره مسجداسلامی، در سرزمین کوهستانی و مسیحی مذهب سوئیس. این رقابت که پیوسته نیز بآن دامن زده می شود ، سبب در گیری هائی در همه قاره ها شده است.
وقتی که آمریکای شمالی جنگ با تروریسم را اعلام می کند و در عمل به جنگ با اسلام گرائی می پردازد، تعداد قابل ملاحظه ای از مسلمانان آنرا بازگشت به جنگ

های صلیبی می دانند. وقتی که معتقدان به الله در آفریقا با عبور از صحرای آفریقا به جنوبی ترین نقاط این قاره نفوذ می کنند و کلیسا های مسیحی بآتش کشیده می شوند پتر آکینولا اسقف کلیسای آنگلیکان در نیجریه، کسی نیست که گونه دیگرش را هم عرضه کند و بگوید یک سیلی هم بر آن بزن، بلکه تهدید می کند که » این فقط مسلمانان نیستند که در این کشور انحصار قدرت را دارند». و وقتی در دانمارک ، کاریکاتور های توهین آمیز از پیامبر اسلام منتشر می گردد، مسلمانان خشمگین ، در جاکارتا و تهران ، به سفارت خانه های دانمارک حمله می کنند.
بنظر می رسد بحث و جدل در بارۀ عقاید مذهبی مهاجران حتی یک قاره را با بحران هویت مواجه می سازد. اروپا ، که فاتحان مسلمان، در طول تاریخ، بارها سبب بهم پیوستن آن گشته اند، یکبار دیگر به بحث در باره این پرسش حساس پرداخته که بخشی از کره زمین (اروپا) که روزی مسیحی بوده و امروز سرزمین کفر محسوب می شود، چقدر » الله» به مزاجش سازگار است. آیا مناره مسجد کلن می تواند 55 متر ارتفاع داشته باشد؟ آیا فرانسه باید پوشش بورقه را برای مهاجران مسلمان بآن کشور ممنوع سازد؟ فرمان کبیر(که در سال 1215 میلادی بوسیله » جان» پادشاه انگلیس صادر گشت و بموجب آن آزادی فردی و سیاسی به اتباع مردم انگلیس داده شد. م) با قوانین شریعت سازگار است؟
زمان محاسبه فرارسیده است: » خطر اسلام » و خطر » روحیه مسیح مصلوب » واقعا چقدر است ؟ زور کدامشان می تواند بر دیگری بچربد؟ آموزه های کدام یک جذاب ترند، معتقدان کدام یک مومن ترند، پشتوانه کدام یک بیشتر است؟
این ها پرسش های دانشگاهی نیستند. بر خلاف تمام پیش بینی های روشنگری ایمان مذهبی سر جای خودش است. اگر هم چیزی کم شود تعدادکسانی است که اعتقاد مذهبی ندارند.
جان مایکل وایت و آدریان وودبریج در پایان سفر خود، در دورانی که باصطلاح سکولار است، در کتاب خود » خدا بازگشته است » باین نتیجه رسیدند که » خدا، با پیکار، راه خود را به جهان مدرن دوباره گشود». و از این شگفت انگیز تر برای پیامبران سکولاریسم و آته ایست های نو این که: » عوامل رونق مذهب، مانند عوامل موفقیت سرمایه داری بازاری، دو چیزند : رقابت و امکان انتخاب.»
رونالد اینگلهارت و پیپا نوریس، دو دانشمند آمریکائی، در ارتباط با » چشم انداز ارزشهای جهانی» می نویسند: » در جهان امروز انسان های معتقد به سنت های مذهبی بیش از هر زمان دیگرند». بعبارت دیگر نظر اکثر فلاسفه تاریخ و جامعه شناسان مذهب ، از دوران روشنگری تا امروز، نادرست بوده است. کارل مارکس، ماکس وبر،امیل دورکهایم، فریدریش نیچه، زیگموند فروید – همۀ این ها خدا را دست کم گرفته بودند. روند سکولاریسم متوقف شده است و خدای مسیحیت و الله

هنوز آینده دارند.
ولی کدام خدا نیرومند تر است؟ کدام دین می تواند بهتر از پس روند جهانروائی، بحران ارزش ها و شتاب حاکم بر همه عرصه های زندگی بر آید؟
بنظر می رسد اسلام موقعیت خوبی دارد و روی به تهاجم آورده است. هیچ یک از مذاهب جهانی، در قرن بیستم، به نسبت اسلام، بر پیروان خود نیفزوده اند. دست کم از یازده سپتامبر 2001 بدون داشتن شناخت اساسی از قران و تمام جریان هائی که به قرآن توسل می جویند طراحی ژئو پلیتیک غیر ممکن است. و در عرصه سیاست داخلی نیز مناسبات با مسلمانان برای اکثر کشور های اروپائی مرکزیت یافته است.
ولی اروپا، بر عکس، اعتقاداتش از دست می دهد. آیا این بآن معنی است که مسیحیت مسابقه مذهبی را باخته است؟ آیا اسلام برای پاسخ دادن به چالشهای جهانروائی واقعا آمادگی بیشتری دارد؟
اسلام و مسحیت هر دو ادیان اهل کتابند و قران و انجیل برنامه کار آنهاست . کدام یک فراگیر ترند؟
چند متر دور تر از میدان کلومبوس ، در گوشه جنوب غربی سنترال پارک نیویورک ، ساختمان مرکزی بنیاد انجیل قرار دارد. این ساختمان 12 طبقه بزرگترین مخزن انجیلی آمریکای شمالی است.
مسئول این بنیاد، از 19 سال پیش، خانم لیلیانا لوپاس است. او بانوئی 69 ساله است با پشتی خمیده که حاصل کار کتابداری است، با موهای مجعد خاکستری و چشمانی روشن در پس عینکی گرد. لوپاس نگاه دارنده 45000 نسخه انجیل است که به 2500 زبان و لهجه ترجمه شده اند. و این رقم برابر است با زبان مادری بیش از 90 در صد از ساکنان کره زمین.خانم لوپاس می گوید پیام این مجموعه این است : خداوند به زبان تو سخن می گوید. هر سال یک تا دو ترجمه تازه از انجیل بزبان انگلیسی منتشر می شود که تعداد کل آنها به نهصد میرسد. انجیل(عهد جدید) به زبان Inupiaqهم ترجمه شده . زبانی که فقط مشتی اسکیموهای اینوئیت بآن سخن می گویند، انجیل به زبان خیابانیBronx و زبان محلی آلمانی و بخش هائی هم بزبان، کلینگونیش، زبان آن موجودات خیالی کرات سماوی که موضوع فیلم » استار تِرِک» است نیز ترجمه شده است.
لوپاس منشاء یک یک انجیل ها را می شناسد. از قفسه D129انجیلی را بیرون می کشد که متعلق به ساحل عاج در آفریقاست.این انجیل در سال 2003 توسط ویکلیف بزبان پلاپو ترجمه و منتشر شده است. لوپاس می گوید فقط صد نفر هستند که باین زبان سخن می گویند. لوپاس می گوید» آدمی چه شوری باید داشته باشد که برای صد نفرانجیل را ترجمه کند.»

فقط در ایالات متحده سالی بیست میلیون نسخه انجیل بفروش می رود ، در حالی که هر خانواده آمریکائی بطور متوسط سه انجیل دارد. فروش انجیل کسب پر درامدی است که فروش آن بسالی 500 میلیون دلار بالغ می گردد و حتی شرکت های بزرگ نشر کتاب که مذهبی هم نیستند مانند پنگوئین و هرپر کولینزدر این بازار بفعالیت مشغول گشته اند.
انجیل در اشکال و انواع گوناگون عرضه میشود . روی 60 سی دی در یک کیف سیاه دستی برای وقتی که در خود رونشسته اید، بشکل چیپس برای تلفن همراه، بصورت نمایش بر روی دی وی دی برای بچه های بالاتر از پنج سال.
قرآن نمی تواند با این شکل از گسترش رقابت کند. دلیلش هم یک مشکل اساسی است . و آن این که قرآن ترجمه ناپذیر است. زیرا از دیدگاه مومنان جدی هر ترجمه ای کمی هم تفسیر به همراه دارد. خدا بزبان عربی سخن گفته و یک مسلمان واقعی باید زبان خداوند را بیاموزد.
با وجود این قرآن هم در جهان اسلام ، مانند انجیل در آمریکا،همه جا حضور دارد. فرستنده های رادیوئی و تلویزیونی هستند که برنامه هایشان منحصر است به پخش قرائت قرآن. عربستان سعودی به تنهائی سالیانه سی میلیون نسخه قرآن به سراسر جهان می فرستد. پشتیبانان ثروتمند و بنیادهای خیریه اسلامی قرآن را از طریق بنیاد های خود در سراسر جهان پخش می کنند.
قرآن از دیدگاه مسلمانان کتابی است متضمن زیبا ترین زبان ممکن. بنظر نوید کرمانی، پژوهشگر علوم اسلامی و نویسنده مقیم کلن ، زیبائی زبان قرآن یکی از بارزترین دلائل گسترش اسلام بوده است. او در کتاب خود » خدا زیباست » می نویسد:» دست کم از قرن دهم میلادی به بعد، اعتقاد به تسلط اعراب بر هنر سخن وری و زیبائی تقلید ناپذیر سبک بیان قرآن و این دعوی که هیچ یک از اعراب مسلط بر هنر سخنوری در میان اعراب نتوانستند سخنی بهتر، زیباترو برانگیزاننده تر از قرآن بیافرینند ، یکی از عناصر تشکیل دهنده هویت جامعه اسلامی است.
«اثر بخشی این زیبائی دلیل درستی و راستی پیام آنست در سوره 39 آیه 23 قران چنین آمده است:» خداوند بهترین پیام را نازل کرد».
این پرسش که کدام یک از کتاب های مقدس بیشترین معتقدان را پیرامون خود گرد آورده اند، پاسخی روشن دارد. ولی بر شمردن تعداد معتقدان فقط یکی از عناصر سنجش پویائی دو کتاب مقدس است.
چهل سال پیش، مبلغی از پیروان کلیسای آنگلیکان، تصمیم به شمارش مومنان جهان گرفت. امروز کتاب او » دانشنامه جهان مسحیت» کتاب مرجع برای هر کسی است که بخواهد بداند، پیروان مذاهب بکجا روی می اورند.
داوید بارت همه را بر شمرده است. زرتشتیان هند، طبیعت پرستان زیمبابوه و

لاادریون گیتی(آنها که به نفی یا اثبات خدا نمی پردازند) او در 238 کشور و منطقه جهان با ده هزار مذهب گوناگون آشنا شد. در نگاه نخست بنظر می رسد که قرن بیستم برای اسلام بهتر از رقیبش مسیحیت بوده است. هنگامی که فریدرش نیچه (» خدا مرده است») در سال 1900 چشم از جهان فروبست، مسلمانان جهان 200 میلیون نفر بودند. امروز یک میلیارد و پانصد میلیون نفرند. یعنی هفت برابر شده اند.
مسیحیان در جهان امروز، روی هم، دو میلیارد نفرند. تعداد آنها از سال 1900 تاکنون تقریبا چهار برابر شده است.
اسلام در بسیاری از شهر های بزرک اروپا نیز رو به رشد است. در حالی که دیدار کنندگان از اکثر کلیساهای چند صد ساله وعظیم مسیحیان جهانگردان هستند ، مراجعین به مساجد مسلمانان مومنان مذهبی اند. نخستین مهاجران مسلمان حتی الامکان مذهب خود را پنهان می کردند تا انگشت نما نشوند. ولی امروز، نسل دوم، فرزندان آنها،مذهب قدیمی را دوباره کشف می کنند و آگاهانه تر از پدران و مادران خود ، بآن عمل می کنند. برای جوانان ترک،لبنانی و فلسطینی که در شهر های بزرگ اروپا زندگی می کنند، مذهب، اغلب منبع افتخار، نشان استقلال رای و هویتشان است.
سارایوو پایتخت بسنی را، اورشلیم بالکان، نام داده بودند، زیرا ازقدیم الایام ، در این شهر مساجد، کلیساها و کنیسه های یهودیان در کنار هم بودند و اخیرا یک گروه وهابی هم بان ها اضافه شده است .
علتش هم جنگ بسنی بود که در طی آن 100000هزار نفر کشته شدند – که 80 در صدشان مسلمان بودند- سارایه وو نزدیک به چهار سال در محاصره بود. دهها هزار نفر از ساکنان قدیمی شهر بقتل رسیدند یا فرار کردند و نزدیک به صد هزار شهروندان جدید در حومه شهر سکنی گزیده اند. اینک 80 در صد از ساکنان سارایه وو مسلمان هستند که بگونه ای نمونه وار نمایشگر گسترش اصولگرائی است. مناره های مساجد بسیاری که پس از جنگ ساخته شده اند گرداگرد شهر را فراگرفته اند.مصطفی سپاهیچ مدرس مدرسه
قران می گوید» اول اعراب عربستان سعودی آمدند حا لا دیگرتجار بسیار ثروتمند از کشور های نفت خیز خلیج فارس می آیند.»
سپاهیچ خود را مدرسی می داند از مکتب پانصد ساله سنی های بُسنی. با گردشی در مرکز شهر، مسجد جدید ملک فحد، را می بینیم که زیر نظر سفارتخانه عربستان سعودی قرار دارد. امام نظیم هلیلوویچ، بد نامترین واعظ شهر، از پیشرفت اسلام در شهر خوشحال است. اومی گوید با پول عربستان سعودی 158 مسجد نو ساخته و یا مساجد قبلی مرمت شده اند. از کتابخانه ها، خانه های نوآموزان

و مهد کودک ها دیگر نمی گوئیم. از پایان جنگ تا کنون شیوخ ریاض تا کنون یک میلیارد دلار به برادران بالکانی خود کمک کرده اند.
تخمین زده می شود که تا سال 2050 بیش از یک چهارم جمعیت جهان (27.5 در صد) مسلمان خواهند بود، که از جمعیت مسیحیان (35 در صد) بمراتب کمتر خواهد بود. دو و نیم میلیارد مسلمان در برابر 3.1 میلیارد مسیحی قرار خواهند داشت.
افزایش قدرت اسلام در قرن گذشته دلائل زیادی دارد، دلائل سیاسی،اجتماعی، و مردم نگاری. اسلام از ان جهت نیرومند شد که دولت های سکولار جهان عرب بقول خود وفا نکردند. سرخوردگی از صاحبان قدرت در خاور نزدیک شدید است و ریشه های عمیق دارد. تیموتی شاه ، استاد دانشگاه هاروارد، تاریخ بازگشت الله را روز 10 ژوئن 1967 می داند، روز شکست اعراب از اسرائیل در جنگ شش روزه. این شکست به وعده های پان عربیسم نیز پایان داد .
بویژه مصر از سوسیالیسم جمال عبد الناصر روی گرداند و این سخنان را بیاد آورد » الله اکبر، قران قانون ماست، پیامبر رهبر ما ست.نبرد راه ماست و شهادت در راه خدابزرگترین آرزوی ماست.»
انقلاب ایران در سال 70/1978 یک نقطه عطف دیگر بود و هم چنین اشغال افغانستان توسط شوروی . در سراسرجهان عرب، آنجا که انتخاباتی صورت گرفت، احزاب اسلامی رشد کردند. در الجزائر، در مصر و فلسطین. حتی در ترکیه سکولار از سال 2002 یک حزب اسلامی در راس قدرت است.
ولی بالاترین میزان رشد اسلام در خاستگاه آن نیست بلکه در منطقه ای بسیار دور تر ، در آسیاست. در اندونزی 203 میلیون مسلمان زندگی می کنند، در هر یک از کشور های پاکستان و بنگلادش دو برابرمصر.
اسلام در کشور هائی گسترش یافته که جمعیتش جوان و میزان رشد جمعیت در آنها بالاست. بزرگترین کشور های اسلامی عبارتند از اندونزی،پاکستان،هند و بنگلادش. از هر پنج نفر مسلمان فقط یک نفر از خاور میانه و شمال آفریقاست، گرچه میزان رشد جمعیت در ینجا نیز زیاد است ولی تعداد مسلمانان عربی زبان کاهش می یابد.
در اروپا، علیرغم تمام پیش بینی هائی که در باره از بین رفتن آن گفته می شود ، مسلمانان اقلیت کوچکی هستند. بیش از 550 میلیون نفر از 700 میلیون ساکنان اروپا مسیحی هستند. در کشور های مهاجر پذیر مانند فرانسه و هلند در صد مسلمانان نسبت به جمعیت کشور از مرز پنج در صد فراتر رفته است. تعداد مسلمانان به نسبت کل جمعیت در آلما ن پنج در صد ، در سوئیس 4.3 درصد و در اتریش4.2 درصد است. تعداد منکران وجود خدا (آته ایست ها) و افراد بی مذهب

در اروپا سه برابر مسلمانان است.
اگر همه جهان را در نظر گیریم خدای مسیحیان در وضعی بیش از آبرومند قرار دارد. و این موقعیت را مدیون اهالی آمریکای جنوبی و آفریقاست. در سال 1900 تعداد مسیحیان در آنجا در حدود 10 میلیون نفر بود. و امروز بیش از 400 میلیون نفرند، یعنی تقریبا نصف جمعیت آنجا.
موفقیت چشمگیر نصیب مسلمانان نشده بلکه مبلغان چادر نشین، بلکه بابتیست ها وباز بجهان آمدگان افانگلیکال هستند به کامیابی حیرت انگیز دست یافته اند. امروز تعداد مسیحیان آزاد از کلیساهای بزرگ سنتی، در جهان ، بیش از 400میلیون نفر است . پرتستان های سنتی با350 نفر جمعیت مرتبه سوم را در میان مسیحیان دارند. امروز اصولگرایان مسیحی (فوندامنتالیست ها) هستند که در کار نگارش تاریخ موفقیت در عرصه موضوعات ایمانی هستند. مبلغان آنها رامیتوان در حلبی آباد های آمریکای لاتین و آفریقا پیدا کرد. پاپ و مسلمانان فقط می توانند با حسرت و حسادت باین موفقیت بنگرند.
امروز حتی در چین ، تعداد مسیحیان، بیش از 76 میلیون نفراعضای حزب کمونیست آن کشوراست و اکثر آنها پرتستان های آزاد و غیر وابسته هستند.
دهکده » پل هشت فرسنگی» در استان ساحلی زجیانگ در سواحل شرقی قرار دارد. آن کس که به زیارت آمده باید مدتی باطراف بنگرد تا بتواند کلیسا را کشف کند: کلیسا در یک حیاط خلوت قرار دارد، با سقفی حلبی، که بیشتر شبیه یک کارگاه تولیدی است تا یک کلیسا.
نه برجی بچشم می خورد نه صلیبی که نشانی از کلیسا باشد، ولی اطاق های تمیز دستشوئی که برق می زند و روبروی آن ، یک تالار غذا خوری ، حکایت از آن می کنند که گاهی در اینجا انسان های زیادی گرد هم می آیند .
اینجا کلیسای افانگلیکا ست. هر یکشنبه در حدود 400 نفر اینجا گرد هم می آیند و از صبح تا بعد از ظهر دیروقت باجرای مراسم عبادی می پردازند و بعد با هم غذا می خورند. در طول هفته هم در ساعات قرائت انجیل با هم دیدار می کنند.
بنا بگفته مقامات دولتی پرتستان های چین، در حال حاضر 16 میلیون نفرند. ولی این ها فقط اعضاء سازمانهای به ثبت رسیده اند ، تعداد واقعی آنها باید در حدود 60 میلیون نفر باشد. یکی از رهبران پرتستان ها می گوید :» رشد کلیسای ما از رشد اقتصاد چین پر شتاب تر است». راز موفقیت مسیحیان در حفظ فاصله با دولت است. آقای زهائو که کلیسای پل هشت فرسنگی را اداره می کند ، میگوید:» ما خود را به ثبت دولتی نمی رسانیم، چون اگر اینکار را بکنیم دولت کسی را می فرستد که بر ما امر و نهی کند و دیگر ما نمی توانیم کاری را که خود می خواهیم بکنیم.»
اسلام و مسیحیت ، هردو برای گسترش خود مبالغ هنگفتی خرج می کنند. مثلا مکه:

در 23 نوامبر 2009، ششمین روز مراسم حج، سازمان جهانی اسلام، سازمان مرکزی همه موسسات خیریه و تبلیغی اسلامی ، از اعضای خود دعوت کرد که در کنگره سالانه سازمان، در مکه، که مرکز این سازمان در آن قرار دارد، گرد هم آیند. در تالار ورودی هتل کارگران پاکستانی و بنگلادشی جانماز های خود را پهن می کنند، در تالار کنفرنس جوانان عربستان سعودی، در لباس پیش آهنگی، به توزیع شیشه های آب و دفترچه حاوی برنامه کنفرانس مشغولند. این ها اعضای» سازمان جهانی جوانان مسلمان » (Wany)هستند و موضوع مورد بحث کنگره نیز ، جوانان هستند.
موضوع مورد بحث عبارتست از:» مسائل جوانان مسلمان در عصر جهانروائی».
موضوعات خوبند و سخنرانان بد . اسامه البار ، شهردار مکه و رئیس
کنفرانس،هنگامی که علما مشغول سخنرانی هستند، دائم پای خود را تکان تکان وی دهد و با Blackberry خود بازی می کند. و هنگامی که سخنران از پانزده دقیقه وقتی که برای صحبت دارد تجاوزکند، یادداشتی به او می دهد و بی مقدمه وقت صحبت را در اختیار نفر بعد قرار می دهد.
سخنران ، در مورد موضوع مورد بحث، : «تاثیرات فرهنگی خارجی»، می گوید » بنظرجوانان مسلمان دیگر فرهنگ ها از فرهنگ ما پیشرو تراست و اقتصاد آنها بر اقتصاد ما برتری دارد». پیشنهاد او برای حل مسئله اینست : مسلمانان باید بر » فتنه » و بر» نفاق » چیره شوند و » به شیطان فرصت ندهند «.
سخنران بعدی که سخنانش را از روی کاغذ می خواند ، در باره حل مسئله جنسی جوانان می گوید:» راه حل این مسئله آنست که، جوانان، دائم بیاد ارزش های اسلامی باشند . سخنران سوم می گوید : روی آوردن به مواد مخدر و الکل حاصل انحراف عقل و انحراف از درک دینی است. بهترین راه چیرگی بر این انحرافات روی آورد به شریعت است.
علمای مکه می خواهند با این راه حل ها مسائل جوانان مسلمان را با » جهانروائی» حل کنند؟ با این نصیحت ها می خواهند به مقابله با مبلغان مسیحی در آفریقا، چین و آمریکای جنوبی بروند؟
مبلغان مسیحی نشان میدهند چه کارهائی را میتوان بهتر کرد. طبق تخمین انستیتو هادسن، که یک » فکرانبار » محافظه کار است، کلیساهای آمریکا ، سالانه نزدیک به 9 میلیارد دلار بمصرف کمک های خارجی می رسانند، این مبلغ برابر است با 37 در صد از کل کمک های عمرانی دولت آمریکا بخارج. فقط سازمانهای بزرگ غیر دولتی، سپاه نجات، سرویس امداد کاتولیک و رؤیای جهان، با سالی 1.6 میلیارد دلار بودجه به 150 میلیون نفر کمک می کنند .
سپاه مبلغان غیر حرفه ای، که تعدادشان روز بروز بیشتر می شود نیز بر آنها

افزوده می شود. بباور افانگلیکال ها حسن رفتار اقتضاء می کند که هرکس دست کم چند ماه به خارج از کشور سفر کند و پیام الهی را بگوش جان آنها که ایمان ندارند برساند.Southern Babtidt Convention مدعی است که سالی نیم میلیون نفر را به پذیرش مسیحیت هدایت می کند.Billy Graham Center در نزدیکی شیکاگو برای خود مرکز مطالعات و آموزش فراگیر فرهنگی تاسیس کرده است.
ظهر جمعه است ، ساعت 11.30 دقیقه، وقتی که برای اکثر دانشجویان ، آخر هفته آغاز میشود، ولی در اطاق 138 بیلی گراهام سنتر حتی آخرین صندلی هم اشغال شده است. در حدود 40 دانشجو حضور یافته اند، زنان و مردانی در اوائل بیست سالگی، این ها می خواهند بیاموزند چگونه می توان انسان ها را مسیحی کرد.
استاد جری روت ، مردی است قوی هیکل با ریش پرو سر طاس، ولی پر شور برای کارش ودارای لحنی محکم .
روت استاد کلاس مقدماتی برای کسانی است که می خواهند مبلغ مذهبی شوند.
موسسه او یکی از موسسات تربیت کادر در آمریکاست با برنامه ای بسیار حرفه ای که هدفش تربیت افرادی برای پیکار مذهبی است. مرکز ثقل این برنامه آموزش راه پیروزی بر مسلمانان است.
نزدیک به سه هزار دانشجو در اینجا ثبت نام کرده اند. این ها باید بعدا بتوانند بعنوان مددکار عمرانی و مبلغ مذهبی در کشور های رشد یابنده کار کنند.
هدف بکار بردن بهترین شیوه بازاریابی برای پیش بردن مذهب است به بیان دقیق ، کارتبلیغ باید کاملا بی آزار جلوه کند، از بکار بردن واژه هائی چون جنگ مذاهب، حمله یا در گیری باید مطلقا دوری کرد. روت بیاد شاگردانش می آورد که :» ما نمی خواهیم ایمان را بکسی تحمیل کنیم. مافقط می خواهیم به همه بگوئیم که خداوند چقدر آنها را دوست دارد. این حرف به دل ها می نشیند . چون هرکسی می خواهد محبوب باشد.»
تبلیغ انعطاف دارد، برای هر فردی ابزاری هست . روت بشاگردانش می گوید انجیل برای هر کس شگرد ها و فنونی متفاوت دارد، برای بزن و بهادر ها، برای افراد سر بزیر، برای آدم های رفیق باز و برای روشنفکران. روت درکلاس در س خود از دوازده ابزار متفاوت نام می برد، مثلا در گیری، کمک و هدیه، این ها موضوعاتی بود که در جلسه پیش به آنها پرداخته شده بود امروز نوبت به نهمین ابزار رسیده بود ، یعنی به شهادت. روت بشوخی می گوید این ابزار را کسی دوست ندارد . و بعد از یکی از شاگردان خود می خواهد که سخنانی کوتاه در این باره بگوید.
امروزتبلیغ درکشور های اسلامی خطرناک تر از همیشه است. از یازدهم سپتامبر2001 به بعد برای کار تبلیغی در برخی از کشور های اسلامی باید جرأت

از جان گذشتن داشت. معهذا، بنا بر نوشته کتاب مرجع موسسه بیلی گراهام برای تبلیغ، تعداد مبلغین طی پنجسال پنج برابر شده و از 64 هزار نفر به 364 هزار نفر ارتقاء یافته است و تعداد مبلغین آمریکائی بطور نسبی از همه بیشتر است.
اینک درکنفرانس مکه هنگام تنفس رسیده است. به مهمانان چای و قهوه عربی عرضه می شود و جوان پیش اهنگی به هر یک از سخنرانان جامی با عود سوزان عرضه می دارد.
صالح الوهابی ، دبیر کل 62 ساله wamy دود عود را با دست بسوی خود می راند و دستی بریش خود می کشد و می گوید :» جهانروائی یک چالش است ولی اسلام دستش پر است: ما می توانیم انبوه توده ها را بسیج کنیم».
انبوه پول را حتما : » وامی » هرسال میلیون ها دلار برای توزیع مواد غذائی ،ساختن مدارس و پرورشگاه ها و مساجد برای گسترش پیام اسلام هزینه می کند – و این فقط یکی از بنیاد هائی است که مورد حمایت دولت عربستان سعودی است.
طبق تخمین سیا، سازمان جهانی اسلام در سالهای دهه هفتاد و سال 2005 سالی تا 90 میلیارد دلار دریافت د اشته است.
» وامی» هر سال به 5000 نفر هزینه تحصیلی می پردازد . این بنیاد در 55 کشور فعال است. وهابی می گوید در حا ل حاضر مهمترین منطقه فعالیت آفریقاست که سازمان او با مسیحیان در رقابت است .....

آیا ضریب هوشی واقعا مهم است؟

ضریب هوشی چیست؟

ضریب هوشی (Intelligence Quotient) یا IQ امتیازی است که فرد بعد از شرکت در تست هوش می‌گیرد.

تست منحصر به فردی برای اندازه‌گیری ضریب هوشی وجود ندارد و منسا (Mensa) قدیمی‌ترین و معتبرترین انجمن تیزهوشان در دنیا، نتایج بیش از ۲۰۰ تست از جمله آزمون خودش را می‌پذیرد. بعضی تست‌ها یک ساعته هستند و بعضی دیگر زمان محدودی ندارند.

دکتر فرانک لوییس، روان‌شناس ارشد در منسای آمریکا می‌گوید تست هوش این انجمن عموما مهارت‌های هندسی، محاسباتی و لغوی فرد را اندازه می‌گیرد.

به طور کلی سوالات هندسی درباره اشکال و ابعاد است، سوالات محاسباتی به ریاضیات مربوط می‌شود و سوالات لغوی به کلمات و این که مثلا شباهت یک کلمه به کلمه دیگر چیست.

منسا عضویت کسانی را می‌پذیرد که جزو دو درصد بالا در کسب امتیاز ضریب هوشی هستند که کمابیش به معنای داشتن ضریب هوشی معادل ۱۳۰ است.

دکتر لالیس از انجمن منسا می‌گوید "اگر کسی مثل اینشتین را در نظر بگیرید که ما همه او را به عنوان نابغه می‌شناسیم، احتمالا امتیاز خیلی بالایی در تست هوش نخواهد آورد، چون این آدم‌ها خارج از چارچوب فکر می‌کنند... او ممکن است برای یک سوال ده تا جواب مختلف به ذهنش بیاید."

تقریبا همه ما می‌خواهیم باهوش باشیم و تقریبا همه ما می‌خواهیم ضریب هوشی فرزندمان بالا باشد. برای همین برای مان مهم است بفهمیم بهره هوشی خودمان یا فرزندمان چیست، مگر نه اینکه هوش ما آینده ما را 09رقم می‌زند؟



در این مطلب دکتر مهبد ابراهیمی به سوال‌های مخاطبان بی‌بی‌سی فارسی درباره ضریب هوشی بر اساس جدیدترین یافته‌ها پاسخ گفته است.
در این مطلب سعی شده بدون پرداختن به نظریه‌ها و مبانی آماری پیچیده‌ای که ضریب هوشی (IQ) بر اساس آن تعریف شده، به سوال‌های مخاطبان پاسخ دهیم.

- ***فرق هوش و ضریب هوشی (بهره هوشی) چیست؟***

تعاریف مختلفی از هوش وجود دارد اما در این‌جا ما هوش را مجموعه توانایی‌ها و مهارتهای شناختی در نظر می‌گیریم که فرد را قادر به جذب، پردازش و بکارگیری اطلاعات می‌کند تا از آن برای یادگیری، تولید فکر و مفاهیم تازه، حل مسأله و ایجاد تغییر در محیط اطراف خود استفاده کند.
ذهن ما برای پردازش اطلاعات از این مهارتهای شناختی استفاده می کند: توجه، حافظه، قضاوت و ارزیابی، استدلال و استنتاج، حل مسأله، محاسبه، تصمیم گیری، تفکر انتزاعی، یادگیری از تجربه و اطلاعات، درک مطلب و مهارتهای زبانی و کلامی و برنامه ریزی. به این ترتیب طیف این توانایی‌ها بسیار وسیع است.
و اما بهره هوشی؛ از دیرباز این سوال برای بشر وجود داشته که چرا بعضی افراد خوب یاد می‌گیرند و ایده‌های عالی خلق می‌کنند اما برخی دیگر نه. چرا برخی کند و دیر یاد می‌گیرند و برخی تند و سریع.

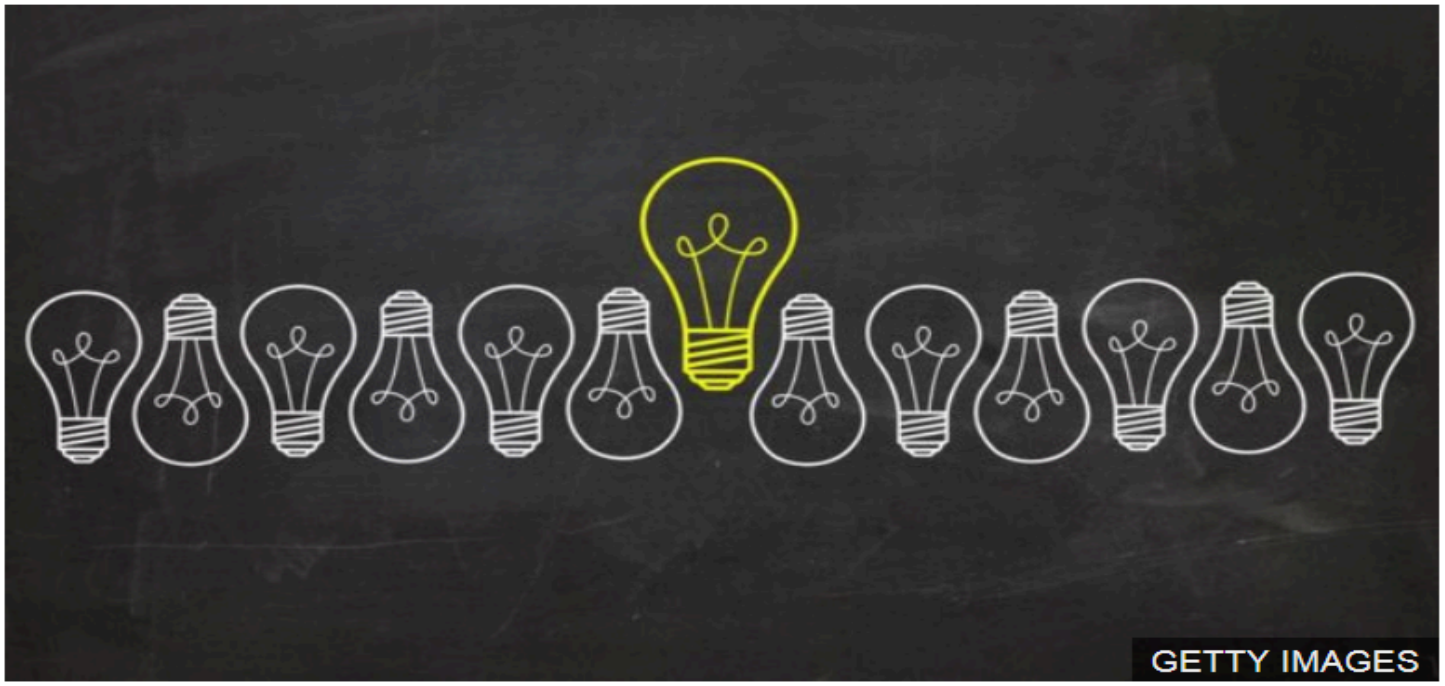


در اواخر قرن نوزدهم به دنبال راهی می گشتند که بتوانند آنها را که خوب یاد می‌گیرند از آنها که خوب یاد نمی‌گیرند تمیز بدهند. یکی از انگیزه‌های اصلی هم این بود می‌خواستند آنچه را آن موقع "عقب ماندگی ذهنی"می‌دانستند با روشی شناسایی کنند و مثلا از سال‌های اول زندگی بفهمند که چه کودکانی خیلی یاد خواهند گرفت و کدام دچار"عقب ماندگی ذهنی" می‌شوند.
از این طراحی تست‌هایی برای اندازه گیری توانایی‌های شناختی یا پیش‌بینی این توانایی‌ها آغاز شد. تست هوش، که بهره هوشی را اندازه می‌گیرد، کار روانشناس انگلیسی چارلز اسپرمن در ابتدای قرن بیستم است.
اساس نظریه اسپرمن این است که یک هوش عمومی وجود دارد که تعیین کننده توانایی و مهارت‌های ذهنی و فکری افراد است. او متوجه شده بود که مثلا کسانی که مهارت‌های کلامی خوبی دارند در استدلال هم خوب هستند و به این نتیجه رسید که بین این مهارت‌ها ارتباط متقابلی وجود دارد، اما برای برقراری این ارتباطات متقابل نیاز به یک مبنای کلی هست که همه چیز دیگر بر آن بنا شود. اگر بتوانیم این مبنای کلی یا همان هوش عمومی را اندازه‌گیری کنیم می‌توانیم بقیه عملکرد آن را هم پیش‌بینی کنیم. به زبانی ساده اگر پی ساختمان را اندازه بگیری تکلیف بقیه ساختمان روشن می‌شود.



و به این ترتیب بر پایه مدل‌های آماری راه اندازه‌گیری این هوش عمومی (نظریه g) پیدا شد و بهره هوشی نام گرفت.
از همان زمان تا به امروز نظریه‌ای بحث برانگیز بوده و مخالفان و موافقان خود را دارد.

تحقیقات بسیاری آن را تایید کرده‌اند و تحقیقات بسیاری آن را رد کرده‌اند. تحقیقات بسیاری هم که بر اساس همین نظریه انجام شده به این نتیجه رسیده‌اند که آی کیو نژادها، طبقات اجتماعی و اقتصادی و جنسیت‌های مختلف با هم تفاوت دارند.
از همه معروفتر شاید کتاب منحنی زنگی-شکل، هوش و ساختار طبقاتی در زندگی آمریکایی است که در ۱۹۹۴ منتشر شد و شاید اساس باور بسیاری از مردم را تشکیل می‌دهد.
نویسندگان با استفاده از منحنی توزیع جمعیتی آی کیو استدلال کردند که هوش بهترین معیار پیش‌بینی تحصیل، آینده شغلی، درآمد و موفقیت افراد است که بر اساس عوامل ژنتیکی و محیطی شکل می گیرد و قابل تغییر نیست.
آنها همچنین بین هوش و نژاد (یا ژن) رابطه‌ای می‌دیدند و نگران بودند که "کم‌هوشان" با زاد و ولد بیشتر تعدادشان از "باهوشان" بیشتر شود و به این ترتیب آمریکا "خنگ‌تر" شود.
برای اطلاعات بیشتر درباره ضریب هوشی اینجا کلیک کنید



- ***چه تست‌هایی برای اندازه‌گیری ضریب هوشی وجود دارد؟***

این تست‌ها در واقع انواع مختلف همان تست‌های هوشی است که در مدرسه یا کنکور دانشگاه با آن روبرو شده‌ایم که معمولا مهارتهای مشخصی را ارزیابی می‌کند.

- تجسم فضایی: درک اشکال و احجام در فضا
- استدلال کمی مثل توانایی حل مسئله از جمله مسائل عددی و ریاضی
- اطلاعات فرد در باره موضوعات مختلف
- استدلال سیال: توان فکر کردن منعطف و حل ابتکاری مسأله
- حافظه کوتاه مدت و استفاده از آن

بسیاری از مخاطبان از ما خواسته‌اند که تست هوش استاندارد معرفی کنیم، چنین تستی وجود ندارد.

تعداد بیشماری از این تست‌ها وجود دارند که از روش و متدولوژی آماری مختلفی استفاده می‌کنند، برخی شناخته‌شده‌تر هستند و مدعی دقت و کیفیت. ادعایی که نمی‌توان آن‌را ثابت کرد. با این حال اساس همه این تست‌ها یکسان است. در اینترنت تست‌های رایگان زیادی

وجود دارد، اینکه کدام دقیق‌تر است روشن نیست.

IMAGES

- ***آیا ضریب هوشی به ژنتیک مربوط است یا عوامل اکتسابی در کودکی و بزرگسالی در آن تاثیر دارد؟***

برخی محققان می‌گویند که مجموعه ژن‌هایی را کشف کرده‌اند که بر "آی کیو" تاثیر می‌گذارند و حتی مدعی شده‌اند ۷۵ درصد آی کیو ژنتیکی است. این همان انتقادی است که به بهره هوشی وارد است. اگر توانایی‌های ذهنی را به بهره هوشی محدود کنیم نتیجه این می شود که هوش ژنتیکی است و به محیط، آموزش، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و غیره ربط کمی دارد. اینکه چنین نگاه محدودی را بتوان معتبر دانست سوالی است که هر کس خود می‌تواند به آن پاسخ دهد اما چنین تحقیقاتی مثل این است که کسی کارآیی ماشین خود را فقط با بوقش ارزیابی کند و به هیچ چیز دیگر کاری نداشته باشد حتی به اینکه آیا ماشین بنزین دارد یا چرخ‌هایش باد دارد یا نه.

مثل بسیاری ویژگی‌های دیگر به احتمال زیاد توانایی‌های شناختی (نه آی کیو) نیز نتیجه تعامل متقابل ژن و محیط است.

- ***آیا ضریب هوشی را می‌توان با درس خواندن، معما یاد گرفتن، زبان آموختن و دیگر فعالیت‌هایی که مغز را به کار می‌کشد، بالا برد یا صرفا ثابت است؟***

همانطور که با رفتن به کلاس یا تمرین می‌توان نمره تست هوش کنکور را بهتر کرد احتمالا می‌توان ضریب هوش (نه خود هوش) را بالا برد.

دانشمندان هوش را به دو نوع سیال و متبلور تقسیم می‌کنند. هوش سیال ایده‌های نو و راه حل‌های نو و روش‌های نو تولید می کند و هوش متبلور به کار گرفتن اطلاعات و تجربیات از پیش دانسته است. شواهدی علمی وجود دارند که با تمرین می‌توان مهارت‌های شناختی مثل حافظه یا تمرکز را بهتر کرد و بخصوص هوش متبلور را می‌توان بهتر کرد.

تصور بر این است که با افزایش سن، هوش متبلور معمولا تقویت اما هوش سیال معمولا تضعیف می‌شود.

- **'توانایی فکری و ضریب هوشی نوجوانان تغییر ناپذیر نیست'**

'زنان واقعا از مردها باهوشترند'



نمونه نتیجه تست سلامت ذهن دانشگاه کمبریج

نتیجه تست سلامت ذهن دانشگاه کمبریج

- ***آیا میزان تنبلی یک فردربطی به ضریب هوشی‌اش دارد؟ آیا تست بهره هوشی کمکی به کارفرماها برای استخدام می‌کند؟***

ضریب هوشی نشانه باهوش بودن است. نه به تنبلی ربطی ندارد.
تست آی کیو هیچ‌گونه مهارت و توانایی لازم برای شغل خاصی را اندازه نمی‌گیرد و ارزیابی بسیار محدود و حتی "معیوبی" است.

- ***آیا هوش بالا باعث پیشرفت شغلی و مالی در زندگی است؟***

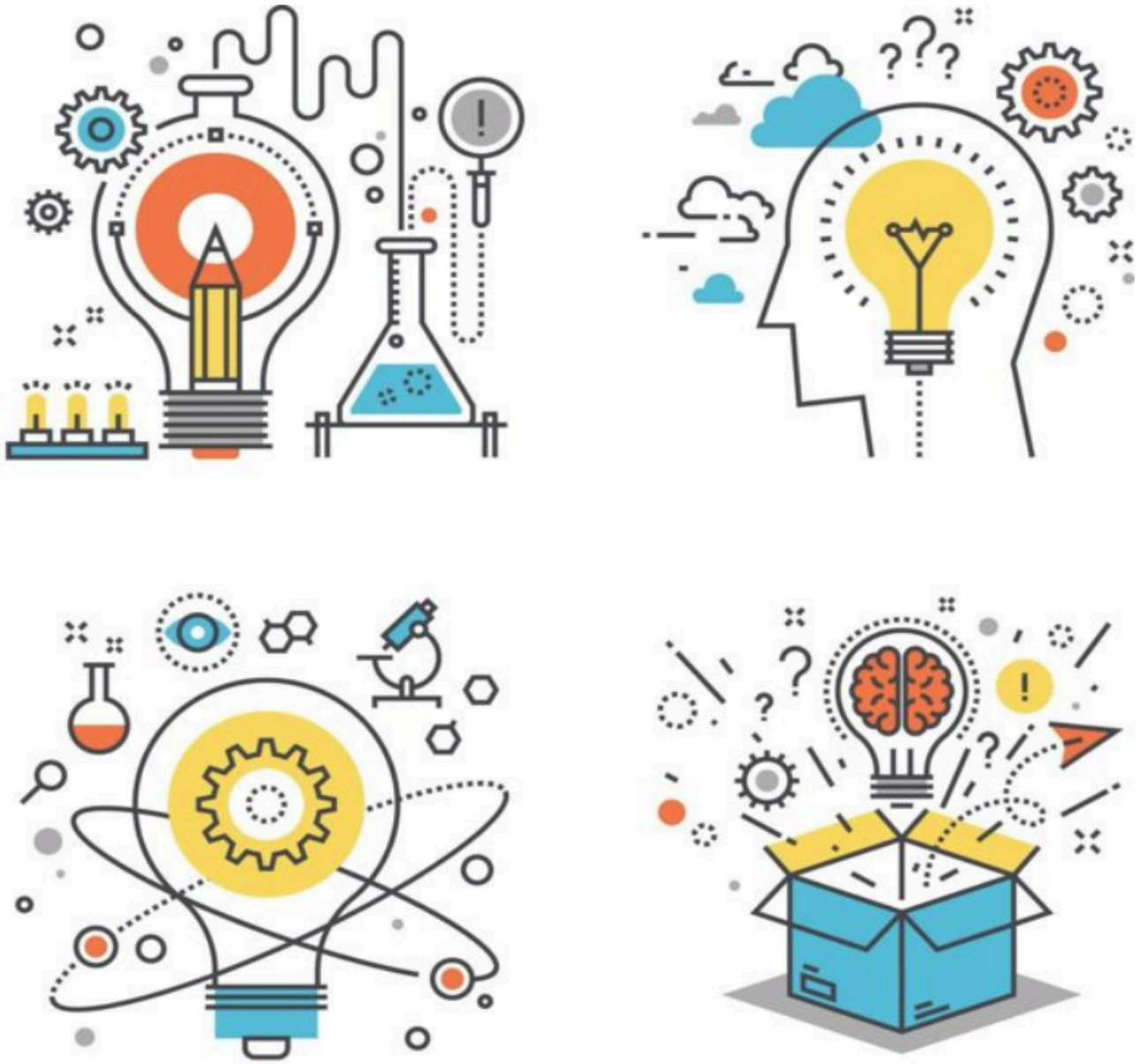
ممکن است برخی افراد که آی کیو بالا دارند وضع شغلی و مال خوبی داشته باشند و بر عکس. نکته این است که آی کیو را با باهوش بودن نباید یکی گرفت.
تقریبا تمام افراد به هوش خود فکر می‌کنند و هر کس نوعی ارزیابی شخصی از هوش خودش دارد، مثلا رئیس‌جمهوری آمریکا به بهره هوشی خود می‌بالد و آن را معیار می‌داند، برخی هم از "ژن خوب" سخن می گویند، که به نظر می‌رسد منظور همان باهوش بودن باشد. مسئله این است که آیا تست آی کیو را معادل هوش بدانید یا نه و ذهن پیشرفته خود را بخواهید به آن تقلیل دهید یا نه.

آنچه در پی می‌آید اطلاعاتی مرتبط به هوش و بهره هوشی، کاربرد و انتقادهای وارده بر آن است که بر اساس آن شاید پاسخ بسیاری از سوال‌های دیگری که مخاطبان از ما پرسیده‌اند روشن شود.

بهره هوشی

از میان تحقیقات متعددی که در باره بهره هوشی انجام شده و نتایج مختلفی هم داشته **تحقیقی** در سال ۲۰۱۲ منتشر شد که از جهات مختلف از جمله از نظر بزرگی جمعیت

مورد مطالعه، شاخص بود . چهار پژوهشگری که آن را انجام دادند می‌خواستند روشن کنند این فاکتور هوش عمومی وجود دارد یا نه.
آنها از ۱۱۰ هزار نفر ۱۲ تست هوش آنلاین گرفتند و در نهایت اساس کار را بر ۴۶ هزار نفر قرار دادند. اطلاعاتی که از این تست‌ها گردآوری شد با استفاده از یک متد تحلیل آماری که خود اسپرمن از پیشروان آن بود بررسی شد. نتیجه روشن بود، آی کیو نمی‌توانست تفاوت نتیجه تست این ۴۶ هزار نفر را توضیح دهد. برای این کار باید حداقل سه عامل اساسی را باید همزمان در نظر گرفت: حافظه کوتاه مدت، استدلال، مهارت‌های کلامی.
اما آنها می خواستند مطمئن شوند این یافته آنها صحت دارد یا نه. از این رو از مغز ۱۶ نفر حین انجام تمام آن ۱۲ تست "ام آر آی" کردند و دیدند که نشان دادند هر یک از سه جزء حافظه کوتاه مدت، استدلال، و کلام یکی مدارهای عصبی مجزا و مستقل را در مغز فعال می‌کند. به عبارت دیگر تست آی‌کیو به تنهایی نمی‌تواند عملکرد این سه مدار را ارزیابی کند.



GETTY IMAGES

آدام همپشر یکی از این چهار پژوهشگر **می‌نویسد**: "ارزیابی منفرد مثل آی‌کیو نمی‌تواند تمام تفاوت‌هایی را که بین مهارت‌های شناختی افراد وجود دارد، توضیح دهد. در واقع مدارهای

عصبی مختلفی در شکل گیری هوش نقش دارند که هر یک توانایی های خاص خود را دارد. کسی که ممکن در حوزه‌هایی عملکرد خوبی داشته باشد، ممکن است در دو حوزه دیگر عملکرد ضعیفی داشته باشد."

راجر هایفیلد یکی از این چهار پژوهشگر، در گفتگویی با **ایندیپندنت** در باره این تحقیق توضیحاتی داده که به بسیاری سوال‌ها در باره ضریب هوش پاسخ می‌دهد: "چندین دهه است که از تست آی کیو برای اندازه‌گیری هوش استفاده می‌شود اما این تست از اساس معیوب است چرا که ماهیت پیچیده ذهن بشر و اجزای مختلف آن را به حساب نمی‌آورد."

"این خیلی عجیب است که ما دوست داریم مغز بشر را پیچیده‌ترین چیز عالم بدانیم اما هنوز خیلی از ما می‌پذیریم که می توان کارکرد مغز را با این تست به اصطلاح آی‌کیو اندازه گرفت."

"تقریبا یک قرن یا کمی بیشتر است که مردم فکر می‌کنند بر اساس این هوش عمومی که اغلب در باره‌اش فقط بصورت یک عدد صحبت می‌شود بین افراد و مردم تمایز قائل شد. ما نشان دادیم که این اشتباه است."

"مطالعاتی که در پنجاه سال گذشته با استفاده از آی کیو انجام شده تفاوت‌های ذاتی بین بهره هوشی نژادها، طبقات اجتماعی و زن و مرد نشان داده‌اند اما یافته‌های ما این نتایج را زیر سوال می‌برد."



سه انتقاد جدی

- بهره هوشی توانایی‌های محدودی مثل تجسم فضایی، تحلیل و محاسبه را اندازه می‌گیرد اما خلاقیت، توان مدیریت، استعداد هنری، مهارت‌های اجتماعی و هوش عاطفی را اندازه نمی‌گیرد. تمام اینها عواملی هستند که در موفقیت و پیشرفت افراد نقش دارند و همگی در کنار هم هوش را شکل می‌دهند. علاوه بر این بهره هوشی مهارت و دانش لازم برای یک کار یا شغل را هم اندازه نمی‌گیرد و در پیش بینی آینده شغلی یا در ارزیابی توانایی‌های فرد برای یک شغل خاص ناکارآمد است.



- تست آی‌کیو (آزمون بهره هوشی) تفاوت دیدگاه‌های فرهنگ‌های مختلف در باره هوش را نادیده می‌گیرد و به ارزش‌ها، تفاوت سبک مهارت‌های شناختی و ارتباطی در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون بی‌توجه است. این تست رویکرد و قرائت خاصی از تعریف هوش را مبنا قرار می‌دهد و همه فرهنگ‌ها را با همان تعریف معیار می‌سنجد.
- یکی از جدی ترین انتقادهایی که به تست آی‌کیو وارد است نادیده گرفتن مسائل اجتماعی -اقتصادی است. آیا کسی که خوب غذا نخورده یا سوء تغذیه دارد در نتیجه تست هوشش اثر دارد؟ اگر کسی امکان تحصیل مناسب نداشته در نتیجه تست هوشش اثر ندارد؟ آیا تست هوش شاگردان مدرسه فاقد امکانات با مدرسه تفاوت دارد؟ آی‌کیو تمام این مسائل را نادیده می‌گیرد چون اساس آن همان هوش عمومی است که هیچ ربطی به این سوال‌ها ندارد.

کاربرد

در سال‌های اخیر ارزش تست آی کیو بی اندازه کم شده و در تشخیص های پزشکی و روانشناسی اغلب جایی ندارد یا کاربرد بسیار محدودی دارد. اکنون از تست‌های دیگری استفاده می‌شود که رویکرد همه‌جانبه‌تری دارند.
اما برای کسانی که مهارتهای شناختی خود را اندازه بگیرند اکنون تست‌هایی مثل این **تست** دانشگاه کمبریج وجود دارد که سه معیار استدلال، حافظه کوتاه مدت و مهارت‌های کلامی را می‌سنجد و به کاربر می‌گوید در این سه معیار در بین کسانی که تست داده‌اند در کجا قرار می‌گیرد. البته این تست خود را تست هوش نمی‌داند بلکه خود را تست سنجش سلامت کارکرد ذهن می‌داند.


نظارت
بر رسانه